



شماره سوم

شهریور و مهرماه

سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی (۱۳۹۱)

متن کامل فرمایشات
رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله
به همراه تحلیل و
اهم مطالبات



شماره سوم

شهریور و مهرماه

سال ۱۳۹۱ (سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی)

تهیه و تدوین معاونت پژوهش مؤسسه

فرهنگی و لاء منتظر (عجل الله فرجه)

شماره تماس:

۷۷۴۹۴۵۸-۱۲۲/۱۲۳

سایت:

v-montazar.com

پست الکترونیکی:

webmaster@v-montazar.com



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



فهرست

- دبیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت در آغاز هفته دولت ۱۳۹۱/۰۶/۰۲..... ۱۵
- الف) فرصت هفته دولت ۱۵
۱. زنده نگهداشتن نام شهدای دولت، به معنای زنده نگهداشتن گفتمان انقلاب و ارزش شهادت است ۱۵
 ۲. هفته دولت فرصتی برای تشکر از خدمات مدیران ارشد و بدنه دستگاهها تا ذیل قوه مجریه است ۱۵
 ۳. هفته دولت فرصتی برای ارائه گزارش به مردم و همچنین ارزیابی درونی مسولان قوه مجریه از قوتها و ضعفهای خود است ۱۶
- ب) سال آخر دولت و اهمیت آن ۱۶
۱. فرصت‌های خدمت در دولت مثل برق و باد گذشت و از این فرصت طولانی و خوب، یک سال باقی است ۱۶
 ۲. لزوم هوشیاری و آمادگی دولت در مقابله با اقدامات اقتصادی جدید دشمن ۱۶
۱. بهتر است قبل از اینکه دشمن تصمیم به اقدام‌های جدیدی بگیرد، شما حدس بزنید و از پیش، خودتان را آماده کنید ۱۶
 ۲. بلاشک در تصمیم‌گیری‌های کلان، در مسائل اساسی همچون مسائل اقتصادی و معیشت مردم، باید تمرکز در تصمیم‌گیری باشد ۱۷
 ۳. از همه ظرفیت‌های درون دولت و به خصوص خارج تشکیلات دولت استفاده کنید و آنها را به صحنه بیاورید ۱۷
- د) بیان نقاط قوت دولت ۱۷
۱. در جمع‌بندی نقاط قوت و ضعف دولت، ترجیح را به نقاط قوت می‌دهیم؛ لیکن به این معنا نیست که ضعف‌ها را نباید برطرف کرد ۱۷
 ۲. انجام کارهای وسیع و مختلف عمرانی، به خصوص در مناطق دوردست، یک رویکرد بسیار مهم در حرکت دولت است ۱۸
 ۳. پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه علم و فناوری، خیلی قابل توجه است ۱۸
 ۴. این مهم است که امروز در عرصه سیاست خارجی، ثقل و وزن کشور با چند سال قبل تفاوت دارد ۱۸
 ۵. در این سال‌ها، ارزش‌های انقلاب مثل ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی و افتخار به انقلابی‌گری کاملاً برجسته شده است ۱۸
 ۶. تلاش دولت در جهت ارتباط با مردم و تلاش فوق‌العاده کاری چیزهای خوبی است ۱۸
- ه) بررسی افزایش تلاش دشمن برای مقابله با جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر ۱۹
۱. سه عامل در بیشتر شدن تلاش دشمن در هفت سال و به خصوص سه سال اخیر نقش دارد ۱۹
- ۱.۱. یکی از علل این دشمنی‌ها، پیشرفت‌های دولت است؛ تا بتوانند این پیشرفت‌ها را کند کنند ۱۹
 - ۲.۱. عامل دوم این دشمنی‌ها، زنده شدن شعارهای انقلاب است؛ هرچه این شعارها پررنگ‌تر شود، چهره دشمن عبوس‌تر می‌شود ۱۹
 - ۳.۱. عامل دیگر، حادثه بیداری اسلامی در منطقه ماست؛ تا جمهوری اسلامی برای کشورهایی که متحول شدند الگو نشود ۲۰
 ۲. اینکه بعضی‌ها می‌گویند ما در دنیا دشمن تراشی کردیم، حرف بافی است؛ این دشمنی‌ها خیلی طبیعی است ۲۰

- و) بیان توصیه‌ها و مسائلی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدیریتی ۲۰
۱. اصلی‌ترین مشکل اقتصادی کشور و راه‌کارهای برون‌رفت از آن ۲۰
 - ۱.۱. عمده مشکلات کشور مربوط به معیشت قشرهای متوسط و ضعیف جامعه است ۲۰
 - ۲.۱. بخش‌های ستادی و عملیاتی اقتصاد، مسئله گرانی و کاهش قدرت قشرهای ضعیف را برطرف کنند ۲۱
 - ۳.۱. باید راهی پیدا کنید که نقدینگی افزایش یافته کنترل شود ۲۱
 - ۴.۱. اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ به عنوان یکی از ارکان اقتصادی مقاومتی، با تأکید و دقت و وسواس هرچه بیشتر دنبال شود ۲۱
 - ۵.۱. با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقب مفسدین اقتصادی باشید و با مفاسد اقتصادی مبارزه کنید ۲۲
 - ۸.۱. یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است ۲۳
 - ۹.۱. اقتصاددانش‌بنیان، سرفصل دیگر در اقتصاد مقاومتی است؛ مسئولان ذی‌ربط گالیه‌های شرکت‌های دانش‌بنیان را برطرف کنند ۲۴
۲. مسئله وحدت و انسجام ملی خیلی مهم است و همه باید به این معنا توجه کنند ۲۴
 - ۱.۲. مسئولین جهت‌گیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار بدهند؛ تقصیرها را اگر در یکدیگر نیندازند و نگویند نمی‌گذارند کار کنیم ۲۴
 - ۲.۲. رسانه‌ها، منبردارها و تربیون‌دارها خیلی نقش دارند در این که وحدت ایجاد کنند یا اختلاف ایجاد کنند ۲۴
 ۳. دولت در زمینه فرهنگ به کارهای عمیق‌تر، بنیانی‌تر و کارهایی که از یکی‌شان ده‌ها کار نشئت می‌گیرد، توجه کنند ۲۴
 ۴. مسئله دیپلماسی انقلاب به شدت مهم است ۲۵
 - ۱.۴. دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشد، یعنی اسلام انقلابی؛ این است که به ما برش می‌دهد ۲۵
 - ۲.۴. از حوادث منطقه باید حداکثر بهره به نفع اهداف انقلاب گرفته شود؛ آمریکا و صهیونیسم، به معنای واقعی کلمه غافلگیر شدند ۲۵
 ۵. هر قدمی که برمی‌دارید و هر ذره کاری که انجام می‌دهید، ممکن است امثال بنده ندانیم؛ اما پیش خدای متعال محفوظ است ۲۵
 ۶. دولت نهم و دهم به پرکاری، پشتکار و خسته نشدن شناخته شده است؛ سعی کنید این حالت را تا آخرین لحظات حفظ کنید ۲۶
- شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد تهران، سالن اجلاس سران ۱۳۹۱ / ۰۶ / ۰۹ ۲۵
- الف) فلسفه وجودی جنبش عدم تعهد در گذشته و حال ۲۵
۱. اینجا گرد آمده‌ایم تا حرکتی را که در شش دهه قبل، چند تن از رهبران سیاسی دلسوز پایه‌گذاری کردند، تحرکی دوباره ببخشیم ۲۵
 ۲. مبنای تشکیل عدم تعهد، وحدت نیاز بود و امروز با پیشرفت و گسترش ابزارهای سلطه‌گری، این نیاز همچنان پابرجا است ۲۵
 ۳. فطرت همسان انسان‌ها، پایه تشکیل جوامع آزاد و برخوردار از پیشرفت و عدالت و شالوده‌ریز همکاری‌های برادرانه ملت‌هاست ۲۵
 ۴. استوار شدن همکاری‌های بین‌المللی بر این شالوده، باعث می‌شود ارتباط دولت‌ها بر پایه منافع سالم مشترک و انسانی بنا شود ۲۶
 ۵. امروز آرمان‌های اصلی جنبش عدم تعهد همچنان پابرجاست و اراده جمعی برای دست یافتن به آنها، امیدآفرین و ثمربخش است ۲۶
- ب) تحلیل شرایط حاکم بر جهان امروز و نقش جنبش در این شرایط ۲۶
۱. وظایف جنبش عدم تعهد در شرایط کنونی ۲۶



۲. بررسی اوضاع نابسامان مدیریت کنونی جهان ۳۷
۳. معضل تسلیحات هسته‌ای و راهبرد جنبش در این باره ۳۸
- (ج) تشریح مسئله فلسطین و راهبردهای حل آن ۴۰
۱. ابعاد گسترده مسئله در آوار فلسطین از منطقه مافراتر رفته و سیاست‌های جهانی را در طول چندین دهه تحت تأثیر قرار داده است ۴۰
۲. فلسطین، متعلق به فلسطینی‌ها است و ادامه اشغال آن، ظلمی بزرگ، تحمل‌ناپذیر و خطری عمده برای صلح و امنیت جهانی است ۴۱
۳. آمریکا با پذیرش همه‌پرسی در میان فلسطینی‌ها، خود را از هزینه‌های سرسام‌آور ناشی از دفاع از رژیم صهیونیستی نجات دهد ۴۱
- (د) توصیه‌هایی برای نقش‌آفرینی بهتر جنبش در مدیریت تحولات جهانی ۴۲
۲. ما اعضاء این جنبش می‌توانیم برای نجات جهان از ناامنی، جنگ و سلطه‌گری، نقشی تاریخی و ماندگار بیافرینیم ۴۲
۳. این مقصود فقط با همکاری‌های همه‌جانبه ما با یکدیگر و هم‌افزایی امکانات و ظرفیت‌ها امکان‌پذیر است ۴۲
۴. باید به هدف‌ها وفادار بمانیم؛ از اخم قدرت‌های زورگو ترسیم و به لبخند آنان دل خوش نکنیم و اراده الهی را پشتیبان خود بدانیم ۴۲
۵. تشکیل دبیرخانه فعال و پرنانگیزه برای این تشکیلات، خواهد توانست به حصول این مقاصد کمکی بزرگ و پرتأثیر کند ۴۳
- دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر ۲۷ / ۰۶ / ۱۳۹۱** ۴۶
- (الف) جایگاه و وظیفه دانشجویان دانشگاه‌های نظامی ۴۶
۱. راه دانشجویان دانشگاه‌های نظامی، راه پرافتخار و نورانی پرپرکت و راه دفاع از آرمان‌های اسلامی در بخش پرخطر آن است ۴۶
۲. برای عزیزان دانشجو و افسران جوان نیروهای مسلح، میدان نوآوری و ابتکار باز است ۴۶
- (ب) چرایی اهانت به چهره منور خاتم پیامبران و پیامدهای آن ۴۶
۱. اهانت به خاتم پیامبران، حرکت دیوانه‌وار دشمنان در مقابله با بیداری اسلامی و حرکت خروشان برآمده از جمهوری اسلامی است ۴۷
۲. سردمداران استکبار جلوی تجاوز به مقدسات اسلام را نخواهند گرفت؛ چون برای اهانت به اسلام انگیزه دارند ۴۷
۳. کشورهای غربی نسبت به هلوکاست و همجنس‌بازی خطوط قرمز دارند؛ اما نسبت به اهانت به اسلام مدعی آزادی بیان هستند ۴۷
۴. کسی باور نمی‌کند رژیم آمریکا که از حسنی مبارک و پهلوی حمایت کرد؛ طرفدار دموکراسی باشد ۴۸
۵. افکار عمومی ملت‌ها علیه سیاست‌های آمریکا است؛ لذا وقتی اهانت به وجود می‌آید، حرکت مردم به سمت مراکز وابسته به آمریکا است ۴۸
۶. رویارویی مستکبران زمانه با اسلام و طلوع این خورشید تابان، بدون شک با پیروزی اسلام به پایان خواهد رسید ۴۸
- دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌های آنان ۲۸ / ۰۶ / ۱۳۹۱** ۵۰
- (الف) بیان نکاتی در ارتباط با جلسه ۵۰
۱. در جمع نیروهای مسلح و همسران و فرزندان آنها، احساس آمادگی برای کارهای بزرگ در هر انسانی زنده می‌شود ۵۰
۲. آیاتی که خوانده شد و تأکید بر اینکه هر سختی در کنار خود گشایش به همراه دارد، یک فکر عظیم کارساز برای همه جوامع است ۵۰
۳. مبادا صفات، خصال و مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر است را در سطح انسان‌های کوچک و ناقصی چون امثال این حقیر تنزل دهیم ۵۱

- (ب) تبیین بیداری اسلامی در ایران، پیشرفت‌های ناشی از آن و الزامات ادامه حرکت ۵۱
۱. پیروزی انقلاب اسلامی، ناشی از بیداری اسلامی ملت ایران ۵۱
۲. تفاوت‌های بیداری اسلامی در منطقه با ایران اسلامی ۵۲
۳. پیشرفت‌های نظام اسلامی ۵۳
۴. راهبردهای ادامه حرکت و تلاش دشمن در ایجاد مانع ۵۷
- پیام به بیست و یکمین اجلاس سراسری نماز** ۶۰
- در دیدار کارگزاران حج ۰۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱** ۶۶
۱. حج را از لحاظ صورت و معنا و قالب و محتوا، به آنچه که خدای متعال از ما خواسته است نزدیک کنیم ۶۶
۲. ظهور عظمت حضرت خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) در چشم دوستان و دشمنان، یکی از خصوصیات حج امسال است ۶۶
- ۱،۲. قضیه توهین به پیامبر دو رو دارد که یک طرف آن، نشان دهنده عمق کینه مستکبرین با این وجود مبارک است ۶۶
- ۲،۲. یک‌روی دیگر قضیه، حرکت عظیم مسلمانان هادر دفاع از پیامبرشان است که نشان دهنده ظرفیت دنیای اسلام، برای تحرک است ۶۷
- ۳،۲. محوری که همه نخله‌ها و مذاهب مسلمانان را جمع می‌کند، خاتم‌الانبیاء است که امروز در دنیای اسلام نشان داده می‌شود ۶۷
- ۴،۲. در صورتی «برائت از مشرکین» معنا پیدا می‌کند که همه احساس کنند در مقابل یک دشمن قرار دارند و از او برائت بجویند ۶۷
- ۵،۲. باید حج را مظهر عشق به پیامبر و ایستادن به پای سخن این وجود مقدس، یعنی سخن اسلام و قرآن قرار داد ۶۸
- ۶،۲. باید دشمن را که به دنبال اختلاف افکندن بین این صحنه عظیم و یکپارچه است، مأیوس کنیم ۶۸
۳. اگر چه حج یک واجب سیاسی اجتماعی است؛ اما نباید فراموش شود که یک مجموعه لبالب از احساس معنوی هم است ۶۸
۴. باید ارتباطات با برادران مسلمان در دنیای اسلام در این مرکز مهم احیا شود ۶۹
- ۱،۴. آنها که زبان می‌دانند، با زبان اظهار محبت کنند و بر روی نقاط مشترک تکیه کنند؛ دیگران هم با عمل، ارتباط قلبی برقرار کنند ۶۹
- ۲،۴. وجه مشترک مسلمانی را به رخ یکدیگر بکشید؛ تا مسلمانان بدانند در ملت‌های دیگر برادرانی دارند و قوت روحی پیدا کنند ۶۹
- مؤخره ۷۰
- دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۲ / ۰۷ / ۱۳۹۱** ۷۲
- (الف) اهمیت و جایگاه نخبگان در انقلاب اسلامی و توصیه‌هایی برای تعالی بیشتر نخبگان ۷۲
۱. در نظر داشته باشید که استعداد، توانایی و فعلیتی که شما نخبگان پیدا کرده‌اید، آغاز یک راه است، پایان یک راه نیست ۷۲
۲. بذریه ثمرنشسته نخبگی را به شجره طیبه‌ای در همه زمان‌ها تبدیل کرده و میوه شیرین آن را به کام این ملت و بشریت بچشانید ۷۲
۳. مطالب ارائه شده، نظرات سنجیده و برخاسته از صدق و صفای نخبه جوانی است که با احساس مسئولیت و با امید حرف می‌زند ۷۲
۴. فتح الفتوح انقلاب و پیشرفت واقعی این است که نخبگان برای کشور آینده‌ای تصویر کرده و برای رسیدن به آن، تلاش می‌کنند ۷۳
۵. شما با حرکت در راه هدف، سرمایه شخصی خود را به یک سرمایه ملی تبدیل می‌کنید؛ این خیلی با ارزش است ۷۳

۶. نگرانی من این است که احساس رضایت از حرکت پرشتاب علمی موجود، همت ما را کم کند؛ نگذارید حرکت از دور بیفتد..... ۷۴
۷. خرسند شدم که چند نفر از جوان‌های عزیز تصریح کردند که نخبه خود را طلبکار از نظام نمی‌داند؛ بلکه خدمتکار مردم می‌داند..... ۷۴
- ب) تلاش بسیار خوب بنیاد نخبگان و مسئولیت‌های پیش روی بنیاد و دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط ۷۵
۱. انصافاً در بنیاد نخبگان خوب کار می‌شود و تلاش، تلاش بسیار خوبی است..... ۷۵
۲. بین معیارهای نخبگی در علوم فنی و علوم انسانی میزبانی وجود دارد؛ بنابراین لازم است معیارها درست انتخاب شود..... ۷۵
۳. حمایت از نخبه، در درجه اول به معنای ایجاد فرصت پژوهش و تحصیل و پیشرفت باشد؛ البته حمایت‌های مالی هم لازم است..... ۷۵
۴. در مسئله حمایت و نگاه به نخبگان، یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید؛ با این شیوه کار پیشرفت خواهد کرد..... ۷۵
۵. سند راهبردی نخبگان - که خوشبختانه چیز خوبی تهیه شده است - باید سریعاً به تصویب نهائی برسد و ابلاغ شود ۷۶
- ج) مسئولیت نخبگان در راستای تعالی بیشتر..... ۷۶
۱. خود را در آغاز راه بدانید؛ سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید و فضای پیرامون خود را به سمت نخبه شدن سوق دهید..... ۷۶
۲. تلاش خود را معطوف به نیازهای کشور کنید؛ معیار ما این است که کشور صدها مشکل و خلأ دارد، می‌خواهیم اینها را پر کنیم ۷۶
۳. از خودتان در معنویت و در تهذیب نفس مراقبت کنید؛ وقتی دل شما با خدا بود، دانش شما در خدمت نابودی ملت‌ها نخواهد بود ۷۷
۴. مراقبت بعدی، مراقبت در تفکر است؛ تفکر، جهت و سمت تلاش‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع را ترسیم می‌کند ۷۸
۵. از خودتان در مسائل کشور مراقبت کنید؛ جایگاه نظام را بشناسید و نسبت به مسائل کشور تحلیل درست و دقیق داشته باشید..... ۷۸
- مؤخره..... ۷۹
- اجتماع مردم بجنورد ۱۹/۰۷/۱۳۹۱..... ۸۵**
- الف) اهمیت، موقعیت و برجستگی‌های استان خراسان شمالی و خصوصیات مهم مردم این خطه..... ۸۵
۱. خراسان شمالی، یکی از مناطق مهم خراسان، از جهت موقعیت جغرافیائی، طبیعی، خصوصیات مردمی، فرهنگ‌ها و خلیات است ۸۵
۲. نشاط، سرزندگی و حضور در همه عرصه‌های زندگی مردم این خطه از جمله زیارت، دفاع مقدس و غیرت مرزبانی دیده می‌شود..... ۸۶
۳. این استان جزو ده استان برتر از لحاظ استعداد علمی است و مردمی غیور، دیندار، مرزبان، سرزنده و شجاع دارد..... ۸۶
۴. همراهی و همزیستی مهربانانه و برادرانه قومیت‌های مختلف، یکی دیگر از برجستگی‌های این استان است که باید قدر دانست..... ۸۶
- ب) هدف نهایی انقلاب اسلامی و لوازم و سازوکارهای تحقق آن..... ۸۷
۱. حالت آماده‌به‌کاری، سرزندگی و پای کار بودن برای ملتی که دنبال حیات طیبه است، نعمت بزرگی است؛ ولی کافی نیست..... ۸۷
۲. هدف نهایی انقلاب ما و ملت ایران، پیشرفت همه‌جانبه اسلامی است..... ۸۷
۳. برای رسیدن به قله‌های افتخار، در درجه اول تلاش، عزم راسخ، امید، صبر، برنامه‌ریزی و آمادگی برای مشکلات لازم است..... ۸۸
- ج) تحلیل وضعیت، نقاط قوت و ضعف و موانع و راهکارهای تحقق پیشرفت در ایران اسلامی..... ۸۹
۱. مانع مهم پیشرفت ملت ایران..... ۸۹



۲. توانمندی‌ها، استعدادها و امکانات ایران برای حرکت به جلو..... ۸۹
۳. سیر صعودی حرکت ملت ایران از ابتدای انقلاب تا کنون..... ۹۰
۴. مسائل و مشکلات موجود در مسیر پیشرفت..... ۹۱
۵. راه‌های برون رفت از مشکلات..... ۹۳

دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی ۱۹/۰۷/۱۳۹۱..... ۹۹

- الف) اشاره به برخی از روحانیان برجسته خراسان شمالی و توصیه‌هایی برای تعالی هرچه بهتر حوزه‌ها و طلاب منطقه..... ۹۹
۱. خراسان شمالی یک منطقه استعدادخیز است و بسیاری از علمائی که از این منطقه برخاستند، جزو برجستگان استعداد بودند..... ۹۹
۲. خراسان شمالی، جایگاهی است که در آن می‌توان یک حوزه علمیه کامل، با سطوح عالی درسی و با کیفیت خوب فراهم کرد..... ۱۰۱
- ب) نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با انقلاب و نظام اسلامی..... ۱۰۳
۱. تأثیر متقابل حوزه و نظام اسلامی..... ۱۰۳
۲. توصیه‌هایی برای فعالیت بهتر طلاب و کمک بیشتر به نظام..... ۱۰۵
- مؤخره..... ۱۰۷

دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی ۲۰/۰۷/۱۳۹۱..... ۱۱۵

- الف) بیان نکاتی در ارتباط با جلسه..... ۱۱۵
۱. سخنانی که اینجا گفته شد، بسیاری از آنها سنجیده، حرفه‌ای و کاملاً کارشناسی بود؛ جلسه برای این حقیر یک هدیه الهی بود..... ۱۱۵
۲. اظهار محبت بین مسئولان و بین مردم، چیز خوبی است؛ اما نباید به بیان تعبیرات مبالغه‌آمیز منتهی شود..... ۱۱۵
۳. با توجه به رسالت اسلامی ملت، یعنی تحول دورنی و سیوررت همه‌جانبه جموعی، نقش محیط‌های آموزشی برجسته است..... ۱۱۶
۴. غرض اصلی از تشکیل این جلسات این است که احترام و تقدیر و تجلیل از معلم و استاد در جامعه نهادینه شود ۱۱۷
- ب) خصلت‌های لازم در تربیت اصولی دانش‌آموزان و دانشجویان..... ۱۱۷
۱. در درجه اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم؛ این برای همیشه به درد خواهد خورد..... ۱۱۷
۲. از همان اول، کودکان را به فلسفیدن و خردورزی عادت دهید؛ تدریس فلسفه برای کودکان خیلی مهم است..... ۱۱۷
۳. باید در جوان‌ها و کودکان، خودباوری را تقویت کنیم؛ تزریق خودباوری در مدارس و دانشگاه‌ها، یکی از کارهای اصلی است..... ۱۱۸
۴. یکی از چیزهائی که ما در تعامل اجتماعی داریم، روحیه بردباری و حلم است..... ۱۱۹
۵. مسئله دیگر، مسئله کنجکاوای است؛ حالت استفسار، استفهام و دنبال کردن..... ۱۱۹
۶. از آغاز، کودکان و جوانان را عادت دهیم که با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند و با همت بلند نگاه کنند..... ۱۱۹
۷. نکته بعد، تن به کار دادن است؛ باید جوانان و کودکان را به کتابخوانی عادت دهیم که تا آخر عمر همراهشان خواهد بود..... ۱۱۹
۸. باید مرکزی به وجود بیاید تا معلمان و اساتید را برای پیاده کردن این خصلت‌ها در کلاس، تربیت کنند..... ۱۲۰



- ج) اشاره به پیشرفت‌های کشور در عرصه علمی و بیان نکاتی برای ارتقاء بیشتر مدارس و دانشگاه‌ها..... ۱۲۰
۱. با وجود مشکلات فراوان، پیشرفت ما در زمینه‌های مورد علاقه قشر فرهنگی و علمی، انصافاً پیشرفت فوق‌العاده‌ای است..... ۱۲۰
۲. در کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها، امید به حرکت را پرورش دهید و از آفتاب‌نمایی به شدت پرهیز کنید..... ۱۲۱
۳. تأکید می‌کنیم که مسئولان، مشکلات آموزش و پرورش و دانشگاه‌های خراسان شمالی را از لحاظ امکانات برطرف کنند..... ۱۲۲
۴. مراقب نفوذ عرفان‌های کاذب در محیط‌های جوان، به خصوص در دانشگاه‌ها باشید و آنها را به جنبه‌های صحیح تدین توجه دهید..... ۱۲۲
- مؤخره..... ۱۲۲
- منابع..... ۱۲۳
- دیدار نیروهای مسلح استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۱..... ۱۲۷**
- الف) جایگاه نیروهای مسلح قدرتمند و آماده، در مقابله با جنگ افروزی سلطه‌گران..... ۱۲۷
۱. نیروهای مسلح قدرتمند و باانضام و پرورش‌یافته، مایه امنیت خاطر ملت و مصونیت‌ساز و امنیت‌ساز در مقابل بیگانگان است..... ۱۲۷
۲. امروز بحمدالله ملت عزیز ما احساس آمادگی برای دفاع می‌کنند و نیروهای مسلح ما از گذشته‌ها بسیار آماده‌تر و تواناترند..... ۱۲۸
- ب) توصیه‌هایی به نیروهای مسلح و مسئولان آن..... ۱۲۸
۱. هرچه نیروهای مسلح، جان‌های پاکیزه خود را با یاد خدا و معنویات مأنوس‌تر کنند، قدرت بازدارندگی آنها بیشتر خواهد شد..... ۱۲۸
۲. مسئولان نیروهای مسلح از این جوان‌های عزیز، رزمندگانی مهیای دفاع از هویت ملی، مرزهای کشور و مرزهای اعتقادی بسازند..... ۱۲۸
۳. ما به پیروی از تعالیم اسلام، اهل تجاوز و تعرض به این و آن نیستیم؛ اما اهل کوتاه آمدن در مقابل هیچ متجاوزی هم نیستیم..... ۱۲۸
۴. آمادگی مقابله را تقویت کنید؛ هر حرکت شما برای توانا و معنوی کردن نیروهای مسلح، حسنه‌ای است که خدا به حساب می‌آورد..... ۱۲۹
- مؤخره..... ۱۲۹
- منابع..... ۱۲۹
- اجتماع مردم اسفراين ۱۳۹۱/۰۷/۲۲..... ۱۳۱**
- الف) جایگاه و ویژگی‌های شهر اسفراين و وضعیت امروز آن در مقایسه با قبل از انقلاب..... ۱۳۱
۱. اسفراين در طول تاریخ، خاستگاه بزرگان علمی و فرهنگی و سیاسی متعددی بوده و امروز هم می‌تواند خاستگاه بزرگان باشد..... ۱۳۱
۲. مردم اسفراين به نجابت و رشادت شناخته شده‌اند و امروز این افتخار دیگری است که این شهر، دارالقرآن محسوب می‌شود..... ۱۳۱
۳. اسفراين امروز با اسفراين قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست..... ۱۳۲
- ب) جایگاه پیشرفت در حرکت ملت ایران و شرط، شاخص‌ها، موانع و راهبردهای دستیابی به آن..... ۱۳۲
۱. شور و نشاط و سرزندگی در یک ملت، زمینه و شرط اصلی برای پیشرفت آنها در همه زمینه‌هاست..... ۱۳۲
۲. پیشرفت، یعنی حرکت به جلو؛ که هم راه و مسیر است، هم هدف؛ بنابراین باید دائم به حرکت ادامه داد و پیش رفت..... ۱۳۴
۳. پیشرفت، شاخص‌هایی دارد..... ۱۳۴

۴. در یک رویارویی بزرگ با موانع حضور داریم که اراده، بصیرت، وحدت و وظیفه‌شناسی مردم و اتحاد مسئولین تعیین کننده است..... ۱۳۶
۵. این پیشرفتی که عرض کردیم، فقط در صورتی قابل تحقق است که هشیار و بیدار باشیم و از نگاه به آینده کشور غفلت نکنیم..... ۱۳۷
- ج) بیان چند توصیه مهم..... ۱۳۷
۱. حضور در انتخابات، آگاهی و بصیرت و یک عمل صالح است؛ باید این روحیه حضور، شرکت و همکاری و تعاون را حفظ کرد..... ۱۳۷
۲. تولید داخلی، به مصرف داخلی احتیاج دارد که به عهده مردم است؛ افزایش تولید داخلی، مشکلات اقتصادی را حل می‌کند..... ۱۳۸
- مؤخره..... ۱۳۸
- دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران ۱۳۹۱/۰۷/۲۲..... ۱۴۳**
- الف) جایگاه برجسته خراسان شمالی در زمینه شهید و شهادت..... ۱۴۳
۱. خراسان شمالی، در زمینه شهدا برجسته است؛ از اولین روزهای پیروزی، جوانان استان، وارد عرصه جهاد فی سبیل الله شدند..... ۱۴۳
۲. بنده لازم می‌دانم به خانواده‌های ایثارگر، شهدا و عزیزان جانباز این استان عرض ارادت کنم..... ۱۴۳
- ب) جایگاه والای شهدا و ایثارگران در انقلاب اسلامی..... ۱۴۴
۱. باور عمیق قلبی این بنده حقیر این است که بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است و ما امروز بر سر سفره شهدا نشسته‌ایم..... ۱۴۴
۲. شهدای عزیز ما از همه خواسته‌های شخصی خود دل بریدند؛ جانبازان هم شهیدند و ایثارگران قدم در وادی شهادت گذاشتند..... ۱۴۴
- ج) غلبه رویش‌ها، بر ریزش‌های انقلاب و حرکت روبه جلو و خط‌شکنی ملت ایران..... ۱۴۴
۱. این جمله را قبول ندارم که «آنهايي که پایبندی مانند، باید از غصه‌دق کنند»؛ بلکه شاهد به ثمر نشستن درخت انقلاب خواهند بود..... ۱۴۴
۲. این جور نیست که با روی گرداندن کسانی، این حرکت عظیم، این بنای مظهر و شامخ تکان بخورد..... ۱۴۵
۳. ریزش‌هایی وجود دارد؛ اما رویش‌های این ملت از ریزش‌ها بیشتر است و این به برکت فداکاری شهدا و ایثارگران است..... ۱۴۶
- مؤخره..... ۱۴۶
- دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳..... ۱۴۸**
- الف) جایگاه سبک زندگی در تمدن سازی اسلامی، وضعیت امروز آن در کشور و طرح سؤال‌هایی در این ارتباط..... ۱۴۸
۱. یکی از ابعاد پیشرفت اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن یا رفتار اجتماعی و شیوه زیستن؛ این یک بُعد مهم و اساسی است..... ۱۴۸
۲. پیشرفت همه جانبه یا تمدن سازی نوین اسلامی دو بخش دارد: یک بخش، ابزاری است و بخش دیگر، متنی و اصلی و اساسی است..... ۱۴۹
- ۲.۲. بخش حقیقی و اساسی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد، که همان سبک زندگی یا عقل معاش است..... ۱۴۹
۳. پیشرفت مادر سبک زندگی چشمگیر نیست؛ نخبگان و مسئولان فرهنگی آسیب‌شناسی کنند و علت‌ها و راه علاج را پیدا کنند..... ۱۵۰
۴. در اینجا فهرستی از سؤالات مطرح در آسیب‌های سبک زندگی و اموری که متن تمدن را تشکیل می‌دهند، مطرح می‌کنم..... ۱۵۱
۵. باید یک فرهنگ زندگی با بُن مایه‌های خردورزی، اخلاق، حقوق تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم..... ۱۵۲
- ب) الزامات دستیابی به فرهنگ زندگی اسلامی و سلوک عملی، به عنوان متن اصلی تمدن..... ۱۵۲

۱. تمدن سازی اسلامی نوین، در درجه اول به ایمان اسلامی نیاز دارد..... ۱۵۲
- ۱.۱. این مغالطه است که گفته شود جامعه را با ایدئولوژی و ایمان نمی شود اداره کرد؛ بدون ایدئولوژی نمی توان تمدن سازی کرد..... ۱۵۳
۲. برای ساختن سبک زندگی تمدن اسلامی، به شدت باید از تقلید تمدن غرب که به دنبال تحمیل سبک زندگی خود است پرهیز کرد..... ۱۵۴
۳. اهل فکر در زمینه سبک زندگی کار کنند و مراقب باشند دچار سطحی گری و ظاهرگرایی، تحجر و سکولاریسم پنهان نشوند..... ۱۵۷
- منابع..... ۱۵۸

اجتماع مردم شیروان ۱۳۹۱/۰۷/۲۴..... ۱۶۰

- الف) جایگاه شهر شیروان و برجستگی های این شهر..... ۱۶۰
۱. شیروان، در دوران امتحان های بزرگ، امتحان خوبی داده است؛ امروز هم هزاران بسیجی، هیئات مذهبی و نخبگان زیادی دارد..... ۱۶۰
۲. یکی از برجستگی های شیروان، همزیستی برادرانه اقوام مختلف از گرد و ترک و فارس و تات در کنار هم است..... ۱۶۰
- ب) اهمیت ثبات سیاسی و تلاش دشمن در ایجاد بی ثباتی در کشور..... ۱۶۱
۱. سیاست دستگاه های استکبار، ایجاد بی ثباتی است؛ اما به برکت ایمان و بصیرت مردم، کشور از ثبات سیاسی مستمری برخوردار است..... ۱۶۱
۲. وقتی ثبات و آرامش در کشور باشد، ملت فرصت می کند استعدادها را بروز دهد، در مسابقه بزرگ بشری وارد شده و پیشتاز شود..... ۱۶۱
۳. دشمنان ما بارها کوشش کردند با شیوه های گوناگون، ثبات سیاسی کشور را به هم بزنند..... ۱۶۲
- ج) مشکلات شیروان و اهتمام به حل آنها..... ۱۶۳
۱. مسئولان در بر طرف کردن مشکل مهم بیکاری در شیروان و بقیه شهرستان های خراسان شمالی تلاش کنند..... ۱۶۳
۲. مبارزه با خطر مهلک اعتیاد در استان و بخش شیروان، مبارزه ای است که مشترکاً و توأماً بر دوش مسئولان و مردم و جوانان است..... ۱۶۳
- د) تذکرها و توصیه هایی به دشمنان، مسئولان و برخی از تربیون داران کشور..... ۱۶۴
۱. دشمنان ما که می خواستند با تحریم، مردم را افسرده و سربه زیر کنند، این اجتماعات عظیم و خودجوش و پر شور مردم را ببینند..... ۱۶۴
۲. مسئولان در پیشرفت اقتصاد، سه عنصر «نگاه علمی»، «برنامه ریزی مدبرانه» و «ثبات و استمرار سیاست ها» را در نظر بگیرند..... ۱۶۴
۳. بعضی از تربیون دارهای داخلی خسته شده اند و می گویند مردم خسته اند؛ اما مردم خسته نیستند و در صحنه حاضرند..... ۱۶۵
- مؤخره..... ۱۶۵

دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۴..... ۱۶۸

- الف) ماهیت و اهمیت بسیج و خصوصیات منحصر به فرد آن..... ۱۶۸
۱. هرچه بر روی استحکام و عمق بخشی به ویژگی ها و خصوصیات متعلق به بسیج کار و تکیه کنیم، کار زائدی انجام نداده ایم..... ۱۶۸
۲. ولادت بسیج، قبل از انقلاب است اما با پیروزی انقلاب، بسیج به شکل کنونی خود تولد یافت؛ بنابراین بسیج همزاد انقلاب است..... ۱۶۹
۳. بسیج پدیده بی نظیری است؛ در انقلاب های دیگر هم توده مردم حضور داشتند؛ اما بسیج تفاوت های بسیار عمیقی با آنها دارد..... ۱۶۹
۴. بسیج یک پدیده شگفت آور، رمز آلود، از آلود و استثنائی نظام است و کلید طلایی حل بسیاری از مشکلات آینده می باشد..... ۱۷۱

- ب) صلاحیت های اولیه ای که بسیجیان باید آنها را حفظ و تقویت کنند..... ۱۷۱
۱. یکی از صلاحیت ها و خصوصیات، خودسازی است..... ۱۷۲
۲. یک مسئله در بسیج، مسئله ایثار است، یعنی از سهم و حق خود برای دیگران گذشت کردن؛ این خصوصیت را در خود تقویت کنید..... ۱۷۳
۳. یکی دیگر از مسائل مهم، بصیرت است؛ بصیرت در همه دوران ها به این معنا است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید..... ۱۷۴
- ج) چند خواسته و آرزو در مورد انتخابات ریاست جمهوری ۹۲..... ۱۷۴

۱. شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیم و یک حضور گسترده باشد..... ۱۷۴
۲. از خدا بخواهیم و خودمان هم چشمان را باز کنیم تا نتیجه انتخابات، خوب و همراه با صلاح و صرفه انقلاب و کشور باشد..... ۱۷۵
۳. انتخابات برای کشور مایه آبرو و افتخار است؛ همه مراقب باشند که انتخابات مایه بی آبرویی برای کشور نشود..... ۱۷۵
- مؤخره..... ۱۷۵

اجتماع نخبگان و مسئولان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۵..... ۱۷۹

- الف) جایگاه والای خدمتگزاران به مردم و بایسته های خدمت صادقانه..... ۱۷۹
۱. از صمیم قلب و از بن دندان عرض می کنم که خدمتگزار مردم بودن، افتخار است، یک نعمت الهی است که باید شکرگزاری کرد..... ۱۷۹
۲. نتیجه نعمت دانستن خدمتگزاران برای مردم این است که برای این خدمت، منت بر سر کسی نگذاریم..... ۱۸۰
۳. در خدمتگزاران نباید هیچ گونه تمایزی قائل شد؛ خدمت باید عمومی و همه باشد؛ باید نگاه نسبت به همه یکسان باشد..... ۱۸۰
۳. در خدمت رسانی باید همت بلند داشت؛ همت مضاعف، کار کمی و کیفی مضاعف هم می طلبد..... ۱۸۰
- ب) ظرفیت ها و اولویتهای پیشرفت استان خراسان شمالی..... ۱۸۰
۱. ظرفیت های خوبی مانند ظرفیت نیروی انسانی در خراسان شمالی وجود دارد که می تواند آن را به سطح ده استان اول برساند..... ۱۸۰
۲. یکی از اولویتهای کاری استان، مسئله کشاورزی است..... ۱۸۱
۳. رونق دادن به گردشگری در این استان، جزو اولویتهاست..... ۱۸۲
۴. مسئله تحقیقات هم، یقیناً جزو اولویتهاست..... ۱۸۳
- ج) ظرفیت ها، توفیقات و راهبردهای نظام اسلامی در مقابله با دشمنان..... ۱۸۳
۱. نباید هیچ سخنی که نشان دهنده یأس، خستگی و اختلاف باشد بر زبان برانیم؛ زیرا دشمنان سوگند خورده ما روحیه می گیرند..... ۱۸۳
۲. در مقابله با دشمنان، دست ما پر است و توانائی های ما بالاست؛ پیشرفت کشور در این سی و سه سال، شاهد بر این واقعیت است..... ۱۸۳
۳. خوشبختانه کشور در ادبیات برخورد با دنیای زورگوی مستکبر و غربی هم پیشرفت های خوبی داشته است..... ۱۸۴
۴. این خدعه تبلیغاتی است که می گویند ایران نمی خواهد به مذاکره برگردد؛ می خواهند در مقابل زورگویی های غربی تسلیم شویم..... ۱۸۴
۵. امروز مسئله و مشکل دشمنان، سخن نوئی است که جمهوری اسلامی در دنیا مطرح کرده و مستکبرین عالم را دستپاچه کرده است..... ۱۸۵



وقوع انقلاب اسلامی در مقطعی از تاریخ به وقوع پیوسته است که جبهه نظام کفر تاریخی با شرح صدی بلوغ یافته، تمدنی مادی را در جهان مستولی کرده است و داعیه جهانی کردن این تمدن را دارد.

اما در مقابل، تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام ناب، جبهه تاریخی ایمان را در افق جدیدی از مبارزه وارد نمود. آرمان انقلاب اسلامی تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است که در این میان نقش رهبران بی بدیل انقلاب اسلامی به عنوان معماران تمدن اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد.

با مطالعه تاریخ تکامل جامعه شیعی، به خوبی روشن می گردد که شاخص اساسی بلوغ جامعه شیعی، ولایت پذیری از امامان معصوم (علیهم السلام) و نواب امام در زمان غیبت می باشد. از این رو، سنگین ترین تکلیف و امتحان جامعه شیعی، قبول ولایت و حرکت بر مدار اراده و خواست ولی خداست.

امام راحل اختری تابناک از سلسله فقیهان و مجتهدانی بود که با رهبری داهیانه خود، جامعه شیعی را در افق جدیدی از تکلیف سنگین ولایت پذیری وارد کرد و آن چیزی نیست جز تولی به این ولی خدا در افق اجتماعی و تمدنی.

البته انقلاب اسلامی گام‌های آغازین خود را تا رسیدن به تمدن اسلامی برداشته است، و خلف صالح امام راحل، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، به خوبی مسیر تحقق تمدن اسلامی را ترسیم نموده، با ولایت و مدیریت الهی خود و تبیین وظایف تمام آحاد جامعه در هر منصب و مقامی در فرمایشاتشان جامعه اسلامی را گام به گام به آرمان شهر خود نزدیک می کند.

بر این اساس، آنچه بر تمامی مسولین و آحاد مختلف جامعه فرض است، توجه تام و تمام به فرمایشات و مطالبات رهبری انقلاب اسلامی است؛ فرمایشاتی که عین تکلیف شرعی است و مسیر بندگی الهی را در حوزه حیات اجتماعی به خوبی ترسیم می کند.

از این رو، معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر(عجل الله فرجه) بر آن شد که از ابتدای سال ۱۳۹۱ فرمایشات آن رهبر معظم را گردآوری و تنظیم جدید کرده و همراه با تحلیل و جمع بندی مختصر و استخراج مطالبات ضمنی و صریح ایشان، با عنوان «ره نامه» و به صورت دوره‌ای در اختیار جامعه ولایت مدار، به ویژه مخاطبان آن فرمایشات و بالخصوص تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام اسلامی قرار دهند.

باشد که بتوانیم از منویات آن رهبر فرزانه در جهت رشد و تعالی اسلامی بهره برده، سهمی هر چند اندک در ترویج آن داشته باشیم.

در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این جزوه یاری کرده اند به ویژه جناب آقای جعفرزاده تهیه کننده، هم چنین از مدیر عامل محترم مؤسسه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای عزت زمانی و همکاران محترم معاونت فرهنگی و انتشارات مؤسسه، تشکر و قدردانی می شود.

از خوانندگان محترم استدعا و انتظار داریم که دیدگاه های تکمیلی و اصلاحی خویش را به منظور هر چه بهتر شدن جزوات بعدی، در اختیار ما قرار دهند؛ که با آغوش باز پذیرائیم.

والسلام
معاونت پژوهشی
مؤسسه ولاء منتظر(عجل الله فرجه)

مقدمه

خب، وقت زیادی نمانده؛ من باید مختصر کنم مطالبی را که می‌خواستم عرض کنم. متشکریم از توضیحاتی که دوستان دادید. امیدواریم ان شاء الله آنچه را که در نظر دارید و همت بر آن گماشتید و در برنامه دارید، با پیگیری‌ها، در خارج تحقق ببخشید؛ ان شاء الله همین جور هم خواهد شد.

الف) فرصت هفته دولت

۱. زنده نگهداشتن نام شهدای دولت، به معنای زنده نگهداشتن گفتمان انقلاب و ارزش شهادت است

این مناسبت، همراه و آمیخته است با یاد شهیدان عزیزمان، شهید رجائی و شهید باهنر و همچنین شهید عراقی که اینها چهره‌های درخشانی هستند. زنده نگهداشتن نام این شهدا، در واقع زنده نگهداشتن گفتمان انقلاب و ارزش شهادت است.

۲. هفته دولت فرصتی برای تشکر از خدمات مدیران ارشد و بدنه دستگاه‌ها تا ذیل قوه مجریه است

همچنین این مناسبت فرصتی است برای ما که از خدماتی که در قوه مجریه انجام می‌گیرد، تشکر کنیم؛ چه آنچه که مدیران ارشد دستگاه‌ها انجام می‌دهند، و چه آنچه که بدنه دستگاه‌ها تا ذیل تلاش می‌کنند. خوشبختانه امروز یک تلاش جمعی وجود دارد. این فرصت هفته دولت، فرصت تشکر از اینها را هم به ما می‌دهد.

۳. هفته دولت فرصتی برای ارائه گزارش به مردم و همچنین ارزیابی درونی مسولان قوه مجریه از قوت‌ها و ضعف‌های خود است برای خود شما هم در واقع یک فرصتی است؛ نه فقط فرصت ارائه گزارش و کارهایی که انجام گرفته، تا ذهن مردم با حقایق آشنا شود - که این البته لازم است - بلکه علاوه بر این، فرصت ارزیابی درونی خود مسولان قوه مجریه است؛ قوت‌ها و ضعف‌ها را واقعاً بررسی کنند، ارزیابی کنند و بشناسند آنچه را که مایه پیشرفت آنها شده، آنها را تقویت کنند؛ و همچنین آنچه را که مایه عقب‌ماندگی‌ها و ضعف‌هایی شده که در جامعه و در زندگی مردم هم مشهود است، برطرف کنند. یعنی این فرصت هفته دولت را برای خودتان هم یک فرصتی بدانید؛ به خصوص که امسال، سال آخر این دولت است.

دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت

در آغاز هفته دولت

۱۳۹۱/۰۶/۰۲



۱. فرصت‌های خدمت در دولت مثل برق و باد گذشت و از این فرصت طولانی و خوب، یک سال باقی است

من کاملاً یادم هست که در جلسه‌ای که در اولین مناسبت هفته دولت با همین دوستانی که اغلبشان حضور دارند، داشتیم، عرض کردیم که فرصت‌ها مثل برق و باد می‌گذرد. حالا هم ملاحظه می‌کنید که از این فرصت طولانی و خوب، عمده‌اش گذشت؛ یک سالش باقی است. البته یک سال هم فرصت بزرگی است. نباید تصور کرد که ما در این یک سالی که باقی مانده، چه کار می‌توانیم بکنیم؛ نه، در همین یک سال کارهای بسیار زیاد و بسیار مهمی می‌توانید انجام دهید.

۲. سال آخر دولت شما، سال مهمی از جهت شرائط بین‌المللی و از جهت آخرین بودن است

این سال آخر دولت شما، سال مهمی هم هست؛ هم از جهت شرائط بین‌المللی و شرائطی که وجود دارد، سال بسیار مهمی است - یعنی شما در حال مواجهه با زور آزمائی قدرت‌های مستکبر هستید که دارند همه توانشان را خرج می‌کنند، شاید بتوانند شما را به عقب‌نشینی و قبول شکست وادار کنند؛ شما هم باید از همه توانتان استفاده کنید تا بتوانید این توهم باطل ذهن دشمن را به هم بزیند - هم از جهت آخرین بودن. در واقع شما در سال آخر می‌خواهید این کتاب طولانی و پر حجم خدمات دولت را شیرازه‌بندی کنید و آماده کنید و تحویل بدهید. یعنی باید واقعاً امسال کار اگر نگوئیم جدی‌تر از همیشه باشد، بلاشک باید در این سال آخر هیچ‌گونه کوتاهی و سستی‌ای در کار نباشد.

ج) لزوم هوشیاری و آمادگی دولت در مقابله با اقدامات اقتصادی جدید دشمن

خوشبختانه کشور در حال پیشرفت است - با قطع نظر از آمارهایی که خود ما می‌دهیم - رصدکنندگان جهانی هم همین را می‌گویند؛ آنها هم تصدیق می‌کنند که کشور از جهات مختلف در حال پیشرفت است. البته بعضی‌ها توهماتی می‌کنند که توهمات درستی نیست؛ ناشی از ارزیابی درستی نیست.

۱. بهتر است قبل از اینکه دشمن تصمیم به اقدام‌های جدیدی بگیرد، شما حدس بزیند و از پیش، خودتان را آماده کنید

خب، دشمنان ما اقدام‌های جدیدی هم دارند می‌کنند، که این اقدام‌ها تدابیر و راهکارهای جدیدی می‌طلبند؛ این را همیشه باید توجه داشت. حالا بعضی از دوستان اشاره کردند که دشمنان یک تصمیمی را می‌گیرند، ما در مواجهه با آن تصمیم مشغول فعالیت می‌شویم و اقدامی را انجام می‌دهیم؛ خیلی خوب، این کار بسیار خوب است؛ منتها بهترش این است که قبل از اینکه آن تصمیم را طرف مقابل بگیرد، شما حدس بزیند آنچه را که او انجام خواهد داد. فرض بفرمائید که مشکل جابه‌جائی منابع مالی و ناشی از فروش نفت را شما از قبل هم حدس می‌زدید و می‌گفتید؛ یا مشکلی را که در خرید و فروش نفت و انتقال نفت و بیمه و از این چیزها به وجود آوردند، قبلاً همه را حدس می‌زدیم. راه‌ها را از پیش آماده کنید. الان هم همین جور است. یعنی تصور نشود که دشمن از ادامه دشمنی‌های خودش دست برداشته؛ نه، آنها دنبال راه کارند. چون کارهایی که انجام دادند، به نتیجه نرسیده، حتماً دنبال راهکارهای دیگری خواهند بود - که البته آنها هم به نتیجه

نخواهد رسید - شما آن راهکارها را حدس بزیند و از پیش، خودتان را آماده کنید.

۲. بلاشک در تصمیم‌گیری‌های کلان، در مسائل اساسی همچون مسائل اقتصادی و معیشت مردم، باید تمرکز در تصمیم‌گیری باشد

یک حرفی اینجا گفته شد، قبلاً هم با من مطرح شده که تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قوه مجریه لازم است. البته من این را کاملاً قبول دارم؛ یعنی بلاشک در تصمیم‌گیری‌های کلان، در مسائل اساسی - که فعلاً اساسی‌تر از همه، مسائل اقتصادی است؛ و به خصوص آنچه که مربوط به معیشت مردم است و فشارهایی که دشمن می‌خواهد بر مردم وارد کند - باید تمرکز در تصمیم‌گیری باشد؛ منتها توجه کنید که این تمرکز در تصمیم‌گیری، معنایش تمرکز تصمیم‌گیری در دولت است؛ یعنی همه افرادی که در بخش‌های مختلف دولت با آقای رئیس‌جمهور همکاری می‌کنند، باید مسئولیت مشترک احساس کنند - یعنی هماهنگی کنند - در دولت، همه با هم تصمیم بگیرند. در این زمینه، مسئله مسئولیت مشترک را واقعاً باید در دولت جدی گرفت. هر کاری که یک وزارتخانه‌ای انجام می‌دهد، همه وزرا و مسئولینی که دور میز هیئت دولت می‌نشینند، باید احساس کنند که در این تصمیم‌گیری یا در این اقدام، سهیم و شریکند. اگر این شد، آن وقت کارها با هماهنگی پیش می‌رود؛ نه اختلاف در عملکرد، نه اختلاف در فهم مسائل، نه اختلاف در آمارها، پیش نمی‌آید.

۳. از همه ظرفیت‌های درون دولت و به خصوص خارج تشکیلات دولت استفاده کنید و آنها را به صحنه بیاورید

همه توان هم باید به میدان و به صحنه بیاید. کشور ظرفیت‌های خوبی دارد، توان‌های خوبی دارد؛ هم در درون دولت ظرفیت‌های بالائی هست، هم در بیرون دولت. من می‌بینم گاهی اوقات بعضی از مسئولین بخش‌ها، از افرادی که خارج از تشکیلات دولتنند، کمک فکری می‌گیرند؛ این کار خوبی است؛ این را توسعه بدهید، از این ظرفیت استفاده کنید. افرادی هستند که دلسوزانه و با علاقه و شوق حاضرند در کنار دولت باشند و با دولت همکاری کنند؛ از نیروهای اینها استفاده شود؛ اینها جزو ظرفیت‌های کشورند. در درون دولت هم خوشبختانه ظرفیت‌ها زیاد است.

د) بیان نقاط قوت دولت

۱. در جمع‌بندی نقاط قوت و ضعف دولت، ترجیح را به نقاط قوت می‌دهیم؛ لیکن به این معنا نیست که ضعف‌ها را نباید برطرف کرد

خب، نقاط قوتی وجود دارد؛ ضعف‌هایی هم وجود دارد. در جمع‌بندی نقاط قوت و نقاط ضعف، وقتی ما نگاه می‌کنیم، ترجیح را به نقاط قوت می‌دهیم؛ لیکن این معنایش این نیست که ما ضعف‌ها را نباید برطرف کنیم.



۲. انجام کارهای وسیع و مختلف عمرانی، به خصوص در مناطق دوردست، یک رویکرد بسیار مهم در حرکت دولت است. در طول این چند سال در کشور کارهای وسیع عمرانی انجام گرفته؛ به خصوص در مناطق دوردست، در بخش‌های مختلف؛ اینها واقعاً کارهای مهمی است؛ این یک رویکرد بسیار مهمی در حرکت دولت است.

۳. پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه علم و فناوری، خیلی قابل توجه است. از این قضیه بگیری، تا پیشرفت‌های چشمگیری که در زمینه علم و فناوری به وجود آمده. این پیشرفت‌هایی که در این چند سال در زمینه علم و فناوری صورت گرفته، خیلی قابل توجه است.

۴. این مهم است که امروز در عرصه سیاست خارجی، ثقل و وزنه کشور با چند سال قبل تفاوت دارد.

در زمینه ارتقاء جایگاه کشور در عرصه سیاست خارجی و مسائل بین‌المللی هم همین جور است. امروز در عرصه سیاست خارجی، ثقل و وزنه کشور با چند سال قبل تفاوت دارد؛ ما در مسائل، تأثیرگذاریم؛ اینها مهم است. در حوادثی هم که پیش آمده، ما تأثیرگذار بوده‌ایم - که آن، داستان جداگانه‌ای دارد - به نظر ما آن هم خیلی مهم است.

۵. در این سال‌ها، ارزش‌های انقلاب مثل ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی و افتخار به انقلابی‌گری کاملاً برجسته شده است. یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله برجسته شدن ارزش‌های انقلاب است. در این سال‌هایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزش‌های انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه می‌کردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده؛ مسئله ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابی‌گری. یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابی‌گری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی می‌کردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضدارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله می‌نوشتند، حرف می‌زدند، گفته می‌شد. امروز خوشبختانه اینجور نیست، درست به عکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهت‌گیری انقلابی، ارزش‌های انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همین‌هاست؛ یعنی مردم به این ارزش‌ها اهمیت می‌دهند. مسئله دعوت به عدالت، مسئله ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.

۶. تلاش دولت در جهت ارتباط با مردم و تلاش فوق‌العاده کاری چیزهای خوبی است.

تلاش دولت در جهت ارتباط با مردم، تلاش فوق‌العاده کاری که خوشبختانه در دولت مشاهده می‌شود؛ اینها چیزهای خوبی است. البته توجه کنید که این تلاش فراوانی که دارید انجام می‌دهید، با کیفیت خوب و با عمل کردن به آنچه که می‌گوئید، همراه باشد؛ روی این تکیه کنید. البته طبیعی است که شما می‌خواهید آنچه را که می‌گوئید، بتوانید عمل کنید - در این شکی نیست - اما روی این اهتمام داشته باشید که هر آنچه به عنوان یک وعده از شما صادر می‌شود، مردم در موعد معین ببینند که آن وعده تحقق پیدا کرد. اگر از صد تا کاری که شما می‌گوئید، نودتایش را انجام بدهید، ده تاییش انجام نگیرد، همین در ذهن مردم یک اختلالی ایجاد خواهد کرد. آنچه را که آدم احتمال می‌دهد انجام نشود، به صورت احتمال بگوئید، به صورت قطع و یقین نگوئید. به نظر من این چیز بسیار مهمی است.

۵) بررسی افزایش تلاش دشمن برای مقابله با جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر

خب، هر بیننده‌ای احساس می‌کند و می‌بیند که تلاش دشمنان در مقابله با جمهوری اسلامی در این سال‌های اخیر، به خصوص در همین شش هفت سال گذشته و به خصوص در این دو سه سال اخیر، بیشتر شده. به نظر من دو سه عامل تأثیر دارد که ما اگر بدانیم انگیزه‌های دشمن از کجا ناشی می‌شود، تکلیف خود را در برنامه‌ریزی‌ها مان بهتر می‌فهمیم.

۱. سه عامل در بیشتر شدن تلاش دشمن در هفت سال و به خصوص سه سال اخیر نقش دارد

۱،۱. یکی از علل این دشمنی‌ها، پیشرفت‌های دولت است؛ تا بتوانند این پیشرفت‌ها را کند کنند

به نظر من یکی از علل این دشمنی‌ها، همین پیشرفت‌های شماسست؛ یعنی می‌خواهند این پیشرفت‌ها کند شود. جمهوری اسلامی با داعیه اسلام‌خواهی، با داعیه مردم‌سالاری اسلامی، با داعیه رد و نفی مستدل لیبرال دموکراسی، برای تشکیلات استکباری دنیا یک خطری است. هرچه شما بیشتر پیشرفت کنید، این خطر برای آنها بیشتر خواهد شد. می‌خواهند جلوی این را بگیرند.

۲،۱. عامل دوم این دشمنی‌ها، زنده شدن شعارهای انقلاب است؛ هرچه این شعارها پررنگ‌تر شود، چهره دشمن عبوس‌تر می‌شود

عامل دوم این دشمنی‌ها، زنده شدن شعارهای انقلاب است. وقتی شعارهای انقلاب کم‌رنگ شود، پنهان شود، آنها طبعاً بیشتر خوششان می‌آید و چهره همراه‌تری می‌گیرند؛ هرچه شما شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر کنید، آنها چهره‌شان عبوس‌تر و خصمانه‌تر می‌شود؛ این چیز طبیعی است.

۳،۱. عامل دیگر، حادثه بیداری اسلامی در منطقه ماست؛ تا جمهوری اسلامی برای کشورهایی که متحول شدند الگو نشود

عامل دیگر، همین حوادث منطقه است؛ این بیداری اسلامی و آنچه که در منطقه ما رخ داد، که حادثه فوق‌العاده مهمی است. به نظر من هنوز ابعاد عظیم این حادثه‌ای که در شمال آفریقا و منطقه اسلامی ما اتفاق افتاده، برای خیلی‌ها درست شناخته شده نیست؛ خیلی چیز عظیمی اتفاق افتاده. پشت این مسئله، دست قدرت الهی است. خب، اگر چنانچه در این شرائط، یک ایران بی‌دردسر بی‌دغدغه اینجا وجود داشته باشد، با همین شعارهایی که دارد، با همین کارهایی که دارد می‌کند، با همین پیشرفتی که محسوس است، از آن کشورها بیایند ببینند کارخانه‌ها را، دانشگاه‌ها را، مراکز تحقیقاتی را، وضع زندگی مردم را، بازارهای پر از اجناس را، دولت بی‌دردسر را، بدیهی و طبیعی است که آنها می‌گویند الگوی خوب همین است. می‌خواهند این نشود. می‌خواهند این الگو شدن جمهوری اسلامی نباشد. یعنی برای جمهوری اسلامی دردسرهایی به وجود بیاورند، تا آن کشورهایی که تحولی در آنها رخ داده و وارد مرحله جدیدی شده‌اند، برای ادامه راه، این را الگو قرار ندهند.

۲. اینکه بعضی‌ها می‌گویند ما در دنیا دشمن تراشی کردیم، حرف بافی است؛ این دشمنی‌ها خیلی طبیعی است

حالا البته بعضی‌ها در روزنامه، در سایت، در تریبون‌های گوناگون مطالبی منتشر می‌کنند؛ اینکه چرا ما در دنیا دشمن تراشی کردیم که اینقدر با ما دشمنی کنند! به نظر من اینها حرف بافی است. آنچه که گفته می‌شود، متکی به یک تحلیل درست نیست. نه، دشمنی‌ها



خیلی طبیعی است. وقتی که امام بزرگوار بود، دشمنی‌ها زیاد بود؛ برای خاطر مواضع قاطع امام. هرچه مواضع ما ضعیف‌تر شود و عقب‌نشینی کنیم، آنها طبعاً چهره‌شان به ظاهر متبسم‌تر می‌شود. البته جلو می‌آیند. یعنی چهره را متبسم می‌کنند، برای اینکه بتوانند جلو بیایند، مناطق را تصرف کنند و ما را از پیشرفت هدف‌هامان باز بدارند. هرچه ما در حرکت خودمان جدی‌تر و مصمم‌تر باشیم، آنها ناراحت می‌شوند و چهره‌شان عبوس می‌شود. البته تا حالا در این سی و سه سال آنها نتوانستند ما را متوقف کنند، بعد از این هم ان‌شاءالله نخواهند توانست.

و) بیان توصیه‌ها و مسائلی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدیریتی

بنابراین، خوشبختانه وضعیت کشور اینجوری است. البته گرفتاری‌هایی هست، ضعف‌هایی هست، مشکلاتی هست که باید به آنها هم توجه کنیم؛ لیکن مجموعاً وقتی انسان نگاه می‌کند، حرکت کشور، حرکت رو به پیشرفتی است.

۱. اصلی‌ترین مشکل اقتصادی کشور و راه‌کارهای برون‌رفت از آن

۱.۱. عمده مشکلات کشور مربوط به معیشت قشرهای متوسط و ضعیف جامعه است

به نظر من عمده مشکلات، آن چیزی است که مربوط به معیشت قشرهای متوسط و ضعیف جامعه است. این ناشی از چیست؟ من اینجا نمی‌خواهم تحلیل کنم. قطعاً یک ضعف‌هایی وجود دارد؛ آن ضعف‌ها را انسان با خود مدیران در میان می‌گذارد. هیچ لزومی ندارد که کسانی که دستی به میکروفن و به منبر و به اینها دارند، بنا کنند ضعف‌ها را شمارش کردن؛ چون بیان ضعف‌ها در فضای عمومی، مشکلی را حل نمی‌کند. اگر ضعفی وجود دارد، باید به خود آن کسی که دارای ضعف است، این را گفت؛ اما آثار و نتایج آن ضعف‌ها خب چرا، مشهود است؛ آنها را انسان می‌تواند مطرح کند.

۲.۱. بخش‌های ستادی و عملیاتی اقتصاد، مسئله گرانی و کاهش قدرت قشرهای ضعیف را برطرف کنند

آنچه که به نظر من مهم است، این است که برای قشرهای ضعیف، مشکلات اقتصادی‌ای وجود دارد؛ این را باید برطرف کنید. حالا بخشی از این مشکلات، ناشی از تورم است. ما در کشور کمبود کالا نداریم؛ خوشبختانه کالاهای گوناگون مورد نیاز مردم در کشور فراوان یافت می‌شود؛ لیکن مسئله گرانی و کاهش قدرت خرید وجود دارد؛ این را باید علاج کنید؛ این به عهده بخش‌های مختلف اقتصادی است؛ یعنی هم بخش‌های ستادی اقتصادی، هم بخش‌های عملیاتی اقتصادی - مثل وزارت صنعت و معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی، بخش‌های دیگر - که باید به طور جد ان‌شاءالله این را دنبال کنند.

۳.۱. باید راهی پیدا کنید که نقدینگی افزایش یافته کنترل شود

آن کسانی که از لحاظ اقتصادی صاحب‌نظرند، چه در درون دولت، چه در بیرون دولت، به بنده می‌گویند که این مسئله مربوط به افزایش نقدینگی است؛ یعنی افزایش نقدینگی را مهمترین عامل می‌دانند. این را ما فقط از کسانی که بیرون دولتند، نمی‌شنویم، بلکه کسانی هم که در درون دولتند، وقتی از آنها سؤال می‌کنیم، همین را به ما می‌گویند و گزارش می‌دهند. باید راهی پیدا کنید که نقدینگی

افزایش یافته کنترل شود. خب، این روشن است؛ اگر در مقابل نقدینگی، تولید وجود داشته باشد، کالا وجود داشته باشد، کمبود وجود نداشته باشد، مشکلی را ایجاد نمی‌کند؛ اگر چنانچه نه، نقدینگی بیش از تولید کالا در داخل یا به شکل درست واردات بود، طبعاً مشکل ایجاد می‌کند.

۱.۳.۱. یارانه‌های نقدی، کارهای عمرانی دولت، مسکن مهر و افزایش طرح‌های نیمه تمام، عوامل نقدینگی است

خب، عوامل نقدینگی هم زیاد است. همین یارانه‌های نقدی که داده می‌شود - که برای قشرهایی کار مفیدی هم بوده - خودش افزایش نقدینگی ایجاد می‌کند. همین کارهای عمرانی‌ای که شما می‌کنید - که اینها دیربازده است - اینها بلاشک افزایش نقدینگی ایجاد می‌کند. همین مسئله مسکن مهر که صحبت شد، یا همین طرح‌های نیمه‌تمام را که افزایش می‌دهید، این کاری که در دولت دارند می‌کنند - که کار خوبی هم هست و لازم هم هست - خود اینها ایجاد افزایش نقدینگی می‌کند.

۲.۳.۱. نقدینگی افزایش یافته را به سمت مراکزی مثل تولید هدایت کنید؛ تا به گشایش کار مردم کمک کند

برای این مسئله باید راهکار پیدا کنید. شما افراد صاحب علمی هستید، صاحب تجربه هستید، دستتان در کار است؛ برای اینها راه پیدا کنید. این نقدینگی افزایش یافته را هدایت کنید به سمت مراکزی که کمک کند به گشایش کار مردم؛ مثل تولید.

۴.۱. اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ به عنوان یکی از ارکان اقتصادی مقاومتی، با تأکید و دقت و وسواس هرچه بیشتر دنبال شود

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌های همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

۵.۱. با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقب مفسدین اقتصادی باشید و با مفاسد اقتصادی مبارزه کنید

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفاسد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم که تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ و تصور



نشود که مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا می‌شوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه مجریه و قوه قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است.

۶.۱. باید به حمایت از تولید ملی به عنوان رکن دیگر اقتصاد مقاومتی تکیه کرد

۶.۱.۱. باید مشکلات کارخانه‌ها اعم از اختلال و تعطیلی برخی از صنایع را علاج کرد

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. خب، آمارهایی که آقایان می‌دهند، آمارهای خوبی است؛ لیکن از آن طرف هم از داخل دولت، خود مسئولین به ما می‌گویند که بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد - گزارش‌های گوناگونی به ما می‌رسد، خود شما هم گزارش می‌دهید؛ یعنی من گزارش‌های دیگر هم دارم، اما اتکاء من به گزارش‌های دیگران نیست؛ گزارش‌های خود شما هم هست که به دست ما می‌رسد - خب، باید این را علاج کرد. اینها طبعاً ایجاد اشکال می‌کند. اگر چنانچه همین بخش دوم قضیه - یعنی آن نیمه خالی لیوان - نمی‌بود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادی، وضع بهتری را در کشور ارائه می‌کردید و کمک‌های بیشتری به مردم می‌شد. بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.

۶.۲. واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی را فعال کنید

واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده واحدهای بزرگ ما وضعشان اینچنین است - لذا همان‌طور که گفتید، محصول سیمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده اینجوری‌مان خوب است - لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد.

۷.۱. باید منابع ارزی را درست و دقیق مدیریت کرد؛ یک تصمیم قاطع گرفته شود و روی آن پافشاری شود

مسئله منابع ارزی هم مسئله مهمی است؛ که خب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.

۸.۱. یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است

۸.۱.۱. با فرهنگ‌سازی و اقدام عملی جلوی اسراف را باید گرفت

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی‌مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارش‌های شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد صرفه‌جوئی است و می‌خواهد صرفه‌جوئی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جوئی کنید. صرفه‌جوئی، چیز بسیار لازم و مهمی است.

۸.۲. به مصرف تولیدات داخلی اهمیت بدهید

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها می‌تواند کمک کند.

۹.۱. اقتصاد دانش‌بنیان، سرفصل دیگر در اقتصاد مقاومتی است؛ مسئولان ذی‌ربط گلابه‌های شرکت‌های دانش‌بنیان را برطرف کنند

یک مسئله دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است. بعضی از کسانی که در باب شرکت‌های دانش‌بنیان فعال بودند، ماه رمضان اینجا آمدند و صحبت‌هایی کردند. خب، خوشبختانه انسان می‌بیند کارهای خوبی انجام داده‌اند. این بخش شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده باز و امیدبخشی است. البته آنها گلابه‌هایی هم داشتند. به نظر من دوستان مسئول در دولت که کارشان به این بخش ارتباط پیدا می‌کند - چه وزارت صنعت و معدن و تجارت، چه وزات علوم - به این مسئله شرکت‌های دانش‌بنیان بپردازند و گلابه‌هاشان را بشنوند و آنها را برطرف کنند. زمینه بسیار خوبی است. ما استعدادهای برجسته‌ای داریم که می‌توانند در این مورد کمک کنند.



۱,۲. مسئولین جهت‌گیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار بدهند؛ تقصیرها را گردن یکدیگر نیندازند و نگویند نمی‌گذارند کار کنیم مسئله وحدت و انسجام ملی هم به نظر من چیز خیلی مهمی است؛ که ما حالا اینقدر این قضیه را تکرار کردیم که کأنه الفاظ دارد خاصیت‌های خودش را در افاده معنا از دست می‌دهد! ما باید همه یک حرف بزنیم. مسئولین باید جهت‌گیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار بدهند؛ این به عهده همه است. تقصیرها را هم گردن یکدیگر نیندازیم. اینکه بگوئیم آقا ما می‌خواهیم فلان کار را بکنیم، نمی‌گذارند؛ یا فلان کار را کردیم، جلوی‌اش را گرفتند؛ یا فلان تصمیم را گرفتیم، اقدام نکردند، انجام ندادند - که قوای مختلف و بخش‌های مختلف به همدیگر بگویند - این را کسی قبول نمی‌کند. بالاخره حوزه‌های مسئولیت، مشخص است؛ یکی باید قانون بگذارد، یکی باید اجرا کند، یکی سیاست‌ها را تنظیم کند، یکی عملیاتی کند. همه باید با هم هماهنگ عمل کنند. ما نباید تعامل قوا با یکدیگر را دست‌کم بگیریم. البته مخاطب این حرف، فقط قوه مجریه نیست؛ قوه قضائیه و قوه مقننه هم مخاطب این قضیه‌اند؛ دستگاه‌های گوناگون اجرائی هم که داخل دولت نیستند - مثل نیروهای مسلح و دیگران - داخل در همین خطابند. همه باید به این معنا توجه کنند.

۲,۲. رسانه‌ها، منبردارها و تریبون‌دارها خیلی نقش دارند در این که وحدت ایجاد کنند یا اختلاف ایجاد کنند

البته رسانه‌ها و منبردارها و تریبون‌دارها نقش دارند. رسانه‌ها خیلی نقش دارند در اینکه وحدت ایجاد کنند یا اختلاف ایجاد کنند. امروز با گسترش مراکز و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و خبری و اینترنتی، حرف از هر زبانی، از هر حنجره‌ای در بیاید، به گوش همه می‌رسد. خیلی‌ها هم رعایت نمی‌کنند. آن کسانی که مسئولند، چه در دولت، چه در بیرون دولت، باید خیلی اهتمام بورزند به اینکه این آزادی‌ای که نظام اسلامی به بیان حقائق داده، در جهت درستی به کار بیفتد؛ در جهت ایجاد نشاط کار، امید، همدلی و همبستگی.

۳. دولت در زمینه فرهنگ به کارهای عمیق‌تر، بنیانی‌تر و کارهایی که از یکی‌شان ده‌ها کار نشئت می‌گیرد، توجه کنند

در زمینه فرهنگ فرصت نشد آقایان گزارشی بدهند. من یک جمله عرض بکنم: به کارهای سطحی نباید اکتفا کرد. به کارهای عمیق‌تر، کارهای بنیانی‌تر، کارهایی که از یکی‌شان ده‌ها کار صادر می‌شود و نشئت می‌گیرد، توجه کنید. من یک وقتی نسخه‌ای از آن کارهای عمیق لازم را به آقای رئیس‌جمهور دادم؛ همان‌ها باید دنبال شود و باید دنبال می‌شد. در باب فرهنگ باید به شدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. فرهنگ مهاجم خطرناک است. اگر ما فرهنگ عمومی کشور و فرهنگی که نخبگان و مردم و قشرهای گوناگون را به سمت یک هدفی هدایت می‌کند، نتوانیم از آسیب دشمن محفوظ بداریم، کار خیلی مشکل خواهد شد؛ هرچه هم شما تصمیم بگیرید، اینها می‌آیند خرابش می‌کنند و جور دیگری منعکس خواهد شد. مسئله فضای مجازی هم اهمیت دارد که حالا دیگر وقت نیست مطالبی بگوئیم.

۴. مسئله دیپلماسی انقلاب به شدت مهم است

مسئله دیپلماسی انقلاب هم به شدت مهم است که این هم مجال نیست درباره‌اش مطلب مفصلی عرض کنیم. به نظر من در زمینه دیپلماسی، فعالیت‌های خوبی دارد انجام می‌گیرد.

۱,۴. دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشد، یعنی اسلام انقلابی؛ این است که به ما بُرش می‌دهد

دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشد - یعنی اسلام انقلابی - این است که به ما بُرش می‌دهد. امروز ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی خوششان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیشتر بروز می‌دهند، بیشتر خوششان می‌آید. خوب، این نشانه این است که راه این است. دیپلماسی ما باید در این جهت باشد؛ که خوب، خوشبختانه دوستان زحمت‌های زیادی می‌کشند.

۲,۴. از حوادث منطقه باید حداکثر بهره به نفع اهداف انقلاب گرفته شود؛ آمریکا و صهیونیسم، به معنای واقعی کلمه غافلگیر شدند

از این حوادث منطقه هم باید حداکثر بهره گرفته شود به نفع اهداف انقلاب. این حوادث منطقه - همان طور که اشاره کردم - حوادث بسیار مهمی است و ضربه سنگینی بوده به جهت‌گیری استکبار در این منطقه. بلاشک شما بدانید؛ آمریکا و صهیونیسم - نه فقط دولت صهیونیستی، بلکه تشکیلات قوی و فعال و پرنفوذ صهیونیسم در دنیا - حالاً‌حالاها نخواهند توانست خودشان را از آسیب‌های این حرکت عظیمی که اتفاق افتاد، نجات بدهند. اینها در مقابل این حوادث، به معنای واقعی کلمه غافلگیر شدند. البته دارند تلاش می‌کنند فائق بیایند و موج‌سواری کنند. در یک گوشه‌هایی هم ممکن است بتوانند، اما در کلان نخواهند توانست و نمی‌توانند. این فرصت بسیار مهمی است برای جمهوری اسلامی که از این فضا و از این فرصت استفاده کند.

۵. هر قدمی که برمی‌دارید و هر ذره کاری که انجام می‌دهید، ممکن است امثال بنده ندانیم؛ اما پیش خدای متعال محفوظ است

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به شماها کمک کند. بدانید هر قدمی که برمی‌دارید، هر ذره کاری که انجام می‌دهید، هر دلسوزی‌ای که می‌کنید، هر تلاشی که می‌کنید، پیش خدای متعال محفوظ است؛ حالا من شخصی یا من نوعی بدانم یا ندانم، تشکر بکنم یا نکنم. آنچه که شما از حسنه و خیر و با نیت خوب انجام می‌دهید، پیش پروردگار عالم محفوظ است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»؛ خدای متعال، هم شکرگزار است، هم آگاه است. حالا ممکن است امثال بنده ندانیم شما مثلاً چقدر در آن وقت اضافی بیش از وظیفه کاری‌تان، در دفتر یا در مرکز کاری نشستید، صرف وقت کردید، اعصاب گذاشتید و مایه گذاشتید؛ طبعاً وقتی ندانستیم، تشکر هم نمی‌کنیم؛ اما لحظه‌لحظه‌ها از دید کرام‌الکاتبین و ضبط کنندگان حوادث - که «أَنَا كُنَّا نَسْتَسْمِعُ»؛ خدای متعال همه کارهای ما را استنساخ می‌کند، یعنی دانه‌دانه‌اش و ذره‌ذره‌اش نسخه‌برداری می‌شود - مخفی و پنهان نخواهد بود.



۶. دولت نهم و دهم به پرکاری، پشتکار و خسته نشدن شناخته شده است؛ سعی کنید این حالت را تا آخرین لحظات حفظ کنید خدای متعال به شماها اجر بدهد. ان شاءالله بروید کارها را با جدیت دنبال کنید. دولت نهم و دولت دهم شناخته شده به پرکاری، پشتکار و خسته نشدن؛ سعی کنید این حالت را، این سُمعه خوب را تا آخرین لحظات حفظ کنید؛ خدا هم ان شاءالله کمکتان خواهد کرد. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|------------------|--|
| ۱ | شناسایی و ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های قوه مجریه | مسئولان دولت دهم | فرصت ارزیابی درونی خود مسئولان قوه مجریه است؛ قوت‌ها و ضعف‌ها را واقعاً بررسی کنند، ارزیابی کنند و بشناسند آنچه را که مایه پیشرفت آنها شده، آنها را تقویت کنند؛ و همچنین آنچه را که مایه عقب‌ماندگی‌ها و ضعف‌هایی شده که در جامعه و در زندگی مردم هم مشهود است، برطرف کنند. یعنی این فرصت هفته دولت را برای خودتان هم یک فرصتی بدانید؛ به خصوص که امسال، سال آخر این دولت است. |
| ۲ | استفاده از همه توان دولت برای به هم زدن توهّم باطل دشمن مبنی بر عقب‌نشینی و قبول شکست از سوی دولت | مسئولان دولت دهم | این سال آخر دولت شما [دولت دهم]، سال مهمی هم هست؛ هم از جهت شرائط بین‌المللی و شرائطی که وجود دارد، سال بسیار مهمی است - یعنی شما در حال مواجهه با زورآزمایی قدرت‌های مستکبر هستید که دارند همه توانشان را خرج می‌کنند، شاید بتوانند شما را به عقب‌نشینی و قبول شکست وادار کنند؛ شما هم باید از همه توانتان استفاده کنید تا بتوانید این توهّم باطل ذهن دشمن را به هم بزینید. |

| | | | |
|---|---|----------------------------------|---|
| ۳ | دوری از کوتاهی و سستی در سال آخر دولت | مسئولان دولت دهم | باید واقعاً امسال کار اگر نگوئیم جدی‌تر از همیشه باشد، بلاشک باید در این سال آخر [دولت دهم] هیچ‌گونه کوتاهی و سستی‌ای در کار نباشد. |
| ۴ | حدس زدن تصمیمات دشمن قبل از اجرا و آماده سازی خود برای مقابله | مسئولان دولت | دشمنان ما اقدام‌های جدیدی هم دارند می‌کنند که این اقدام‌ها تدابیر و راهکارهای جدیدی می‌طلبد؛ این را همیشه باید توجه داشت... قبل از اینکه آن تصمیم را طرف مقابل بگیرد، شما حدس بزیند آنچه را که او انجام خواهد داد... راه‌ها را از پیش آماده کنید... چون کارهایی که انجام دادند، به نتیجه نرسیده، حتماً دنبال راهکارهای دیگری خواهند بود... شما آن راهکارها را حدس بزیند و از پیش، خودتان را آماده کنید. |
| ۵ | احساس مسئولیت مشترک، هماهنگی و تصمیم‌گیری متمرکز در دولت | وزرا و مسئولین حاضر در هیئت دولت | تمرکز در تصمیم‌گیری، معنایش تمرکز تصمیم‌گیری در دولت است؛ یعنی همه افرادی که در بخش‌های مختلف دولت با آقای رئیس‌جمهور همکاری می‌کنند، باید مسئولیت مشترک احساس کنند - یعنی هماهنگی کنند - در دولت، همه با هم تصمیم بگیرند. در این زمینه، مسئله مسئولیت مشترک را واقعاً باید در دولت جدی گرفت. هر کاری که یک وزارتخانه‌ای انجام می‌دهد، همه وزرا و مسئولینی که دور میز هیئت دولت می‌نشینند، باید احساس کنند که در این تصمیم‌گیری یا در این اقدام، سهیم و شریکند. |



| | | | |
|---|---|--------------|--|
| ۶ | استفاده از همه ظرفیت‌های اندیشه‌ای و سرمایه‌ای درون و بیرون از دولت | مسئولان دولت | <p>همه توان [کشور]... باید به میدان و به صحنه بیاید. کشور ظرفیت‌های خوبی دارد، توان‌های خوبی دارد؛ هم در درون دولت ظرفیت‌های بالایی هست، هم در بیرون دولت... از این ظرفیت استفاده کنید. افرادی هستند که دلسوزانه و با علاقه و شوق حاضرند در کنار دولت باشند و با دولت همکاری کنند؛ از نیروهای اینها استفاده شود؛ اینها جزو ظرفیت‌های کشورند... از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی [استفاده کنید] ... هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.</p> |
| ۷ | وعده‌هایی بدهید که مطمئن هستید می‌توانید در موعد معین و با کیفیت خوب انجام دهید | مسئولان دولت | <p>توجه کنید که این تلاش فراوانی که دارید انجام می‌دهید، با کیفیت خوب و با عمل کردن به آنچه که می‌گوئید، همراه باشد؛ روی این تکیه کنید. البته طبیعی است که شما می‌خواهید آنچه را که می‌گوئید، بتوانید عمل کنید - در این شکی نیست - اما روی این اهتمام داشته باشید که هر آنچه به عنوان یک وعده از شما صادر می‌شود، مردم در موعد معین ببینند که آن وعده تحقق پیدا کرد. اگر از صد تا کاری که شما می‌گوئید، نودتایش را انجام بدهید، ده تایش انجام نگیرد، همین در ذهن مردم یک اختلالی ایجاد خواهد کرد. آنچه را که آدم احتمال می‌دهد انجام نشود، به صورت احتمال بگویید، به صورت قطع و یقین نگویید. به نظر من این چیز بسیار مهمی است.</p> |



| | | | |
|----|--|--|--|
| ۸ | دوری از بیان ضعف‌های مسئولان در فضای عمومی و ارائه آن به فرد دارای ضعف؛ و امکان طرح آثار ضعف‌ها برای عموم مردم | صاحبان تریبون و منبر | <p>هیچ لزومی ندارد... کسانی که دستی به میکروفن و به منبر و به اینها دارند، بنا کنند ضعف‌ها را شمارش کردن؛ چون بیان ضعف‌ها در فضای عمومی، مشکلی را حل نمی‌کند. اگر ضعفی وجود دارد، باید به خود آن کسی که دارای ضعف است، این را گفت؛ اما آثار و نتایج آن ضعف‌ها خب چرا، مشهود است؛ آنها را انسان می‌تواند مطرح کند.</p> |
| ۹ | علاج گرانی و کاهش قدرت خرید قشرهای ضعیف | بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از ستادی و عملیاتی | <p>آنچه که به نظر من مهم است، این است که برای قشرهای ضعیف، مشکلات اقتصادی‌ای وجود دارد؛ این را باید برطرف کنید. حالا بخشی از این مشکلات، ناشی از تورم است. ما در کشور کمبود کالا نداریم؛ خوشبختانه کالاهای گوناگون مورد نیاز مردم در کشور فراوان یافت می‌شود؛ لیکن مسئله گرانی و کاهش قدرت خرید وجود دارد؛ این را باید علاج کنید؛ این به عهده بخش‌های مختلف اقتصادی است؛ یعنی هم بخش‌های ستادی اقتصادی، هم بخش‌های عملیاتی اقتصادی - مثل وزارت صنعت و معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی، بخش‌های دیگر - که باید به طور جد ان‌شاءالله این را دنبال کنند.</p> |
| ۱۰ | کنترل نقدینگی افزایش یافته و بیش از حد تولید کالا و واردات درست | دولت | <p>باید راهی پیدا کنید که نقدینگی افزایش یافته کنترل شود. خب، این روشن است؛ اگر در مقابل نقدینگی، تولید وجود داشته باشد، کالا وجود داشته باشد، کمبود وجود نداشته باشد، مشکلی را ایجاد نمی‌کند؛ اگر چنانچه نه، نقدینگی بیش از تولید کالا در داخل یا به شکل درست واردات بود، طبعاً مشکل ایجاد می‌کند.</p> |
| ۱۱ | نقدینگی افزایش یافته را به سمت تولید هدایت کنید | دولت | <p>نقدینگی افزایش یافته را هدایت کنید به سمت مراکزی که کمک کند به گشایش کار مردم؛ مثل تولید.</p> |



| | | | |
|----|---|--|--|
| ۱۷ | باید منابع ارزی را درست و دقیق مدیریت کرد؛ یک تصمیم قاطع گرفته شود و روی آن پافشاری شود | دولت | مسئله منابع ارزی هم مسئله مهمی است؛ که خب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود. |
| ۱۸ | باید مصرف در کشور مدیریت شود | دولت | یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف... باید مدیریت شود. این قضیه اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. |
| ۱۹ | برای جلوگیری از اسراف، فرهنگ‌سازی شود | رسانه‌ها و در درجه اول و بیشتر از همه صدا و سیما | چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی... لازم است... [که] بیشتر به عهده رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! |

| | | | |
|----|---|---------------------|---|
| ۱۲ | سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید، اهتمام، دقت و وسواس هرچه بیشتر دنبال شود | دولت | بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خب، خود اقتصاد مقاومتی شرايطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌های همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. به مردم... باید واقعاً میدان داده شود |
| ۱۳ | با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقب مفسدین اقتصادی باشید و با مفسد اقتصادی مبارزه کنید | قوه مجریه و قضا ئیه | واقعاً نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است... باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیابند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. |
| ۱۴ | همکاری در مقابله با مفسد اقتصادی | قوه مجریه و مقننه | به نظر من همکاری قوه مجریه و قوه قضائیه در اینجا [مبارزه با مفسد اقتصادی] یک کار بسیار لازمی است. |
| ۱۵ | علاج اختلال و تعطیلی برخی کارخانه‌ها و حمایت از تولید ملی در بخش صنعت و کشاورزی | دولت | یک رکن... اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی... بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد... خب، باید این را علاج کرد. اینها طبعاً ایجاد اشکال می‌کنند... بالاخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد. |
| ۱۶ | واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید | دولت | واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید... باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد. |



| | | | |
|----|---|--|---|
| ۲۰ | برای جلوگیری از اسراف، صرفه‌جویی را از خود شروع کنید | دولت | چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ ... اقدام عملی... لازم است. بخش عملیاتی ... به نظر من از خود دولت باید آغاز شود... دولت درصدد صرفه‌جویی است و می‌خواهد صرفه‌جویی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جویی کنید. صرفه‌جویی، چیز بسیار لازم و مهمی است. |
| ۲۱ | به مصرف تولیدات داخلی اهمیت دهید و مصرف اجناس خارجی را در وزارتخانه‌ها ممنوع کنید | مسئولان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی | به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها می‌تواند کمک کند. |
| ۲۲ | گالیه‌های شرکت‌های دانش‌بنیان را بشنوید و آنها را برطرف کنید | مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزات علوم | یک مسئله دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است... به نظر من دوستان مسئول در دولت که کارشان به این بخش ارتباط پیدا می‌کند - چه وزارت صنعت و معدن و تجارت، چه وزات علوم - به این مسئله شرکت‌های دانش‌بنیان بپردازند و گالیه‌هاشان را بشنوند و آنها را برطرف کنند. |
| ۲۳ | جهت‌گیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار دهید | همه مسئولین | مسئله وحدت و انسجام ملی... به نظر من چیز خیلی مهمی است... ما باید همه یک حرف بزنیم. مسئولین باید جهت‌گیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار بدهند؛ این به عهده همه است. |

| | | | |
|----|--|---|---|
| ۲۴ | تقصیرها را هم گردن یکدیگر نیندازید و نگویید نمی‌گذارند کار کنیم | مسئولین قوا و بخش‌های مختلف و دستگاه‌های اجرایی خارج دولت همانند نیروهای مسلح | تقصیرها را هم گردن یکدیگر نیندازید و نگویید نمی‌گذارند کار کنیم |
| ۲۵ | اهتمام داشته باشید تا آزادی‌ای که نظام اسلامی به بیان حقائق داده، در جهت ایجاد نشاط کار، امید، همدلی و همبستگی به کار افتد | مسئولان ذی‌ربط دولتی و غیردولتی در ارتباط با رسانه‌ها | رسانه‌ها و منبردارها و تریبون‌دارها نقش دارند. رسانه‌ها خیلی نقش دارند در اینکه وحدت ایجاد کنند یا اختلاف ایجاد کنند. امروز با گسترش مراکز و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و خبری و اینترنتی، حرف از هر زبانی، از هر حنجره‌ای در بیاید، به گوش همه می‌رسد. خیلی‌ها هم رعایت نمی‌کنند. آن کسانی که مسئولند، چه در دولت، چه در بیرون دولت، باید خیلی اهتمام بورزند به اینکه این آزادی‌ای که نظام اسلامی به بیان حقائق داده، در جهت درستی به کار بیفتد؛ در جهت ایجاد نشاط کار، امید، همدلی و همبستگی. |
| ۲۶ | در زمینه فرهنگ به کارهای عمیق‌تر، بنیانی‌تر و کارهایی که از یکی‌شان ده‌ها کار نشئت می‌گیرد، توجه شود | دولت | در زمینه فرهنگ ... یک جمله عرض بکنم: به کارهای سطحی نباید اکتفا کرد. به کارهای عمیق‌تر، کارهای بنیانی‌تر، کارهایی که از یکی‌شان ده‌ها کار صادر می‌شود و نشئت می‌گیرد، توجه کنید. من یک وقتی نسخه‌ای از آن کارهای عمیق لازم را به آقای رئیس‌جمهور دادم؛ همان‌ها باید دنبال شود و باید دنبال می‌شد. |





مقدمه
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على الرسول الأعظم
الأمين و على آله الطاهرين و صحبه المنتجبين و على جميع الأنبياء
و المرسلين.
به شما میهمانان گرامی، سران و هیئت‌های نمایندگی کشورهای
جنبش عدم تعهد و نیز دیگر شرکت‌کنندگان در این اجلاس بزرگ
بین‌المللی خوشامد می‌گوییم.

الف) فلسفه وجودی جنبش عدم تعهد در گذشته و حال

۱. اینجا گرد آمده‌ایم تا حرکتی را که در شش دهه قبل، چند
تن از رهبران سیاسی دلسوز پایه‌گذاری کردند، تحرکی دوباره
ببخشیم

ما در اینجا گرد آمده‌ایم تا به هدایت و کمک پروردگار، حرکت و
جریانی را که در شش دهه قبل با هوشمندی و موقعیت‌شناسی و

شجاعت چند تن از رهبران سیاسی دلسوز و مسئولیت‌پذیر پایه‌گذاری شد، به اقتضای موقعیت‌ها و نیازهای امروز جهان ادامه دهیم و بلکه
به آن، جانی تازه و تحرکی دوباره ببخشیم.

۲. مبنای تشکیل عدم تعهد، وحدت نیاز بود و امروز با پیشرفت و گسترش ابزارهای سلطه‌گری، این نیاز همچنان پابرجا است
میهمانان ما از مناطق جغرافیایی دور و نزدیک در اینجا گرد آمده و متعلق به ملیت‌ها و نژادهای گوناگون و دارای تعلقات اعتقادی و فرهنگی
و تاریخی و وراثتی متنوعند؛ ولی همان طور که «احمد سوکارنو» یکی از بنیانگذاران این جنبش در کنفرانس معروف باندونگ در سال ۱۹۵۵
گفت، مبنای تشکیل عدم تعهد، نه وحدت جغرافیایی یا نژادی و دینی، بلکه وحدت نیاز است. آن روز کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، به
پیوندی که بتواند آنها را از سیطره شبکه‌های اقتدارگرا و مستکبر و سیری‌ناپذیر مصون بدارد، نیازمند بوده‌اند؛ امروز با پیشرفت و گسترش
ابزارهای سلطه‌گری، این نیاز همچنان پابرجا است.

۳. فطرت همسان انسان‌ها، پایه تشکیل جوامع آزاد و برخوردار از پیشرفت و عدالت و شالوده‌ریز همکاری‌های برادرانه ملت‌هاست
من می‌خواهم حقیقت دیگری را مطرح کنم:

| | | | |
|----|---|------------------|--|
| ۲۷ | باید به شدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. | دولت | در باب فرهنگ باید به شدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. فرهنگ عمومی کشور و فرهنگی که نخبگان و مردم و قشرهای گوناگون را به سمت یک هدفی هدایت می‌کند، نتوانیم از آسیب دشمن محفوظ بداریم، کار خیلی مشکل خواهد شد؛ هرچه هم شما تصمیم بگیرید، اینها می‌آیند خرابش می‌کنند و جور دیگری منعکس خواهد شد. |
| ۲۸ | دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب - یعنی شجاعت، استقلال و نترسی - همراه باشد | دولت | مسئله دیپلماسی انقلاب... به شدت مهم است... دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشد - یعنی اسلام انقلابی - این است که به ما بُرش می‌دهد. امروز ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی خوششان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیشتر بروز می‌دهند، بیشتر خوششان می‌آید... دیپلماسی ما باید در این جهت باشد. |
| ۲۹ | باید از حوادث منطقه [بیداری اسلامی] حداکثر بهره به نفع اهداف انقلاب گرفته شود | مسئولان نظام | از این حوادث منطقه هم باید حداکثر بهره گرفته شود به نفع اهداف انقلاب. این حوادث منطقه... حوادث بسیار مهمی است و ضربه سنگینی بوده به جهت‌گیری استکبار در این منطقه... این فرصت بسیار مهمی است برای جمهوری اسلامی که از این فضا و از این فرصت استفاده کند. |
| ۳۰ | سعی کنید حالت پرکاری، پشتکار و خسته نشدن را تا آخرین لحظات حفظ کنید | مسئولان دولت دهم | ان شاءالله بروید کارها را با جدیت دنبال کنید. دولت نهم و دولت دهم شناخته شده به پرکاری، پشتکار و خسته نشدن؛ سعی کنید این حالت را، این سُمعه خوب را تا آخرین لحظات حفظ کنید. |

ب) تحلیل شرایط حاکم بر جهان امروز و نقش جنبش در این شرایط

۱. وظایف جنبش عدم تعهد در شرایط کنونی

۱.۱. جهان در حال گذار به نظام بین‌المللی جدیدی است و جنبش باید زمینه یک مدیریت عادلانه و مشارکتی را فراهم آورد

ما در گذشته نزدیک، شاهد شکست سیاست‌های دوران جنگ سرد و نیز یکجانبه‌گرایی پس از آن بوده‌ایم. جهان با عبرت‌آموزی از این تجربه تاریخی، در حال گذار به نظام بین‌المللی جدیدی است و جنبش عدم تعهد می‌تواند و باید نقش نوینی ایفا نماید.

این نظام باید بر پایه مشارکت همگانی و برابری حقوق ملت‌ها استوار باشد؛ و همبستگی ما کشورهای عضو این جنبش برای شکل‌گیری این نظم نوین، از ضرورت‌های بارز عصر کنونی است.

خوشبختانه چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یک نظام چند وجهی است که در آن، قطب‌های سنتی قدرت جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع و با خاستگاه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌دهند. اتفاقات شگرفی که در سه دهه اخیر شاهد آن بوده‌ایم، آشکارا نشان می‌دهد که برآمدن قدرت‌های جدید با بروز ضعف در قدرت‌های قدیمی همراه بوده است.

این جابه‌جائی تدریجی قدرت، به کشورهای عدم تعهد فرصت می‌دهد تا نقش مؤثر و شایسته‌ای را در عرصه جهانی بر عهده بگیرند و زمینه یک مدیریت عادلانه و واقعاً مشارکتی را در پهنه گیتی فراهم آورند.

۲.۱. تجربه همکاری اعضای جنبش می‌تواند دستمایه گذار به نظامی عادلانه قرار گیرد؛ شرایط کنونی فرصتی تکرارنشده است

ما کشورهای عضو این جنبش توانسته‌ایم در یک دوران طولانی، با وجود تنوع دیدگاه‌ها و گرایش‌ها، همبستگی و پیوند خود را در چهارچوب آرمان‌های مشترک حفظ کنیم؛ و این دستاورد ساده و کوچکی نیست. این پیوند می‌تواند دستمایه گذار به نظامی عادلانه و انسانی قرار گیرد. شرایط کنونی جهان، فرصتی شاید تکرارنشده برای جنبش عدم تعهد است.

۲. بررسی اوضاع نابسامان مدیریت کنونی جهان

۱.۲. اتاق فرمان جهان نباید با دیکتاتوری چند کشور غربی اداره شود

سخن ما آن است که اتاق فرمان جهان نباید با دیکتاتوری چند کشور غربی اداره شود. باید بتوان یک مشارکت دموکراتیک جهانی را در عرصه مدیریت بین‌المللی شکل داد و تضمین کرد. این است نیاز همه کشورهای که مستقیم یا غیرمستقیم از دست‌اندازی چند کشور زورگو و سلطه‌طلب زبان دیده‌اند و می‌بینند.

اسلام به ما آموخته است که انسان‌ها با وجود ناهمگونی‌های نژادی و زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی و عدالت و نیکوکاری و همدردی و همکاری فرا می‌خواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه‌های گمراه‌کننده به سلامت عبور کند، انسان‌ها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون می‌گردد. این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که قادر است پایه و پشتوانه تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت - توأماً - گردد و شعاع معنویت را بر همه فعالیت‌های مادی و دنیائی انسان‌ها نفوذ دهد و بهشتی دنیائی - پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی - برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترک و همگانی است که می‌تواند شالوده‌ریز همکاری‌های برادرانه ملت‌هائی باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه تاریخی و منطقه جغرافیائی، شباهتی به یکدیگر ندارند.

۴. استوار شدن همکاری‌های بین‌المللی بر این شالوده، باعث می‌شود ارتباط دولت‌ها بر پایه منافع سالم مشترک و انسانی بنا شود

همکاری‌های بین‌المللی هرگاه بر چنین شالوده‌ای استوار باشد، دولت‌ها ارتباطات میان خود را نه بر اساس ترس و تهدید یا افزون‌طلبی و منافع یکجانبه یا واسطه‌گری افراد خائن و خودفروش، بلکه بر پایه منافع سالم و مشترک، و برتر از آن، منافع انسانیت بنا می‌کنند و وجدان بیدار خود و خاطر ملت‌های خود را از دغدغه‌ها آسوده می‌سازند.

این نظم آرمانی در نقطه مقابل نظام سلطه قرار دارد، که در قرن‌های اخیر قدرت‌های سلطه‌گر غربی و امروز دولت زورگو و متجاوز آمریکا، مدعی و مبلغ و پیشقراول آن بوده و هستند.

۵. امروز آرمان‌های اصلی جنبش عدم تعهد همچنان پابرجاست و اراده جمعی برای دست یافتن به آنها، امیدآفرین و ثمربخش است

میهمانان عزیز! امروز آرمان‌های اصلی جنبش عدم تعهد با گذشت شش دهه همچنان زنده و پابرجاست؛ آرمان‌هایی مانند استعمارزدائی، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، عدم تعهد به قطب‌های قدرت و ارتقاء همبستگی و همکاری میان کشورهای عضو. واقعیت‌های امروز جهان با آن آرمان‌ها دارای فاصله است؛ ولی اراده جمعی و تلاش همه‌جانبه برای عبور از واقعیت‌ها و دست یافتن به آرمان‌ها، هرچند پُر چالش، لیک امیدآفرین و ثمربخش است.



۲،۲. شورای امنیت سازمان ملل یک دیکتاتوری آشکار و دارای سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه، منسوخ و غیردموکراتیک است

شورای امنیت سازمان ملل دارای ساختار و سازوکاری غیرمنطقی، ناعادلانه و کاملاً غیردموکراتیک است؛ این یک دیکتاتوری آشکار و یک وضعیت کهنه و منسوخ و تاریخ مصرف گذشته است. با سوء استفاده از همین سازوکار غلط است که آمریکا و همدستانش توانسته‌اند زورگوئی‌های خود را در لباس مفاهیم شریف بر دنیا تحمیل کنند. آنها می‌گویند «حقوق بشر»، و منافع غرب را اراده می‌کنند؛ می‌گویند «دموکراسی»، و دخالت نظامی در کشورها را به جای آن می‌نشانند؛ می‌گویند «مبارزه با تروریسم»، و مردم بی‌دفاع روستاها و شهرها را آماج بمب‌ها و سلاح‌های خود می‌سازند. در نگاه آنها، بشریت به شهروندان درجه یک و دو و سه تقسیم می‌شوند. جان انسان در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ارزان، و در آمریکا و غرب اروپا گران قیمت‌گذاری می‌شود. امنیت آمریکا و اروپا مهم، و امنیت بقیه بشریت بی‌اهمیت دانسته می‌شود. شکنجه و ترور اگر به دست آمریکائی و صهیونیست و دست‌نشانندگان آنها صورت گیرد، مُجاز و کاملاً قابل چشم‌پوشی است. زندان‌های مخفی آنها که در نقاط متعددی در قاره‌های گوناگون شاهد زشت‌ترین و نفرت‌انگیزترین رفتارها با زندانیان بی‌دفاع و بی‌وکیل و بی‌محاکمه است، وجدان آنان را نمی‌آزارد. بد و خوب، کاملاً گزینشی و یکطرفه تعریف می‌شود. منافع خود را به نام «قوانین بین‌المللی»، و سخنان تحکم‌آمیز و غیرقانونی خود را به نام «جامعه جهانی» بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند و با شبکه رسانه‌ای انحصاری سازمان‌یافته، دروغ‌های خود را راست، و باطل خود را حق، و ظلم خود را عدالت‌طلبی وانمود می‌کنند و در مقابل، هر سخن حقی را که افشاگر فریب آنها است، دروغ، و هر مطالبه برحقی را یاغیگری می‌نامند.

۳،۲. این وضعیت معیوب و پرزبان، غیرقابل ادامه است؛ همه از این هندسه غلط بین‌المللی خسته شده‌اند و باید آن را علاج کرد

دوستان! این وضعیت معیوب و پرزبان، غیرقابل ادامه است. همه از این هندسه غلط بین‌المللی خسته شده‌اند. جنبش ۹۹ درصدی مردم در آمریکا بر ضدّ کانون‌های ثروت و قدرت در آن کشور، و اعتراض عمومی در کشورهای اروپای غربی به سیاست‌های اقتصادی دولت‌هاشان نیز نشان لبریزشدن پیمانانه صبر و تحمل ملت‌ها از این وضعیت است. باید این وضعیت نامعقول را علاج کرد. پیوند مستحکم و منطقی و همه‌جانبه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد می‌تواند در یافتن و پیمودن راه علاج، تأثیرات عمیقی بر جای بگذارد.

۳. معضل تسلیحات هسته‌ای و راهبرد جنبش در این باره

۱،۳. صلح و امنیت بین‌المللی از مسائل حادّ جهان است و خلع سلاح‌های کشتار جمعی، یک ضرورت فوری و مطالبه همگانی است

حضار محترم! صلح و امنیت بین‌المللی از جمله مسائل حادّ جهان امروز ما است و خلع سلاح‌های کشتار جمعی و فاجعه‌بار، یک ضرورت فوری و یک مطالبه همگانی است. در دنیای امروز، امنیت، پدیده‌ای مشترک و غیرقابل تبعیض است.

آنها که سلاح‌های ضد بشریت را در زرادخانه‌های خود انبار می‌کنند، حق ندارند خود را پرچمدار امنیت جهانی قلمداد کنند. این بی‌شک - نخواهد توانست نیز امنیت را برای خود آنها به ارمغان آورد. امروز با تأسّف فراوان دیده می‌شود که کشورهای دارنده بیشترین تسلیحات هسته‌ای، اراده‌ای جدی و واقعی برای حذف این ابزارهای مرگبار از دکتترین نظامی خود ندارند و آن را همچنان عامل رفع تهدید و شاخصی مهم در تعریف جایگاه سیاسی و بین‌المللی خود می‌دانند. این تصور، به کلی مردود و مطرود است. سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده امنیت و نه مایه تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هر دو است. حوادث دهه ۹۰ قرن بیستم نشان داد که داشتن این تسلیحات نمی‌تواند رژیم‌های همانند شوروی سابق را هم حفظ کند. امروز نیز کشورهایی را می‌شناسیم که با داشتن بمب اتم، در معرض امواج ناامنی‌های مهلکند.

۲،۳. ایران ضمن تأکید بر حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، استفاده از سلاح هسته‌ای را گناهی نابخشودنی می‌داند

جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیائی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی می‌داند. ما شعار «خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه کشورها است. همه باید بتوانند از این انرژی سالم در مصارف گوناگون حیاتی کشور و ملتشان استفاده کنند و در اعمال این حق، وابسته به دیگران نباشند.

۳،۳. حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در پنجه چند کشور غربی، تثبیت کند

چند کشور غربی که خود دارنده سلاح هسته‌ای و مرتکب این کار غیرقانونی‌اند، مایلند توان تولید سوخت هسته‌ای را نیز در انحصار خود نگه دارند. حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در مراکز با نام بین‌المللی ولی در واقع در پنجه چند کشور معدود غربی، تثبیت و دائمی کنند.

۴،۳. دولت آمریکا که دارنده بیشترین سلاح‌های هسته‌ای است، می‌خواهد پرچم مخالفت با اشاعه هسته‌ای را به دوش بگیرد

طنز تلخ روزگار ما آن است که دولت آمریکا که دارنده بیشترین و مرگبارترین سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی و تنها مرتکب به کارگیری آن است، امروز می‌خواهد پرچم مخالفت با اشاعه هسته‌ای را به دوش بگیرد! آنها و شرکای غربی‌شان رژیم صهیونیستی غاصب را به سلاح‌های هسته‌ای مجهز کرده و برای این منطقه حساس، تهدیدی بزرگ فراهم کرده‌اند؛ اما همین مجموعه فریبگر، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای کشورهای مستقل برنمی‌تابند و حتی با تولید سوخت هسته‌ای برای رادیوداروها و دیگر مصارف صلح‌آمیز انسانی، با هرچه در توان دارند، ستیزه‌گری می‌کنند. بهانه دروغین آنان، بیم از تولید سلاح هسته‌ای است. در مورد جمهوری



اسلامی ایران، آنان خود می‌دانند که دروغ می‌گویند؛ اما سیاست‌ورزی، آنگاه که کمترین اثری از معنویت در آن نباشد، دروغ را هم مجاز می‌شمرد. آیا آن که در قرن بیست‌ویکم زبان به تهدید اتمی می‌گشاید و شرم نمی‌کند، از دروغگوئی پرهیز و شرم خواهد کرد؟!

۵,۳. شکستن انحصار تولید انرژی هسته‌ای در چهارچوب معاهده عدم اشاعه، به سود کشورهای مستقل و کشورهای عضو جنبش است من تأکید می‌کنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه و سلاح هسته‌ای برای هیچ‌کس» است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و می‌دانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چهارچوب معاهده عدم اشاعه، به سود همه کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است.

۶,۳. تجربه سه دهه ایستادگی در برابر فشارها، ایران اسلامی را به این باور رسانده که با مقاومت می‌توان بر همه عنادها فائق آمد

تجربه سه دهه ایستادگی موفقیت‌آمیز در برابر زورگوئی‌ها و فشارهای همه‌جانبه آمریکا و متحدانش، جمهوری اسلامی را به این باور قطعی رسانده است که مقاومت یک ملت متحد و دارای عزم راسخ، قادر است بر همه خصومت‌ها و عنادها فائق آید و راه افتخارآمیز به سوی هدف‌های بلند خود را بگشاید. پیشرفت‌های همه‌جانبه کشور ما در دو دهه اخیر واقعیتی است که در برابر چشم همگان قرار دارد و رصدکنندگان رسمی بین‌المللی مکرراً بدان اذعان کرده‌اند؛ و این همه در شرایط تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و تهاجم تبلیغاتی شبکه‌های وابسته به آمریکا و صهیونیسم اتفاق افتاده است. تحریم‌هایی که یواژه‌گویان، آن را فلج‌کننده نامیدند، نه تنها ما را فلج نکرده است و نخواهد کرد، بلکه گام‌های ما را محکم‌تر، و همت ما را بلندتر، و اطمینان ما را به درستی تحلیل‌های خود و نیز به توانائی درون‌زای ملتمان راسختر کرده است. ما یاری خداوند را در این چالش‌ها بارها و بارها به چشم دیده‌ایم.

ج) تشریح مسئله فلسطین و راهبردهای حل آن

۱. ابعاد گسترده مسئله دردآور فلسطین از منطقه ما فراتر رفته و سیاست‌های جهانی را در طول چندین دهه تحت تأثیر قرار داده است

میهمانان گرامی! لازم می‌دانم در اینجا از یک مسئله بسیار مهم سخن بگویم؛ که اگرچه مربوط به منطقه ما است، ولی ابعاد گسترده آن از این منطقه فراتر رفته و سیاست‌های جهانی را در طول چندین دهه تحت تأثیر قرار داده است و آن، مسئله دردآور فلسطین است.

خلاصه این ماجرا آن است که یک کشور مستقل و دارای شناسنامه روشن تاریخی به نام «فلسطین»، بر اساس یک توطئه وحشتناک غربی با سردمداری انگلیس در دهه ۴۰ قرن بیستم، از ملت آن، غصب و به زور سلاح و کشتار و فریب، به جماعتی که عمدتاً از کشورهای اروپائی مهاجرت داده شده‌اند، واگذار گردیده است. این غصب بزرگ که در آغاز با کشتارهای جمعی مردم بی‌دفاع در شهرها و روستاها و

راندن مردم از خانه و کاشانه خود به کشورهای هم‌مرز همراه بود، در طول بیش از شش دهه همچنان با همین جنایت‌ها ادامه یافته است و امروز هم ادامه دارد. این، یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه بشریت است. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب صهیونیست، در این مدت از هیچ جنایتی پرهیز نکرده‌اند؛ از کشتار مردم و ویران کردن خانه‌ها و مزارع آنان و دستگیری و شکنجه مردان و زنان و حتی کودکان آنان، تا تحقیر و توهین به کرامت این ملت و سعی در نابودی و هضم آن در معده حرام‌خوار رژیم صهیونیستی، و تا حمله به اردوگاه‌های آنان در خود فلسطین و در کشورهای همسایه که میلیون‌ها آواره را در خود جای می‌داده است. نام‌های «صبرا» و «شتیلا» و «قانا» و «دیر یاسین» و امثال اینها با خون مردم مظلوم فلسطین در تاریخ منطقه ما ثبت شده است.

اکنون نیز پس از شصت و پنج سال، هنوز همچنان همین جنایت‌ها در رفتار گرگان درنده صهیونیست با باقی‌ماندگان در سرزمین‌های اشغالی ادامه دارد. آنها پی‌درپی جنایت‌های جدیدی می‌آفرینند و منطقه را با بحران تازه‌ای روبه‌رو می‌کنند. کمتر روزی است که خبری از قتل و جرح و زندانی کردن جوان‌هایی مخابره نشود که به دفاع از وطن و کرامت خود برخاسته و به ویرانگری مزارع و خانه‌های خود اعتراض کرده‌اند. رژیم صهیونیستی که با به راه انداختن جنگ‌های فاجعه‌بار و کشتار مردم و اشغال سرزمین‌های عربی و سازماندهی تروریسم دولتی در منطقه و جهان، ده‌ها سال ترور و جنگ و شرارت به راه انداخته، ملت فلسطین را که برای احقاق حق خود به پا خاسته و مبارزه می‌کنند، تروریست می‌نامد و شبکه رسانه‌های متعلق به صهیونیسم و بسیاری از رسانه‌های غربی و مزدور نیز با زیر پا گذاشتن تعهد اخلاقی و رسانه‌ای، این دروغ بزرگ را تکرار می‌کنند. سردمداران سیاسی مدعی حقوق بشر نیز چشم بر این همه جنایت بسته و بدون شرم و پروا، از آن رژیم فاجعه‌آفرین حمایت کرده و در نقش وکیل مدافع آن ظاهر می‌شوند.

۲. فلسطین، متعلق به فلسطینی‌ها است و ادامه اشغال آن، ظلمی بزرگ، تحمل‌ناپذیر و خطری عمده برای صلح و امنیت جهانی است

سخن ما آن است که فلسطین متعلق به فلسطینی‌ها است و ادامه اشغال آن، ظلمی بزرگ، تحمل‌ناپذیر و خطری عمده برای صلح و امنیت جهانی است. همه راه‌هایی که غربی‌ها و وابستگان آنها برای «حل مسئله فلسطین» پیشنهاد کرده و پیموده‌اند، غلط و ناموفق بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود. ما راه‌حلی عادلانه و کاملاً دموکراتیک را پیشنهاد کرده‌ایم: همه فلسطینی‌ها، چه ساکنان کنونی آن، و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه‌پرسی عمومی، با نظارتی دقیق و اطمینان‌بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه فلسطینیانی که سال‌ها رنج آوارگی را تحمل کرده‌اند، به کشور خود باز گردند و در این همه‌پرسی و سپس تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرکت نمایند. آنگاه صلح برقرار خواهد شد.



۳. آمریکا با پذیرش همه‌پرسی در میان فلسطینی‌ها، خود را از هزینه‌های سرسام‌آور ناشی از دفاع از رژیم صهیونیستی نجات دهد

در اینجا مایلیم پندی خیرخواهانه به سیاستمداران آمریکائی که تاکنون همواره به عنوان مدافع و پشتیبان رژیم صهیونیستی در صحنه حاضر شده‌اند، بدهم: این رژیم تاکنون برای شما دردسرهای بیشمار داشته است؛ چهره شما را در میان ملت‌های منطقه، منفور و شما را در چشم آنان شریک جنایات صهیونیست‌های غاصب معرفی کرده است؛ هزینه‌های مادی و معنوی که در طول سال‌های متمادی از این رهگذر به دولت و ملت آمریکا تحمیل شده است، سرسام‌آور است؛ و احتمالاً در آینده اگر همین روش ادامه یابد، هزینه‌های شما سنگین‌تر هم خواهد شد. بیایید به پیشنهاد جمهوری اسلامی درباره همه‌پرسی بیندیشید و با تصمیمی شجاعانه، خود را از گره ناگشودنی کنونی نجات دهید. بی‌شک مردم منطقه و همه آزاداندیشان گیتی از این اقدام استقبال خواهند کرد.

د) توصیه‌هایی برای نقش‌آفرینی بهتر جنبش در مدیریت تحولات جهانی

۱. جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است و غیر متعهدها می‌تواند در شکل‌دهی آینده نقشی بزرگ ایفا کند. میهمانان محترم! اکنون به سخن آغازین باز می‌گردم. شرائط گیتی حساس و جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظمی نوین در حال تولد یافتن باشد. مجموعه غیرمتعهدها حدود دو سوم اعضاء جامعه جهانی را در خود جای داده است و می‌تواند در شکل‌دهی آینده نقشی بزرگ ایفا کند.

۲. ما اعضاء این جنبش می‌توانیم برای نجات جهان از ناامنی، جنگ و سلطه‌گری، نقشی تاریخی و ماندگار بیافرینیم. تشکیل این اجلاس بزرگ در تهران نیز خود حادثه‌ای پرمعنا است که باید در محاسبات به کار آید. ما اعضاء این جنبش با هم‌افزایی امکانات و ظرفیت‌های گسترده خود می‌توانیم برای نجات جهان از ناامنی و جنگ و سلطه‌گری، نقشی تاریخی و ماندگار بیافرینیم.

۳. این مقصود فقط با همکاری‌های همه‌جانبه ما با یکدیگر و هم‌افزایی امکانات و ظرفیت‌ها امکان‌پذیر است. این مقصود فقط با همکاری‌های همه‌جانبه ما با یکدیگر امکان‌پذیر است. در میان ما، کشورهای بسیار ثروتمند و نیز کشورهای دارای نفوذ بین‌المللی، کم نیستند. علاج مشکلات با همکاری‌های اقتصادی و رسانه‌ای و انتقال تجربه‌های پیشبرنده و تعالی‌بخش، کاملاً امکان‌پذیر است.

۴. باید به هدف‌ها وفادار بمانیم؛ از اخم قدرت‌های زورگو نترسیم و به لبخند آنان دل خوش نکنیم و اراده الهی را پشتیبان خود

باید عزم‌همان را راسخ کنیم؛ به هدف‌ها وفادار بمانیم؛ از اخم قدرت‌های زورگو نترسیم و به لبخند آنان دل خوش نکنیم؛ اراده الهی و قوانین آفرینش را پشتیبان خود بدانیم؛ به شکست تجربه اردوگاه کمونیستی در دو دهه پیش، و شکست سیاست‌های به اصطلاح لیبرال دموکراسی غربی در حال حاضر - که نشانه‌های آن را در خیابان‌های کشورهای اروپائی و آمریکایی و گره‌های ناگشودنی اقتصاد این کشورها همه می‌بینند - با چشم عبرت بنگریم. و بالاخره سقوط دیکتاتورهای وابسته به آمریکا و همدست رژیم صهیونیستی در شمال آفریقا و بیداری اسلامی در کشورهای منطقه را فرصتی بزرگ بشماریم.

۵. تشکیل دبیرخانه فعال و پرانگیزه برای این تشکیلات، خواهد توانست به حصول این مقاصد کمکی بزرگ و پرتأثیر کند. ما می‌توانیم به ارتقاء «بهره‌وری سیاسی جنبش عدم تعهد» در مدیریت جهانی بیندیشیم؛ می‌توانیم برای تحول در این مدیریت، سندی تاریخی تهیه کنیم و ابزارهای اجرائی آن را فراهم نمائیم؛ می‌توانیم حرکت به سمت همکاری‌های مؤثر اقتصادی را طراحی و الگوهای ارتباط فرهنگی میان خود را تعریف کنیم. بی‌شک تشکیل دبیرخانه فعال و پرانگیزه‌ای برای این تشکیلات، خواهد توانست به حصول این مقاصد، کمکی بزرگ و پرتأثیر تقدیم کند.

متشکرم



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|--|---------------------------------|---|
| ۱ | تحول در حوزه‌های علمیه و زنده کردن ظرفیت‌های درونی آن و ارتقاء سطح اخلاق، فکر و معرفت دینی طلاب جدی گرفته شود | اعضای شورای عالی علمیه حوزه‌های | حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی... با اشاره به منزلت و جایگاه این شورا در تربیت روحانیان و علمای تأثیرگذار، بر ضرورت جدی گرفتن تحول در حوزه‌های علمیه و زنده کردن ظرفیت‌های درونی آن و ارتقاء سطح اخلاق، فکر و معرفت دینی طلاب تأکید کردند. |
| ۲ | در کنار توجه به تربیت فقیه، به آموزش و فراگیری علوم عقلی اعم از فلسفه و کلام نیز اهتمام شود | اعضای شورای عالی علمیه حوزه‌های | رهبر انقلاب اسلامی مبنای اصلی کار در حوزه‌های علمیه را تربیت فقیه خواندند و خاطرنشان کردند: لازم است در کنار توجه به این مبنای اصلی، به آموزش و فراگیری علوم عقلی اعم از فلسفه و کلام نیز اهتمام شود. |
| ۳ | مواردی چون «پرهیز از تقلید روش‌های مدیریتی دیوان‌سالارانه»، «گسترش تشکیلات اداری»، «موازی‌کاری» و «مدرک‌گرایی» لوازم «صورت و قالب» فعالیت‌های حوزه‌های علمیه است | اعضای شورای عالی علمیه حوزه‌های | رهبر انقلاب اسلامی... «روح» حاکم بر حوزه‌های علمیه را تربیت علمای وارسته دانستند و در تبیین لوازم «صورت و قالب» فعالیت‌های حوزه‌های علمیه، بر مواردی همچون پرهیز از تقلید روش‌های مدیریتی دیوان‌سالارانه، گسترش تشکیلات اداری، موازی‌کاری و مدرک‌گرایی تأکید کردند. |
| ۴ | لازم است در زمینه تقویت سطح علمی و آموزشی در حوزه‌های علمیه برنامه‌ریزی شود | اعضای شورای عالی علمیه حوزه‌های | رهبر انقلاب تقویت سطح علمی و آموزشی در حوزه‌های علمیه را ضرورتی قابل توجه دانستند و تصریح کردند: لازم است شورای عالی حوزه‌های علمیه در این زمینه برنامه‌ریزی کنند. |

دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه سراسر کشور

۱۳۹۱/۰۶/۱۴



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه سراسر کشور، با اشاره به منزلت و جایگاه این شورا در تربیت روحانیان و علمای تأثیرگذار، بر ضرورت جدی گرفتن تحول در حوزه‌های علمیه و زنده کردن ظرفیت‌های درونی آن و ارتقاء سطح اخلاق، فکر و معرفت دینی طلاب تأکید کردند.

رهبر انقلاب اسلامی، مبنای اصلی کار در حوزه‌های علمیه را تربیت فقیه خواندند و خاطرنشان کردند: «لازم است در کنار توجه به این مبنای اصلی، به آموزش و فراگیری علوم عقلی اعم از فلسفه و کلام نیز اهتمام شود».

ایشان «روح» حاکم بر حوزه‌های علمیه را تربیت علمای وارسته دانستند و در تبیین لوازم «صورت و قالب» فعالیت‌های حوزه‌های علمیه، بر مواردی همچون پرهیز از تقلید روش‌های مدیریتی دیوان‌سالارانه، گسترش تشکیلات اداری، موازی‌کاری و مدرک‌گرایی تأکید کردند.

رهبر انقلاب تقویت سطح علمی و آموزشی در حوزه‌های علمیه را ضرورتی قابل توجه دانستند و تصریح کردند: «لازم است شورای عالی حوزه‌های علمیه در این زمینه برنامه‌ریزی کنند».

پیش از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ابتدا آیت‌الله استادی رئیس شورای عالی حوزه علمیه و سپس حضرات آقایان مقتدایی، غروی و حسینی بوشهری گزارش‌هایی از اقدامات دوره گذشته مدیریت حوزه و نیز مصوبات و سیاست‌گذاری‌های شورای عالی و برنامه‌های مدیریت در دوره پیش رو را بیان کردند.



مقدمه

تبریک عرض می‌کنم فارغ‌التحصیلی شما جوانان عزیز و افسران پرنشاط و باانگیزه نیروهای مسلح در ارتش جمهوری اسلامی ایران را، و همچنین آغاز تحصیل و فراگیری در دانشگاه‌های نظامی را برای جوانانی که این راه را امروز آغاز می‌کنند.

الف) جایگاه و وظیفه دانشجویان دانشگاه‌های نظامی

۱. راه دانشجویان دانشگاه‌های نظامی، راه پرافتخار و نورانی پیربرکت و راه دفاع از آرمان‌های اسلامی در بخش پرخطر آن است

راه شما راهی پرافتخار است؛ راه شما راهی است که هر انسان آزاده‌ای با نگاه به آن، با آگاهی از آن، آن را در دل ستایش می‌کند؛ راه دفاع از آرمان‌های بلند اسلامی که برای بشر یک نیاز حتمی و ضروری و حیاتی است. شما در این راه وارد شدید، آن هم در بخش

حساس و پرخطر آن. نیروهای مسلح، نوک پیکان نظام اسلامی و الهی و تمدن الهی

و اسلامی در مقابله با دشمنان، بدخواهان و کینه‌ورزانند. جوانان عزیز ما این میدان را با انگیزه، با عشق و علاقه، با آگاهی و بصیرت طی می‌کنند و افتخار دنیوی و اجر اخروی و الهی را حائز می‌شوند. عزیزان من! راه نورانی پربرکتی است؛ قدر این راه را بدانید؛ در هر بخشی از نیروهای مسلح و از ارتش جمهوری اسلامی ایران مشغول فعالیت و خدمت هستید یا خواهید بود، آن را حسنه‌ای بدانید که خدای متعال برای آن به شما اجر خواهد داد و موجب نورانی شدن چهره شما در دنیا و آخرت خواهد بود. همچنین لازم است به مسئولان محترم ارتش جمهوری اسلامی و مسئولان این دانشگاه، به‌خاطر زحماتی که در راه تربیت شما جوانان به کار برده‌اند و متحمل شده‌اند تبریک عرض بکنم و خسته‌نباشید بگویم.

۲. برای عزیزان دانشجو و افسران جوان نیروهای مسلح، میدان نوآوری و ابتکار باز است

امروز هم برنامه‌های این میدان، برنامه‌هایی همراه با جمال و ابتکار بود. ان‌شاءالله موفق باشید و بتوانید هر گامی که جلو می‌گذارید، کشور را و ملت عزیزی را که پشتیبان شما است یک گام به جلو ببرید. امروز عشق به پیشرفت، میل به تحرک و ابتکار و نوآوری، در کشور

ما موج می‌زند. در بخش‌های مختلف - در بخش‌های علمی، فنی، ابتکارات، مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی - همه در فکر ایجاد راه‌های ابتکاری و نو هستند، و برای شما هم - عزیزان دانشجو و افسران جوان در ارتش جمهوری اسلامی و در سراسر نیروهای مسلح - این میدان باز است. هم جوانید و برخوردار از موهبت نشاط جوانی، هم در محیط علمی مشغول تلاشید، هم افتخار حضور در نیروهای مسلح را دارید - که به فرموده امیر مؤمنان حصون رعیتند، حصارهای مستحکم کشور و ملتند - و مشغول انجام وظیفه‌اید.

ب) چرایی اهانت به چهره منور خاتم پیامبران و پیامدهای آن

۱. اهانت به خاتم پیامبران، حرکت دیوانه‌وار دشمنان در مقابله با بیداری اسلامی و حرکت خروشان برآمده از جمهوری اسلامی است

هرچه می‌گذرد، اهمّیت و ارزش تلاش در بنای جمهوری اسلامی و استحکام بخشیدن به آن بیشتر آشکار می‌شود. دشمنان اسلام و امت اسلامی، امروز در رویارویی خود با این حرکت بزرگ و جوشان و خروشان، احساس می‌کنند دچار عقب‌ماندگی‌اند؛ لذا به کارهای دیوانه‌وار دست می‌زنند. حادثه اخیر اهانت به چهره منور خاتم پیامبران (صلی الله علیه و اله و سلم) از جمله عبرت‌های تاریخ ما است و عبرت باقی خواهد ماند. سردمداران نظام‌های استکباری در حالی که این حرکت را محکوم نمی‌کنند و وظیفه خود را در قبال این جرم بزرگ انجام نمی‌دهند، سعی می‌کنند خود را از این جریمه سنگین برکنار بدارند؛ ادّعا می‌کنند که ما دخیل در این جنایت نیستیم.

۲. سردمداران استکبار جلوی تجاوز به مقدسات اسلام را نخواهند گرفت؛ چون برای اهانت به اسلام انگیزه دارند

ما اصرار نداریم اثبات جرم برای کسانی یا مسئولانی و دست‌اندرکارانی بکنیم، اما رفتار و شیوه سردمداران استکبار، سیاستمداران آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، موجب شده است که انگشت اتهام از سوی ملت‌ها به سمت آنها دراز بشود. باید خودشان را تبرئه کنند. باید ثابت کنند که در این جرم بزرگ شرکت ندارند. اثبات هم با این نمی‌شود که به زبان چیزی بگویند، باید عملاً این را اثبات کنند، باید جلوی این تجاوزها را بگیرند؛ البته نخواهند گرفت. دلیل آن هم روشن است؛ انگیزه وجود دارد در دستگاه‌های استکبار برای اهانت به اسلام و مقدسات اسلام. آنچه آنها را وادار می‌کند دست به این عمل جنون‌آمیز و این‌گونه اعمال بزنند، حرکت عظیم بیداری اسلامی است.

۳. کشورهای غربی نسبت به هلوکاست و همجنس‌بازی خطوط قرمز دارند؛ اما نسبت به اهانت به اسلام مدعی آزادی بیان هستند

آن وقت آنها بهانه می‌آورند که ما به‌خاطر احترام به آزادی نمی‌توانیم جلوی این گناهان بزرگ را - که از افراد صادر می‌شود -



بگیریم! چه کسی باور می‌کند در دنیا؟ چه کسی باور می‌کند در کشورهای که خطوط قرمز مشخصی در آنها وجود دارد برای اینکه اصول استکباری آنها بر هم نخورد - که با شدت و حدت تمام، این خطوط قرمز را مراعات می‌کنند و با زور و خشونت، جلوی تجاوز به آنها را می‌گیرند - در زمینه اهانت به مقدسات اسلام، ملتزم به آزادی بیان هستند؟

امروز در بسیاری از کشورهای غربی کسی جرأت ندارد که واقعه مجهول‌الحال هولوکاست را زیر سؤال ببرد. آن طوری که اطلاع دادند به ما، در آمریکا اگر کسانی با تکیه به مبانی روانشناسی و جامعه‌شناسی بخواهند بر علیه همجنس‌بازی چیزی بنویسند و منتشر کنند، قادر نخواهند بود، جلویشان گرفته می‌شود! اینها چطور ملتزم به آزادی بیانند؟ آن جایی که پای سیاست‌های خبیث صهیونیستی در میان است که باید اخلاق ملت‌ها و نسل‌های جوان به فساد کشیده بشود، در آنجا آزادی بیان معنا ندارد و کسی جرأت نمی‌کند و حق ندارد در مقابل این سیاست خباثت‌آلود و رذیلانه چیزی منتشر کند - یا در قبال مسئله‌ای مثل هولوکاست - اما برای اهانت به مقدسات اسلامی و به خیال خودشان برای سبک کردن این مقدسات در چشم جوانان کشورهای اسلامی چرا! کسی از اینها باور نمی‌کند.

۴. کسی باور نمی‌کند رژیم آمریکا که از حسنی مبارک و پهلوی حمایت کرد؛ طرفدار دموکراسی باشد

کسی باور نمی‌کند که رژیم آمریکا که سی سال از کسی مثل حسنی مبارک به جد حمایت کرده است، سی و پنج سال از کسی مثل محمدرضای پهلوی در ایران با همه آن جنایات پشتیبانی کرده است، این رژیم طرفدار دموکراسی باشد؛ کسی باور نمی‌کند که حمله آنها به عراق و حمله به صدام حسین به خاطر مبارزه با دیکتاتوری باشد. اینها خودشان دیکتاتور پرورند. دیکتاتورهای منطقه اسلامی ما در طول زمان‌های مختلف، با تکیه به آنها توانسته‌اند و همچنان می‌توانند به مردم خودشان زور بگویند و ظلم کنند و تبعیض روا بدارند. چطور اینها ادعای دموکراسی‌خواهی می‌کنند. کسی از آنها باور نمی‌کند.

۵. افکار عمومی ملت‌ها علیه سیاست‌های آمریکاست؛ لذا وقتی اهانت به وجود می‌آید، حرکت مردم به سمت مراکز وابسته به آمریکاست

امروز در دنیا، افکار عمومی ملت‌ها بر علیه سیاست‌های آمریکایی و صهیونیستی است. بله، دولت‌ها به خاطر ملاحظات دم بر نمی‌آورند، اما ملت‌ها دل‌هایشان پر است. وقتی منفذی پیدا می‌شود، موردی به وجود می‌آید - مثل این مورد - می‌بینید حرکت مردم به سمت مراکز وابسته به آمریکا است؛ به مراکز سیاسی، به مراکز اجتماعی آمریکایی در کشورهای مختلف. منفورند.

۶. رویارویی مستکبران زمانه با اسلام و طلوع این خورشید تابان، بدون شک با پیروزی اسلام به پایان خواهد رسید

رویارویی مستکبران زمانه ما با اسلام و طلوع این خورشید تابان، یک رویارویی است که بدون شک با پیروزی اسلام به پایان خواهد رسید. نظام جمهوری اسلامی، وظیفه بزرگی را در این زمینه بر عهده دارد و شما جوانان عزیزی که در این میدان و در سرتاسر نیروهای

مسلح اجتماع کرده‌اید، بخش حساسی از این مسئولیت را بر عهده دارید.

امیدواریم خدای متعال همه شما را موفق بدارد؛ و شهیدان عزیزی که در این سی و دو سه سال در این راه جان خود را فدا کرده‌اند، چهره‌شان را همواره نورانی و روحشان را با اولیائش محشور بسازد؛ و امام عزیز ما را که این راه را به روی همه ما گشود، با اولیائش محشور کند. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---------------------------------------|--------------------------------------|---|
| ۱ | نوآوری و ابتکار در بخش‌های علمی و فنی | دانشجویان و افسران جوان نیروهای مسلح | در بخش‌های مختلف - در بخش‌های علمی، فنی، ابتکارات، مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی - همه در فکر ایجاد راه‌های ابتکاری و نو هستند، و برای شما هم - عزیزان دانشجو و افسران جوان در ارتش جمهوری اسلامی و در سراسر نیروهای مسلح - این میدان باز است. |





الف) بیان نکاتی در ارتباط با جلسه

۱. در جمع نیروهای مسلح و همسران و فرزندان آنها، احساس آمادگی برای کارهای بزرگ در هر انسانی زنده می‌شود. جمع جوانان، کارکنان، زحمتکشان نیروهای مسلح و همسران و فرزندان آنها، یک نمونه گلچین شده‌ای از ملت ایران است که در احساسات او، در دل او، در اندیشه او، آرمان‌های بلند موج می‌زند. خوشوقتم از اینکه امشب این توفیق را خدای متعال به من داد که در جمع شما حضور پیدا کنم و از خدای متعال، رحمت او، برکات او، عافیت او را برای همه شما مسئلت می‌کنم.

۲. آیاتی که خوانده شد و تأکید بر اینکه هر سختی در کنار خود گشایش به همراه دارد، یک فکر عظیم کارساز برای همه جوامع است

برنامه‌ای که این جوانان عزیز ما، دانشجویان این دانشگاه اجرا کردند، برنامه خوبی بود؛ آیات امیدبخش قرآن کریم و تأکید بر اینکه هر سختی‌ای همراه خود و در کنار خود یک گشایش و آسایش را دارد. این یک فکر عظیم کارسازی است برای همه جوامع که من مختصری در این زمینه توضیح عرض خواهم کرد.

۳. مبدا صفات، خصال و مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر است را در سطح انسان‌های کوچک و ناقصی چون امثال این حقیر تنزل دهیم

من به شما عرض می‌کنم، به همه هم این را می‌گویم و گفته‌ام و تکرار می‌کنم؛ مبدا آن صفاتی، خصلتی، مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هست، اینها را تنزل بدهیم در سطح انسان‌های کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر. اینی که گفته می‌شود کسانی که در این سفینه سوارند، غم طوفان ندارند:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

این نوح امام زمان است، اما با یک نگاه عمومی به طول تاریخ اسلام وقتی نگاه کنیم - که سعدی هم با همان نگاه این شعر را گفته است - وجود مقدس خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله) نوح کشتیبان این امت است. بله، این امت در طول تاریخ خود، فراز و نشیب‌هایی داشته؛ گاهی به گل نشست، گاهی دچار ذلت شده، گاهی با مشکلات غیرقابل توصیفی مواجه شده، دست به گریبان شده؛ این ناشی از این است که سوار کشتی نشده. اگر واقعاً متمسک بشویم، متوسل بشویم بر کشتی نجات اسلام، همراه پیغمبر باشیم، مسلماً پیروزی نصیب ماست. البته دریا طوفان دارد، سختی دارد، مشکلات دارد، گاهی هراس‌های بزرگ دارد، اما وقتی کشتیبان، بنده برگزیده خداست، معصوم است، آن وقت دیگر بیمی وجود ندارد. این آن نکته کوتاهی بود که خواستم عرض بکنم؛ این صفات را مخصوص بدانید به آن بزرگواران. نوح این کشتی اوست، پشتیبان این امت اوست، واسطه فیض الهی به یکایک آحاد ما، به دل‌های ما، به جان‌های ما، به ذهن‌های ما، به جسم‌های ما، به حیات فردی و اجتماعی، وجود مقدس خاتم‌الاولیاء و در رتبه قبل از او، وجود مقدس خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله) است.

ب) تبیین بیداری اسلامی در ایران، پیشرفت‌های ناشی از آن و الزامات ادامه حرکت

۱. پیروزی انقلاب اسلامی، ناشی از بیداری اسلامی ملت ایران

۱,۱. ملت ما پیش از ملت‌های دیگر به بیداری اسلامی دست یافت و به برکت آن در یک راه پرافتخار و خوش عاقبتی در حرکت است و اما حرف اصلی، به مناسبت اینکه شما آحادتان جزو صف‌کشیدگان در خطوط مقدم یک حرکت اجتماعی ملت ایران هستید؛ خانواده‌ها یک جور، اشخاص و افراد جور دیگر. حرف اصلی این است که کشور ما، ملت ما به برکت بیداری اسلامی که پیش از ملت‌های دیگر به این بیداری دست یافت، در یک راه پرافتخاری، خوش عاقبتی در حال حرکت است. هر کس این را انکار کند، انکار واضحی را کرده است.

۱,۲. ملت ما سال‌ها عقب افتاده بود؛ تا اینکه امام با شخصیت استثنایی خود، طی مبارزه‌ای دشوار، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند

ما یک ملتی بودیم که با وجود استعداد خوب، با وجود پیشینه تاریخی موجب سرافرازی، با وجود امکانات طبیعی فراوان، در دنیا جزو ملت‌های عقب‌افتاده و بی‌تأثیر در همه تحولات جهانی، و خود متأثر از اراده قدرت‌های مداخله‌گر بین‌المللی بودیم. نیروهای مسلح ما، دانش ما، مسائل اجتماعی ما، سیاستمداران ما، هیئت حاکمه ما در طول سال‌های متمادی تحت تأثیر دخالت‌های دشمنان این ملت و کینه‌ورزان به آرمان‌های این ملت، در وضع تأسف‌باری قرار داشتند. البته جرقه‌هایی در طول تاریخ، به خصوص در دوران‌های اخیر می‌زد، شعله‌هایی روشن می‌شد، لکن فضا آن قدر سنگین بود که این جرقه‌ها نمی‌توانست راه را برای مردم روشن کند. تا انقلاب اسلامی به وجود آمد، تا مبارزات اسلامی آغاز شد. دوران مبارزات، دوران دشواری بود؛ امید به اینکه این مبارزات به پیروزی برسد، پیش بعضی‌ها صفر بود، پیش بعضی‌ها اندکی بالاتر از صفر؛ امید زیادی وجود نداشت. امام بزرگوار ما با شخصیت خداداده نسبت به زمان ما استثنائی، توانست این راه را ادامه بدهد. با نفس گرم خود، با حکمت او، با اخلاص و دینداری او، با خداباوری او، این راه ادامه پیدا کرد. صدها بار کسانی که تو آن راه بودند، دچار تردید

می‌شدند، دچار تزلزل می‌شدند، اما وقتی نفس گرم آن مرد خدائی به آنها می‌رسید، دوباره همه چیز از نو شکوفا می‌شد. خدا به او کمک می‌کرد، زمینه آماده‌ای در وجود او، شخصیت او بود، و خدای متعال هم به او پاداش می‌داد، به او الهام می‌کرد، او را هدایت می‌کرد، دست او را می‌گرفت و به او کمک می‌کرد، تا رسید به مقطع انقلاب اسلامی، و با ناباوری همه عالم، این انقلاب پیروز شد.

۲. تفاوت‌های بیداری اسلامی در منطقه با ایران اسلامی

و من به شما عرض بکنم، امروز در تعدادی از کشورهای دنیای اسلام، بیداری اسلامی دارد خودش را نشان می‌دهد و خیلی هم چیز مبارکی است و ما هم از اول از آن استقبال کردیم؛ اما فرق‌ها زیاد است.

۱،۲. در انقلاب ما، یک مطالبه و یک همت بر همه دل‌ها و ذهن‌ها در سرتاسر این کشور بزرگ حاکم بود

در انقلاب ما، در حرکت عمومی ملت ما، در سرتاسر این کشور بزرگ شاید روستائی نبود، شهر کوچکی نبود که در او شعبه‌ای از این شعله مقدس چشم‌ها را خیره نکند. همه جا، سرتاسر کشور یک شعار، یک مطالبه، یک همت بر همه دل‌ها و ذهن‌ها حاکم بود. مردم به معنای واقعی کلمه این بار سنگین را با جسم‌های خودشان، با روح‌های خودشان، با دل‌های خودشان بلند کردند. توی خیابان‌ها مردم با جسم خودشان در مقابله با طاغوت حاضر شدند؛ در دنیا هم چنین چیزی سابقه نداشت.

۲،۲. در انقلاب ما توده مردم بدون سلاح و با ایمان عمیق وسط میدان آمدند و خون بر شمشیر پیروز شد

یکی از رهبران معروف دنیا که نمی‌خواهم اسم بیاورم، آمد ایران. من برای او تشریح کردم که چگونه انقلاب اسلامی پیروز شد؛ نه کودتای نظامی شد، نه افسران جوانی آن طور که در دنیا معمول بود آمدند میدان که رژیم طاغوت را سرنگون کنند، نه احزاب سیاسی فعالیت می‌توانستند بکنند یا کردند، نه نخبگان نقش مهمی داشتند، نقش مال توده مردم بود، آن هم نه با سلاح. شما امروز نگاه کنید توی بعضی از این کشورها، توده مردم برای پیشبرد کارهاشان سلاح دستشان است؛ دست ملت ایران سلاح نبود. با دست خالی، با جسم خودشان آمدند وسط میدان. دل خودشان را، قلب خودشان را، خون خودشان را کف دست گرفتند آمدند میدان. خب این بدون ایمان نمی‌شود؛ این بدون یک ایمان عمیق امکان ندارد. این ایمان عمیق در بین مردم گسترده شد، آمدند وسط میدان و خون بر شمشیر پیروز شد و این طبیعت همه جاست؛ همه جا همین جور است. هر جا ملتها حاضر به فداکاری باشند، جانشان را کف دست بگیرند، ببینند، هیچ قدرتی در مقابل آنها یارای مقاومت ندارد. همیشه خون بر شمشیر پیروز می‌شود، وقتی ملتها ببینند وسط. من وقتی برای آن رهبر آفریقائی پیروزی انقلاب اسلامی را تشریح کردم، برایش خیلی جالب بود، خیلی تازه بود. رفت، بعد از اندکی دیدم در داخل کشور خودش همین حرکت مردمی راه افتاد، احساس کردم الهام گرفته از رفتار امام بزرگوار ماست، رفتار ملت ایران است و پیروز هم شد. او بر یکی از قدرتهای بزرگ زورگوی مسلط خبیث عالم توانست پیروز بشود و کشورش را نجات داد.

۳،۲. مسئولین ما احساس نکردند مجبورند حرف قدرتهای بزرگ را قبول کنند؛ چون متکی به اراده مردم حاضر در میدان بودند

این وضعیت ملت ایران بود؛ همه آمدند توی میدان. برای همین هم از روز اول مسئولین کشور احساس نکردند که مجبورند حرف زیادی و توقع زیادی قدرتهای بزرگ را قبول بکنند. شما خیال نکنید اینی که حالا فلان کشوری که تازه انقلاب کرده، آمریکائی‌ها فشار می‌آورند، غربی‌ها فشار می‌آورند، مسئولینشان را وادار به یک موضعگیری‌هایی می‌کنند، این در ایران نبود؛ چرا، اینجا هم بود. اینجا هم همین فشارها وجود داشت، کسی به این فشارها اعتنا نمی‌کرد، احتیاج نداشت. مسئولین کشور متکی بودند به اراده مردم، به ایمان مردم، خاطرشان جمع بود که این میدان پر از انسان‌های با عزم و اراده و همراه با شعور کامل است. این بود، احتیاجی نبود. تا امروز هم همین است. امروز هم نظام جمهوری اسلامی به حول و قوه الهی، خودش را مجبور نمی‌بیند که حرف هیچ ابرقدرتی را، خواست هیچ قدرت سلطه‌گر و مداخله‌گری را قبول بکند. هرچه که به صلاحش بود، آن را می‌پذیرد و عمل می‌کند، هرچه به صلاحش نبود، آن را به یک کناری می‌اندازد، ولو همه قدرتهای عالم عصبانی بشوند، خشمگین بشوند؛ سیاست این است. این، به خاطر اتکا به ایمان مردم است.

۳. پیشرفت‌های نظام اسلامی

۱،۳. از روز اول انقلاب تا امروز، گذشت زمان، آرمان‌های انقلاب را برای آحاد مردم ما روشن تر کرده و این، مهم‌ترین پیشرفت است از روز اول انقلاب تا امروز، آرمان‌های انقلاب برای آحاد مردم ما روشن تر شده است. آن روز گفتیم جمهوری اسلامی، آن روز گفتیم پیشرفت اسلامی، به تدریج در طول این سال‌ها، این واژه‌ها معنای خودش را برای ما روشن کرده. می‌دانیم که جمهوری اسلامی یعنی چه. مردم‌سالاری اسلامی، تکیه نظام بر آراء مردم، انتخاب مردم، خواست مردم یعنی چه. می‌دانیم اینی که گفتیم «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، استقلال یعنی چه. آن روز این واژه‌ها به صورت سرپیسته به عنوان یک آرمان برای ما مطرح بود، گذشت زمان مردم ما را، نخبگان ما را، سیاسیون ما را، جوانان ما را نسبت به ابعاد گوناگون استقلال روشن کرده. می‌دانیم که استقلال چیست، خطراتش چیست، امتیازهاش کدام است، راه دستیابی به آن چیست، راه گذشت از خطرات چگونه است، پیش رفتیم. این مهم‌ترین پیشرفت است.

۲،۳. یکی از پیشرفت‌های جمهوری اسلامی این است که با گذشت زمان، ریشه و بدنه آن مستحکم‌تر و شاخ و برگ او گسترده‌تر شد پیشرفت نشانه واضحی دارد، پیشرفت در ریشه‌دار شدن و استحکام نظام جمهوری اسلامی است. یک درخت سالم و ماندگار اگر پنجاه سال از عمرش گذشت، شما به ریشه او و به تنه او وقتی مراجعه کنید و آزمایش کنید، دچار پوکی نشده. بعضی درخت‌ها سرچالند، بانشاطند، شادابند؛ ده سال، بیست سال، سی سال بیشتر عمر نمی‌کنند، بعد پوک می‌شوند. پوک که شدند، احتیاج ندارد که کسی زحمت بکشد برای انداختن آنها، یک باد تندی که بیاید، سرنگون می‌شوند، از کمر می‌شکنند؛ اما درختی که استعداد ماندن دارد، دارای این قدرت و ظرفیت هست که بماند، شما می‌بینید دو قرن، سه قرن از عمر این درخت می‌گذرد، سرسبزی او از روز اولی که برگ کرده، بیشتر است



و کمتر نیست، نشاط او در بهار، درخت‌های دیگر را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. «توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها». یکی از پیشرفت‌های یک نظام این است که هرچه زمان می‌گذرد، ریشه او مستحکم‌تر بشود، شاخ و برگ او گسترده‌تر بشود، بدنه آن استحکام بیشتری پیدا کند. امروز بدنه نظام جمهوری اسلامی، استحکامش از سال ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و آن سال‌های اولیه بیشتر است. آن روز دشمنان ما احتمال بیشتری می‌دادند که بتوانند نظام را سرنگون کنند. امروز امیدهای آنها به مراتب ضعیف شده است و در موارد بسیاری این امیدها تبدیل به یأس شده. این استحکام نظام را نشان می‌دهد.

خب، این یک بحث دیگری است که این استحکام از کجا می‌آید، ناشی از چیست؟ این استحکام روزافزون، این ریشه‌دار شدن پی‌درپی، ناشی از چیست؟ ناشی از ایمان‌های عمیق است؟ ناشی از نفوذ ایمان در دل‌هاست؟ ناشی از سلامت شعارهاست؟ ناشی از نفس گرم آن بنیانگذار بزرگ و به معنای حقیقی کلمه عظیم، امام بزرگوار است. ناشی از چیست؟ اینها البته یک بحث‌های مهمی است که جوان‌های ما، دانشوران ما در حوزه و دانشگاه این بحث‌ها را کردند، می‌کنند، باز هم باید بکنند، من به این بحث‌ها کاری ندارم، آنچه که وجود دارد، این حرکت، رو به جلو و پیشرفت است. این پیشرفت حاصل شده. این، اصل قضیه است.

۳۳. در شاخ و برگ‌های نظام، مثل حرکت علمی، زمینه‌های سیاسی و بین‌المللی و نهادهای اجتماعی پیشرفت‌های خوبی داشتیم

آن وقت وارد شاخه‌ها که می‌شوید، باز نشانه پیشرفت را می‌بینید. مثلاً در علم ما پیشرفت کردیم، در فناوری برخاسته از علم پیشرفت کردیم. من همین دانشگاه علوم دریائی را بیست سال، بیست و چهار سال، بیست و پنج سال قبل آمده‌ام بازدید کردم. البته از آن وقت تا حالا، بارها بازدید کردم. آن وقت این دانشگاه را هم دیدم، امروز این دانشگاه را هم دارم می‌بینم، قابل مقایسه نیستند. رشد انگیزه‌ها که دنبال خود، رشد حرکت علمی را دارد، یک پدیده شگفت‌آور است که انسان را واقعاً دچار خرسندی عمیق می‌کند؛ آدمی را که آگاه هست، دچار شگفتی می‌کند. البته در همه جا همین جور است؛ در دانشگاه‌های کشور همین جور است، در پژوهشگاه‌های کشور همین جور است، در مراکز علمی‌ای که نبوده است و تولید شده است و به وجود آمده است، همین طور است، امید دانشمندان ما همین جور است. دانشمندان نسل‌های گذشته ما که وجودشان هم خیلی برای ما محترم است و ما از هر کسی که در راه دانش زحمتی کشیده تقدیر می‌کنیم و احترام برایش قائلیم، چون مال یک مرتبه دیگری بودند، پیشرفت‌های علمی نسل جوان را سر همین قضیه پیشرفت‌های صنعت هسته‌ای باور نمی‌کردند! من این را شاید یک بار دو بار دیگر هم گفته‌ام. وقتی این پیشرفت‌ها حاصل شده بود، چند نفر از دانشمندان برجسته ما که من اینها را می‌شناختم، هم از لحاظ علمی برجسته‌اند، هم از لحاظ نیت، انسان‌های صادق‌النیه‌ای هستند، به من نامه نوشتند، گفتند آقا باور نکنید، باور نکنید! اینی که می‌گویند، این نمی‌شود، نشده! هم پیشرفت‌های هسته‌ای را، هم آن پیشرفت‌های مربوط به سلول‌های بنیادی را که جزو جلودارهای این حرکت علمی جدید چندین ساله اخیر بود. باور نمی‌کردند، اما اتفاق افتاده بود و بود. گذشت زمان هم بیشتر نشان داد که بله، این پیشرفت‌ها واقع شده. یعنی حرکت علمی، حرکتی است که برای آن نسل گذشته ما که گفتم هم دانششان، هم خیرخواهی و نیت صادقانه‌شان برای ما معلوم است، قابل باور نبود. و من امروز به شما عرض می‌کنم این جوان‌های ما کارهایی دارند در زمینه‌های علمی و پیشرفت‌های علمی و اکتشافات و ساخت و سازهای علمی

می‌کنند که باز شاید برای بعضی نسل‌های متوسط ما هم قابل باور نباشد، اگرچه حالا یواش یواش دیگر همه این پیشرفت را باور کردند. مراکز جهانی اعلام می‌کنند که رشد علمی ایران گاهی یازده برابر، گاهی سیزده برابر در آمارهای گوناگون، نسبت به رشد علمی متوسط دنیا جلو است! البته معنایش این نیست که ما از لحاظ علمی جلوتر از همه مراکز دنیا هستیم؛ نه، ما عقب‌ماندگی‌مان زیاد است، رشدمان سریع است. اگر به این رشد با همین سرعت ادامه بدهیم، بله ممکن است در سال‌های آینده، ده سال دیگر، پانزده سال دیگر در رتبه‌های اول دنیا قرار بگیریم در همه بخش‌های دانش و فناوری، اما الان هنوز نه، الان وسط راهیم، داریم حرکت می‌کنیم. این، بخش علمی. عین همین قضیه در زمینه‌های سیاسی است، عین همین قضیه در حضور بین‌المللی است، عین همین قضیه در نهادهای اجتماعی است، و در بخش‌های مختلف، پیشرفت‌های گوناگون در سطوح مختلف داریم که یک جاهائی پیشرفت‌ها برجسته‌تر و نمایان‌تر است، یک جاهائی کمتر است. کشور در حال پیشرفت است. خب، این پیشرفت باید ادامه پیدا کند.

۴۳. هر کسی که در نزدیک شدن به آرمان‌های نظام مؤثرتر است، سهم بیشتری در این افتخارات دارد و هیچ وقت نباید خسته شویم

حرف من این است: هر کسی که در بنای ایران جدید که زیر پرچم اسلام، این کشور دارد حرکت می‌کند و به آرمان‌ها نزدیک می‌شود، سهمی دارد، وجودش ارزشمند است. هر کسی این سهمش مؤثرتر است، یا همراه با خطرهای بیشتر است، یا جزو پیشروان قافله است، سهمش از این افتخارات و این سرفرازی‌ها از دیگران بیشتر است. هیچ وقت هم نباید خسته بشویم. شنفید آیه قرآن را «فاذا فرغت فانصب» وقتی از کار فراغت پیدا کردی، یعنی کارت تمام شد، تازه قامت راست کن، یعنی شروع کن به کار بعدی؛ توقف وجود ندارد. «فاذا فرغت فانصب. و الی ربک فارغب»؛ با هر حرکت خوبی که به سمت آرمان‌های پذیرفته شده و اعلام شده اسلام حرکت کنید، این، رغبت الی‌الله است. البته معنویت، ارتباط دلی با خدا، نقش اساسی‌ای دارد. این را باید همه بدانند.

۱۴۳. خانواده‌های نیروهای مسلح بدانند همسران و پدرانشان در بنای رفیع نظام، نقش حساسی دارند و با آنها همراهی کنند

خب، حالا می‌رسیم به خانواده‌ها. خانواده‌های عزیز رزمندگان ما، چه رزمندگان ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه نیروی انتظامی، چه کارکنان وزارت دفاع - همین‌هایی که فرمانده محترم اسم آوردند - و همسران آنها بدانند که به کی دارند کمک می‌کنند، شریک زندگیشان کیه. شریک زندگی شما جزو کسانی است که در این بنای رفیع و باشکوه، نقش‌های حساس دارد؛ نیروهای مسلح این‌جورند دیگر. به تعبیر امیرالمؤمنین: «حصون الرعیة»؛ حصارهای رعیتند، حصارهای ملتند، حصارهای معنوی کشورند. وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون اینکه گلوله‌ای هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است؛ دشمنان را سر جای خودشان می‌نشانند. یک چنین اهمیتی دارند نیروهای مسلح. شما همسران اینها هستید. بله، فرمانده محترم از قول من نقل کردند - من هم تا حالا شاید ده بار یا بیشتر گفته‌ام - که شما مردها هر فضیلتی را که می‌توانید در میدان مجاهدات عمومی و بزرگ به دست بیاورید، نصفش مال این خانمی است که با شما شریک زندگی است، با شما دارد زندگی می‌کند. اگر همسر یک کسی که وارد میدان است - وارد میدان مجاهدت و کار و تلاش - با او همراه نباشد - یا نق بزند یا مزاحمت کند یا زندگی با او را سخت بداند، همراهی نکند با او - او نمی‌تواند کار



بکند. اگر خوب می‌توانید کار کنید، ناشی از برکات وجود این همسر خوب و مهربان است. این را خود همسران، اول تشخیص بدهند. خود شما قدر بدانید همسریِ مردی را که زحمت می‌کشد و نصف اجرش مال شماست. مردی را که در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی نوین - که ان شاء الله زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است - نقش دارد، شما قدر بدانید. این مردی که همسر شماست، با این هویت پیش شما شناخته بشود. فرزندان هم همین جور. بچه‌ها و فرزندان کارکنان نیروهای مسلح باید افتخار کنند، ببالند به پدرانشان.

۲۴۳. سلام و تکریم ما نثار خانواده معزز شهدا که با صبرشان سبب شدند جریان شهادت در جامعه شکوفا شود و به چشم شیرین بیاید

همین جا من لازم می‌دانم احترام کنم و سلام عرض کنم به خانواده‌های معزز شهیدان و صلوات بفرستم بر روح مطهر آنها؛ شهیدی که همه هستی خود را، وجود خود را، یعنی سرمایه اصلی‌اش را آورده در راه خدا، در معرض هزینه شدن در راه خدا قرار داده، خدای متعال هم از او قبول کرده. خیلی‌ها البته رفتند که هزینه بشوند، قبول نشد، دیگر حالا به دلائل مختلف؛ بعضی را خدای متعال لایق ندانست، بعضی را هم خدای متعال نگه داشت برای مسئولیت‌ها و کارهای لازم دیگر. حالا آنهایی که لایق بودند و رفتند، اینها خیلی ارزششان بالاست، خیلی. شهدا حقیقتاً انوار تابناکی هستند که جامعه را، آینده را، تاریخ را روشن می‌کنند. خانواده‌های آنها هم صبر کردند؛ صبر بر مجاهدت آنها، صبر بر رفتن آنها به سوی میدان‌های خطر. به زبان آسان می‌آید. خانمی که می‌بیند شوهرش دارد می‌رود طرف میدانی که این میدان، خطری است و او تحمل می‌کند، کار او پرارزش است، کار این خانم هم پرارزش؛ بعد هم که او به شهادت می‌رسد، این شهادت را هم تحمل می‌کند، صبر می‌کند. و من عرض بکنم اگر تحمل خانواده‌های شهدا نبود، جریان شهادت با این شکفتگی و نشاط در جامعه ما مواجه نمی‌شد و تلقی نمی‌شد. این خانواده‌های شهدا هستند که این منت بزرگ را بر سر جامعه ما دارند که شهادت این قدر شیرین است در چشم‌ها. به هر حال، احترام و سلام و تکریم ما نثار آنها باد. هم فرزندان آنها، هم فرزندان شما کارکنان، افتخار باید بکنند، باید ببالند به اینکه پدرانشان در این راه حرکت می‌کنند.

۴. راهبردهای ادامه حرکت و تلاش دشمن در ایجاد مانع

۱۴. افق روشن است و آینده، آینده خوبی است؛ هرچند دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن تلاش می‌کنند امید را از این ملت بگیرند

و من این را هم عرض بکنم که افق، روشن است. البته از فلان تلویزیون مزدور فلان دولت مستکبر، انتظار نیست که بیاید همین حقایق را برای من و شما بیان کند؛ نه، آنها فضا را تاریک نشان می‌دهند. آنها می‌دانند که یکی از راه‌های متوقف کردن این ملت این است که امید را از آنها بگیرند. لذا هی تاریک‌نمایی، هی سیاه‌نمایی. مثلث شر و فساد را خود شما دیگر اسم آوردید. حالا ما نگفتیم، اما شما گفتید؛ آمریکا و صهیونیسم و انگلیس خبیث، و واقعاً اینها این جوریند دیگر. دستگاه‌های تبلیغاتی اینها، روز و شب در تلاشند که روی ذهن ملت ایران اثر بگذارند و همین طور که من چندی پیش گفتم، محاسبات مردم را و محاسبات نخبگان را عوض کنند که الحمدلله هرچی هم تلاش می‌کنند، بی‌فایده است، آینده، آینده روشنی است؛ افق، افق خوبی است.

۲۴۴. برای ادامه پیشرفت باید با جدیت حرکت کنیم، در مقابل خدا، به جد دچار خشیت و ملاحظه باشیم و خط خدمت را پیش ببریم

منتها این به معنای این نیست که ما یک بالش نرمی زیر سر خودمان بگذاریم و دل به خواب بدهیم، نه، باید کار کرد، باید تلاش کرد. تلاش زمان نمی‌شناسد، مدت و سرآمد نمی‌شناسد، بازنشستگی نمی‌شناسد. در همه دوران‌ها در زندگی انسان، امکان تلاش وجود دارد، باید این امکان را پیدا کنیم و عزم و همت کنیم بر تلاش، و با جد حرکت کنیم. «قَوَّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ أَشَدَّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي»؛ از خدای متعال در دعای کمیل، امیرالمؤمنین می‌خواهد، به ما یاد می‌دهد که عرض کنیم پروردگارا! جوارح ما را، جسم ما را، بدن ما را، برای انجام خدمات لازم قوی کن، عزم ما را هم راسخ کن. دنبالش: «و هب لي الجدّ في خشيتك»؛ در مقابل خدای متعال، به جد دچار خشیت و ملاحظه باشیم. خدا را حاضر و ناظر بدانیم و این احساس یک احساس جدی باشد؛ لقلقه زبان نباشد. «و الدّوام في الاتّصال بخدمتك»؛ خدمت را هم قطعه قطعه نکنیم؛ متصل، این خط خدمت را پیش برویم. ان شاء الله جوان‌های ما از جمله جوان‌های این دانشگاه و دیگر جوان‌ها، بسیجیان عزیز، جوان‌های مؤمن، فداکار، دانشجویان مختلف، دختر و پسر، در بخش‌های مختلف دانشجویی، طلاب جوان عزیز، جوان‌ها در قشرهای مختلف، با حرکت خودشان، با کار خودشان، با تلاش خودشان، به ما پیرها هم نیرو و نشاط خواهند داد و یاد خواهند داد که چگونه حرکت کنیم.

پروردگارا! برکات و رحمت خودت را بر این جمع نازل کن؛ برکات و رحمت خودت را بر ملت ایران نازل کن. ملت‌های مسلمان را در هر نقطه عالم بر دشمنانشان پیروز قرار بده. عاقبت دین و دنیا را به همه ما به لطف خودت مرحمت بفرما. قلب مقدس ولی‌عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بفرما. روح مطهر امام بزرگوار و شهیدان عزیز را با اولیائشان محشور کن.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|------------------------------------|---|
| ۱ | صفات، خصال و مناقب متناسب با وجود مقدس خاتم الانبیا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ولی عصر (عج) را در سطح انسان‌های کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر تنزل ندهید | نیروهای مسلح و بقیه مردم و مسئولان | من به شما عرض می‌کنم، به همه هم این را می‌گویم و گفته‌ام و تکرار می‌کنم؛ مبدا آن صفاتی، خصال، مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هست، اینها را تنزل بدهیم در سطح انسان‌های کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر... وجود مقدس خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نوح کشتیایان این امت است... این صفات را مخصوص بدانید به آن بزرگواران... نوح این کشتی... وجود مقدس خاتم‌الاولیاء و در رتبه قبل از او، وجود مقدس خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. |
| ۲ | بحث و بررسی کنید که استحکام و ریشه‌دار شدن پی در پی نظام اسلامی ناشی از چیست | جوان‌ها و دانشوران حوزه و دانشگاه | استحکام [نظام اسلامی] از کجا می‌آید، ناشی از چیست؟ این استحکام روزافزون، این ریشه‌دار شدن پی‌درپی، ناشی از چیست؟... اینها... یک بحث‌های مهمی است که جوان‌های ما، دانشوران ما در حوزه و دانشگاه این بحث‌ها را کردند، می‌کنند، باز هم باید بکنند. |
| ۳ | هیچ وقت نباید در بنای ایران جدید زیر پرچم اسلام خسته شوید | همراهان و پیشروان حرکت انقلاب | هر کسی که در بنای ایران جدید که زیر پرچم اسلام، این کشور دارد حرکت می‌کند و به آرمان‌ها نزدیک می‌شود، سهمی دارد، وجودش ارزشمند است. هر کسی این سهمش مؤثرتر است، یا همراه با خطرهای بیشتر است، یا جزو پیشروان قافله است، سهمش از این افتخارات و این سرفرازی‌ها از دیگران بیشتر است. هیچ وقت هم نباید خسته بشویم. |

| | | | |
|---|--|---------------------------------------|--|
| ۴ | بدانید شریک زندگیتان در بنای رفیع و باشکوه نظام اسلامی نقش‌های حساسی دارد و قدر بدانید | همسران کارکنان نیروهای مسلح | خانواده‌های عزیز رزمندگان ما، چه رزمندگان ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه نیروی انتظامی، چه کارکنان وزارت دفاع ... و همسران آنها بدانند که به کی دارند کمک می‌کنند، شریک زندگیشان کیه. شریک زندگی شما جزو کسانی است که در این بنای رفیع و باشکوه، نقش‌های حساس دارد؛ نیروهای مسلح این‌چنین دیگر... این را خود همسران، اول تشخیص بدهند. خود شما قدر بدانید همسری مردی را که زحمت می‌کشد و نصف اجرش مال شماست. |
| ۵ | به پدرانتان افتخار کنید و ببالید که در این راه حرکت می‌کنند | بچه‌ها و فرزندان کارکنان نیروهای مسلح | بچه‌ها و فرزندان کارکنان نیروهای مسلح باید افتخار کنند، ببالند به پدرانشان... فرزندان شما کارکنان، افتخار باید بکنند، باید ببالند به اینکه پدرانشان در این راه حرکت می‌کنند. |
| ۶ | برای ادامه پیشرفت نظام اسلامی باید با جدیت حرکت کرد، به طور جدی خدا را حاضر و ناظر دانست و به صورت متصل خط خدمت را پیش برد | همراهان و پیشروان حرکت انقلاب | آینده [نظام اسلامی]، آینده روشنی است؛ افق، افق خوبی است منتها این به معنای این نیست که ما یک بالش نرمی زیر سر خودمان بگذاریم و دل به خواب بدهیم، نه، باید کار کرد، باید تلاش کرد. تلاش زمان نمی‌شناسد، مدت و سرآمد نمی‌شناسد، بازنشستگی نمی‌شناسد... با جد حرکت کنیم... در مقابل خدای متعال، به جد دچار خشیت و ملاحظه باشیم. خدا را حاضر و ناظر بدانیم و این احساس یک احساس جدی باشد؛ لقلقه زبان نباشد... خدمت را هم قطعه قطعه نکنیم؛ متصل، این خط خدمت را پیش برویم |





امسال نیز شما مردان و زنان خداجوی و حقیقت‌نیوش، با برگزاری این اجلاس، گام دیگری در راه وظیفه بزرگ اسلامی خویش، یعنی اقامه نماز برداشته‌اید. از همه دست‌اندرکاران به‌ویژه از جناب حجة الاسلام آقای قرائتی، روحانی مجاهد و صادق و ثابت‌قدم که استوانه اصلی این کار بزرگ است، تشکر می‌کنم و پاداش الهی را برای ایشان و همکارانشان مسألت می‌نمایم.

با این همه باید اعتراف کنیم که هنوز مجموعه ما مسئولان نظام اسلامی وظیفه خود را در این باره به‌تمام و کمال، ادا نکرده‌ایم. اهمیت نماز را باید به‌درستی فهمید. این که فرموده‌اند: اگر نماز در درگاه خداوند، مقبول افتد، دیگر خدمات و زحمات نیز پذیرفته شده و اگر نماز مردود باشد، هرچه جز آن نیز مردود گشته است، حقیقتی بزرگ را به ما می‌نمایاند. آن حقیقت این است که اگر در جامعه اسلامی نماز در جایگاه شایسته خود قرار گیرد، همه تلاش‌های سازنده مادی و معنوی، راه خود را به سمت و سوی آرمان‌ها می‌گشاید و جامعه را به نقطه مطلوب آرمانی اسلام می‌رساند و اگر از اهمیت نماز غفلت شود و نماز مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد، این مسیر به‌درستی

طی نخواهد شد و تلاش‌ها و مجاهدت‌ها تأثیر لازم را در رساندن به قله‌ای که اسلام برای جامعه بشری ترسیم کرده است، نخواهد داشت. این حقیقت به همه ما هشدار می‌دهد و وظیفه‌ای سنگین را به یاد ما می‌آورد. تلاش‌های فرهنگی و هنری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و غیره، همه باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که نماز، با کیفیت مطلوب، روزبه‌روز در میان مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان رونق گیرد و همه به‌راستی از این چشمه پاکی و روشنی بهره‌مند گردند. بی‌شک دستگاه‌های متعدد امور فرهنگی و آموزشی و صداوسیما و دست‌اندرکاران اداره مساجد، بیش از دیگران باید احساس مسئولیت کنند.

از خداوند متعال کمک بخواهید و دامن همت به کمر بزنید و حرکتی تازه در این راه آغاز کنید. خداوند یار و نگهدارتان.

سید علی خامنه‌ای

۱۳ شهریور/۱۳۹۱

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|-----------------------------------|---------------------|--|
| ۱ | باید اهمیت نماز را به درستی فهمید | مسئولان نظام اسلامی | باید اعتراف کنیم که هنوز مجموعه ما مسئولان نظام اسلامی وظیفه خود را در این باره به‌تمام و کمال، ادا نکرده‌ایم. اهمیت نماز را باید به درستی فهمید. اینکه فرموده‌اند: اگر نماز در درگاه خداوند، مقبول افتد، دیگر خدمات و زحمات نیز پذیرفته شده و اگر نماز مردود باشد، هرچه جز آن نیز مردود گشته است، حقیقتی بزرگ را به ما می‌نمایاند. آن حقیقت این است که اگر در جامعه اسلامی، نماز در جایگاه شایسته خود قرار گیرد، همه تلاش‌های سازنده مادی و معنوی، راه خود را به سمت و سوی آرمان‌ها می‌گشاید و جامعه را به نقطه مطلوب آرمانی اسلام می‌رساند و اگر از اهمیت نماز غفلت شود و نماز مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد، این مسیر به‌درستی طی نخواهد شد و تلاش‌ها و مجاهدت‌ها تأثیر لازم را در رساندن به قله‌ای که اسلام برای جامعه بشری ترسیم کرده است، نخواهد داشت. این حقیقت به همه ما هشدار می‌دهد و وظیفه‌ای سنگین را به یادمان می‌آورد. |

| | | | |
|---|---|--|--|
| ۲ | تلاش‌های فرهنگی و هنری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و غیره به گونه ای طراحی و اجرا شود که نماز با کیفیت مطلوب رونق گیرد | مسئولان نظام اسلامی | تلاش‌های فرهنگی و هنری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و غیره، همه باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که نماز، با کیفیت مطلوب، روزبه‌روز در میان مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان رونق گیرد و همه به راستی از این چشمه پاکی و روشنی بهره‌مند گردند. |
| ۳ | برای رونق نماز بیش از دیگران احساس مسئولیت کنید | دستگاه‌های متعدد امور فرهنگی و آموزشی و صدا و سیما و دست‌اندرکاران اداره مساجد | [در زمینه رونق نماز با کیفیت مطلوب] بی‌شک دستگاه‌های متعدد امور فرهنگی و آموزشی و صدا و سیما و دست‌اندرکاران اداره مساجد، بیش از دیگران باید احساس مسئولیت کنند. |
| ۴ | حرکتی تازه در رابطه با نماز آغاز کنید | حاضرین در بیست و یکمین اجلاس سراسری نماز | از خداوند متعال کمک بخواهید و دامن همت به کمر بزنید و حرکتی تازه در این راه آغاز کنید. |



مهر ماه





مقدمه

از خداوند متعال متضرعانه و خاشعانه مسئلت می‌کنیم که حج‌گزاران و میهمانان خانه عزیز خداوند، مقبول درگاه خداوند متعال و موجب رضایت حضرت باری تعالی و مایه نزول برکات الهی بر جوامع اسلامی باشد. از دست‌اندرکاران حج و زیارت، چه در مجموعه بعثه، چه در سازمان حج و زیارت، و همچنین دستگاه‌هایی که همکاری می‌کنند و در متن کار و حواشی کار حضور دارند، لازم است صمیمانه تشکر کنیم و برای یکایک این زحمتکش‌ان و کارگزاران محترم، از خداوند متعال طلب اجر کنیم.

۱. حج را از لحاظ صورت و معنا و قالب و محتوا، به

آنچه که خدای متعال از ما خواسته است نزدیک کنیم

نکاتی که ذکر کردند - چه جناب آقای قاضی عسگر، چه رئیس محترم سازمان - اقداماتی که انجام دادند یا بنا دارند انجام بدهند، همه اقدامات خوب و لازمی است. سعی بشود که ان‌شاءالله همه آنچه را که آرزوی این مدیران دلسوز است، با

مراقبت کامل تحقق پیدا کند تا بتوانیم حج را از لحاظ صورت و معنا و قالب و محتوا، نزدیک کنیم به آنچه که خدای متعال از ما خواسته است؛ بتوانیم این واجب عظیم و این فریضه تعیین‌کننده را - که دارای خصوصیتی است که در هیچ فریضه دیگر اسلامی، این خصوصیات نیست؛ ناظر به امت است، ناظر به دنیاست - آن‌چنان که خدای متعال اراده کرده است و برای ما و شما خواسته است، ان‌شاءالله انجام دهیم.

۲. ظهور عظمت حضرت خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) در چشم دوستان و دشمنان، یکی از

خصوصیات حج امسال است

خوب، موقعیت‌ها تفاوت می‌کند. امسال موقعیت حج، یک موقعیت مخصوصی است. بروز و ظهور عظمت حضرت خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) در چشم دوستان و ارادتمندان و همچنین در چشم دشمنان، یکی از خصوصیات حج امسال است.

۱،۲. قضیه توهین به پیامبر دو رو دارد که یک طرف آن، نشان دهنده عمق کینه مستکبرین با این وجود مبارک است

این قضیه‌ای که دست‌های گنهکار دشمنان در مورد اهانت به درگاه قدس آن بزرگوار، در آمریکا انجام دادند، دو طرف دارد، دو رو

دارد: از یک طرف نشان‌دهنده عمق بغض و کینه دشمنان و مستکبرین و عوامل آنهاست با پیامبر رحمت، با پیامبر عزت، با پیامبر کرامت، با حامل برترین و ارزشمندترین محامد انسانی و بشری در طول تاریخ زندگی بشر و در همه عالم وجود؛ نشان می‌دهد اینها چقدر عمیقاً با پیغمبر دشمنند. از آن طرف، آن اهانت‌ها را می‌کنند؛ از آن طرف، سیاستمدارانشان در این قضیه موضعی می‌گیرند که با موضع دشمنی هیچ تفاوتی ندارد! این یک روی قضیه است؛ که خوب، این برای دنیای اسلام خیلی مفید بود. دیرباورترین انسان‌ها و مجموعه‌ها و جماعات فهمیدند که امروز صفت‌بندی اصلی بین کی و کیست؛ دعاها بین جبهه حق و باطل بر محور چیست؛ معلوم شد بر محور اصل اسلام است، بر محور اصل وجود خاتم‌الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) است. این یک حادثه‌ای بود که دشمن انجام داد، اما دنیای اسلام از آن سود برد؛ زیرا که دشمن را شناخت، علت دشمنی را شناخت، محور اختلاف حق و باطل را شناخت. امروز دعاها اینهاست؛ بقیه حرف‌هایی که مستکبرین عالم علیه ملت‌های مسلمان ردیف می‌کنند و می‌گویند، حرف‌های فرعی و دروغی و بهانه است؛ روشن شد اصل قضیه چیست. این یک روی قضیه است.

۲،۲. یک روی دیگر قضیه، حرکت عظیم مسلمان‌ها در دفاع از پیامبرشان است که نشان دهنده ظرفیت دنیای اسلام، برای تحرک است

یک روی دیگر قضیه، این حرکت عظیم مسلمان‌هاست. شما ببینید امروز در دنیای اسلام چه خبر است؛ ملت‌های مسلمان چه جوش و خروشی از خود نشان می‌دهند. اکثر هم این فیلم را ندیدند؛ همین قدر اطلاع پیدا کردند که یک چنین اهانتی انجام گرفته، شما ببینید چه غلیانی در دنیای اسلام هست. کشورهای مسلمان، ملت‌های مسلمان، بدون اینکه کسی از آنها بخواهد، بدون اینکه کسی آنها را تحریک کند، حرکت می‌کنند می‌آیند، با همه وجود، از اعماق دل، ارادت و محبت خودشان را به پیغمبرشان فریاد می‌کنند؛ این خیلی ارزش دارد. صحنه عجیبی شد. در خود کشورهای غربی، در آنجائی که بت‌های بزرگ و مستکبرین و طواغیت گردنکش نشسته‌اند و علیه اسلام و امت اسلامی به طور مرتب برنامه‌ریزی می‌کنند، در اروپا، در آمریکا، در کشورهای گوناگون غیر مسلمان، مسلمان‌ها و گاهی غیر مسلمان‌ها آمدند وسط میدان. این هم یک روی دیگر قضیه است. این خیلی قضیه مهمی است؛ این نشان داد ظرفیت دنیای اسلام را برای تحرک.

۳،۲. محوری که همه نحله‌ها و مذاهب مسلمانان را جمع می‌کند، خاتم‌الانبیاء است که امروز در دنیای اسلام نشان داده می‌شود ما قبلاً عرض کردیم که ملتقای مسلمانان، وجود مبارک پیغمبر است. یعنی آنجائی که همه مسلمانان، فرقه‌های مختلف، نحله‌های مختلف، مذاهب و عقاید مختلف به هم می‌رسند و همه بر یک حقیقت اذعان و اعتراف می‌کنند، وجود مقدس خاتم‌الانبیاء است. در اینجا دیگر سنی و شیعه و فرق مختلف و معتدل و متوسط و تندرو و اینها دیگر معنا ندارد. نسبت به این مرکز، نسبت به این محور، نسبت به این قطب عقاید الهی و اسلامی، همه با دل و جان متفق و متحدند. امروز این در دنیای اسلام دارد نشان داده می‌شود؛ این را باید مغتنم شمرد.

۴،۲. در صورتی «برائت از مشرکین» معنا پیدا می‌کند که همه احساس کنند در مقابل یک دشمن قرار دارند و از او برائت بجویند اینجاست که «برائت از مشرکین» در حج معنا پیدا می‌کند. حج جائی است که مسلمان‌ها از همه دنیای اسلام در آنجا جمع می‌شوند. فرهنگ‌های مختلف، نژادهای مختلف، زبان‌های مختلف، صنوف لغات و لحن‌ها و لهجه‌های گوناگون - به تعبیر امام حسین

(علیه‌السلام) در دعای مبارک عرفه - همه در آنجا مجتهدند، متفقند. این وحدت که شکل جسمانی و مادی آن در اجتماعات بزرگ حج دیده می‌شود، باید عمق پیدا کند؛ همه احساس کنند که در مقابل یک خطر قرار دارند، در مقابل یک دشمن قرار دارند؛ همه از عمق وجود، نسبت به این دشمن برائت بجوبند. معنای برائت از مشرکین در حج، اینجا ظاهر می‌شود.

۵.۲. باید حج را مظهر عشق به پیامبر و ایستادن به پای سخن این وجود مقدس، یعنی سخن اسلام و قرآن قرار داد
مقام و مرتبه وجود مقدس پیغمبر اکرم چیزی نیست که ما انسان‌ها با زبان‌های قاصر و ناقص خودمان و با فهم‌های کوتاه خودمان بتوانیم آن را تصویر کنیم؛ ما فقط عشق می‌ورزیم، ما فقط اظهار اخلاص و خاکساری می‌کنیم؛ بیشتر از این، کاری از ما بر نمی‌آید. پیغمبر کسی است که خدای متعال می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ». ذات مقدس پروردگار به او درود می‌فرستد، فرشتگان خدای متعال به او درود می‌فرستند؛ ما کی هستیم که بتوانیم مقام او را بفهمیم، بشناسیم؟ اما به او محبت داریم، به او عشق می‌ورزیم، پای سخن او می‌ایستیم. این باید برای ما به عنوان یک اصل محفوظ باشد: پای سخن پیغمبرمان باید بایستیم؛ و آن، سخن توحید است، سخن اسلام است، قرآن است. حج را باید مظهر این قرار داد.

۶.۲. باید دشمن را که به دنبال اختلاف افکندن بین این صحنه عظیم و یکپارچه است، مأیوس کنیم
یکی از توطئه‌های بزرگ دشمن - که البته در این قضیه بحمدالله تا حدود زیادی خنثی شد، اما همه باید مراقب باشیم - اختلاف افکندن بین این صحنه عظیم و یکپارچه است. ما که در مبانی، در اصول، در اصلی‌ترین مسائل اسلام، همه بر یک نقطه متمرکز هستیم، به خاطر برخی از اختلاف‌های نظری و عقیدتی و عملی، ما را در مقابل هم قرار بدهند. بله، فرقی اسلامی، نحل اسلامی در مسائل گوناگون اختلاف دارند؛ اما بگوئیم: در مقابل شما که دشمن اسلامید، در مقابل شما که به وجود مقدس پیغمبر ما اینجور ناروایی به خرج می‌دهید، ما همه متفقیم، متحدیم. دشمنان دین، مستکبران و اداره‌کنندگان جبهه ضد اسلام بدانند که امت اسلامی در مقابل آنها متحد و متفق است؛ گمان ایجاد اختلاف را از خودشان دور کنند؛ مأیوس بشوند از اینکه بتوانند بین ما اختلاف ایجاد کنند. مبلغین ما، آحاد مردم ما، مدیران ما، پیروان گوناگون مذاهب ما، سنی ما، شیعه ما، همه باید حواسمان به این باشد؛ مراقبت کنیم، نگذاریم دشمن با ایجاد اختلاف بین ما - که ما خشم‌های خودمان، غضب‌های خودمان را علیه خودمان و در درون خودمان به کار ببریم - خودش را از مقابله با خشم امت اسلامی نجات بدهد؛ این خطای بزرگی خواهد بود. این یک نکته است در باب حج و به خصوص حج امسال.

۳. اگرچه حج یک واجب سیاسی اجتماعی است؛ اما نباید فراموش شود که یک مجموعه لبالب از احساس معنوی هم است

یک نکته دیگر که بارها بر آن تأکید شده و باز هم لازم است عرض کنیم، این است که حج اگرچه یک واجب سیاسی است، یک واجب اجتماعی است، مظهر وحدت است، مظهر تجمع مسلمین است، برای بیان برائت است - در اینجا شکی نیست - اما یک مجموعه لبالب از احساس معنوی است؛ این نباید فراموش شود. از اول مراسم حج، از همان احرامی که شما برای عمره در میقات می‌بندید، تا آخرین وظائف و فرائضی که در حج وجود دارد، ذکر خدا موج می‌زند؛ این را باید به یاد داشته

باشیم. ذکر خدای متعال ما را پاکیزه می‌کند، ما را تطهیر می‌کند، زنگ‌ها را از دل ما پاک می‌کند، غفلت‌ها را از ما می‌زداید، عشق به دنیا و چنگ زدن به زخارف مادی و پول و مقام و شهوات جنسی و غیرجنسی و اینها را در ما تضعیف می‌کند. ما امروز و همیشه به این احتیاج داریم. انسان برای اینکه بتواند راه را درست طی کند، از صراط مستقیم حق منحرف نشود، احتیاج دارد به اینکه همیشه یاد خدا را در دل پپروراند؛ و در این جهت، حج یکی از بهترین فرصت‌هاست؛ از جهاتی بی‌نظیر است. من خواهش می‌کنم در هر کدام از اعمال و فرائض و مناسکی که انجام می‌دهید، در لیبکی که اول کار می‌گوئید، توجه داشته باشید چه کار دارید می‌کنید؛ با کی دارید حرف می‌زنید. در طواف، در سعی، در میقات، در مراکز وقوف، در هر عملی از اعمال حج، بدانیم که داریم با چه کسی حرف می‌زنیم، با چه کسی معامله می‌کنیم، برای چه کسی داریم تلاش می‌کنیم. این یاد را، این ذکر را، این خشوع را، این تضرع را لحظه‌ای از خودمان جدا نکنیم؛ این یکی از کارهای مهم است. روحانیون محترم بخصوص، مسئولان کاروان‌ها، مرتب‌ترین با افراد، به این نکته توجه کنند.

۴. باید ارتباطات با برادران مسلمان در دنیای اسلام در این مرکز مهم احیا شود

نکته آخر هم این است که ارتباطات با برادران مسلمان در دنیای اسلام باید در این مرکز مهم احیا شود. ارتباطات، ارتباطات دولت‌ها نیست. ارتباطات دولت‌ها، ارتباطات رسمی است، ارتباطات زبانی است، برای مسائل دیگری است. ارتباط بین آحاد امت اسلامی، ارتباط قلبی است؛ این با ارتباط آحاد ملت‌ها با یکدیگر حاصل می‌شود.

۱.۴. آنها که زبان می‌دانند، با زبان اظهار محبت کنند و بر روی نقاط مشترک تکیه کنند؛ دیگران هم با عمل، ارتباط قلبی برقرار کنند

در دیدار با برادران مسلمان که از کشورهای دیگر آمده‌اند، آنهایی که اهل زبانند، می‌توانند حرف بزنند، با زبان اظهار محبت کنند، اظهار تعارف کنند، بر روی نقاط مشترک تکیه کنند؛ آنهایی که اهل حرف زدن نیستند، با عمل؛ جا بدهید، مهربانی کنید، محبت کنید، بعضی از سختی‌ها و خشونت‌ها را تحمل کنید؛ یکی ممکن است تنه بزند، شما در مقابلش لبخند بزنید. در عمل سعی کنید این ارتباط به وجود بیاید؛ نه فقط برای اینکه آبرو و عزت ایران و ملت ایران را حفظ کنید - که البته این در جای خودش خیلی مهم است؛ چقدر خوب است که یک ملت بتواند کرامت خود، ارزش خود، پابندی خود به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی را نشان بدهد - بلکه برای اینکه این ارتباط قلبی برقرار شود.

۲.۴. وجه مشترک مسلمانان را به رخ یکدیگر بکشید؛ تا مسلمانان بدانند در ملت‌های دیگر برادرانی دارند و قوت روحی پیدا کنند
اهل هر نژادی است، اهل هر زبانی است، اهل هر مذهبی است، مسلمان است؛ او هم مثل شما به عشق کعبه آمده، به عشق پیغمبر آمده؛ او هم دارد همین راه را می‌رود، او هم با خدای متعال دارد حرف می‌زند. هرچه می‌توانید، این وجه مشترک را به رخ یکدیگر بکشید؛ بفهمند که این وجه مشترک وجود دارد. وقتی مسلمان در اقصی نقاط عالم احساس کرد که در کشورهای دیگر، در ملت‌های دیگر برادرانی دارد، قوت روحی پیدا می‌کند، اعتماد به نفس پیدا می‌کند؛ از ضعفی که دست‌های خبیث مستکبر بر مسلمان‌ها تحمیل کرده‌اند، خودش را نجات می‌دهد. این حالت باید تقویت شود.



از خداوند متعال می‌خواهیم برکات خودش را بر حجاج ما و بر همه حجاج دنیای اسلام نازل بفرماید. ان شاء الله همه شما مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) باشید و انشاء الله همه بتوانیم با استمداد از روح مطهر اولیا، روح مطهر شهدا، روح مطهر امام بزرگوارمان، در راهی حرکت کنیم که موجب رضای پروردگار عالم باشد. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|--------------|---|
| | حج را از لحاظ صورت و معنا و قالب و محتوا، به آنچه که خدای متعال از ما خواسته است نزدیک کنید | کارگزاران حج | نکاتی که ذکر کردند - چه جناب آقای قاضی عسگر، چه رئیس محترم سازمان - اقداماتی که انجام دادند یا بنا دارند انجام بدهند، همه اقدامات خوب و لازمی است. سعی بشود که ان شاء الله همه آنچه را که آرزوی این مدیران دلسوز است، با مراقبت کامل تحقق پیدا کند تا بتوانیم حج را از لحاظ صورت و معنا و قالب و محتوا، نزدیک کنیم به آنچه که خدای متعال از ما خواسته است؛ بتوانیم این واجب عظیم و این فریضه تعیین کننده را - که دارای خصوصیتی است که در هیچ فریضه دیگر اسلامی، این خصوصیات نیست؛ ناظر به امت است، ناظر به دنیاست - آنچنان که خدای متعال اراده کرده است و برای ما و شما خواسته است، ان شاء الله انجام دهیم. |

| | | |
|--|---|---|
| مراقبت کنید و نگذارید دشمن با ایجاد اختلاف بین مسلمین، خود را از مقابله با خشم امت اسلامی برآمده از توهین به پیامبر نجات دهد | آحاد مردم، مبلغین، مدیران، پیروان گوناگون مذاهب سنی و شیعه | دشمنان دین، مستکبران و اداره‌کنندگان جبهه ضد اسلام بدانند که امت اسلامی در مقابل آنها متحد و متفق است؛ گمان ایجاد اختلاف را از خودشان دور کنند؛ مایوس بشوند از اینکه بتوانند بین ما اختلاف ایجاد کنند. مبلغین ما، آحاد مردم ما، مدیران ما، پیروان گوناگون مذاهب ما، سنی ما، شیعه ما، همه باید حواسمان به این باشد؛ مراقبت کنیم، نگذاریم دشمن با ایجاد اختلاف بین ما - که ما خشم‌های خودمان، غضب‌های خودمان را علیه خودمان و در درون خودمان به کار ببریم - خودش را از مقابله با خشم امت اسلامی نجات بدهد؛ این خطای بزرگی خواهد بود. |
| نباید فراموش شود که حج مجموعه‌ای لبالب از احساس معنوی است؛ لذا نباید یاد و خشوع و تضرع لحظه‌ای از حجاج جدا شود | روحانیون محترم در درجه اول و مسئولان کاروان‌ها و مرتبطین با افراد | یک نکته دیگر که بارها بر آن تأکید شده و باز هم لازم است عرض کنیم، این است که حج اگرچه یک واجب سیاسی است، یک واجب اجتماعی است، مظهر وحدت است، مظهر تجمع مسلمین است، برای بیان برائت است - در اینها شکی نیست - اما یک مجموعه لبالب از احساس معنوی است؛ این نباید فراموش شود. از اول مراسم حج، از همان احرامی که شما برای عمره در میقات میبندید، تا آخرین وظائف و فرائضی که در حج وجود دارد، ذکر خدا موج می‌زند؛ این را باید به یاد داشته باشیم... من خواهش می‌کنم در هر کدام از اعمال و فرائض و مناسکی که انجام می‌دهید، در لیبیکی که اول کار می‌گوئید، توجه داشته باشید چه کار دارید می‌کنید؛ با کی دارید حرف می‌زنید. در طواف، در سعی، در میقات، در مراکز وقوف، در هر عملی از اعمال حج، بدانیم که داریم با چه کسی حرف می‌زنیم، با چه کسی معامله می‌کنیم، برای چه کسی داریم تلاش می‌کنیم. این یاد را، این ذکر را، این خشوع را، این تضرع را لحظه‌ای از خودمان جدا نکنیم؛ این یکی از کارهای مهم است. روحانیون محترم بخصوص، مسئولان کاروان‌ها، مرتبطین با افراد، به این نکته توجه کنند. |





الف) اهمیت و جایگاه نخبگان در انقلاب اسلامی و توصیه‌هایی برای تعالی بیشتر نخبگان

۱. در نظر داشته باشید که استعداد، توانائی و فعلیتی که شما نخبگان پیدا کرده‌اید، آغاز یک راه است، پایان یک راه نیست. اولاً به همه شما عزیزان که واقعاً فرزندان عزیز این ملت هستید و نور چشمان ما هستید، باید مبارکباد بگوئیم، به خاطر حضور در مجموعه نخبگانی کشور. البته این «مبارکباد» مثل مبارکبادهای جشن تولد است که در جشن تولد به آن شخص مبارکباد می‌گویند، در حالی که او در تعیین زمان تولد و تاریخ تولد و اصل تولد هیچ نقشی نداشته. پس این به معنای این است که خدای متعال یک فرصتی را به شما داده، خوشبختانه توفیق هم پیدا کرده‌اید که از این فرصت تا اینجا استفاده کنید و جزو مجموعه نخبگانی واقع شوید؛ این مبارک است بر شما؛ لیکن این استعداد، این توانائی، این فعلیتی که تا امروز پیدا کرده‌اید، ورود در یک راه است، آغاز یک راه است، پایان یک راه نیست؛ این را باید همه نخبگان عزیز جوان ما در نظر داشته باشند.

۲. بذری که ثمرنشسته نخبگی را به شجره طیبه‌ای در همه زمان‌ها تبدیل کرده و میوه شیرین آن را به کام این ملت و بشریت بچشانید

ما قانع نیستیم، شما هم قانع نباشید به اینکه جوان با استعداد برجسته ما توانست در یک بخشی، در یک آزمون بزرگی، نخبگی خودش را نشان بدهد؛ به این مقدار، نه من قانعم، نه شما قانع باشید. توقع من و توقع شما باید این باشد که این بذری که ثمرنشسته تبدیل شود به یک نهال برومند و تبدیل شود به یک شجره طیبه‌ای که «توتی اکلها کل حین باذن ربها»؛ درخت ثمربخشی شوید که در همه زمان‌ها، در همه موقعیت‌ها، بتوانید میوه شیرین خودتان را به کام این کشور، این ملت، این تاریخ و در نهایت به کام بشریت بچشانید؛ این باید هدف باشد.

۳. مطالب ارائه شده، نظرات سنجیده و برخاسته از صدق و صفای نخبه جوانی است که با احساس مسئولیت و با امید حرف می‌زند

اما در مورد جلسه امروز. من با دقت به مطالبی که این عزیزان آمدند اینجا بیان کردند، گوش کردم. تصدیق می‌کنم که نظرات، نظرات سنجیده و خوبی بود؛ نه به معنای اینکه از نگاه کارشناسی، انسان بتواند همه این پیشنهادها را تصدیق کند - این نیاز به بررسی

دارد - اما از این نظر که انسان احساس می‌کند و می‌بیند که این نظرات و این پیشنهادها، با فکر و با سنجیدگی مورد مطالعه قرار گرفته و بیان شده؛ این خیلی برای من ارزشمند است.

خب، مسئولین محترم در مجلس حضور دارند - چند نفر از وزرای محترم و رئیس محترم بنیاد نخبگان - من انتظارم این است که نظراتی که این جوان‌های عزیز بیان کردند، مورد توجه قرار بگیرد، روی اینها کار شود، بررسی شود. ای بسا جرقه‌هایی که می‌تواند منتهی شود به یک نور بزرگ و شعله‌ای فراگیر که فضا را روشن کند. و توجه شود به اینکه این نظرات از دل‌های صادق صادر شده؛ این هم خیلی مهم است. در همه این مطالبی که دوستان گفتند و من رئیس مطالب را یادداشت کردم، انسان همین نکته را مشاهده می‌کند: برخاسته از صدق و صفا و احساس شیرین موجود در ذهن جوان و دل جوان، که احساس مسئولیت می‌کند و با امید و با نشاط حرف می‌زند. این از آن چیزهایی است که اصلاً فضا را شیرین می‌کند. وقتی جوان‌ها با آن امید و با آن نشاط و با آن روحیه حرف می‌زنند، فضا، فضای پرنشاطی می‌شود؛ این پیشنهادها غالباً این‌جور است. البته این مطالب، سنجیده هم هست؛ یعنی آنچه دوستان بیان کردند، پیشنهادهای خامی به نظرم نرسید.

۴. فتح‌الفتوح انقلاب و پیشرفت واقعی این است که نخبگان برای کشور آینده‌ای تصویر کرده و برای رسیدن به آن، تلاش می‌کنند

خب، اصلی‌ترین محور پیشرفت کشور، همین است. امام بزرگوار ما در یک حادثه مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیه یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوان‌هاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح‌الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوان‌هاست؛ که در آن شرایط دشواری که همه دنیا در مقابل ما با چهره دژم و سلاح آماده شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ عملیات طریق‌القدس بود. من همین را تکرار می‌کنم: فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی اینهاست. پیشرفت واقعی این است که جوان‌های ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. این چیزی است که امروز وجود دارد؛ این را باید تقویت کرد، این را باید پیش برد.

۵. شما با حرکت در راه هدف، سرمایه شخصی خود را به یک سرمایه ملی تبدیل می‌کنید؛ این خیلی باارزش است

این احساس و روحیه نشاط را باید روزه‌روز در جامعه ما تشدید کرد. اگر این شد، آن وقت این دارائی شخصی شما - این استعداد و این نخبگی که یک دارائی شخصی است - تبدیل خواهد شد به دارائی ملی؛ ببینید چقدر خوب است. یک نفر سرمایه خودش را به طلا و ارز تبدیل می‌کند و می‌رود توی صندوقخانه منزل خودش پنهان می‌کند؛ این کجا، آن که می‌آید سرمایه را تبدیل می‌کند به یک صنعت، به یک کارخانه، به یک کار تولیدی باارزش، و کشور را پیش می‌برد، این کجا؟ شما با حرکت در راه این هدف‌ها، این کار دوم را دارید می‌کنید؛ یعنی سرمایه شخصی خودتان را تبدیل می‌کنید به یک سرمایه ملی، به سرمایه ملت ایران؛ این خیلی باارزش است.

۶. نگرانی من این است که احساس رضایت از حرکت پرشتاب علمی موجود، همت ما را کم کند؛ نگذارید حرکت از دور بیفتد خوشبختانه فضای گفتمانی در کشور در جهت پیشرفت علم است؛ این دیگر بحمدالله تثبیت شده و جاافتاده است. حرکت علمی در کشور، یک حرکت پرشتابی است - همین طور که آمارهای جهانی هم این را نشان می‌دهد - ولی نگرانی من از این است که احساس رضایتی که از این موقعیت و از این وضعیت به ما دست می‌دهد، ما را بی‌خیال کند، همت ما را کم کند. برمی‌گردم به آن حرف اول، که عزیزان من! هم شما در آغاز یک راهید، هم کشور در آغاز یک راه است. ببینید، ما به خاطر خباثت و سستی و استبداد و وابستگی حکومت‌های گوناگونی که در طول دوران‌های اخیر داشتیم، از قافله علمی جهان عقبیم. تقریباً شاید بشود گفت سه قرن، ما عقبیم. ما غفلت کردیم. رهبران سیاسی کشور، زمامداران کشور غرق در عیش و نوش و رسیدگی به نیازهای شخصی و تکبر و استکبار نسبت به مردم شدند؛ از اوضاع و احوال دنیا غافل شدند؛ هم از لحاظ سیاسی ضرر کردیم، هم خسارت‌بارتر، از لحاظ پیشرفت علمی ضرر کردیم. در این میدان مسابقه که در قرن‌های گذشته ما جلوتر از دیگران بودیم، بعد از آنکه همه دنیا تقریباً یک جور حرکت می‌کردند، ملت‌هایی توانستند به یک وسیله نقلیه سریع‌السیری دست پیدا کنند، از ما جلو افتادند؛ لذا فاصله ما هم زیاد شد. آنها چون جلوتر از ما بودند، جلوتر از ما به وسیله نقلیه سریع‌السیرتری دست پیدا کردند؛ لذا فاصله بیشتر شد - این یک تمثیل است - ما که متوقف بودیم، یا حداکثر به پسماندهای کارهای دیگران و ساخته‌های دیگران اکتفا می‌کردیم، فاصله ما با دنیائی که روزه‌روز میدان‌های جدیدی را کشف می‌کرد، بیشتر شد. انقلاب اسلامی آمد، همه ماها را بیدار کرد، همت‌ها را در ما برانگیخت، استعدادها به میدان آمدند. شتابی که ما امروز داریم، ده برابر، یازده برابر، سیزده برابر شتاب متعارف و متوسط علمی در دنیاست. این خیلی خوب است، اما فاصله زیاد است. اگر چنانچه مثلاً بیست سال - حالا من که می‌گویم بیست سال، روی محاسبه دقیق نمی‌گویم؛ همین‌طور حدسی می‌گویم - ما همین شتاب ده برابر راه، دوازده برابر نسبت به پیشرفت علمی جهان را ادامه دهیم، خواهیم رسید به آن نقطه‌ای که متناسب ملت ایران است؛ متناسب تاریخ ماست، گذشته ماست، موارث علمی ماست و متناسب اهمیت ماست. بنابراین، نباید بگذاریم این حرکت از دور بیفتد. اگر حرکت از دور افتاد، بازیابی و بازسازی آن دشوارتر خواهد بود. و این کار شما جوان‌هاست. جوان‌ها باید همت‌های خود را زیاد کنند. احساس کنید که هم شما در آغاز یک راه طولانی و مهمید، هم کشور در آغاز یک راه طولانی و مهم است. البته من به هیچ وجه توصیه نمی‌کنم که شما مرعوب پیشرفت‌های غرب شوید - ابتدا - آن پیشرفت‌ها به خاطر زودتر وارد یک مرحله شدن و متکی به ظلم و استکبار و استعمار است. اگر انگلیسی‌ها هند را، برمه را، آن منطقه ثروتمند آسیا را استعمار نمی‌کردند، غصب نمی‌کردند، ثروت‌هایش را بالا نمی‌کشیدند - که خود هندی‌ها در یک دوره تاریخی، خیلی خوب این وضع را ترسیم کردند - مسلماً نمی‌توانستند به اینجا برسند. اینها مثل زالو از دیگران مکیدند و خودشان را فربه کردند؛ ما نمی‌خواهیم این کار را بکنیم. ما به هیچ وجه به دنبال مکیدن دیگران نیستیم. ما درون‌زائی و درون‌جوشی را تقویت می‌کنیم، و معتقدیم می‌شود، و ان‌شاءالله پیش خواهیم رفت. بنابراین، این نکته اول، که نگذارید حرکت از دور بیفتد.

۷. خرسند شدم که چند نفر از جوان‌های عزیز تصریح کردند که نخبه خود را طلبکار از نظام نمی‌داند؛ بلکه خدمتکار مردم می‌داند.

نکته دوم اینکه، هم مسئولین و مدیران دستگاه‌های ذی‌ربط با حرکت علمی مسئولیت‌هایی دارند، هم خود نخبگان مسئولیت‌هایی

دارند. من خرسند شدم از اینکه دیدم چند نفر از جوان‌های عزیز ما اینجا تصریح کردند که نخبه خودش را طلبکار از نظام نمی‌داند، طلبکار از مردم نمی‌داند - به این مضمون بیان کردند - خودش را کسی می‌داند که می‌تواند به این مردم خدمت کند و موظف است که این خدمت را انجام دهد. این خیلی روحیه خوبی است. در عین حال مسئولیت‌هایی وجود دارد.

ب) تلاش بسیار خوب بنیاد نخبگان و مسئولیت‌های پیش روی بنیاد و دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط

۱. انصافاً در بنیاد نخبگان خوب کار می‌شود و تلاش، تلاش بسیار خوبی است

البته مسئولان، خوب کار کردند. من بررسی کردم و گزارش‌های نزدیک را گرفتم. می‌دانید من معمولاً به گزارش‌هایی که دوستان و مدیران می‌آیند ابراز می‌کنند، اکتفا نمی‌کنم. خوب، گزارش‌هایی که به طور رسمی گفته می‌شود، غالباً گزارش‌های مطلوب و رنگ‌آمیزی شده قشنگی است؛ انسان از راه‌های دیگر می‌تواند کشف کند. علاوه بر اینکه گزارش‌هایی که مدیران دادند، گزارش‌های خوبی بود و امروز هم خانم رئیس بنیاد مطرح کردند، من از طرق دیگر هم تحقیق کردم، دیدم انصافاً در بنیاد نخبگان دارد خوب کار می‌شود و تلاش، تلاش بسیار خوبی است.

۲. بین معیارهای نخبگی در علوم فنی و علوم انسانی مایزی وجود دارد؛ بنابراین لازم است معیارها درست انتخاب شود

خب، یک نکته این است که در حوزه علوم فنی و حوزه علوم انسانی، معیارها دوگانه است. البته حالا یک جوان عزیزی باز در مورد علوم فنی هم تفکیک قائل می‌شوند بین علوم محض و علوم صنعتی و فنی؛ که این هم نکته قابل توجهی است. اما به هر حال مایزی وجود دارد بین معیارهای نخبگی و زندگی در علوم فنی و علوم انسانی. مترها یک اندازه نیست، معیارها یک جور نیست؛ به این نکته توجه شود. ما لازم داریم که در زمینه علوم انسانی - که امروز یک نیاز بسیار اساسی کشور ماست - به تازه‌ها، برجستگی‌ها و نوآوری‌ها دست پیدا کنیم؛ این کلید اساسی پیشرفت نهائی و بنیادی و ریشه‌دار کشور است. بنابراین لازم است معیارها درست انتخاب شود.

۳. حمایت از نخبه، در درجه اول به معنای ایجاد فرصت پژوهش و تحصیل و پیشرفت باشد؛ البته حمایت‌های مالی هم لازم است

یک نکته دیگر این است که حمایت از نخبه، در درجه اول باید به معنای ایجاد فرصت پژوهش و تحصیل و پیشرفت باشد. البته من به هیچ وجه مخالف حمایت‌های مالی و مادی و اینها نیستیم، بلکه لازم است آن کارها انجام بگیرد؛ لیکن مهم‌تر از آن، این است که نخبه احساس کند فضای تنفس علمی دارد. آن چیزی که مکرر به ما منتقل می‌شود، این است که نخبگان و برجستگان مایلند یک میدان وسیعی باشد که بتوانند به اقتضای نخبگی و استعداد برتر، در آن بتازند؛ این را باید فراهم کرد. البته این، راه‌های گوناگونی دارد. تشخیص راه‌ها، ارائه راه‌ها و پیشنهادها کار ما نیست؛ کار کارشناس‌های ذی‌ربط است. البته امروز جوان‌ها نظراتی هم دادند. این را باید تأمین کرد تا نخبه بتواند احساس کند که میدان کار و پیشرفت برای او وجود دارد.



۴. در مسئله حمایت و نگاه به نخبگان، یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید؛ با این شیوه کار پیشرفت خواهد کرد

نکته دیگر این است که ما مسئله رعایت نخبگان و نگاه به نخبگان را به یک حالت شبکه‌ای در بیاوریم. ما نخبه را شناسایی می‌کنیم، انتخاب می‌کنیم، کمک می‌کنیم و ثبات در حرکت نخبگی به او می‌دهیم؛ این کافی نیست. باید یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت نخبه آغاز می‌شود؛ یعنی مربی‌گری. ریشه و پایه هم در آموزش و پرورش است؛ همچنان که یکی از جوان‌ها گفت. ما باید استعداد های نخبه را شناسایی کنیم و تربیت کنیم، بعد در میان اینها گزینش و انتخاب لازم است؛ بعضی نخبه‌ترند، بعضی استعدادهای برترند؛ انتخاب بهترین‌ها. بعد از آن، نگهداری و ارتقا است؛ نه فقط نگهداری، بلکه نگهداری همراه با ارتقا و پیشرفت. کمک کنید این نخبه اگر امروز در رتبه دهم است، در آینده نه چندان دوری به رتبه اول برسد؛ ارتقا پیدا کند. بعد این نخبه، خود وارد چرخه نخبه‌سازی شود - یعنی حالت شبکه‌ای پیدا کند - خود این نخبه، نخبه‌ساز و نخبه‌پرور شود. در این صورت، حالت درون‌زائی به وجود خواهد آمد و حرکت مضاعف خواهد شد. اگر ما یک چنین شیوه‌ای را در پیش بگیریم، به نظر می‌رسد که کار پیشرفت خواهد کرد.

۵. سند راهبردی نخبگان - که خوشبختانه چیز خوبی تهیه شده است - باید سریعاً به تصویب نهائی برسد و ابلاغ شود

یک نکته دیگر که مربوط به مسئولین محترم است، مربوط می‌شود به سند راهبردی نخبگان؛ که این پیشنهاد شد. خوشبختانه چیز خوبی تهیه شده. من خودم ندیدم، اما دوستانی که بررسی کردند، قضاوتشان این است که این سند راهبردی، بسیار خوب و جامع تهیه شده. خب، در مرحله‌ای از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تصویب شده، اما باید سریعاً به تصویب نهائی برسد و سریعاً ابلاغ شود. وقتی ابلاغ شد، همه دستگاه‌ها در اجرای آن همکاری و هم‌افزائی کنند. اگر چنانچه سند راهبردی نخبگان - آن طوری که برای من نقل کردند تهیه شده - تصویب شود و ابلاغ شود، بسیاری از این سؤالات و نقاط ابهام به خودی خود برطرف خواهد شد.

ج) مسئولیت نخبگان در راستای تعالی بیشتر

۱. خود را در آغاز راه بدانید؛ سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید و فضای پیرامون خود را به سمت نخبه شدن سوق دهید اما در مورد مسئولیت شما نخبگان عزیز. عرض کردیم خود را در آغاز راه بدانید. سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید. امروز شما نخبه‌اید، اما مسابقه است؛ ممکن است سطح علمی کشور به حدی برسد که این مقدار، نصاب نخبگی نباشد؛ لازم باشد انسان به نصاب بالاتری دست پیدا کند. ما در سند چشم‌انداز بیست ساله آوردیم که در سال ۱۴۰۴ از لحاظ علمی، در رتبه اول منطقه باشیم. بعضی از مسئولین می‌گویند آقا شما گفتید سال ۱۴۰۴، اما حالا که ۱۳۹۱ است، از لحاظ علمی در رتبه اول منطقه هستیم. خب، این حرف درست است؛ اما این، آن حرف نیست. حالا آخر راه نیست، وسط راهیم، اول کاریم. باید بتوانید این رتبه اولی را از ۱۳۹۱ - که امسال است - تا ۱۴۰۴ نگه دارید؛ ببینید اقتضای این نگهداری چیست؟ خیلی کار لازم دارد. یک یاعلی گفتید و یک جهشی کردید؛ خیلی خوب، رسیدید به رتبه اول؛ اما دیگران که بی‌کار ننشسته‌اند، در منطقه، دیگران هم می‌خواهند رتبه اول باشند، رتبه بالاتر باشند؛ آنها هم دارند تلاش می‌کنند. بنابراین باید بتوانید این نخبگی را حفظ کنید. در مورد اشخاص شما هم عیناً این صدق می‌کند؛ باید اثرگذاری داشته باشید. همان طور

که عرض کردیم، در این شبکه نخبگانی، باید بتوانید فضای پیرامون خودتان را به سمت نخبه شدن سوق دهید؛ این یک کار مهمی است، جزو وظائف مهم نخبگان است.

۲. تلاش خود را معطوف به نیازهای کشور کنید؛ معیار ما این است که کشور صدها مشکل و خلأ دارد، می‌خواهیم اینها را پر کنیم یک مسئولیت دیگری که من یادداشت کردم، این است که تلاش خودتان را معطوف به نیازهای کشور کنید. البته در بیانات دوستان هم هست؛ در دیدارهای دانشجویی و دانشگاهی هم که من ماه رمضان و غیر ماه رمضان گاهی داشتم، این را تکرار می‌کنند؛ اما باید این تحقق پیدا کند، باید عملی شود. الان به ما گزارش می‌دهند که هفتاد درصد مقاله‌های علمی ما ناظر به نیازهای کشور نیست. نمی‌دانم چقدر این آمار دقیق است، اما به من این جور گزارش می‌شود. این همه شما زحمت بکشید، مقاله علمی تهیه کنید، از این مقالات علمی سی درصد ناظر به نیازهای کشور باشد، هفتاد درصد نه! خب، انسان احساس خسارت می‌کند. باید صددرصد کار علمی، تلاش علمی، تهیه مقاله علمی ناظر باشد به نیازهای شما. شما با I.S.I هم بر این اساس همکاری کنید. آنجائی که مقاله مورد قبول I.S.I چیزی است که شما می‌توانید در کشور از آن استفاده کنید، آن را دنبال کنید. ما معیار اساسی در دست داریم؛ معیار ما این است که کشور ما صدها خلل و مشکل و خلأ دارد، می‌خواهیم اینها را پر کنیم. این هم یک نکته بسیار اساسی است. البته این بیش از همه احتیاج دارد به همان روش سیستمی که یکی از دوستان اشاره کردند، و تلاشی که بنیاد نخبگان باید در این زمینه انجام دهد.

۳. از خودتان در معنویت و در تهذیب نفس مراقبت کنید؛ وقتی دل شما با خدا بود، دانش شما در خدمت نابودی ملت‌ها نخواهد بود

توصیه دیگر من این است که عزیزان! از خودتان مراقبت کنید. مراد من مراقبت فیزیکی نیست. مراقبت کنید در معنویت، در تهذیب نفس؛ این به شما کمک خواهد کرد. باید بتوانیم چهره مقبولی در پیشگاه الهی برای خودمان درست کنیم. شما جوانید؛ دل‌هاتان پاک است، روح‌هاتان شفاف است. دست یافتن به رتبه‌ها و مقامات معنوی و روحی در سنینی که شما هستید، شاید بشود گفت ده برابر آسانتر است برای کسی در سنین من. می‌توانید توجه پیدا کنید، می‌توانید توسل پیدا کنید، می‌توانید با خدا انس پیدا کنید، می‌توانید خودتان را از گناهان دور نگه دارید؛ یکی از خصوصیات جوان همین است. شما مثلاً جسم یک ژیمناست جوان را در تحرکات گوناگونش نگاه کنید، ببینید چقدر عضلات و بندهای بدن او قابل انعطافند؛ که یک آدم مسنی مثل بنده، به هیچ‌وجه یک‌صدم آن را هم نمی‌تواند برای خودش به وجود بیاورد. این قدرت انعطاف، یک توانائی است. عین همین، در روح وجود دارد؛ در جان انسان، در دل انسان وجود دارد. شما می‌توانید خودتان را متوجه به معانی مترقی و متعالی معنوی کنید؛ این را برای خودتان در نظر بگیرید. توجه به نماز، اهتمام به نماز، خیلی تأثیر دارد. نماز را با توجه خواندن، اول وقت خواندن، با حضور قلب خواندن، با تمرکز خواندن، خیلی خیلی اثر دارد. انس با قرآن، خیلی خوب است. هر روزی یک مقدار قرآن بخوانید، ولو نیم صفحه؛ مواظب باشید ترک نشود. قرآن را باز کنید؛ نیم صفحه، دو آیه، با توجه بخوانید. اینها مستمرند. این، آن مراقبت از معنویت و تهذیب نفس است. بگذارید یک نخبه علمی - که ان‌شاءالله یک روزی در اوج قله‌های علم خواهد بود - آنچنان در معنویت غرق باشد که بتواند این دانش را به طور خالص و صددرصد به نفع بشریت به کار ببرد. وقتی دل شما با خدا بود، دانش شما دیگر در خدمت بمب اتم یا سلاح سمی یا شیوه‌های اقتصادی نابود کننده ثروت ملت‌ها به کار نمی‌رود. امروز دانشمند اقتصادی دنیا،



دانشمند اتمی دنیا، دانشمندی‌های گوناگون علوم زیستی در دنیا، بسیاری از فرآورده‌های علمی‌شان در اهلک بشریت، نابودی جسم بشر یا روح بشر دارد به کار می‌رود. علم است که می‌تواند ماده مخدر کشنده‌ای مثل این موادی که امروز وجود دارد، به وجود بیاورد؛ اینها هم از راه علم به وجود آمده؛ اینها خیانت‌های بزرگ صاحبان علم است؛ به خاطر دل‌های غافل، چشم‌های حریص به پول و زندگی دنیا و مادیت، که به کلی معنویات را فراموش می‌کنند. شما وقتی مهذب بودید، دانش شما به طور صددرصد به نفع انسان‌ها تمام می‌شود. این مراقبت اول.

۴. مراقبت بعدی، مراقبت در تفکر است؛ تفکر، جهت و سمت تلاش‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع را ترسیم می‌کند

مراقبت بعدی، مراقبت در تفکر است. فرموده‌اند بزرگترین عبادت، تفکر است؛ تفکر در آفرینش، تفکر در وظائف انسان، تفکر در زندگی دنیا، تفکر درباره آخرت، تفکر در اوضاع سیاسی عالم، تفکر در مسائل اصولی و اساسی زندگی بشر. ما تحول در علم و پیشرفت در علم داریم، پیشرفت در فکر هم باید پیدا کنیم. اندیشه و تفکر است که خط و جهت و سمت تلاش‌های علمی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع را ترسیم می‌کند. این هم مراقبت دوم.

۵. از خودتان در مسائل کشور مراقبت کنید؛ جایگاه نظام را بشناسید و نسبت به مسائل کشور تحلیل درست و دقیق داشته باشید

بعد هم مراقبت نسبت به وضعیت کشورتان؛ نگاه درست و دقیق به مسائل کشور، تحلیل مسائل کشور. امروز نخبگان ما می‌توانند در این زمینه‌ها خیلی کارهای خوبی انجام دهند. ما امروز در یک میدان وسیعی در مقابله با جبهه دشمن قرار گرفته‌ایم؛ آن جبهه، جبهه ضعیفی نیست؛ جبهه تهیدستی نیست؛ پول دارد، تبلیغات دارد، رسانه دارد، علم دارد، سیاست و توانائی‌های سیاسی دارد؛ اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در مقابل همه فشارهای او ایستاده. همه جور هم فشار وارد می‌کنند؛ از فشار امنیتی و نظامی و ترور و ایجاد اغتشاش و غیره بگیرید، تا فشار سیاسی، تا فشار اقتصادی، تا تحریم، و از این قبیل کارها. ملت در مقابل همه اینها ایستاده و پیش رفته. سی و سه سال است که این فشارها وجود دارد و ملت ایران و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، با رشادت و با توانائی ایستاده؛ هم فشارها را خنثی کرده، هم خودش را قوی کرده.

۱.۵. ملت ایران به خاطر جایگاه مستقل خود و به خاطر تسلیم نشدن در مقابل نظام سلطه بین‌المللی، مورد تهاجم‌های زیاد است
در نقشه کنونی دنیا، در این کالکی که امروز وضعیت جایگاه و موقعیت نیروهای سیاسی دنیا و جغرافیای سیاسی دنیا را ترسیم کرده و وجود دارد، جایگاه خودمان را، جایگاه ملت ایران را، جایگاه نظام جمهوری اسلامی را گم نکنیم؛ ما کجائیم؟ در چه وضعیتی هستیم؟ زورآزمائی‌ها را ببینید، فشارها را ببینید، ناکامی‌های دشمن را مشاهده کنید. البته فشارها خیلی زیاد است - از جوانب مختلف - اما اینکه ما تصور کنیم با فلان تصمیم، با فلان تدبیر و اقدام، موجب شدیم که دشمنی به طرف ما جلب شود، این غلط است؛ این درست نیست. ملت ایران به خاطر جایگاه مستقل خودش، به خاطر تسلیم نشدن در مقابل نظام سلطه بین‌المللی، مورد این تهاجم‌هاست. چون ملت در مقابل این نظام سلطه تسلیم نشده، فشار می‌آورند که تسلیمش کنند. نه تنها نتوانستند او را وادار به تسلیم کنند، بلکه او در جایگاه خودش پافشاری‌اش هم بیشتر شده، قدرت و توانائی‌اش هم بیشتر شده. این، دشمنان را دچار عصبانیت و هیجان‌هایی می‌کند که اشتباهاتی هم

بر اثر این هیجان‌ها از آنها سر می‌زند؛ که انسان از اشتباهات آنها هم می‌تواند منتفع شود. بنابراین نخبگان عزیز ما جایگاه نظام جمهوری اسلامی را بدانند.

۲.۵. با ثروت نیروی انسانی و طبیعی که کشور دارد، خواهیم توانست از تمام این‌گونه‌های خطرناک و پیچ‌های دشوار عبور کنیم
و من به شما عرض بکنم؛ با ثروت نیروی انسانی که امروز خوشبختانه کشور ما از آن برخوردار است، خواهیم توانست از تمام این‌گونه‌های دشوار عبور کنیم. رسیدن به قله، بدون عبور از گردنه‌ها، یک خیال باطل است. گاهی شما در خانه نشسته‌اید - من بارها مثال می‌زنم - از پنجره خانه نگاه می‌کنید، کوه‌های البرز را می‌بینید که افراد دارند روز جمعه یا غیر جمعه از یک جا بالا می‌روند. انسان از درون همان اتاقی که نشسته، خودش را کنار اینها و در قله مشاهده می‌کند؛ در حالی که در قله نیست. اگر بخواهید به قله برسید، باید بروید از همین پائین کوه شروع کنید، حرکت کنید، سختی‌ها را تحمل کنید، عرق بریزید، خسته بشوید، مشکلات فراوانی را در راه تحمل کنید، بالاخره هم به قله برسید. رسیدن به قله در مثال کوهپیمائی، صرفاً یک ورزش است؛ رسیدن به هوای آزاد و احساس رضایت و دلشادی است؛ اما در حرکت یک ملت، رسیدن به قله، یعنی رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، رسیدن به آرامش، به آسایش، به همه خوشبختی‌هایی که یک ملت می‌تواند برای خودش ترسیم کند. با این ثروتی که کشور ما دارد - هم ثروت انسانی، هم ثروت طبیعی - به توفیق الهی ملت ایران از همه این گذرگاه‌های خطرناک و پیچ‌های دشوار و سربالائی‌های سخت عبور خواهد کرد و ان‌شاءالله به قله خواهد رسید.

مؤخره

امیدوارم خداوند متعال همه شماها را محفوظ بدارد؛ مسئولین را هم بر وظائف مهمی که برعهده‌شان هست، موفق بدارد و ان‌شاءالله روزبه‌روز ما شما را در پیشرفت و در ترقی ببینیم و ان‌شاءالله خدای متعال کشور ما را و ملت ما را از همه این میدان‌ها سربلند بیرون بیاورد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|--|--------|--|
| | بذر به ثمرنشسته نخبگی را به شجره طیبه‌ای در همه زمان‌ها و موقعیت‌ها تبدیل کرده و میوه شیرین آن را به کام این ملت و بشریت بچشانید و به حد فعلی خود قانع نشوید | نخبگان | ما قانع نیستیم، شما هم قانع نباشید به این که جوان با استعداد برجسته ما توانست در یک بخشی، در یک آزمون بزرگی، نخبگی خودش را نشان بدهد؛ به این مقدار، نه من قانعم، نه شما قانع باشید. توقع من و توقع شما باید این باشد که این بذر به ثمرنشسته تبدیل شود به یک نهال برومند و تبدیل شود به یک شجره طیبه‌ای که «توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»؛ درخت ثمربخشی شوید که در همه زمان‌ها، در همه موقعیت‌ها، بتوانید میوه شیرین خودتان را به کام این کشور، این ملت، این تاریخ و در نهایت به کام بشریت بچشانید؛ این باید هدف باشد. |

نگذارید حرکت علمی پرشتاب
در کشور از دور بیفتد

جوانان نخبه

خوشبختانه فضای گفتمانی در کشور در جهت پیشرفت علم است؛ این دیگر بحمدالله تثبیت شده و جاافتاده است. حرکت علمی در کشور، یک حرکت پرشتابی است - همین‌طور که آمارهای جهانی هم این را نشان می‌دهد - ولی نگرانی من از این است که احساس رضایتی که از این موقعیت و از این وضعیت به ما دست می‌دهد، ما را بی‌خیال کند، همت ما را کم کند. برمی‌گردم به آن حرف اول، که عزیزان من! هم شما در آغاز یک راهید، هم کشور در آغاز یک راه است. ببینید، ما به خاطر خباثت و سستی و استبداد و وابستگی حکومت‌های گوناگونی که در طول دوران‌های اخیر داشتیم، از قافله علمی جهان عقبیم. تقریباً شتابی که ما امروز داریم، ده برابر، یازده برابر، سیزده برابر شتاب متعارف و متوسط علمی در دنیاست. این خیلی خوب است، اما فاصله زیاد است. اگر چنانچه مثلاً بیست سال - حالا من که می‌گویم بیست سال، روی محاسبه دقیق نمی‌گویم؛ همین‌طور حدسی می‌گویم - ما همین شتاب ده برابر را، دوازده برابر نسبت به پیشرفت علمی جهان را ادامه دهیم، خواهیم رسید به آن نقطه‌ای که متناسب ملت ایران است؛ متناسب تاریخ ماست، گذشته ماست، موارث علمی ماست، و متناسب اهمیت ماست. بنابراین، نباید بگذاریم این حرکت از دور بیفتد. اگر حرکت از دور افتاد، بازیابی و بازسازی آن دشوارتر خواهد بود. و این کار شما جوان‌هاست. جوان‌ها باید همت‌های خود را زیاد کنند. احساس کنید که هم شما در آغاز یک راه طولانی و مهمید، هم کشور در آغاز یک راه طولانی و مهم است.



| | | |
|---|--|---|
| <p>معیارهای نخبگی درست انتخاب شود و تمایز بین معیارهای نخبگی در علوم فنی و علوم انسانی مورد توجه قرار گیرد</p> | <p>مسئولان ذی ربط در امور نخبگان</p> | <p>در حوزه علوم فنی و حوزه علوم انسانی، معیارها دوگانه است. البته حالا یک جوان عزیز باز در مورد علوم فنی هم تفکیک قائل می شوند بین علوم محض و علوم صنعتی و فنی؛ که این هم نکته قابل توجهی است. اما به هر حال مایزی وجود دارد بین معیارهای نخبگی و زندگی در علوم فنی و علوم انسانی. مترها یک اندازه نیست، معیارها یک جور نیست؛ به این نکته توجه شود. ما لازم داریم که در زمینه علوم انسانی - که امروز یک نیاز بسیار اساسی کشور ماست - به تازه‌ها، برجستگی‌ها و نوآوری‌ها دست پیدا کنیم؛ این کلید اساسی پیشرفت نهائی و بنیادی و ریشه‌دار کشور است. بنابراین لازم است معیارها درست انتخاب شود.</p> |
| <p>حمایت از نخبه، در درجه اول به معنای ایجاد فرصت پژوهش، تحصیل و پیشرفت باشد؛ در کنار آن، حمایت‌های مالی هم لازم است</p> | <p>مسئولان ذی ربط در امور نخبگان</p> | <p>حمایت از نخبه، در درجه اول باید به معنای ایجاد فرصت پژوهش و تحصیل و پیشرفت باشد. البته من به هیچ وجه مخالف حمایت‌های مالی و مادی و اینها نیستم، بلکه لازم است آن کارها انجام بگیرد؛ لیکن مهم‌تر از آن، این است که نخبه احساس کند فضای تنفس علمی دارد. آن چیزی که مکرر به ما منتقل می‌شود، این است که نخبگان و برجستگان مایلند یک میدان وسیعی باشد که بتوانند به اقتضای نخبگی و استعداد برتر، در آن بتازند؛ این را باید فراهم کرد. البته این، راه‌های گوناگونی دارد. تشخیص راه‌ها، ارائه راه‌ها و پیشنهادها کار ما نیست؛ کار کارشناس‌های ذی ربط است. البته امروز جوان‌ها نظراتی هم دادند. این را باید تأمین کرد تا نخبه بتواند احساس کند که میدان کار و پیشرفت برای او وجود دارد.</p> |
| <p>مسئله رعایت نخبگان و نگاه به نخبگان را به یک حالت شبکه‌ای در بیاوریم. ما نخبه را شناسائی می‌کنیم، انتخاب می‌کنیم، کمک می‌کنیم و ثبات در حرکت نخبگی به او می‌دهیم؛ این کافی نیست. باید یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت نخبه آغاز می‌شود؛ یعنی مربی‌گری. ریشه و پایه هم در آموزش و پرورش است؛ همچنان که یکی از جوان‌ها گفت. ما باید استعدادهای نخبه را شناسائی کنیم و تربیت کنیم، بعد در میان اینها گزینش و انتخاب لازم است؛ بعضی نخبه‌ترند، بعضی استعدادهای برترند؛ انتخاب بهترین‌ها. بعد از آن، نگهداری و ارتقا است؛ نه فقط نگهداری، بلکه نگهداری همراه با ارتقا و پیشرفت. کمک کنید این نخبه اگر امروز در رتبه دهم است، در آینده نه چندان دوری به رتبه اول برسد؛ ارتقا پیدا کند. بعد این نخبه، خود وارد چرخه نخبه‌سازی شود - یعنی حالت شبکه‌ای پیدا کند - خود این نخبه، نخبه‌ساز و نخبه‌پرور شود. در این صورت، حالت درون‌زائی به وجود خواهد آمد و حرکت مضاعف خواهد شد. اگر ما یک چنین شیوه‌ای را در پیش بگیریم، به نظر می‌رسد که کار، پیشرفت خواهد کرد.</p> | <p>مسئولان ذی ربط در امور نخبگان</p> | <p>باید یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه در حمایت از نخبگان به وجود بیاید</p> |
| <p>یک نکته دیگر که مربوط به مسئولین محترم است، مربوط می‌شود به سند راهبردی نخبگان؛ که این پیشنهاد شد. خوشبختانه چیز خوبی تهیه شده. من خودم ندیدم، اما دوستانی که بررسی کردند، قضاوتشان این است که این سند راهبردی، بسیار خوب و جامع تهیه شده. خب، در مرحله‌ای از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تصویب شده، اما باید سریعاً به تصویب نهائی برسد و سریعاً ابلاغ شود. وقتی ابلاغ شد، همه دستگاه‌ها در اجرای آن همکاری و هم‌افزائی کنند. اگر چنانچه سند راهبردی نخبگان - آن طوری که برای من نقل کردند تهیه شده - تصویب شود و ابلاغ شود، بسیاری از این سوالات و نقاط ابهام به خودی خود برطرف خواهد شد.</p> | <p>مسئولان ذی ربط در امور نخبگان</p> | <p>باید سند راهبردی نخبگان سریعاً به تصویب نهائی برسد و ابلاغ شود</p> |



اجتماع مردم بجنورد

۱۳۹۱/۰۷/۱۹



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و حبيبنا
ابى القاسم المصطفى محمد و على ءاله الأطيبين الأطهرين و
صحابه المنتجبين و السلام على عباد الله الصالحين.

اللهم صل على على بن موسى الرضا المرتضى الامام التقي النقي
و حجتك على من فوق الأرض و من تحت الثرى الصديق
الشهيد صلاة كثيرة تاممة نامية زاكية متواصله مترادفة كأفضل ما
صليت على احد من عبادك و اوليائك.

خداوند را سپاس - از صمیم قلب عرض می‌کنم - که دیدار با شما
مردم عزیز استان خراسان شمالی، که شهر شما و استان شما معروف
است به باب‌الرضا، در روز زیارتی مخصوص امام رضا اتفاق افتاد.
اگرچه ما امروز توفیق نداریم که از نزدیک در حرم مطهر امام هشتم
باشیم، اما از این منطقه که متعلق به آن حضرت است، عرض سلام
کردیم و می‌کنیم.

الف) اهمیت، موقعیت و برجستگی‌های استان

خراسان شمالی و خصوصیات مهم مردم این خطه

۱. خراسان شمالی، یکی از مناطق مهم خراسان، از جهت موقعیت جغرافیائی، طبیعی، خصوصیات مردمی، فرهنگ‌ها و خلیات است

این منطقه که امروز به نام «خراسان شمالی» شناخته می‌شود، یکی از مناطق مهم خراسان است؛ هم از جهت موقعیت جغرافیائی و طبیعی، و هم از جهت خصوصیات مردمی و انسانی و فرهنگ‌ها و خلیات و رفتار. این خصوصیات را از دیرباز در مردم این منطقه مهم و حساس شناخته‌ایم؛ استانی با طبیعت زیبا؛ با منابع طبیعی غنی و متنوع؛ با عمق و غنای فرهنگی کاملاً برجسته و ممتاز؛ با استعداد فراوان کشاورزی و دامی و سایر فعالیت‌های مربوط به منطقه؛ با جاذبه‌های گردشگری متأسفانه ناشناخته - که بسیاری از مردم کشور هنوز جاذبه‌های گردشگری این منطقه را درست نمی‌شناسند - و یکی از برترین خصوصیات، عبور سالیانه میلیون‌ها مردم مسافر مشتاق بارگاه علی‌بن‌موسی‌الرضا (علیه‌الاف‌التحیة و الثناء). با این خصوصیات جغرافیائی و منطقه‌ای، منطقه خراسان شمالی دارای موقعیت حساسی است. لیکن از اینها مهم‌تر، خصوصیات مردمی است. مردم اینجا را از دیرباز با شور و نشاط و سرزندگی در همه میدان‌ها شناخته‌ایم. در همه عرصه‌هایی که حضور مردم در آن عرصه‌ها آشکار است، مردم استان خراسان شمالی را، مردم بجنورد را و دیگر مناطق این استان

اما در مورد مسئولیت شما نخبگان عزیز. عرض کردیم خود را در آغاز راه بدانید. سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید. امروز شما نخبه‌اید، اما مسابقه است؛ ممکن است سطح علمی کشور به حدی برسد که این مقدار، نصاب نخبگی نباشد؛ لازم باشد انسان به نصاب بالاتری دست پیدا کند. ما در سند چشم‌انداز بیست ساله آوردیم که در سال ۱۴۰۴ از لحاظ علمی، در رتبه اول منطقه باشیم. بعضی از مسئولین می‌گویند آقا شما گفتید سال ۱۴۰۴، اما حالا که ۱۳۹۱ است، از لحاظ علمی در رتبه اول منطقه هستیم. خب، این حرف درست است؛ اما این، آن حرف نیست. حالا آخر راه نیست، وسط راهیم، اول کاریم. باید بتوانید این رتبه اولی را از ۱۳۹۱ - که امسال است - تا ۱۴۰۴ نگه دارید؛ ببینید اقتضای این نگهداری چیست؟ خیلی کار لازم دارد. یک یاغلی گفتید و یک جهشی کردید؛ خیلی خوب، رسیدید به رتبه اول؛ اما دیگران که بیکار ننشسته‌اند. در منطقه، دیگران هم می‌خواهند رتبه اول باشند، رتبه بالاتر باشند؛ آنها هم دارند تلاش می‌کنند. بنابراین باید بتوانید این نخبگی را حفظ کنید. در مورد اشخاص شما هم عیناً این صدق می‌کند؛ باید اثرگذاری داشته باشید.

نخبگان

خود را در آغاز راه بدانید و سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید

در این شبکه نخبگانی، باید بتوانید فضای پیرامون خودتان را به سمت نخبه شدن سوق دهید؛ این یک کار مهمی است، جزو وظائف مهم نخبگان است.

نخبگان

فضای پیرامون خود را به سمت نخبه شدن سوق دهید

را با سرزندگی، با نشاط و آماده‌به‌کاری شناختیم؛ همه جا هم این را نشان دادند.

۲. نشاط، سرزندگی و حضور در همه عرصه‌های زندگی مردم این خطه از جمله زیارت، دفاع مقدس و غیرت مرزبانی دیده می‌شود همین جا من از حضور امروز مردم در خیابان‌ها، هم تشکر می‌کنم - که همین نشاط و سرزندگی و حضور و آمادگی، در حرکت مردم در این یک ساعت و نیم دو ساعتی که ما در خیابان بودیم، محسوس بود؛ این را از دیرباز در این مردم شناخته‌ایم - هم عذرخواهی می‌کنم. جوان‌های عزیز در خیابان آنچنان تراکمی را ایجاد کرده بودند که حقیقتاً من که داخل خودرو نشسته بودم، نگران می‌شدم از فشاری که بر این مردم عزیز وارد می‌آمد. بالاخره، هم متشکریم، هم عذرخواه.

این نشاط و سرزندگی در همه عرصه‌های زندگی این مردم دیده می‌شود. در بیست و هشتم صفر که از سرتاسر استان مردم راه می‌افتند به طرف مرقد علی‌بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام)، از همه شهرستان‌ها بیشتر، مسافران و خودروهای بجنوردند. این را مشهدها می‌دانند؛ خود بنده هم که مشهدهی هستم، این را می‌دانم. در زیارت، این نشاط و حضور و آمادگی محسوس است.

در عرصه دفاع مقدس هم که پیش آمد، عین همین را انسان مشاهده کرد. ۵۰ سردار برجسته لشکرهای مربوط به خراسان و تیپ جوادالائمه (علیه‌السلام) مال خطه خراسان شمالی‌اند. ۲۷۷۲ شهید از این منطقه در راه خدا جان خودشان را داده‌اند. این استان بیش از ۶۰۰۰ جانباز دارد؛ همچنین آزادگان و رزمندگان و ایثارگران فراوان. این همان روحیه حضور، آمادگی، سرزندگی و نشاط است.

مردم این استان، در همه چیز همین جورند. وقتی نوبت کشتی با چوخه هم می‌رسد، باز ده‌ها هزار تماشاچی می‌ایستند آنجا، می‌نشینند آنجا، کشتی را تماشا می‌کنند. این خصوصیات، خصوصیات مهمی است. غیرت مرزبانی این منطقه هم مرتبط با همین خصوصیات است. البته فقط اینها نیست؛ برجستگی‌های این استان بیش از اینهاست.

۳. این استان جزو ده استان برتر از لحاظ استعداد علمی است و مردمی غیور، دیندار، مرزبان، سرزنده و شجاع دارد

این استان استعدادهای درخشانی دارد. آنطوری که به من اطلاع دادند، این استان جزو ده استان برتر کشوری از لحاظ استعداد و توانائی علمی است. در المپیادهای دانش‌آموزی، جزو برترین‌های کشور محسوب می‌شود. اینها استعداد است. البته بنده خودم هم در دوران طلبگی در مشهد نمونه‌هایی از همین استعدادهای درخشان و برجسته را آنجا دیدم، که حالا طرحش اینجا لزومی ندارد؛ ان‌شاءالله در جمع علما و طلاب عرض خواهم کرد. مردم این منطقه، غیورند؛ دیندارند؛ سرزنده و بانشاط و شجاعند. این خصوصیات، خصوصیات برجسته‌ای است.

۴. همراهی و همزیستی مهربانانه و برادرانه قومیت‌های مختلف، یکی دیگر از برجستگی‌های این استان است که باید قدر دانست

چرا اینها را عرض می‌کنیم؟ برای اینکه خوب است مردم مناطق گوناگون کشور ما برجستگی‌های خودشان را بدانند و به این برجستگی‌ها افتخار کنند. جوان بجنوردی افتخار کند که مربوط به این شهر است. جوان مربوط به این استان، از هر قومی از اقوام که هست، افتخار کند که متعلق به این استان است؛ متعلق به این منطقه است؛ متعلق به این مردم است. یکی از برجستگی‌های دیگر این استان هم همین همراهی و همزیستی مهربانانه و برادرانه قومیت‌های مختلف است - از کُرد و فارس و ترک و تات و ترکمن - که با سلامت و مهربانی و

برادری در کنار هم زندگی کرده‌اند؛ که این در منطقه کاملاً محسوس است، مشهود است؛ و این را خیلی باید قدر دانست.

ب) هدف نهایی انقلاب اسلامی و لوازم و سازوبرگ‌های تحقق آن

۱. حالت آماده‌به‌کاری، سرزندگی و پای کار بودن برای ملتی که دنبال حیات طیبه است، نعمت بزرگی است؛ ولی کافی نیست. از همین جا من وارد مطلب اصلی مورد نظر خودم بشوم. عزیزان من! برادران! خواهران! این امتیازات را شنیدید. این نشاط و سرزندگی و آماده‌به‌کاری از بعد از انقلاب تا امروز در سرتاسر کشور وجود دارد؛ و این یک موهبت بزرگ است برای ملتی که درصدد حرکت به جلو است، درصدد ترقی و تعالی است، دنبال حیات طیبه است. این حالت آماده‌به‌کاری، نشاط، سرزندگی و پای کار بودن، نعمت بزرگی است؛ ولی این کافی نیست. برای رفتن به قله‌ها، شرط‌های دیگری هم وجود دارد.

۱.۱. باید یک نقشه راه و بعد فهم دائمی و درست و رصد کردن دائم از حرکت وجود داشته باشد؛ امروز اینها جزو مسائل اصلی ماست اولاً باید یک نقشه راه وجود داشته باشد؛ یعنی هدف حرکت معلوم باشد، چشم‌انداز حرکت معلوم باشد، خط سیر این حرکت ترسیم شده باشد، بعد هم فهم دائمی و درست و رصد کردن دائم از این حرکت. این برای یک ملت لازم است. امروز اینها جزو مسائل اصلی ماست.

۲.۱. نقشه راه در شعارهای مردم و بیانات امام به طور اجمالی معلوم شد؛ بعد هم در این سی سال تدوین، پخته و تکمیل شد من اصرار دارم که بالخصوص جوان‌های عزیز ما و نخبگان کشور به مسائل اصلی امروز توجه داشته باشند؛ ما امروز اینها را لازم داریم. هدف‌های این حرکت، از اول انقلاب ترسیم شد؛ هم در شعارهای مردم، هم در بیانات امام (رضوان الله تعالی علیه) نقشه راه به طور اجمالی معلوم شد؛ بعد هم در طول زمان، در این سی سال، نقشه راه تدوین شد، پخته شد، تکمیل شد؛ امروز ملت ایران می‌داند که چه می‌خواهد و دنبال چیست.

۲. هدف نهایی انقلاب ما و ملت ایران، پیشرفت همه جانبه اسلامی است

اگر بخواهیم هدف‌های ملت ایران را در یک مفهوم خلاصه کنیم که بتواند تا حدود زیادی خواسته‌های عمومی کشور و ملت را بیان کند و آن را در بر بگیرد، آن مفهوم کلیدی عبارت است از پیشرفت؛ منتها با تعریفی که اسلام برای پیشرفت می‌کند.

۱.۲. یک بعدی بودن و در جهت مادی دیدن پیشرفت در منطق غرب و لحاظ دنیا و آخرت و همه جانبه دیدن پیشرفت در منطق اسلام پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یک بعدی می‌بینند، آنها با یک جهت - جهت مادی - به پیشرفت نگاه می‌کنند. پیشرفت در نظر آنها، در درجه اول و به عنوان مهم‌ترین، عبارت است از پیشرفت در ثروت و پیشرفت در علم و پیشرفت نظامی و پیشرفت فناوری. پیشرفت در منطق غربی اینهاست؛ اما در منطق اسلامی، پیشرفت ابعاد بیشتری دارد؛ پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی - اینها همه در مفهوم پیشرفت، در اسلام گنجانده شده است - پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای تعالی؛



یعنی جنبه معنوی، جنبه الهی؛ این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهائی ماست: تقرب به خدا. هم «دنیا» در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم «آخرت». اسلام به ما آموخته است که «لیس منا من ترک دنیاہ لأخرتہ و لا ءآخرتہ لدنیاہ»؛ (۱) دنیا را برای آخرت نباید ترک کرد، همچنان که آخرت را نباید فدای دنیا کرد. در یک روایتی می‌فرماید: «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابدًا»؛ یعنی برنامه‌ریزی دنیا را فقط برای چند روزه زندگی خودت نکن؛ برای پنجاه سال برنامه‌ریزی کن. این را مسئولان کشور، مسئولان برنامه‌های عمومی مردمی باید مورد توجهشان قرار بدهند. نگوییم ما که معلوم نیست پنجاه سال دیگر زنده باشیم، چرا برنامه‌ریزی کنیم؟ نخیر، جوری برنامه‌ریزی کن که گوئی بناست تا آخر دنیا زنده باشی؛ همچنان که اگر برای خودت و به نفع خود بخواهی برنامه‌ریزی کنی، با چه جدیت و دقتی می‌کنی، برای نسل‌های آینده هم که تو در آن وقت نیستی، همان‌جور برنامه‌ریزی کن؛ «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابدًا». نقطه مقابل هم: «و اعمل لأخرتک کأنک تموت غدا»؛ (۲) برای آخرت هم جوری عمل کن، مثل اینکه فردا بناست از این دنیا بروی. یعنی هم برای دنیا سنگ تمام بگذار، هم برای آخرت سنگ تمام بگذار. پیشرفت اسلامی، پیشرفت در منطق انقلاب، یعنی این؛ یعنی همه‌جانبه.

۲،۲. نخبگان باید مرحله به مرحله پیشرفت را رصد کنند و هم در برنامه‌ریزی‌ها آن را به کار ببرند، و هم مردم را آگاه کنند

هدف، پیشرفت است؛ منتها رصد کردن مرحله به مرحله هم لازم است، که این کار نخبگان است. امروز شرائط ما چگونه است، موانع ما چیست، نقاط قوت ما کدام است، نقاط ضعف ما کدام است، فرصت‌ها مان کدام است، تهدیدها چیست، چه کار باید بکنیم، برای بهره‌مندی از فرصت‌ها و جلوگیری از خطر تهدیدها چگونه برنامه‌ریزی کنیم؛ اینها کارهایی است که باید نخبگان در هر مرحله‌ای انجام دهند؛ هم در برنامه‌ریزی‌ها آن را به کار ببرند و هم مردم را آگاه کنند؛ چون مردم می‌خواهند با چشم باز و با بصیرت حرکت کنند، بدانند چه می‌کنند، بدانند کجا می‌روند. وقتی این‌جور شد، مردم با همه وجود وارد میدان‌های دشوار خواهند شد.

۳،۲. در طول دوران انقلاب، ما به طور مرتب پیشرفت کرده‌ایم؛ البته فراز و فرود، تندی و کندی و ضعف و قوت بوده است

خب، حالا من اگر بخواهم یک قضاوتی بکنم نسبت به این هدفی که گفته شد، قضاوت من قضاوت مثبت است. در طول دوران سی ساله انقلاب، ما به طور مرتب پیشرفت کرده‌ایم. البته فراز و فرود بوده است، تندی و کندی بوده است، ضعف و قوت بوده است، اما هرگز پیشرفت کشور و ملت به سوی آن قله مورد نظر متوقف نشده است. ضعف‌هایی وجود داشته است؛ باید ملت، مسئولان و نخبگان - نخبگان سیاسی، نخبگان علمی، نخبگان روحانی - تصمیم بگیرند این ضعف‌ها را برطرف کنند.

۳. برای رسیدن به قله‌های افتخار، در درجه اول تلاش، عزم راسخ، امید، صبر، برنامه‌ریزی و آمادگی برای مشکلات لازم است

پیشرفت کشور را تسریع کنیم. امروز چه چیزهایی می‌تواند ما را موفق کند و چه چیزهایی می‌تواند برای ما مشکلات به وجود بیاورد؟ من یک مثالی بزنم: یک گروه کوهنورد را در نظر بگیرید که می‌خواهند خودشان را برسانند به قله برجسته این کوه که دارای منافع است، دارای افتخار است. هم آنها در درجه اول، پیش‌رفتن و کار کردن و تلاش کردن است. البته در راه ممکن است مشکلاتی پیش بیاید، خطرهایی وجود دارد. آنچه برای آنها در درجه اول ضروری است، عبارت است از اینکه تلاش کنند، کار کنند، تحرک داشته باشند، عزم راسخ داشته باشند، امید خود را از دست ندهند، نسبت به رسیدن به اهداف ناامید نشوند، صبر داشته باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند، هشیاری و آمادگی برای

مواجهه با مشکلات داشته باشند.

۱،۳. اگر این امور که سازوبرگ اصلی این حرکت عظیم است وجود داشته باشد، ملت ایران بر تمام مشکلات فائق می‌آید

ممکن است در هر راهی مشکلات و خطرهایی پیش بیاید که من اشاره خواهیم کرد به آنچه که در سی ساله انقلاب در مقابل مردم عزیز ما پیش آمده و مردم از این مشکلات عبور کرده‌اند. پس سازوبرگ اصلی این حرکت عظیم و بزرگ عبارت است از همین عزم راسخ، همین امید، همین کار و تلاش پیگیر، همین برنامه‌ریزی، همین آمادگی و هشیاری. اگر این سازوبرگ اصلی وجود داشت، اگر این ارکان اصلی را دارا بود، این مجموعه‌ای که دارد حرکت می‌کند - در مثال ما، کوهنوردان؛ و در واقعیت، ملت ایران - بر تمام مشکلات فائق می‌آید و می‌تواند همه دشمنان خود را به زانو در بیاورد. اساس، این است. اگر این سازوبرگ وجود داشته باشد، هیچ مشکلی به معنای واقعی کامل، مشکل نیست؛ هیچ خطری خطر نیست.

۲،۳. خطر واقعی این است که ملت سازوبرگ اصلی را از دست بدهد و دچار تنبلی، یأس، شتابزدگی و بی‌برنامگی و سردرگمی شود

خطر واقعی چیست؟ خطر واقعی این است که ملت این سازوبرگ اصلی را از دست بدهد؛ یعنی روحیه کار و تلاش را از دست بدهد، دچار تنبلی شود؛ روحیه امید را از دست بدهد، دچار یأس شود؛ صبر و مقاومت را از دست بدهد، دچار شتابزدگی شود؛ برنامه‌ریزی را فراموش کند، دچار بی‌برنامگی و سردرگمی شود؛ اینها خطر است. اگر یک ملتی توانست این روحیه برجسته خود را که آمیخته‌ای از امید و عزم و ایمان و تلاش و حرکت است، حفظ کند، هیچ مشکلی در مقابل او مشکل نیست.

ج) تحلیل وضعیت، نقاط قوت و ضعف و موانع و راهکارهای تحقق پیشرفت در ایران اسلامی

حالا برگردیم صحنه ایران عزیز و ملت بزرگ ایران را مشاهده کنیم. من مایلیم آنچه را که می‌گوییم، آنچه را که درباره آن فکر می‌کنیم، منطبق با منطق باشد؛ نمی‌خواهیم حرف شعاری بزنیم. با لاف و گزاف گفتن در مسائل گوناگون، بخصوص در مسائل انقلاب، بنده موافق نیستیم. ببینیم منطقی چیست، واقعیت‌ها چیست.

۱. مانع مهم پیشرفت ملت ایران

۱،۱. ملت ایران یک عرصه رویارویی با یک مجموعه دشمن دارد؛ در رأس دشمن‌ها هم شبکه خطرناک خبیث صهیونیستی است

ملت ایران یک عرصه رویارویی با یک مجموعه دشمن دارد، دشمنی را هم آنها شروع کردند. در رأس دشمن‌ها هم شبکه خطرناک خبیث صهیونیستی است که متأسفانه بعضاً دولت‌های غربی و بخصوص دولت آمریکا تحت تأثیر این شبکه‌اند.

۲،۱. در این صحنه رویارویی، یک طرف ملت ایران است و یک طرف، برخی از قدرت‌هایی که کینه‌ورزانه با ملت دشمنی می‌کنند

اینها از اول انقلاب با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مخالفت کردند؛ کینه این مردمی را که انقلاب کرده‌اند، به دل گرفته‌اند؛ الان هم همین جور است. حالا در این صحنه رویارویی، یک طرف ملت ایران است، یک طرف هم برخی از قدرت‌هایی که کینه‌ورزانه با ملت ایران دشمنی می‌کنند.



۱,۲. ملت ایران دارای امید، استعداد برتر، نسل جوان پُرانگیزه و پرتلاش، چشم انداز و ابزارهای لازم برای حرکت است

وقتی عرصه را نگاه می‌کنیم، اگر یک نگاه به ملت عزیزمان بکنیم، می‌بینیم ملت ما دارای عزم است، دارای امید است، دارای استعداد برتر است، دارای نسل جوان پُرانگیزه و پرتلاش است. این حضور نسل جوان، در همه میدان‌ها خودش را دارد نشان می‌دهد: در میدان علم، که امروز در دنیا به آن اعتراف می‌کنند؛ در میدان فناوری، در میدان‌های گوناگون اجتماعی؛ آن وقتی که پیش آمد، در دفاع مقدس؛ امروز هم در آمادگی‌های گوناگون. اینها را امروز ملت ایران دارد؛ چشم‌انداز بیست ساله را هم دارد، ابزارهای لازم برای حرکت به سمت جلو را هم دارد، منابع طبیعی هم دارد، معادن ارزشمند هم دارد.

۲,۲. منابع اساسی کشورمان از متوسط جهان بیشتر است و اقلیم متنوع و کشور وسیعی داریم

آنچه را که در کشورمان از منابع اساسی در اختیار داریم، از متوسط جهان بیشتر است. من بارها گفته‌ام: ما تقریباً یک‌صدم جمعیت دنیائیم، کشور ما هم تقریباً یک‌صدم وسعت دنیاست؛ اما منابع اصلی‌ای که ما داریم، از یک‌صدم بسیار بیشتر است. در بعضی از منابع، در میان همه کشورهای دنیا درجه اولیم؛ مثل منابع انرژی - نفت و گاز - که امروز در میان همه کشورهای دنیا، در رأس فهرست، ما هستیم. این خصوصیات ماست.

اقلیم ما اقلیم متنوعی است. کشور ما کشور وسیعی است. همه چیز، متناسب با نیازهای ما وجود دارد. طبیعت خوب داریم، معدن خوب داریم، مردم خوب داریم، استعداد خوب داریم، مسئولان دلسوز مردمی هم در سه قوه داریم، نیروهای مسلح پای کار و آماده و شجاع هم داریم، روحانیت فاضل و دلسوز و علاقه‌مند هم داریم، دانشگاه‌ها و مدارس پرجمعیت هم داریم - چهار میلیون جمعیت دانشجو و میلیون‌ها جمعیت دانش‌آموز - اینها امکانات ماست، استعداد ماست؛ عزم و اراده و امید هم در ملت ما وجود دارد.

۳. سیر صعودی حرکت ملت ایران از ابتدای انقلاب تاکنون

۱,۳. با توجه به دشمنی‌ها، حرکت سیر صعودی و پیشرفت ما برجسته است و ثبات سیاسی، در درجه اول امور برجسته زیربنایی است

حرکتیمان از اول انقلاب تا امروز سیر صعودی داشته است. نتیجه این حرکت سیر صعودی هم پیشرفتی است که تا امروز حاصل شده است. آن مقداری که به تناسب سال‌ها ما به دست آورده‌ایم، با توجه به دشمنی‌هایی که با ما شده است، برجسته است و پیشرفت‌ها جلوی چشم همه است. در امور زیربنایی، کشور پیشرفت کرده است؛ در خدمات مردمی، کشور پیشرفت کرده است؛ در معنویات، کشور پیشرفت کرده است؛ در دانش و فناوری هم همین جور. زیربنائیهایی که ما در آنها برجسته و ممتاز هستیم، در درجه اول عبارت است از ثبات سیاسی کشور. دولت‌های گوناگونی سر کار آمدند، با وجود اختلاف نظرها و سلاطین سیاسی، لیکن ثبات کشور از اول انقلاب تا امروز استمرار داشته است و کشور به سمت هدف‌ها حرکت کرده است. منازعات و درگیری‌های خطی و جناحی و سیاسی نتوانسته است ثبات سیاسی کشور را از بین ببرد؛ این مهم‌ترین زیربناست.

۲,۳. زیربنای اقتصادی بسیار مهمی از لحاظ قانونی و واقعی و عملی از اول انقلاب تا امروز انجام گرفته است

البته زیربنای اقتصادی بسیار مهمی، هم از لحاظ قانونی، هم از لحاظ واقعی و عملی وجود دارد. همین سیاست‌های اصل ۴۴ جزو زیربنای قانونی است. زیربنای مواصلاتی، ارتباطی، حمل و نقل، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، خطوط ریلی و هوایی، فیبر نوری، نیروگاه‌ها، سدها؛ اینها کارهایی است که از اول انقلاب تا امروز انجام گرفته؛ آن هم اغلب نزدیک به همه، به دست جوانان و زیدگان و برجستگان علمی کشور خودمان. اینها چیزهای کمی نیست، اینها را ما به دست آورده‌ایم.

۴. مسائل و مشکلات موجود در مسیر پیشرفت

۱,۴. تحدید نسل باید از اواسط دهه ۷۰ متوقف می‌شد، مسئولین و بنده در این اشتباه سهیم هستیم؛ با این روند کشور پیر خواهد شد

یکی از مهم‌ترین موجودی‌های بازار ما، همین نسل جوان تحصیلکرده است. نسل جوان تحصیلکرده، هم شجاعت دارد، هم امید دارد، هم نشاط و تحرک دارد.

من همین جا در داخل پرانتز عرض بکنم؛ یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم - من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم - کشور پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولید مثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را اینها حل می‌کنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست، و با استعدادی که در ایرانی وجود دارد.

۲,۴. مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم؛ البته مشکلاتی وجود دارد که در درجه اول، مسئله بالا رفتن قیمت‌ها و مسئله اشتغال است

پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم. البته مشکلاتی وجود دارد - که من به آنها اشاره خواهم کرد - مشکلاتی است در سطح کشور، منطقه شما هم از همین مشکلات دارد؛ که در درجه اول، مسئله بالا رفتن قیمت‌هاست، مسئله اشتغال است؛ اینها جزو گرفتاری‌های مردم است؛ مخصوص اینجا هم نیست، در سرتاسر کشور است. دوستان ما، قبل از سفر من نظرخواهی کردند، از مردم پرسیدند؛ دیدیم اینجا هم عین همان چیزی است که در جاهای دیگر وجود دارد. مسئله بالا رفتن قیمت‌ها و مسئله اشتغال و بیکاری، جزو دغدغه‌های اصلی است. این مشکلات وجود دارد؛ لیکن مشکلات اساسی و عوارضی که کشور، ملت و مسئولین نتوانند آنها را حل کنند، وجود ندارد.

۳,۴. در طول سی و سه سال انقلاب، خطرهایی از این بزرگ‌تر پیش آمده که کشور از اینها عبور کرده است

در طول سی و سه سال انقلاب، خطرهایی از این بزرگ‌تر پیش آمده است. کشور این خطرها را برطرف کرده، از اینها عبور کرده است. آتش‌هایی خواستند روشن کنند، ولی به مقصود خود نرسیدند.



۱،۳،۴ در درجه اول خطرها، مسئله تحریک قومیت‌ها بود؛ بعد جنگ تحمیلی را راه انداختند؛ اما ملت از این مراحل عبور کرد

در درجه اول، در همان اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، مسئله تحریک قومیت‌ها در سرتاسر کشور بود. خب، کشور ما کشور قومیت‌های متنوع است. سعی کردند این قومیت‌ها را به جان هم بیندازند. در همین منطقه شما، یک عده کمونیست بی‌اعتقاد به دین و به وطن سعی کردند اقوام مؤمن و نجیب ترکمن را با مجموعه انقلاب مخالف کنند. چه کسی در مقابل اینها ایستاد؟ در درجه اول، خود عناصر مؤمن ترکمن در مقابل اینها ایستادند. علمای بانفوذ ترکمن - که بعضی از دنیا رفته‌اند، بعضی هم بحمدالله زنده هستند - خودشان در مقابل اینها ایستادند. جوان‌های سایر مناطق کشور هم، هم در اینجا، هم در مناطق گوناگون دیگر، رفتند ایستادگی کردند. تحریک می‌کردند، آتش را روشن می‌کردند، روی آتش نفت می‌ریختند، از طرق مختلف سعی می‌کردند آتش را گسترده کنند؛ اما به دست ملت ایران و عمدتاً به دست خود آحاد آن کسانی که می‌خواستند آنها را در مقابل انقلاب اسلامی قرار بدهند، آتش خاموش شد. در منطقه کردستان هم خود کردها، پیش‌مرگان مسلمان کرد و علمای مؤمن کرد، پیشگام و پیشقدم بودند. مناطق دیگر هم همین جور. این مشکل اولی بود که پیش آوردند. بعد جنگ تحمیلی را راه انداختند. هشت سال جنگ، شوخی است؟ خواستند انقلاب را از پا در بیاورند، به زانو در بیاورند؛ نتوانستند. ملت از این مرحله عبور کرد.

۲،۳،۴. بعد مسئله تحریم را مطرح کردند؛ تحریم مال امروز و دیروز نیست، از اوائل انقلاب تحریم وجود داشته است

بعد مسئله تحریم را مطرح کردند. امروز دشمنان ما، رادیوها، بعضی‌ها هم با اینها هم‌زبان می‌شوند، هی مسئله تحریم را بزرگ می‌کنند، بزرگ می‌کنند. تحریم مال امروز و دیروز نیست؛ از اوائل، تحریم وجود داشته است. البته تشدید کردند، اثر نکرده؛ باز تدبیر دیگری اندیشیدند، اثر نکرده است. تحریم از اول بوده است.

۳،۳،۴. روحیه استقلال ملت باعث تحریم‌هاست؛ دروغ می‌گویند اگر از انرژی هسته‌ای صرف‌نظر کنیم، تحریم برداشته می‌شود

امروز دشمنان ما - چه دولت آمریکا، چه بعضی از دولت‌های اروپائی - تحریم را مرتبط کرده‌اند به مسئله انرژی هسته‌ای. دروغ می‌گویند. آن روزی که اینها تحریم‌ها را برقرار کردند، انرژی هسته‌ای در کشور نبود؛ صحبتش هم نبود. آنچه که اینها را از ملت ایران عصبانی می‌کند و به اینجور تصمیم‌ها وادار می‌کند، سرافرازی ملت ایران است، گردنکشی ملت ایران است. این روحیه استقلال، این روحیه قدر خود شناختن، این روحیه عدم تسلیم که به برکت اسلام و قرآن در ملت ایران به وجود آمده، این است که آنها را عصبانی می‌کند؛ برای همین هم است که با اسلام بدند، برای همین هم است که به پیغمبر اسلام اهانت می‌کنند؛ می‌دانند که اسلام وقتی در یک کشوری رسوخ کرد، روحیه استقلال در آن کشور آنچنان خواهد بود که دیگر زیر بار آنها نمی‌رود. آنها افراد ضعیف و زبون را در رأس کشورها یا به دست می‌آورند یا منصوب می‌کنند، برای اینکه از آنها اطاعت کنند. وقتی جائی مثل کشور ما، مسئولین را مردم معین می‌کنند، حضور مردم در همه صحنه‌ها حضور برجسته‌ای است، آنها چه کار می‌توانند بکنند؟ مردم مؤمن، مردم معتقد به مبانی اسلامی، مردم روحیه‌گرفته به برکت اسلام، در مقابل اینها کوتاه نمی‌آیند؛ لذا اینها هم عصبانی‌اند؛ حالا امروز اسمش را می‌گذارند انرژی هسته‌ای! وانمود می‌کنند که اگر ملت ایران از انرژی هسته‌ای صرف‌نظر کند، تحریم‌ها برداشته می‌شود. دروغ می‌گویند. از روی بغض و کینه‌ای که دارند، تحریم‌های غیر منطقی می‌کنند؛ تحریم‌هایی که همه عقلا و انسان‌های باانصاف عالم وقتی نگاه می‌کنند، می‌بینند اینها کارهای غیرمنطقی و در واقع وحشیانه است؛ این یک

جنگ با یک ملت است. البته در این جنگ هم به توفیق الهی مغلوب ملت ایران خواهند شد.

۴،۳،۴. تحریم مشکلاتی به وجود می‌آورد؛ ولی اینها چیزی نیست که جمهوری اسلامی، ملت و مسئولین نتواند اینها را حل کنند

البته مشکلاتی به وجود می‌آورند، بعضی از بی‌تدبیری‌ها هم این مشکلات را افزایش می‌دهد - اینها هست - ولی اینها چیزی نیست که جمهوری اسلامی نتواند اینها را حل کند. به توفیق الهی، ملت ایران از همه این مشکلات عبور خواهد کرد. ملت ایران و مسئولین کشور از این بزرگترها و دشوارترهایش را حل کرده‌اند؛ اینها که چیزی نیست. اندک مشکلی پیش می‌آید، ابراز خوشحالی می‌کنند. در همین چند روزی که نوسان قیمت ارز و ریال، خبر اصلی اول خبرگزاری‌های آنها را تشکیل می‌داد، صریحاً ابراز خوشحالی کردند. متانت و وقار دیپلماسی را هم رعایت نمی‌کنند؛ بچگانه و کودکانه ابراز خوشحالی می‌کنند که برای ملت ایران مشکل درست کردیم، برای جمهوری اسلامی مشکل درست کردیم؛ این را صریح می‌گویند! دو سه ساعت یک عده در دو تا خیابان تهران می‌آیند چند تا سطل زباله را آتش می‌زنند، آنها آن طرف دنیا اظهار خوشحالی می‌کنند که آره، شلوغ شد، شلوغ شد! وضع ما بدتر است یا وضع شما؟ الان نزدیک یک سال است که خیابان‌های کشورهای عمده اروپائی شب و روز تظاهرات است؛ در فرانسه تظاهرات است، در ایتالیا تظاهرات است، در اسپانیا تظاهرات است، در انگلیس تظاهرات است، در یونان تظاهرات است. مشکل شما به مراتب پیچیده‌تر از مشکل ماست. شما اقتصادتان قفل است؛ خوشحالی می‌کنید که اقتصاد ایران ضعیف شده؟ شما بدبختید، شما رو به رکود و انهدام و اضمحلالید. جمهوری اسلامی با این مشکلات از پا در نمی‌آید.

مشکلات اصلی، امروز گریبان خود غربی‌ها را گرفته. الان یکی از مسائلی که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در درجه اول مطرح است، مشکلات اقتصادی است؛ مردم بیچاره‌اند، گرفتارند، طبقات ضعیف در آنجا دارند پامال می‌شوند. این جنبش ۹۹ درصدی که گفته شد، یک واقعیت است؛ البته سرکوب می‌کنند. گرفتار اقتصادی، کشورهای آنها؛ آن وقت اینجا به کمتر از آن، به کوچکتر از آن، آنها ابراز خوشحالی می‌کنند!

۵. راه‌های برون رفت از مشکلات

۱،۵. هشیاری قشرهای مختلف مردم و موقع‌شناسی آنها در برطرف شدن مشکلات نقش دارد

بدانند جمهوری اسلامی به فضل الهی، به حول و قوه الهی، بر این مشکلات فائق خواهد آمد و آنها را باز هم در حسرت شکست دادن ملت ایران خواهد گذاشت. به حول و قوه الهی و با هشیاری مردم و تدبیر مسئولان، مشکلات برطرف خواهد شد. هم مردم وظیفه دارند، هم ما مسئولان وظیفه داریم؛ همه باید به وظائفمان عمل کنیم. وقتی به وظیفه عمل کردیم، کارها پیش خواهد رفت. هشیاری مردم نقش دارد. ببینید در تهران یک عده‌ای به نام بازاری آمدند در خیابان‌ها اغتشاش کنند، فوراً بازاری‌های محترم با موقع‌شناسی اعلامیه دادند، اعلان کردند که اینها دروغ می‌گویند، اینها از ما نیستند. این کار درستی است. اگر هشیاری قشرهای مختلف مردم و موقع‌شناسی آنها به وقت به سراغشان بیاید، این بارزش است. این کار، کار باارزشی بود که انجام دادند. حرف من در فتنه ۸۸ هم همین بود. در فتنه ۸۸، چند روز بعد از انتخابات به آن عظمت، یک عده‌ای آمدند اظهار مخالفت کردند، یک عده هم از این فرصت استفاده کردند؛ سلاح گرفتند، کار را به آشوب و تشنج کشاندند، پایگاه بسیج را گلوله‌باران کردند. حرف ما این بود: آن کسانی که به نام آنها این کارها انجام می‌گرفت، باید همان وقت اعلامیه می‌دادند، اعلام بیزاری می‌کردند، می‌گفتند اینها از ما نیستند؛ اما نکردند. اگر این کار را می‌کردند، فتنه زودتر



ریشه‌کن می‌شد؛ مسائل بعدی هم پیش نمی‌آمد. این هشیاری، موقع‌سنجی، لحظه را به حساب آوردن، خصوصیت برجسته و مهمی است که باید ملت ما در همه موارد متوجه باشند؛ آنجائی که دشمنی و توطئه دشمن حس می‌شود، به صورت لحظه‌ای باید همه حساسیت نشان بدهند. این از ناحیه مردم.

۲،۵. اتحاد، همدلی، برنامه ریزی، مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری، وظیفه مسئولان در برطرف شدن مشکلات است

از ناحیه مسئولین کشور هم، آنها اتحاد لازم را با هم داشته باشند؛ همدلی داشته باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری داشته باشند، تقصیرها را گردن هم نیندازند، حدود قانون اساسی را نسبت به خودشان حفظ کنند. قانون اساسی ما نقص ندارد، کمبود ندارد. نقش مجلس معلوم است، نقش دولت معلوم است، نقش رئیس‌جمهور معلوم است، نقش قوه قضائیه معلوم است؛ هرکدام وظائفی دارند، باید به وظائفشان عمل کنند؛ با هم همدلی کنند، با هم همراهی کنند، با هم همزبانی کنند. «پس زبان همدلی خود دیگر است / همدلی از همزبانی بهتر است».

ما بحمدالله در این زمینه هم مشکلی نداریم. مسئولین کشور دلسوزند. ما همه‌مان بشریم، همه‌مان انسانیم، خطاهائی می‌کنیم، اشتباهاتی از ما سر می‌زند؛ لیکن اشتباهات همه‌اش قابل جبران است. خوشبختانه مسئولین، مسئولین دلسوزی هستند؛ در رؤسای قوا، در بدنه‌های قوا، دلسوزی کم نیست، علاقه‌مندی به سرنوشت نظام کم نیست؛ همه‌شان دلسوزند، همه‌شان علاقه‌مندند؛ کار را ان‌شاءالله پیش می‌برند، الان هم مشغول تلاشند.

۳،۵. فراموش نکنیم که کار، تلاش، امید، صبر و برنامه‌ریزی، لازمه حرکت از این مسیرهای مهم است

توصیه من هم این است: فراموش نکنیم که کار، تلاش، امید، صبر و برنامه‌ریزی، لازمه حرکت از این مسیرهای مهم است. مسیری که ما داریم حرکت می‌کنیم، مسیر مهمی است؛ یک مسیری است که می‌تواند تاریخ جهان را متحول کند؛ کمااینکه دارد تاریخ منطقه را متحول می‌کند؛ می‌بینید. کی خیال می‌کرد که در منطقه مهم حساس شمال آفریقا و غرب آسیا - همین منطقه‌ای که اروپائی‌ها دوست دارند به آن «خاورمیانه» بگویند - این حوادث مهم اتفاق بیفتد؟ اتفاق افتاده است، تمام هم نشده است. حوادثی هم که اتفاق می‌افتد، به زبان غرب و به خصوص به زبان آمریکا و تهدید رژیم صهیونیستی است. حالا یاهوگوئی‌های مسئولان رژیم صهیونیستی که اینقدر اهمیت ندارد که انسان بخواهد به اینها پاسخ دهد. یک مقدار آنها می‌گویند، یک مقدار بعضی از غربی‌ها می‌گویند. عمده، آمریکائی‌ها و دنباله‌روهای آنها؛ اروپائی‌ها خیلی انگیزه‌ای ندارند. همراهی اروپائی‌ها با آمریکا در این قضیه، یک همراهی عاقلانه و خردمندانه‌ای نیست؛ دارند خودشان را مثل پیش‌مرگ آمریکا، قربان آمریکا می‌کنند؛ حماقت می‌کنند. مردم ما از خیلی از کشورهای اروپائی خاطره بدی ندارند. ما از فرانسه، از ایتالیا، از اسپانیا خاطره بدی نداریم. بله، از انگلیس خیلی خاطره بد داریم؛ انگلیس را می‌گوئیم «انگلیس خبیث»؛ لیکن کشورهای دیگر اروپائی نه. با این کاری که اینها دارند می‌کنند - همراهی با آمریکا - که به نظر ما کاملاً غیرخردمندانه است، دشمنی ملت ایران را به خود جلب می‌کنند؛ خودشان را در چشم ملت ایران منفور می‌کنند.

۴،۵. ما از این گردنه‌ها عبور خواهیم کرد و مشکلات اقتصادی هم برطرف خواهد شد

ما از این گردنه‌ها عبور خواهیم کرد. ملت ما چابک‌تر و شجاع‌تر و توان‌تر از این است که در بین این راه‌ها بماند. سی و سه

سال است که ما داریم در این مشکلات طی طریق می‌کنیم؛ روزه‌روز هم عضلات ما قوی‌تر، آمادگی ما بیشتر، تجربه ما گران‌بهارتر شده. ما که گیر نمی‌کنیم، شما گیر می‌کنید. شما با جلب نفرت ملت ایران، برای خودتان مشکل درست می‌کنید. اینها اشتباه می‌کنند. ملت ایران از اینها عبور خواهد کرد. البته شرطش همین است: ملت، آحاد گوناگون مردم، ایستادگی‌شان، پای کار بودنشان، ثباتشان، هشیاری‌شان، موقع‌شناسی‌شان، به جای خود، مثل همه دوران‌های بعد از انقلاب تا امروز باشد؛ مسئولین هم به وظائفشان عمل کنند؛ مطمئناً آنچنان که آرزوی مردم است، قضایا پیش خواهد رفت؛ این مشکلات اقتصادی هم برطرف خواهد شد.

۵،۵. اساس قضیه و علاج اصلی و بنیانی، عبارت است از تولید ملی

البته اساس قضیه، امروز عبارت است از تولید ملی. علاج اصلی و بنیانی، عبارت است از تولید ملی؛ همانی که ما در شعار سال عرض کردیم: تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی. گرانی را این از بین می‌برد، تولید را این افزایش می‌دهد، اشتغال را این به وجود می‌آورد، بیکاری را این از بین می‌برد، سرمایه‌های ملی را به کار می‌اندازد، روحیه استغناء ملت ایران را تقویت می‌کند. مسئولین کشور در سطوح مختلف باید هرچه می‌توانند، به مسئله تولید ملی توجه کنند. البته خطاب ما در درجه اول به مسئولین درجه یک است در سطوح بالای کشوری؛ چه در مجلس، چه در دولت؛ لیکن سطوح بعدی، سطوح پائینی، سطوح استانی، همه باید توجه کنند.

در این استان، مثل استان‌های دیگر، توجه مسئولین - چه نمایندگان مجلس، چه نمایندگان دولت - باید به رفع مشکلات مردم باشد؛ که در درجه اول، همین مسئله تولید و به‌کارگیری امکانات بومی است. مطمئناً در این استان، با وجود آب، با وجود زمین حاصلخیز، با وجود طبیعت مستعد کشاورزی، با وجود دامداری غنی که توانسته نیازهای بسیاری را در خارج از این استان هم برآورده کند، با وجود صنایعی که می‌تواند پائین‌دستی‌های زیادی داشته باشد - صنایع بزرگی در این استان هست که پائین‌دستی‌های این صنایع می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد - اشتغال و تولید و شور و نشاط مردمی افزایش پیدا خواهد کرد. اینها چیزهائی است که باید مورد اهتمام مسئولین این استان باشد.

مؤخره

صحبت‌ها طول کشید. مایل نبودم در آفتاب، شما برادران و خواهران عزیز را اینقدر معطل کنم. البته حرف‌ها زیاد است، حرف‌های من هم تمام نشد؛ لیکن خب، در چند روز آینده، در جاهای مختلف مهمان شما مردم عزیز این استان هستیم؛ عرایضی داریم، عرض خواهیم کرد. با جوان‌ها، با روحانیون، با مسئولین گوناگون فرهنگی و علمی، با بسیج، با دیگر قشرهای گوناگون، با بعضی از شهرها، مطالب فراوانی را که فکر می‌کنم مفید است به شما عرض کنم، عرض خواهیم کرد. امیدواریم خدای متعال برکات خودش را بر شما نازل کند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، برکات خود، رحمت خود، فضل خود، عافیت خود را بر مردم این استان نازل کن. پروردگارا! جوان‌ها را حفظ کن. پروردگارا! دست دشمنان را قطع کن. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در راهی که مورد رضای تو و مورد رضای اولیای توست، ثابت‌قدم بدار. شهدای عزیز ما و روح مطهر امام شهدا را با اولیای محشور کن.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

منابع

(۱) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶

(۲) همان



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|--|---|---|
| ۱ | شناخت برجستگی‌های منطقه خود و افتخار کردن به آن | مردم مناطق گوناگون کشور | خوب است مردم مناطق گوناگون کشور ما برجستگی‌های خودشان را بدانند و به این برجستگی‌ها افتخار کنند. |
| ۲ | توجه به نقشه راه، فهم دائمی و درست و رصد کردن آن به عنوان مسائل اصلی امروز | جوانان و نخبگان | باید یک نقشه راه وجود داشته باشد؛ یعنی هدف حرکت معلوم باشد، چشم‌انداز حرکت معلوم باشد، خط سیر این حرکت ترسیم شده باشد، بعد هم فهم دائمی و درست و رصد کردن دائم از این حرکت. این برای یک ملت لازم است. امروز اینها جزو مسائل اصلی ماست. من اصرار دارم که بالخصوص جوان‌های عزیز ما و نخبگان کشور به مسائل اصلی امروز توجه داشته باشند؛ ما امروز اینها را لازم داریم |
| ۳ | توجه به اهداف پنج‌ساله آینده در برنامه‌ریزی‌ها | مسئولان کشور و مسئولان برنامه‌های عمومی مردمی | در یک روایتی می‌فرماید: «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابدًا»؛ یعنی برنامه‌ریزی دنیا را فقط برای چند روزه زندگی خودت نکن؛ برای پنج‌سال برنامه‌ریزی کن. این را مسئولان کشور، مسئولان برنامه‌های عمومی مردمی باید مورد توجهشان قرار بدهند. نگوئیم ما که معلوم نیست پنج‌سال دیگر زنده باشیم، چرا برنامه‌ریزی کنیم؟ نخیر، جوری برنامه‌ریزی کن که گوئی بناست تا آخر دنیا زنده باشی؛ همچنان که اگر برای خودت و به نفع خود بخواهی برنامه‌ریزی کنی، با چه جدیت و دقتی می‌کنی، برای نسل‌های آینده هم که تو در آن وقت نیستی، همان جور برنامه‌ریزی کن. |

| | | | |
|---|---|--|--|
| ۴ | رصد مرحله به مرحله پیشرفت، به منظور استفاده در برنامه‌ریزی‌ها و آگاه‌سازی مردم | نخبگان | هدف، پیشرفت است؛ منتها رصد کردن مرحله به مرحله هم لازم است، که این کار نخبگان است. امروز شرایط ما چگونه است، موانع ما چیست، نقاط قوت ما کدام است، نقاط ضعف ما کدام است، فرصت‌ها مان کدام است، تهدیدها چیست، چه کار باید بکنیم، برای بهره‌مندی از فرصت‌ها و جلوگیری از خطر تهدیدها چگونه برنامه‌ریزی کنیم؛ اینها کارهایی است که باید نخبگان در هر مرحله‌ای انجام دهند؛ هم در برنامه‌ریزی‌ها آن را به کار ببرند، و هم مردم را آگاه کنند |
| ۵ | تسریع در پیشرفت کشور و برطرف کردن ضعف‌ها | ملت، مسئولان و نخبگان سیاسی، علمی و روحانی | در طول دوران سی ساله انقلاب، ما به طور مرتب پیشرفت کرده‌ایم. البته ... ضعف‌هایی وجود داشته است؛ باید ملت، مسئولان و نخبگان - نخبگان سیاسی، نخبگان علمی، نخبگان روحانی - تصمیم بگیرند این ضعف‌ها را برطرف کنند. پیشرفت کشور را تسریع کنیم. |
| ۶ | زیاد کردن تولید مثل و افزایش نسل | خانواده‌ها و جوان‌ها | خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولید مثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. |
| ۷ | هشیاری، موقع‌سنجی و حساسیت لحظه‌ای در زمان توطئه دشمن | ملت | هشیاری، موقع‌سنجی، لحظه را به حساب آوردن، خصوصیت برجسته و مهمی است که باید ملت ما در همه موارد متوجه باشند؛ آنجائی که دشمنی و توطئه دشمن حس می‌شود، به صورت لحظه‌ای باید همه حساسیت نشان بدهند. این از ناحیه مردم. |
| ۸ | برخورداری از اتحاد، همدلی، برنامه‌ریزی، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری، نینداختن تقصیرها به گردن یکدیگر و حفظ حدود قانون اساسی نسبت به خود | مسئولین | مسئولین کشور ... اتحاد لازم را با هم داشته باشند؛ همدلی داشته باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری داشته باشند، تقصیرها را گردن هم نیندازند، حدود قانون اساسی را نسبت به خودشان حفظ کنند. قانون اساسی ما نقص ندارد، کمبود ندارد. نقش مجلس معلوم است، نقش دولت معلوم است، نقش رئیس‌جمهور معلوم است، نقش قوه قضائیه معلوم است؛ هرکدام وظایفی دارند، باید به وظائفشان عمل کنند؛ با هم همدلی کنند، با هم همراهی کنند، با هم هم‌زبانی کنند. «پس زبان همدلی خود دیگر است / همدلی از هم‌زبانی بهتر است». |



| | | | |
|----|---|---|--|
| ۹ | توجه هرچه بیشتر به تولید ملی | در درجه اول، مسئولین درجه یک و بعد مسئولین سطوح پایین | مسئولین کشور در سطوح مختلف باید هرچه می‌توانند، به مسئله تولید ملی توجه کنند. البته خطاب ما در درجه اول به مسئولین درجه یک است در سطوح بالای کشوری؛ چه در مجلس، چه در دولت؛ لیکن سطوح بعدی، سطوح پائینی، سطوح استانی، همه باید توجه کنند. |
| ۱۰ | توجه به رفع مشکلات مردم و در درجه اول اهتمام به تولید و به‌کارگیری امکانات بومی | مسئولین استان خراسان شمالی (نمایندگان مجلس و دولت) | در این استان [خراسان شمالی]، مثل استان‌های دیگر، توجه مسئولین - چه نمایندگان مجلس، چه نمایندگان دولت - باید به رفع مشکلات مردم باشد؛ که در درجه اول، همین مسئله تولید و به‌کارگیری امکانات بومی است. مطمئناً در این استان، با وجود آب، با وجود زمین حاصلخیز، با وجود طبیعت مستعد کشاورزی، با وجود دامداری غنی که توانسته نیازهای بسیاری را در خارج از این استان هم برآورده کند، با وجود صنایعی که می‌تواند پائین‌دستی‌های زیادی داشته باشد - صنایع بزرگی در این استان هست که پائین‌دستی‌های این صنایع می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد - اشتغال و تولید و شور و نشاط مردمی افزایش پیدا خواهد کرد. اینها چیزهایی است که باید مورد اهتمام مسئولین این استان باشد. |

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا
 ابى القاسم المصطفى محمد و على ءاله الأطيبين الأطهرين
 المنتجبين الهداء المهديين سيما بقيه الله فى الأرضين.
 یکی از جلساتی که در سفرهای ما برای بنده شیرین و دلپذیر است،
 جلسه با روحانیون و علما و فضلا و طلاب جوان است. دلائل این
 احساس هم از نظر من روشن است و یکی دو تا هم نیست. اگر
 کسی فلسفه روحانیت را بداند، و اگر کسی در دل حوزه‌ها با این
 طلاب جوان حشر و نشر داشته باشد، خوب تشخیص می‌دهد که چرا
 کسی مثل بنده در سنین دهه هفتاد عمر، از جوانان طلبه و آغاز راه
 وارد شده روحیه می‌گیرم و احساس نشاط می‌کنم. خوشبختانه در دوره
 بعد از انقلاب، طلاب شامل خواهران هم هستند. دختران دانشجو،
 پسران دانشجو، دانشجویان علوم دینی، طلاب، آماده‌سازان خویش
 برای حضور در نقاط حساس جبهه‌های مقدم و حساس دین‌اند.
 روحانیت این است.

خب، امشب هم ما تا آنجائی که حال و توان اجازه بدهد، با شما
 عرایضی را عرض می‌کنیم؛ با امید فراوان به اینکه ان‌شاءالله این حرف‌ها در دل‌های پاک و نورانی شما اثر بگذارد و آن تحول و حرکت و
 تکمیلی که این مسیر نیاز دارد، با همت شماها، با خواست شماها و با اراده مسئولان محترم حوزه‌ها تحقق پیدا کند.

الف) اشاره به برخی از روحانیان برجسته خراسان شمالی و توصیه‌هایی برای تعالی هرچه بهتر حوزه‌ها و طلاب منطقه

۱. خراسان شمالی یک منطقه استعدادخیز است و بسیاری از علمائی که از این منطقه برخاستند، جزو برجستگان استعداد بودند
 اولاً عرض بکنیم؛ این منطقه بجنورد، یعنی منطقه‌ای که امروز «خراسان شمالی» نامیده می‌شود، از فاروج بگیرد تا نزدیک مرز گلستان و
 جنگل گلستان - شرقی و غربی و شمال و جنوبی هم که معلوم است - یک منطقه استعدادخیز است. نمی‌خواهیم مبالغه کنیم از لحاظ
 کثرت علمائی که از این منطقه برخاستند و آنها را با بعضی از شهرهایی که عالمان زیادی داشتند، مقایسه کنیم؛ اما می‌خواهیم عرض کنیم
 علمائی که ما شناختیم که از این منطقه برخاستند، بسیاری‌شان جزو برجستگان استعداد بودند.

دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی

۱۳۹۱/۰۷/۱۹



۱،۱. مرحوم آقای امیرزا حسن بجنوردی، مجمعی از استعداد و ذوق و حافظه بود

حالا یک نفری که من خودم ایشان را زیارت کردم و در درسشان شرکت کردم، مرحوم آقای امیرزا حسن بجنوردی هستند. وقتی ایشان در سال ۴۰ یا ۴۱ برای زیارت مشهد و قم از نجف به ایران آمدند، امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) اصرار کردند که شما باید در قم بمانید. یعنی شخصیت علمی او جوری بود که امام بزرگوار با آن روحیه سختگیری که در زمینه علم و علمیات و همراهی علمیات با معنویات و اخلاق داشتند، به این مرد اصرار کردند که شما باید در قم بمانید. ایشان هم قبول کردند، قرار درس هم گذاشته شد، ولی متأسفانه همان روزی که قرار بود ایشان بیایند مدرسه فیضیه درس بگویند، سخته کردند، بیمار شدند؛ لذا مجبور شدند نمانند و برگردند نجف. البته من در نجف هم چند جلسه‌ای درس ایشان را درک کردم. مرحوم آقای امیرزا حسن بجنوردی در مسجد طوسی درس می‌گفتند و عده‌ای از فضلالی ناب در درس ایشان شرکت می‌کردند. ایشان مجمعی بود از استعداد و ذوق و حافظه. این برجستگی را ما در ایشان دیدیم. ایشان یکی از کسانی است که از این منطقه برخاسته.

۲،۱. مرحوم آقای حاج میرزا احمد بجنوردی مرتضوی، یک روحانی متصرف قدرتمند مردمی بانفوذ در سرتاسر این منطقه بود

رفیق و همدرس ایشان، مرحوم آقای حاج میرزا احمد بجنوردی مرتضوی بود. این دو نفر - که ظاهراً هم اهل خراسان بودند - اول طلبگی از بجنورد آمدند مشهد، در درس مرحوم آقا زاده و مرحوم آقای حاج آقا حسین قمی شرکت کردند. پدر من در آن وقت جزو فضلالی مشهد بودند؛ اینها را می‌شناختند، با اینها مرتبط بودند، از اینها خیلی تعریف می‌کردند. بعد هم اینها رفتند نجف. بعد از آن هم مرحوم والد ما مشرف شدند نجف، در نجف هم با اینها مربوط بودند. آقای حاج میرزا احمد بعد از چند سالی برگشت بجنورد. ایشان در بجنورد روحانی متصرف قدرتمند مردمی بانفوذ در سرتاسر این منطقه بود. با اینکه آن وقت حکومت با روحانیون بد بود و اگر روحانی‌ای بانفوذ بود، هر طور می‌توانستند، سعی می‌کردند او را از نفوذ بیندازند - یا او را با خودش همراه کنند، یا انگشت‌های نفوذ او را ببرند و قیچی کنند - در مورد مرحوم حاج میرزا احمد نتوانستند این کار را بکنند. ایشان اینجا روحانی بود، مرد بسیار محترمی بود؛ مشهد هم که می‌آمد - ما آن وقت طلبه مشهد بودیم - علمای مشهد از ایشان تجلیل می‌کردند، دیدن ایشان می‌رفتند، احترام می‌کردند.

۳،۱. مرحوم شیخ محمدتقی معروف بجنوردی، امام جماعت معتبر و موجه مسجد گوهرشاد و معروف به عبادت، زهد و علم بود

قبل از اینها، مرحوم شیخ محمدتقی معروف بجنوردی بود. ایشان در مشهد امام جماعت معتبر و موجه مسجد گوهرشاد و معروف به عبادت و زهد و علم - همه با هم - بود. البته زمان ایشان مال قرن قبل از ماست، در حدود صد سال قبل ایشان فوت کردند؛ لیکن از آن زمان تا همین چند سال قبل از این، خانه شیخ محمدتقی در بالاخیابان مشهد و در کوچه‌ای که به نام ایشان بود؛ کوچه شیخ - مشهدی‌ها کوچه شیخ و منزل شیخ را کاملاً می‌شناسند - محل اجتماع مردم بود. مهم‌ترین مجلس عزای دهه عاشورا، همین منزل بود که مردم نذورات زیادی می‌کردند، می‌آوردند. پسر ایشان، مرحوم شیخ مرتضی، از علمای مشهد، راه ایشان را ادامه داد. بعد فرزند ایشان، مرحوم آشیخ رضا بود؛ که ما آشیخ رضا را زیارت کرده بودیم. مرحوم آقای حاج میرزا حسنعلی مروارید، داماد آقای آشیخ رضا بودند. ببینید، اینها برجسته‌های این منطقه‌اند. بله، از لحاظ کمیت زیاد نیستند، اما زنده‌اند، برجسته‌اند.

۴،۱. شیخ حسین کرد که جزو کردهای این منطقه بود، استعدادش از همه طلاب درس مرحوم آشیخ هاشم قزوینی بالاتر بود

این استعداد را ما در زمان طلبگی خودمان هم دیدیم. به دوستان گفتیم؛ ما در درس کفایه و مکاسب مرحوم آشیخ هاشم قزوینی که شرکت می‌کردیم، یک طلبه‌ای بود که استعداد او از همه طلاب آن درس، که شاید نزدیک دویست نفر شرکت می‌کردند و آن وقت خیلی زیاد بود - حالاها این عده‌ها به خاطر وسعت حوزه‌ها چیزی نیست؛ اما آن زمان دویست تا طلبه پای یک درس، چیز مهمی بود - بالاتر بود. او در درس کفایه اشکال می‌کرد و حاج شیخ را به بحث وامی‌داشت. ایشان اهل همین منطقه بود - ظاهراً مال منطقه آشخانه بود - اسمش هم شیخ حسین کرد بود؛ جزو کردهای این منطقه بود. متأسفانه در آن دوران، این استعدادها نه شناخته می‌شد، نه وقتی شناخته شد، مورد استفاده قرار می‌گرفت. کسی سؤال نمی‌کرد فلان استعداد کجا رفت، چه شد، درس را تا کجا خواند، چقدر توانست در پیشرفت علم منشأ اثر باشد. آن زمان این جوری بود؛ امروز نباید این جور باشد و نیست.

۵،۱. مرحوم آشیخ قاسم صادقی گرمه‌ای که آیت استعداد بود و مرحوم طیبی، جزو شهدای برجسته روحانی هستند

در بین همین شهدای روحانی، من با دو نفر از نزدیک آشنائی داشتم. البته طلاب جوانی بودند که رفتند جنگ، جهاد کردند و به شهادت رسیدند. من اسم‌های اینها را دیدم، ولی توفیق آشنائی با اینها را از نزدیک نداشتم؛ لیکن من با دو نفر از نزدیک آشنائی داشتم: مرحوم آشیخ قاسم صادقی گرمه‌ای - که اهل گرمه بود - و مرحوم طیبی. مرحوم حاج شیخ قاسم صادقی چندین سال با بنده مباحثه می‌کرد؛ ما با هم شرح لمعه و مکاسب را مباحثه می‌کردیم. ایشان آیت استعداد بود. او هم اگر چنانچه درس می‌خواند و ادامه می‌داد، یقیناً یک عالم برجسته‌ای می‌شد؛ اما آن وقت معمول نبود که از طلبه بپرسند: شما که هستی؟ چه هستی؟ چه کار می‌خواهی بکنی؟ راهنمائی کنند، دستگیری کنند، به او کمک‌هزینه تحصیلی بدهند، برایش امکانات تحصیل فراهم کنند؛ آن روزها این حرف‌ها نبود. ایشان هم رفت مشغول کارهای دیگر شد. البته در انقلاب، هم ایشان، هم مرحوم طیبی آمدند نماینده مجلس شدند و در بین هفتاد و دو شهید حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

ببینید، پس اینجا مرکز استعداد است. از خود بجنورد بگیرید تا این مناطق اطراف - اسفراین، شیروان، فاروج - بعد این طرف، شهرستان‌های دیگری که در اینجا هستند؛ چه آن منطقه‌ای که برادران سنی ما هستند، چه آن قسمتی که شیعه هستند.

۶،۱. در بین برادران سنی، علمائی را از نزدیک می‌شناختم که اهل انگیزه، فکر و اقدام بودند و نقش‌آفرینی کردند

برادران سنی هم حق دارند. همین روحانیت ترکمن سنی - من صبح گفتم - نقش‌آفرینی کردند در خواباندن فتنه‌ای که کمونیست‌ها می‌خواستند در این منطقه به نام ترکمن‌ها به راه بیندازند. من از نزدیک علمائی را می‌شناختم که اهل انگیزه بودند، اهل فکر بودند، اهل اقدام بودند؛ اینها نقش‌آفرینی کردند.

۲. خراسان شمالی، جایگاهی است که در آن می‌توان یک حوزه علمیه کامل، با سطوح عالی درسی و با کیفیت خوب فراهم کرد

اینجا جایگاهی است که یک حوزه علمیه کامل، با سطوح عالی درسی، با کیفیت خوب می‌تواند فراهم شود. استاد باید بیاید. این منطقی نیست که طلبه حتماً در دوران‌های اولیه درس هجرت کند، برود به حوزه‌های بزرگ، بعد هم دیگر برنگردد؛ این نمی‌شود. در همین شهرستان‌های اطراف خراسان بزرگ، علمای بزرگ داشتیم. من به خیلی از این شهرها رفتم؛ مجتهدین درجه یک در آنجا



اقامت داشتند. در بیرجند دو تا مجتهد بودند که اگر چنانچه در نجف بودند، به احتمال زیاد جزو مراجع تقلید می‌شدند: مرحوم تهمی و مرحوم آشیخ محمدحسین آیتی. اینها در بیرجند مانده بودند و متعلق به مردم بیرجند شده بودند. در قوچان، کسی مثل مرحوم آقا نجفی قوچانی می‌آید ساکن می‌شود که یکی از شاگردان برجسته مرحوم آخوند خراسانی است. در بجنورد - عرض کردیم - مرحوم حاج میرزا احمد مرتضوی بود و در شهرستان‌های دیگر هم همین جور؛ علمای بزرگ و علمای برجسته‌ای بودند.

بعضی می‌گویند خب آقا، آن وقت ارتباطات بین شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک آسان نبود؛ علما مجبور بودند آنجا بنشینند. این استدلال به عکس نتیجه می‌دهد. امروز که ارتباط آسان است، شما یک رایانه می‌گیرید، پای رایانه می‌نشینید، از بهترین درس‌های حوزه‌های بزرگ مستقیماً استفاده می‌کنید. پس امروز باید به حوزه‌های بزرگ نروند، نه آن روز. شما شبهه علمی داشته باشید، سوار ماشین می‌شوید، دو سه ساعته خودتان را می‌رسانید مشهد، می‌روید پیش یک عالم دینی، شبهه را برطرف می‌کنید، برمی‌گردید. امروز با پیش آمدن امکانات فراوان، حوزه‌های شهرستان‌ها باید رونق بگیرد؛ باید کمّاً و کیفاً توسعه پیدا کند.

۱,۲. طرح هجرتی که بنده چندین سال قبل از این مطرح کردم، موجب گسترش فعال روحانیت در سرتاسر کشور می‌شود

این طرح هجرتی که بنده چندین سال قبل از این مطرح کردم، موجب گسترش فعال روحانیت در سرتاسر کشور می‌شود. باید از حوزه‌های بزرگ هجرت کنند، بیایند در شهرستان‌ها بمانند؛ چه اهل آنجا باشند، چه نباشند. افراد گاهی هم اهل آنجا نیستند. مرحوم محقق سبزواری - صاحب ذخیره و صاحب کفایه و ملای معروف و شیخ‌الاسلام بزرگ اصفهان در دوران صفویه - بلند می‌شود از اصفهان می‌آید مشهد ساکن می‌شود. آن وقت اصفهان بزرگترین شهر ایران بود، مشهد یک شهر کوچکی مثل یک ده بزرگ بود. مدرسه باقریه مشهد - که طلبه‌های قدیمی مشهد آن را دیده بودند و امروز خراب شده - مدرسه‌ای است که ایشان تعمیر کرده. می‌آمدند، می‌ماندند، ولو شهر خودشان هم نبود. مرحوم میرزا مهدی شهید اصفهانی‌الاصل که یکی از چهار شاگرد برجسته مرحوم وحید بهبهانی است - که چهارتا شاگرد او به نام «مهدی» است و به آنها می‌گویند «مهادی اربعه» - می‌آید مشهد می‌ماند، در همین جا هم به شهادت می‌رسد. در طول این سال‌ها، علمای بزرگی در بین اعیان او حضور داشتند. چه اشکال دارد اهل آنجا هم نباشند، اما بیایند؟ فضلاً از اینکه (۱) اهل آنجا باشند. اگر اهل آنجا باشند، باید بیایند.

۲,۲. فضایی بجنوردی مشهد و قم بین خودشان ده نفر را انتخاب کنند و بفرستند اینجا؛ حوزه هم موظف باشد امکانات فراهم کند

فضایی بجنوردی مشهد و قم بنشینند بین خودشان ده نفر را انتخاب کنند، آنها را بفرستند اینجا، حوزه هم موظف باشد امکانات فراهم کند؛ بیایند اینجا، درس‌ها را بگویند. حالا می‌گویند تا سطح ده تدریس می‌شود. بالاتر بگویند، درس خارج بگویند. بله، طلبه‌ای که اینجا درس خارج خوانده و قریب‌الاجتهاد شده، مانعی ندارد و خوب است که دو سال، سه سال، پنج سال هم برود در یک حوزه دیگری - مثلاً حوزه قم یا حوزه مشهد - حضور پیدا کند و بعد برگردد اینجا. وقتی یک روحانی ملای باسواد عمیق در این روزگار - که روزگار فکر و فرهنگ و گسترش اندیشه‌های نو در سرتاسر دنیای اسلام است - در یک شهر این‌جوری باشد، می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟

۳,۲. طلاب با دانشجویان استان ارتباط داشته باشند، بالمشافهه حرف بزنند و آنها را بسازند

امروز این شهر یا این استان، نزدیک به چهل هزار دانشجو دارد. از این چهل هزار دانشجو چندتاشان با شما طلبه‌ها مرتبطند؛ با چندتاشان می‌نشینید حرف می‌زنید؟ تعدادی از شما ممکن است به بعضی از مجامع آنها دعوت شوند و بروند؛ پنجاه نفر، صد نفر آنجا

باشند، برایشان سخنرانی کنند. مسئله این نیست. باید بالمشافهه حرف بزنید، طرف مقابل را بسازید؛ این احتیاج دارد به وقت، احتیاج دارد به کار، احتیاج دارد به سواد کافی، احتیاج دارد به ملاحظه نیازهای فکری و فرهنگی و احتیاج دارد به عشق؛ این کار باید اتفاق بیفتد.

۴,۲. در کنار خوب درس خواندن، مطالعات جنبی هم داشته باشید؛ طلبه باید در دوره جوانی همه جور کتاب بخواند

خب، شما بحمدالله جمعیت زیادی هستید - هم خانم‌ها، هم آقایان - در اینجا انسان مشاهده می‌کند. باید درس بخوانید، خوب درس بخوانید، عالم شوید، ملا شوید، قوی شوید، قدرت تجزیه و تحلیل افکار نو را پیدا کنید. مطالعات جنبی هم داشته باشید. بعضی از این درس‌هایی که در حوزه‌ها معمول شده، در قم یا تهران، می‌تواند به صورت مطالعات جنبی استفاده شود؛ مثل ادبیات فارسی، اخلاق و بعضی درس‌های دیگر - البته ادبیات عرب لازم است؛ آن جزو ابزار کار ماست - لزومی ندارد اینها حتماً در برنامه‌های درسی وارد شود. البته من دخالت نمی‌کنم، سلیقه‌ام را عرض می‌کنم؛ برنامه‌ریزان بنشینند رویش فکر کنند.

طلبه باید دستش از کتاب رها نشود؛ کتاب بخواند، همه جورش را بخواند، در دوره جوانی بخواند. این ذخیره حافظه را که بی‌نهایت دارای ظرفیت است، هرچه می‌توانید، در دوره جوانی پر کنید. ما هرچه در جوانی در حافظه انباشتیم، امروز موجود است؛ هرچه در دوران پیری - که بنده همین حالا هم با همه گرفتاری‌ها، بیش از جوان‌ها مطالعه می‌کنم - به دست می‌آوریم، ماندگاری ندارد. الان شما جوانید. این منبع قیمتی ارزشمند را از اطلاعات ارزشمند، از آگاهی‌های مفید و لازم در زمینه‌های مختلفی که برای تبلیغ به آنها احتیاج دارید، هرچه می‌توانید، انباشته کنید؛ از این استفاده خواهید کرد.

ب) نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با انقلاب و نظام اسلامی

۱. تأثیر متقابل حوزه و نظام اسلامی

۱,۱. نظام اسلامی امکان عظیمی در اختیار روحانیت، داعیان الی‌الله و مبلغان اسلام قرار داده است

آنچه که لازم است عرض بکنم - که از همه این مطالب مهم‌تر است - نسبت حوزه‌های علمیه است با انقلاب و نظام اسلامی. هیچ‌کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد. نظام اسلامی یک امکان عظیمی را در اختیار داعیان الی‌الله و مبلغان اسلام قرار داده. کی چنین چیزی در اختیار شما بود؟ امروز یک طلبه فاضل در تلویزیون می‌نشیند نیم ساعت حرف می‌زند، ده میلیون، بیست میلیون مستمع از روی شوق به حرف او گوش می‌دهند. کی چنین چیزی برای من و شما در طول تاریخ روحانیت، از اول اسلام تا حالا، وجود داشته؟ این اجتماعات بزرگ کی وجود داشت؟ این نمازجمعه‌ها کی وجود داشت؟ این همه جوان مشتاق و تشنه معارف کی وجود داشت؟ امروز این جوان‌های دانشجو و غیردانشجو را که مشاهده می‌کنید - حالا من دانشجوها را می‌گویم - همه‌شان تقریباً و تغلیباً مشتاقند از مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی چیزهایی را بشناسند و چیزهایی را بفهمند و سر در بیاورند. من و شما باید زمینه فراهم کنیم که بتوانیم به آنها جواب دهیم. این فرصت تا امروز، کی برای روحانیت وجود داشته؟ علاوه بر این، ابزارهای تسهیل‌کننده، مثل رایانه‌ها و ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی و سایبری هم که الان در اختیار شماست. اگر بتوانید اینها را یاد بگیرید، می‌توانید یک کلمه حرف درست خودتان را به هزاران مستمعی که شما آنها را نمی‌شناسید، برسانید؛ این فرصت فوق‌العاده‌ای است؛ نبادا این فرصت



ضایع شود. اگر ضایع شد، خدای متعال از من و شما روز قیامت سؤال خواهد کرد: از فرصت این همه جوان، این همه استبصار، این همه میل و شوق به دانستن، شما برای ترویج معارف اسلامی چه استفاده‌ای کردید؟ نظام اسلامی یک چنین خدمتی به ما معممین و روحانیون کرده. مگر می‌توانیم خودمان را کنار بگیریم؟

۲،۱. این افتخار نیست که یک روحانی بگوید من به نظام و کارهای کشور کاری ندارم؛ این ننگ است

این که یک آقائی در یک گوشه‌ای عبادت را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کاری ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. روحانی باید از وجود یک چنین نظامی که پرچمش اسلام است، قانونش فقه اسلامی است، با همه وجود استقبال کند. مراجع تقلید کنونی، مکرر متعددی‌شان به بنده گفتند که ما تضعیف این نظام را به هر کیفیتی حرام قطعی می‌دانیم. خیلی‌شان از روی لطف به من پیغام می‌دهند یا می‌گویند که ما تو را مرتباً دعا می‌کنیم. این نشان‌دهنده قدرشناسی از نظام اسلامی است. حالا یک معممی یک گوشه‌ای بیاید خودش را از نظام کنار بگیرد؛ بهانه هم این است که ما فلان انتقاد را داریم. خیلی خوب، صد تا انتقاد داشته باش؛ دویست تایش به خود ما عمامه‌ای‌ها وارد است. مگر به ما انتقاد وارد نیست؟ وجود انتقاد و عیب در یک مجموعه مگر موجب می‌شود که انسان این همه محسنات و نقاط قوت را در آن مجموعه نبیند و ملاحظه نکند؟ در روحانیت هم همین جور است؛ عیوب الی ماشاءالله. بنده آخوندم، طلبه هستم، از قبل از بلوغ طلبه بودم تا الان؛ بیائید برای شما همین جا یک فهرست از بر بنویسم. صد تا اشکال در ما هست؛ اما این صد تا اشکال موجب می‌شود ما از روحانیت اعراض کنیم؛ ابداً. در مقابل این صد تا اشکال، هزار تا حُسن وجود دارد. در کسر و انکسار مصالح و مفاسد است که انسان می‌تواند خط مستقیم را پیدا کند.

۳،۱. حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند؛ عکس آن چیزی که سیاست سرویس‌های امنیتی دشمن دنبال می‌کند

حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند؛ و این درست عکس آن چیزی است که سیاست سرویس‌های امنیتی انگلیس و آمریکا و اسرائیل و دیگران و دیگران دنبال می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند بلکه بتوانند یک منفذی پیدا کنند. یک آخوندی یک گوشه‌ای حرفی می‌زند، که علی‌الظاهر برخلاف خواست و فهم و عقیده کلی نظام است، بزرگش می‌کنند؛ آن آدم را اگر کوچک هم باشد، از او یک تصویر بزرگی درست می‌کنند، برای اینکه فاصله بین نظام و روحانیت را برجسته کنند؛ لقاء کنند که چنین فاصله‌ای وجود دارد. بنابراین حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار باشند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است.

معنای حرف من این نیست که حالا همه باید از روز اول بیایند در مشاغل نظام کار کنند؛ نخیر، باید درس بخوانید. بنده از دوران مبارزات، خودم درگیر مبارزات بودم. در مشهد درس مکاسب و کفایه می‌دادم. خیلی از شاگردهای ما درگیر مبارزات بودند. از بس گرم کارهای مبارزاتی می‌شدند، به نظرشان می‌آمد که این حرف‌های مکاسب و استدلال‌های کفایه فایده‌اش چیست. مکرر بنده به آنها می‌گفتم: آقا جان! بی‌مایه فطیر است؛ باید مایه پیدا کنید. اگر مایه پیدا کردید، آن وقت می‌توانید در منصب و جایگاهی مثل جایگاه امام بزرگ عالی‌مقام، این حرکت عظیم را انجام دهید.

۴،۱. نظام، مرتبط و متصل و همزاد نسبت به روحانیت است؛ اگر روحانیت نبود، این نظام تشکیل نمی‌شد، انقلاب پیروز نمی‌شد

نظام، مرتبط و متصل و همزاد است نسبت به روحانیت. اگر روحانیت نبود، شما بدانید این نظام تشکیل نمی‌شد؛ این انقلاب پیروز نمی‌شد. بنده از قبل از انقلاب در محافل روشنفکری بوده‌ام، با گروه‌های سیاسی ارتباط نزدیک داشته‌ام، همه آنها را هم می‌شناختم، با خیلی‌هاشان هم بحث و جدل کرده بودیم. این را من از روی اعتقاد و با استدلال می‌گویم؛ اگر جامعه روحانیت نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد؛ تا صد سال دیگر هم پیروز نمی‌شد. روشنفکران سیاسی ما که بعضی‌شان هم آدم‌های خوبی بودند، دلسوز هم بودند - همه، آدم‌های ناراه و منحرفی نبودند - توانائی‌اش را نداشتند، مقبولیت نداشتند، در بین مردم نفوذ نداشتند، نمی‌توانستند بر دل‌های مردم حکومت کنند. آن که می‌توانست اولاً از حیث سطح، تمام کشور را فرا بگیرد، ثانیاً از حیث عمق و تأثیر، تا اعماق دل‌ها نفوذ کند، روحانیت بود؛ که همه جا بود.

بنده یک وقتی در اوائل انقلاب، این آیه شریفه سوره نحل را خواندم: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (۲) گفتم بله، این جوان‌های طلبه مثل زنبورهای عسل رفتند بر روی گل‌های معرفتی که از بیان امام روئیده بود، نشستند تغذیه شدند، بعد راه افتادند به سرتاسر کشور، به مردم عسل دادند، به دشمنان نیش زدند؛ هم عسل، هم نیش؛ نیش و نوش با هم. از هیچ دسته‌ای، از هیچ حزبی، از هیچ جمعیت دیگری غیر از روحانیت، این کار بر نمی‌آمد. و اگر این نمی‌شد، این انقلاب اجتماعی به وقوع نمی‌پیوست؛ انقلابی که همان شعاری که در تهران روز عاشورا داده می‌شود، در فلان کوره‌ده یک استان دورافتاده هم مردم راهپیمائی می‌کنند، همان شعار را می‌دهند، همان حرف را می‌زنند، همان درخواست را می‌کنند. این می‌شود انقلاب اجتماعی؛ که نتیجه‌اش سقوط آنچنان حکومتی است و تشکیل اینچنین نظامی. استقامت و استحکام و ریشه‌داری این نظام به گونه‌ای است که به توفیق الهی، قرن‌ها این نظام پابرجا خواهد بود. مبانی فکری را هم باز خود روحانیون آماده کردند. امثال شهید مطهری، امثال علامه طباطبائی و بزرگانی از این قبیل، مبانی فکری مستحکم را آماده کردند؛ این زیرساخت‌های فکری را که بر اساس آنها می‌شود نشست فکر کرد، پرورش داد، گسترش داد، تفریع فروع کرد و نیازهای فکری امروز جوان‌ها را پاسخ داد. در کشور ما آن سخن قاطعی که توانست تفکرات مارکسیستی را مثل پنبه‌ای حلاجی کند، به هم بزند و باد هوا کند، فرمایشات مرحوم مطهری بود - که ایشان شاگرد آقای طباطبائی بود - و بعضی دیگر از شاگردان مرحوم علامه طباطبائی. این نظام در یک چنین بستری به وجود آمده.

۲. توصیه‌هایی برای فعالیت بهتر طلاب و کمک بیشتر به نظام

۱،۲. خودتان را بسازید و صادقانه درس بخوانید؛ به قصد اینکه در میدان عظیم کار برای نظام، جزو برجستگان صفوف مقدم باشید

بنابراین وظیفه سنگین است، کار هم زیاد است. وظیفه شما خیلی زیاد است. از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید؛ هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ تهذیب، هم از لحاظ تدین، هم از لحاظ پایبندی و تقید به فرایض و نوافل و تلاوت قرآن. این طلبه عزیز ما چه قرآن خوبی تلاوت کردند و چه آیاتی: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (۳) اگر «يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ» هستیم، اسوه، پیغمبر است. نه اینکه ما مثل او عمل کنیم - که محال است - راه او را باید ادامه دهیم. آن وقت در آیه بعد، وضع مؤمنان به این پیغمبر روشن می‌شود: «وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ



اللَّهُ وَ رَسُولُهُ» (۴) در جنگ احزاب، از همه طرف حمله کردند. در جنگ بدر یک گروه بودند، در جنگ احد یک گروه بودند، در جنگ‌های دیگر قبائل کوچک بودند؛ اما در جنگ احزاب، همه قبائل مشرک مکه و غیر مکه و ثقیف و غیره آمدند متحد شدند؛ ده هزار نفر نیروی رزمنده فراهم کردند؛ یهودی‌هایی هم که همسایه پیغمبر بودند و امان‌یافته پیغمبر بودند، خیانت کردند؛ اینها هم با آنها همکاری کردند. اگر بخواهیم این را با امروز مقایسه کنیم، یعنی آمریکا با آنها مخالفت کرد، انگلیس مخالفت کرد، رژیم صهیونیستی مخالفت کرد، فلان رژیم مرتجع نفت‌خوار مخالفت کرد. پول‌هاشان را خرج کردند، نیروهاشان را جمع کردند، یک جنگ احزاب درست کردند؛ جنگ احزابی که دل‌ها را خیلی ترساند. اوائل همین سوره می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا»؛ (۵) مردم را می‌ترساندند. الان هم همین جور است. الان هم یک عده‌ای مردم را می‌ترسانند: آقا بترسید. مقابله با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را در می‌آورند! آن جنگ نظامی‌شان، این تحریمشان، این فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی‌شان. در آخر این سوره باز می‌فرماید: «لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْمُزْحِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ» (۶) مرجفون همین‌ها هستند. در یک چنین شرائطی، شرح حال مؤمن این است: «هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»؛ ما تعجب نمی‌کنیم؛ خدا و رسولش به ما گفته بودند که اگر پابند به توحید باشید، پابند به ایمان به خدا و رسول باشید، دشمن دارید؛ دشمن‌ها سراغتان می‌آیند. بله، گفته بودند، حالا هم راست درآمد؛ دیدیم بله، آمدند. «وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا»؛ ایمانشان بیشتر شد. منافق، ضعیف‌الایمان، فی قلوبهم مرض - که طوائف گوناگونی‌اند - وقتی دشمن را می‌بینند، نشان مثل بید می‌لرزد؛ بنا می‌کنند به مؤمنین بالله و زحمتکششان در راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: آقا چرا این جور می‌کنید؟ چرا کوتاه نمی‌آئید؟ چرا سیاستتان را این جور نمی‌کنید؟ همان کاری که دشمن می‌خواهد، انجام می‌دهند. اما از آن طرف، مؤمنین صادق می‌گویند: ما تعجبی نمی‌کنیم؛ خب، باید دشمنی کنند؛ «هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ».

یک جا هم فرموده: «وَ لَنْ يَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»؛ (۷) تا وقتی کمند آنها را به گردن نیندازید، دنباله‌رو آنها نشوید، همین آش است و همین کاسه. خودت را قوی کن که کمندش در گردن تو تأثیر نگذارد؛ یک تکان بدهی، کمندش پاره شود. خودت را قوی کن. چرا خودت را ضعیف می‌کنی تا در مقابل او تسلیم شوی، خاکسار شوی، به خاک بیفتی؟ «وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا». این جور می‌باشید عزیزان من، فرزندان من، جوان‌های طلبه! با نیت صادقانه درس بخوانید، به قصد اینکه در این میدان عظیم که در صفوف مقدمش خواهید بود، جزو برجستگان صفوف مقدم باشید.

۲،۲. با همکاری بسیج، برای کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کار کنید و با روی خوش، پذیرای جوان‌ها حتی با ظاهر زنده باشید
 من سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را فراموش نکنید؛ البته با همکاری بسیج. بد است که بین روحانی مسجد و بسیج مسجد، اختلاف به وجود بیاید. نه، با همکاری بسیج، این کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را مؤثر کنید، برایش کار کنید. بنشینید فکر کنید، مطالعه کنید و سخنی که متناسب با نیاز آن جوانی است که آنجا حضور پیدا می‌کند، فراهم کنید. مطالعه کنید. کتاب‌هایی وجود دارد که می‌شود از این کتاب‌ها استفاده کرد. کتاب‌هایی هست؛ بروید بپرسید، تحقیق کنید از کسانی که اهلش هستند. خودتان را مجهز کنید، مسلح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی - هنری بروید و پذیرای جوان‌ها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «وَ سَنَّةٌ مِّن نَّبِيٍّ»، که ظاهراً عبارت است از «مداراة الناس»؛ مدارا کنید. ممکن است

ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین‌هایی که در استقبال امروز بودند و شما - هم جناب آقای مهمان‌نواز، هم بقیه آقایان - الان در این تریبون از آنها تعریف کردید، خانم‌هایی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته به این اهداف و آرمان‌هاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم / آیا تو چنان که می‌نمائی هستی؟». ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت. بنابراین با قشر دانشجو ارتباط پیدا کنید.

۳،۲. طلبه‌هایی که درسشان قدری پیش رفته، لباس روحانیت بپوشند؛ اما بدانند پوشیدن لباس طلبگی، بار سنگینی است
 آقای فرجام در مورد لباس روحانیت تذکر خوبی دادند. آنهایی که درسشان یک قدری پیش رفته، لباس روحانیت بپوشند؛ اما بدانند لباس طلبگی پوشیدن، بار سنگینی است. این عمامه چند سیری که شما روی سرت می‌گذاری، خیلی سنگین است. به مجردی که دیدند شما عمامه داری، سیل سؤال و اشکال و اینها وارد می‌شود. اگر آنچه که نمی‌دانی، گفتمی نمی‌دانم، بعد رفتی آن را تحقیق کردی و دانستی و احیاناً آمدی به او گفتمی، این خوب است؛ اما اگر آنچه که نمی‌دانی، به شکل غلط جواب دادی، یا چون نمی‌دانستی، عصبانی شدی که چرا این را از من سؤال کرد، این دیگر خوب نیست. اگر بناست آدم این جور باشد، نبودن بهتر است.

۴،۲. امامت جماعت در مساجد خیلی مهم است؛ کسانی که شایستگی دارند، بپذیرند
 امامت جماعت در مساجد را محترم بشمارید، مهم بشمارید. کسانی که شایستگی دارند، امامت مساجد خیلی مهم است. در هر وعده نماز، یا لااقل در هر شبانه‌روزی یک وعده نماز، با مردم حرف بزنید و افکار را باز کنید. با ذکر حقایق دین و مناقب ائمه (علیهم‌السلام) دل‌ها را روشن کنید؛ دل‌ها روشن می‌شود.

مؤخره

خب، صحبت ما یک قدری طولانی هم شد. خداوند ان‌شاءالله برکات وجود جناب آقای مهمان‌نواز را برای این منطقه محفوظ بدارد. در دیدارهایی که گاهی با ایشان داشتیم، راجع به آمدن به بجنورد مکرر می‌گفتند، ما هم می‌گفتیم چشم، «الأمور مرهونة بأوقاتها»؛ خب، حالا اوقاتش رسید. ایشان در بجنورد مانده‌اند، کار بسیار خوبی کردند؛ برکتی هستند برای این شهر. ایشان وظائفی دارند؛ امام جمعه محترم هم که بحمدالله انسان احساس می‌کند هم خوش‌بین، هم خوشفکر، هم توانای برای کار هستند، ان‌شاءالله به وظیفه امامت جمعه به بهترین وجهی عمل می‌کنند. این یکی از همان مواردی است که بنده آرزو دارم: چیزی از دست ندهیم، چیزی هم به دست بیاوریم. بجنورد الحمدلله آقای مهمان‌نواز را از دست نداد و برکات وجود ایشان، مراجعه به ایشان، مثل سابق هست؛ یک چیزی هم اضافه گیرمان آمد که امام جمعه محترم است.

خدایا! آنچه را که می‌کنیم، آنچه را که می‌گوئیم، آنچه را که در نیت می‌گذرانیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ آن را به کرم و فضل از ما قبول کن. پروردگارا! قلب مقدس ولی‌عصر را از ما راضی کن؛ ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! این جمع



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|--|---------------------|---|
| | باید حوزه‌های شهرستان‌ها کمّاً و کیفیاً رونق بگیرد | طلاب و مسئولان حوزه | <p>اینجا [منطقه خراسان شمالی] جایگاهی است که یک حوزه علمیه کامل، با سطوح عالی درسی، با کیفیت خوب می‌تواند فراهم شود. استاد باید بیاید. این منطقی نیست که طلبه حتماً در دوران‌های اولیه درس هجرت کند، برود به حوزه‌های بزرگ، بعد هم دیگر برنگردد؛ این نمی‌شود ... امروز با پیش‌آمدن امکانات فراوان، حوزه‌های شهرستان‌ها باید رونق بگیرد؛ باید کمّاً و کیفیاً توسعه پیدا کند... باید از حوزه‌های بزرگ هجرت کنند، بیایند در شهرستان‌ها بمانند؛ چه اهل آنجا باشند، چه نباشند. افراد گاهی هم اهل آنجا نیستند... فضلاً از اینکه اهل آنجا باشند. اگر اهل آنجا باشند، باید بیایند... فضایی بجنوردی مشهد و قم بنشینند بین خودشان ده نفر را انتخاب کنند، آنها را بفرستند اینجا [خراسان شمالی]، حوزه هم موظف باشد امکانات فراهم کند؛ بیایند اینجا، درس‌ها را بگویند. حالا می‌گویند تا سطح ده تدریس می‌شود. بالاتر بگویند، درس خارج بگویند. بله، طلبه‌ای که اینجا درس خارج خوانده و قریب‌الاجتهاد شده، مانعی ندارد و خوب است که دو سال، سه سال، پنج سال هم برود در یک حوزه دیگری - مثلاً حوزه قم یا حوزه مشهد - حضور پیدا کند و بعد برگردد اینجا.</p> |

حاضر و دیگر فضلا و طلاب و روحانیونی که هستند و در این منطقه بزرگ مشغول کارند، همه را سربازان واقعی اسلام و قرآن قرار بده. این الفت و انسی که امروز بین برادران شیعه و سنی در این منطقه هست، روزه‌روز آن را بیشتر کن؛ همه‌شان را به راه خیر و راه صلاح و راه هدایت امت راهنمایی بفرما. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

منابع

- (۱) چه رسد به اینکه
- (۲) نحل: ۸۶ و ۹۶
- (۳) احزاب: ۱۲
- (۴) احزاب: ۲۲
- (۵) احزاب: ۳۱
- (۶) احزاب: ۰۶
- (۷) بقره: ۰۲۱



| | | |
|--|-----------------------|--|
| <p>هیچ کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد. نظام اسلامی یک امکان عظیمی را در اختیار داعیان الی‌الله و مبلغان اسلام قرار داده. کی چنین چیزی در اختیار شما بود؟... این فرصت فوق‌العاده‌ای است؛ نبادا این فرصت ضایع شود. اگر ضایع شد، خدای متعال از من و شما روز قیامت سؤال خواهد کرد: از فرصت این همه جوان، این همه استبصار، این همه میل و شوق به دانستن، شما برای ترویج معارف اسلامی چه استفاده‌ای کردید؟... اینک یک آقائی در یک گوشه‌ای عیاشی را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است. روحانی باید از وجود یک چنین نظامی که پرچمش اسلام است، قانونش فقه اسلامی است، با همه وجود استقبال کند... [نباید] یک معممی یک گوشه‌ای بیاید خودش را از نظام کنار بگیرد؛ بهانه هم این است که ما فلان انتقاد را داریم. خیلی خوب، صد تا انتقاد داشته باش؛ دویست تایش به خود ما عمامه‌ای‌ها وارد است. مگر به ما انتقاد وارد نیست؟ وجود انتقاد و عیب در یک مجموعه مگر موجب می‌شود که انسان این همه محسنات و نقاط قوت را در آن مجموعه نبیند و ملاحظه نکند؟ ... در کسر و انکسار مصالح و مفاسد است که انسان می‌تواند خط مستقیم را پیدا کند.</p> | <p>روحانیت</p> | <p>باید از نظام اسلامی ایران با همه وجود استقبال کرد</p> |
| <p>حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند... حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار باشند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است.</p> | <p>حوزه‌های علمیه</p> | <p>حوزه‌های علمیه، خود را سربازان نظام بدانند و در خدمت تقویت نظام حرکت کنند</p> |

| | | |
|---|------------------|---|
| <p>امروز این شهر یا این استان، نزدیک به چهل هزار دانشجو دارد. از این چهل هزار دانشجو چندتاشان با شما طلبه‌ها مرتبطند؟ با چندتاشان می‌نشینید حرف می‌زنید؟ تعدادی از شما ممکن است به بعضی از مجامع آنها دعوت شوند و بروند؛ پنجاه نفر، صد نفر آنجا باشند، برایشان سخنرانی کنند. مسئله این نیست. باید بالمشافهه حرف بزنید، طرف مقابل را بسازید؛ این احتیاج دارد به وقت، احتیاج دارد به کار، احتیاج دارد به سواد کافی، احتیاج دارد به ملاحظه نیازهای فکری و فرهنگی و احتیاج دارد به عشق؛ این کار باید اتفاق بیفتد... بنابراین با قشر دانشجو ارتباط پیدا کنید.</p> | <p>طلاب</p> | <p>ارتباط با دانشجویان، صحبت شفاهی و ساختن آنها</p> |
| <p>باید درس بخوانید، خوب درس بخوانید، عالم شوید، ملا شوید، قوی شوید، قدرت تجزیه و تحلیل افکار نو را پیدا کنید. مطالعات جنبی هم داشته باشید... طلبه باید دستش از کتاب رها نشود؛ کتاب بخواند، همه جورش را بخواند، در دوره جوانی بخواند. این ذخیره حافظه را که بی‌نهایت دارای ظرفیت است، هرچه می‌توانید، در دوره جوانی پر کنید. ما هرچه در جوانی در حافظه انباشتیم، امروز موجود است؛ هرچه در دوران پیری - که بنده همین حالا هم با همه گرفتاری‌ها، بیش از جوان‌ها مطالعه می‌کنم - به دست می‌آوریم، ماندگاری ندارد. الان شما جوانید. این منبع قیمتی ارزشمند را از اطلاعات ارزشمند، از آگاهی‌های مفید و لازم در زمینه‌های مختلفی که برای تبلیغ به آنها احتیاج دارید، هرچه می‌توانید، انباشته کنید؛ از این استفاده خواهید کرد.</p> | <p>طلاب جوان</p> | <p>جدی گرفتن مطالعات جنبی، در کنار خوب درس خواندن</p> |



| | | |
|---|-------------|--|
| <p>پذیرای جوان‌ها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «و سَتَهُ مِنْ نَبِيَّهِ»، که ظاهراً عبارت است از «مداراهُ النَّاسِ»؛ مدارا کنید. ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین‌هائی که در استقبال امروز [مردم بجنورد] بودند و شما - هم جناب آقای مهمان‌نواز، هم بقیه آقایان - الان در این تریبون از آنها تعریف کردید، خانم‌هائی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته به این اهداف و آرمان‌هاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستیم / آیا تو چنان که می‌نمائی هستی؟». ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت.</p> | <p>طلاب</p> | <p>با روی خوش و مدارا پذیرای جوان‌ها باشید؛ حتی آنها که ظاهر زنده‌ای دارند</p> |
| <p>آنهائی که درششان یک قدری پیش رفته، لباس روحانیت بپوشند؛ اما بدانند لباس طلبگی پوشیدن، بار سنگینی است. این عمامه چند سیری که شما روی سرت می‌گذاری، خیلی سنگین است. به مجردی که دیدند شما عمامه داری، سیل سؤال و اشکال و اینها وارد می‌شود. اگر آنچه که نمی‌دانی، گفتی نمی‌دانم، بعد رفتی آن را تحقیق کردی و دانستی و احیاناً آمدی به او گفتی، این خوب است؛ اما اگر آنچه که نمی‌دانی، به شکل غلط جواب دادی، یا چون نمی‌دانستی، عصبانی شدی که چرا این را از من سؤال کرد، این دیگر خوب نیست. اگر بناست آدم این جور باشد، نبودن بهتر است.</p> | <p>طلاب</p> | <p>لباس روحانیت بپوشید؛ اما بدانید، بار سنگینی است</p> |
| <p>امامت جماعت در مساجد را محترم بشمارید، مهم بشمارید. کسانی که شایستگی دارند، امامت مساجد خیلی مهم است.</p> | <p>طلاب</p> | <p>افرادی که شایستگی دارند، امام جماعت شوند</p> |

| | | |
|---|----------------------|--|
| <p>وظیفه سنگین است، کار هم زیاد است. وظیفه شما خیلی زیاد است. از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید؛ هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ تهذیب، هم از لحاظ تدین، هم از لحاظ پایبندی و تقید به فرایض و نوافل و تلاوت قرآن.... عزیزان من، فرزندان من، جوان‌های طلبه! با نیت صادقانه درس بخوانید، به قصد اینکه در این میدان عظیم که در صفوف مقدمش خواهید بود، جزو برجستگان صفوف مقدم باشید.</p> | <p>جوان‌های طلبه</p> | <p>خود را از لحاظ معنوی، اخلاقی، تهذیب، تدین، پایبندی و تقید به فرایض و نوافل و تلاوت قرآن بسازید و با نیت صادقانه درس بخوانید</p> |
| <p>من سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را فراموش نکنید؛ البته با همکاری بسیج. بد است که بین روحانی مسجد و بسیج مسجد، اختلاف به وجود بیاید. نه، با همکاری بسیج، این کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را مؤثر کنید، برایش کار کنید. بنشینید فکر کنید، مطالعه کنید و سخنی که متناسب با نیاز آن جوانی است که آنجا حضور پیدا می‌کند، فراهم کنید. مطالعه کنید. کتاب‌هائی وجود دارد که می‌شود از این کتاب‌ها استفاده کرد. کتاب‌هائی هست؛ بروید بپرسید، تحقیق کنید از کسانی که اهلس هستند. خودتان را مجهز کنید، مسلح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی - هنری بروید</p> | <p>طلاب</p> | <p>با همکاری بسیج، کانون‌های فرهنگی هنری مساجد را رونق دهید</p> |



الف) بیان نکاتی در ارتباط با جلسه

۱. سخنانی که اینجا گفته شد، بسیاری از آنها سنجیده، حرفه‌ای و کاملاً کارشناسی بود؛ جلسه برای این حقیر یک هدیه الهی بود

بسیار جلسه باشکوه و با عظمتی است؛ هم از لحاظ ظاهر و هم از لحاظ معنا. تعداد عظیم معلمان این استان - معلمان آموزش و پرورش و معلمان دانشگاه - چشم را پر می‌کند، دل را شاد می‌کند. سخنانی که اینجا گفته شد، بسیاری از آنها سنجیده، حرفه‌ای و کاملاً کارشناسی بود. انسان لذت می‌برد از این که مشاهده کند در این استان - که یقیناً از لحاظ جنبه‌های مادی و امکانات، جزو استان‌های فقیر کشور محسوب می‌شود؛ با اینکه از لحاظ استعداد و طبیعت، بسیار غنی است - این همه فکر خوب، اندیشه روشن، سخن سنجیده و کارشناسی شده وجود دارد. شما برادران و خواهران عزیز مطمئن باشید که این جلسه برای این حقیر یک هدیه الهی بود و بنده را از خدای متعال بسیار متشکر کرد که شما را اینجا دیدیم و این سخنان خوب را شنیدیم.

دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی

۱۳۹۱/۰۷/۲۰



آنچه که در پیشنهادهای دوستان وجود داشت، بعضی البته مربوط به دستگاه‌های اجرائی و مسئولان بخش‌های مختلف است که معمول ما این است که این پیشنهادها را به دستگاه‌ها منتقل می‌کنیم، خود ما نسبت به اینها اقدامی نداریم؛ لیکن بعضی از این پیشنهادها، پیشنهادهایی بنیانی است. آنچه که آن خانم معلم فرمودند، بسیار درست، بسیار سنجیده و منطقی بود؛ همچنین برخی دیگر از پیشنهادهایی که اینجا گفته شد - که من یادداشت کردم - همه‌اش در خور این است که رویش مطالعه شود، فکر شود، کار شود. از خدای متعال می‌خواهیم که این توفیق را به ما بدهد تا بتوانیم از این محصول فکری شما ان شاء الله استفاده کنیم و به قدر توان و ظرفیت و توفیقی که خدا به ما عنایت می‌کند، از آن در بخشی از مدیریت جامعه - که حالا به ما مربوط می‌شود - ان شاء الله استفاده کنیم.

۲. اظهار محبت بین مسئولان و بین مردم، چیز خوبی است؛ اما نباید به بیان تعبیرات مبالغه‌آمیز منتهی شود

به یک نکته‌ای هم اشاره کنم. یک سرود زیبایی را با آهنگ خوب اجرا کردند و مطالب مفیدی هم در آن سرود بود که بیان کردند. من این نکته را نه فقط برای این جلسه عرض می‌کنم، بلکه مایلیم این جور مطالب در سطح کشور و سطح جامعه گسترش پیدا کند. اظهار محبت بین مسئولین و بین مردم، به خصوص نخبگان، چیز خوبی است. اینکه حالا جمعی از نخبگان، فرهنگی، استاد، معلم، نسبت به یک خدمتگزاری که یک مسئولیتی دارد، ابراز محبت کنند، خیلی چیز مطلوبی است و در کشور ما خوشبختانه

ائمه جماعات
حداقل در هر شبانه روز، در یک وعده نماز، با مردم حرف بزنید و با ذکر حقایق دین و مناقب ائمه (علیهم‌السلام) دل‌ها را روشن کنید

[شما ائمه جماعات] در هر وعده نماز، یا لااقل در هر شبانه‌روزی یک وعده نماز، با مردم حرف بزنید و افکار را باز کنید. با ذکر حقایق دین و مناقب ائمه (علیهم‌السلام) دل‌ها را روشن کنید؛ دل‌ها روشن می‌شود.

این هست، اما در بسیاری از نقاط دنیا این نیست؛ و این از برکات اسلام است، از برکات تدین است؛ و طرفینی هم هست. گفت: «راز کم گو من به تو عاشق ترم». بین مسئولین و بین مردم یا نخبگان، محبت یکطرفه وجود ندارد؛ اصلاً امکان ندارد محبت یکطرفه. اگر یک کشش طرفینی و جاذبه طرفینی نباشد، زود محبت‌ها یکطرفه در هم پیچیده می‌شود و از بین می‌رود؛ بنابراین محبت‌ها طرفینی است. منتها نکته‌ای که من می‌خواهم عرض کنم، این است که این اظهار محبت منتهی نشود به گفتن سخنانی و بیان تعبیراتی که مبالغه‌آمیز بودن آنها برای همه آشکار است. البته شعر جای اغراق و مبالغه است؛ اما اینکه از افراد کوچک و ناقصی از قبیل این حقیر، با تعبیراتی اسم بیاوریم که مخصوص بزرگان عالم آفرینش است، مربوط به معصومین است، مربوط به انبیاء و اولیاء است، چیز خوبی نیست. ما این فرهنگ را نباید در جامعه گسترش دهیم. حذف اینگونه تعبیرات، هیچ منافاتی با محبت طرفینی هم ندارد.

۳. با توجه به رسالت اسلامی ملت، یعنی تحول دورنی و صیوروت همه‌جانبه مجموعی، نقش محیط‌های آموزشی برجسته است

خب، در بین مطالبی که دوستان بیان کردند - هم دوستانی که از دانشگاه سخن گفتند، هم دوستانی که از آموزش و پرورش مطالبی بیان کردند - نکات بسیار خوبی بود، نکات دقیقی بود. ما حقیقتاً نیازمند آن هستیم که بساط آموزش را و پرورش را در کشورمان رونق دهیم. مسئله انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی فقط این نبود و نیست که حالا یک کشوری در عداد کشورهای دیگر و در مسابقه با آنها قرار گیرد، از لحاظ پیشرفت مادی و پیشرفت علمی و پیشرفت نظامی و پیشرفت سیاسی؛ آن طوری که معمولاً سران کشورها دنبال آن هستند. مسئله اسلام و تشکیل حکومت در اسلام، مسئله یک صیوروت است؛ یک تحول در اندرون انسانی است. در درون ما، هم عناصر فرشتگی وجود دارد، هم عناصر سبعیت؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (۱) یعنی استعداد علو و ترقی و تعالی و استعداد تنزل و سقوط، تقریباً شاید بشود گفت بی‌نهایت در ما افراد انسان وجود دارد. فلسفه آفرینش انسان این است که آن استعدادها را برجسته مثبت مفید و ممتاز از لحاظ ارزش‌های الهی، با اختیار خود انسان و با مجاهدت انسانی، غلبه پیدا کند بر آن خصلت‌های حیوانیت و سبعیت؛ که اگر این غلبه پیدا شد، آن وقت همان استعدادهای حیوانی هم جهت‌گیری درستی پیدا خواهد کرد. روح تعرض و تطاول اگر چنانچه در خدمت تقوا قرار گرفت، از تعرض به حریم‌های مقدس - حریم‌های انسانی، حریم‌های اجتماعی، حریم‌های اخلاقی - جلوگیری خواهد کرد؛ در یک جهت درستی به کار خواهد افتاد. در قرآن و در اسلام به «قتال» امر شده است. قتال یعنی کشتن، یعنی مواجهه با کشتار؛ اما این قتال، استفاده بهینه از آن روحیه‌ای است که در انسان وجود دارد؛ در خدمت هدایت بشریت و در خدمت ساختن یک دنیای آباد و آزاد و متعالی به کار می‌رود. این قتال در واقع به معنای نابود کردن حجاب‌ها و موانع دستیابی انسان به قله‌های رفیع کرامت بشری و انسانی است. اگر چنانچه این خصلت‌ها و خلقیات و استعدادها برتر و باکرامت ترجیح داده شد، دنیا، دنیای خوبی خواهد شد؛ دنیای سعادت خواهد شد. در آن دنیا تجاوز نیست، تعدی نیست؛ در آن دنیا پستی و فرومایگی نیست؛ در آن دنیا تعطیل استعدادهای انسانی نیست، به انحراف کشیدن این استعدادها نیست؛ در آن دنیا فقر نیست، تبعیض نیست. ببینید چه دنیای خوبی خواهد شد. در آن دنیا انسان خواهد توانست از همه ظرفیت وجودی خود استفاده کند. ظرفیت وجودی ما این نیست که تا امروز دانش بشر و تجربه بشر به آن رسیده؛ ظرفیت‌ها خیلی بیشتر از اینهاست. ما در نگاه به ظرفیت‌های جسمی خودمان هم دچار تنگ‌نظری هستیم؛ ما ظرفیت‌های جسمی خودمان را

هم درست نمی‌شناسیم.

من بارها مثال می‌زنم، می‌گویم شما یک ژیمناست را نگاه کنید؛ به ذهن یک آدم ورزش‌نکرده تربیت‌نکرده جسم اصلاً خطور می‌کند که انسان بتواند جسم را این‌جور حرکت دهد؟ ولی خب، با تمرین، یک انسانی که خیلی فوق‌العاده هم نیست، با انسان‌های دیگر خیلی هم فرق ندارد، می‌تواند این تحرکات را در خودش به وجود بیاورد. این را به توان همه ظرفیت‌های انسانی که هزاران است، محاسبه کنید، ببینید انسان چه می‌شود؛ چه توانائی عظیمی به وجود می‌آید. اینها همه در آن دنیائی است که غلبه خصلت‌های الهی و انسانی در انسان بر خصلت‌های پست تحقق پیدا کند و حاصل شود. رسالت این است، هدف این است. اگر هدف این است، پس باید خیلی تلاش کرد.

ما در آغازین گام‌های خودمان در این راه هستیم؛ هرچه هم پیشرفت کرده باشیم. نه اینکه ما به این پیشرفت‌های علمی اهمیت ندهیم؛ خب، می‌بینید که چقدر هم افتخار می‌کنیم؛ پیشرفت علمی داریم، پیشرفت فناوری داریم، پیشرفت سیاسی داریم، پیشرفت‌های سازندگی داریم، توانائی ملی داریم، عزت عمومی داریم؛ اینها همه خیلی باارزش است؛ لیکن اینها گام‌های اولی کار است.

خب، وقتی به رسالت کشور و رسالت اسلامی ملت، انسان با این دید نگاه می‌کند - که یک صیوروت همه‌جانبه مجموعی برای کشور است - آنگاه نقش آموزش، نقش پرورش، نقش محیط‌های آموزشی آشکار می‌شود. در کشور ما، آموزش و پرورش و آموزش عالی، نقش پیدا می‌کند.

۴. غرض اصلی از تشکیل این جلسات این است که احترام و تقدیر و تجلیل از معلم و استاد در جامعه نهادینه شود

و من به شما عرض بکنم؛ از تشکیل این جلسات، چه با اساتید، چه با دانشجویها - به خصوص با اساتید یا با معلمین - در اینجا، در تهران، بیش از آنچه که نظر به این باشد که حالا ما دو کلمه حرفی بزنیم یا مطالبی از دوستان بشنویم - که این هم مفید است - نظر این است که احترام و تقدیر و تجلیل از معلم و استاد در جامعه نهادینه شود؛ ما به این احتیاج داریم. ما می‌خواهیم قدر معلم دانسته شود - چه معلم آموزش و پرورش، چه معلم دانشگاه - وقتی قدر معلم دانسته شد، در درجه اول خود آن معلم است که باید این قدر را پاس بدارد و در تعلیم و در تربیت، آنچه را که در توان دارد، به کار گیرد و البته این توان را هم افزایش دهد. بنابراین در این جلسه هم غرض اصلی ما این است که بگوئیم احترام می‌گذاریم به مجموعه معلمین این استان نوبنیاد، که بحمدالله انسان می‌بیند چقدر هم از لحاظ کمی و از لحاظ کیفی باارزش هستند؛ چه معلمین آموزش و پرورش، چه معلمین دانشگاه.

ب) خصلت‌های لازم در تربیت اصولی دانش‌آموزان و دانشجویان

۱. در درجه اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم؛ این برای همیشه به درد خواهد خورد

یک نکته‌ای که در ضمن مطالب این دوستان هم بود، ذهن بنده هم همواره خیلی متوجه به آن است، این است که ما در درجه اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم. اگر توانستیم هویت انسانی این کودک را از آغاز کودکی شکل بدهیم و خلقیاتی را در آن به وجود بیاوریم، این برای همیشه به درد خواهد خورد. عوارضی وجود دارد، معمولاً این عوارض اخلاقیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما اگر چنانچه شخصیت کودک از آغاز ساخته شد و شکل گرفت، تأثیرات عوارض کمتر خواهد بود و عوامل کمک کننده هم



۲. از همان اول، کودکان را به فلسفیدن و خردورزی عادت دهید؛ تدریس فلسفه برای کودکان خیلی مهم است

این خانم به تعبیر «فلسفیدن» اشاره کردند؛ این بسیار تعبیر درستی است. امروز در کشورهای پیشرفته مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی‌ها در جامعه ما اصلاً تصور نمی‌کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می‌کنند فلسفه به معنای یک چیز قلمبه سلمبه‌ای است که یک عده‌ای در سنین بالا به آن توجه می‌کنند؛ این نیست. فلسفه، شکل دادن فکر است، یاد دادن فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب مهم است. اگرچه محتوا هم در همین فلسفه کودکان حائز اهمیت است، اما عمده شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است. من خوشحال شدم از این که دیدم در خلال حرف‌ها این را متذکر شدند.

۳. باید در جوان‌ها و کودکان، خودباوری را تقویت کنیم؛ تزریق خودباوری در مدارس و دانشگاه‌ها، یکی از کارهای اصلی است

نکته بعد، خودباوری است. ما باید کودک را از آغاز دارای اعتمادبه‌نفس و باور به هویت خود بار بیاوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست. در کشور ما متأسفانه فرهنگ کاملاً منحرفی از گذشته پایه‌گذاری شده که هنوز آثارش از بین نرفته - با این همه تبلیغاتی که ماها از اول انقلاب تا امروز داشتیم - و آن، نگاه نیازمندان به سمت غرب، بزرگ دیدن غرب و کوچک دیدن خود در مقابل اوست؛ که متأسفانه این فرهنگ ریشه‌کن نشده و وجود دارد؛ این به دلیل نبود خودباوری است. اینکه شما ملاحظه می‌کنید فلان مارک جنس خارجی پول بیشتری طلب می‌کند، اما طرفدار بیشتری هم در بین یک طبقه‌ای دارد، در حالی که جنس مشابه داخلی گاهی کیفیتش بهتر از آن است، به خاطر همین نگاه است؛ این یک بیماری است، این یک آفت است. اگر چنانچه گفته شود که فلان متخصص، دوره‌های تخصص را در داخل گذرانده است، به خارج نرفته است، در وهله اول یک نگاه منفی نسبت به او وجود خواهد داشت. بله، اگر چنانچه این متخصص داخلی که در داخل تحصیل کرده، با کارهای برجسته خود توانست این باور را به هم بزند - که در این سال‌های اخیر، فراوان هم اتفاق افتاده - آن مطلب دیگری است؛ اما مادامی که بگویند این تحصیلکرده خارج است، این تحصیلکرده داخل است، نگاه به او برتر خواهد بود. اینها عیب است.

شما شاید از بنده زیاد شنیده باشید، بنده هیچ مخالف کسب علم از بیگانه‌ها نیستیم؛ ابداً بنده بارها گفته‌ام که ما ننگمان نمی‌کند شاگردی کسی را بکنیم و یاد بگیریم؛ اما ننگمان می‌کند که خیال کنیم همیشه باید چشم‌های ما آزمون‌دانه، آزمون‌دانه، با احساس حقارت نفسی، به دست دیگران، به فکر دیگران، به کار دیگران، به کار دیگران باشد. این چیز بدی است؛ این را باید ریشه‌کن کرد. انسان مشاهده می‌کند؛ گاهی ما می‌خواهیم یک اخلاق خوب را در بین جامعه به وجود بیاوریم، مثالی که در تمجید آن اخلاق خوب می‌زنیم، حتماً از کشورهای غربی است! چه لزومی دارد؟ چرا ما این روحیه را می‌دهیم در مخاطبین خودمان تقویت کنیم که برای تشخیص و تمایز خوب و بد و برجسته و غیربرجسته، باید نگاهشان به طرف غرب باشد؟ همین‌ی که حالا بعضی از دوستان گفتند: غرب‌باوری. این خودباوری در مقابل آن است. این به معنای دشمنی با کسی نیست، این به معنای تعصب علیه یک منطقه جغرافیایی یا منطقه سیاسی نیست؛ این به معنای این است که یک ملت وقتی که از توانائی خود، از استعدادهای خود، از فرآورده‌های خود روی برگرداند و به آنها بی‌اعتقاد شد، سرنوشتش همان سرنوشتی است که

کشورهای وابسته - چه خود ما در دوران پهلوی، چه کشورهای دیگری که مشاهده می‌کنیم - به آن دچار شدند. خودباوری را باید در جوان‌ها، در کودکانمان تقویت کنیم. من می‌بینم، گاهی به من گزارش می‌رسد که فلان معلم سر کلاس، یا فلان استاد در سر کلاس دانشگاه، از یک پیشرفت علمی مسلم اظهار تردید کرده؛ این اتفاق افتاده. فرض کنید در زمینه سلول‌های بنیادی، در زمینه نانوتکنولوژی، در زمینه‌های گوناگون علمی - که حالا خوشبختانه پیشرفت‌های علمی کشور در بخش‌های مختلف خیلی زیاد است - یک اتفاقی افتاده؛ این یک اتفاق حقیقی است، قابل تردید نیست، جلوی چشم است، ملموس است؛ اما این آقا در کلاس دانشگاه یا کلاس دبیرستان، شروع می‌کند به خدشه کردن؛ نه آقا، این جور نیست؛ معلوم نیست! ما چه انگیزه‌ای داریم؟ اگر فرض کنیم خود ما هم تردید داریم در اینکه این پیشرفت تحقق پیدا کرده، چه داعی‌ای داریم آن را به جوان مخاطبمان القاء کنیم؟ خب، برویم تحقیق کنیم؛ برای خودمان روشن شود که شده یا نشده. این خودباوری را تزریق کردن و به وجود آوردن، یکی از کارهای اصلی است.

۴. یکی از چیزهایی که ما در تعامل اجتماعی داریم، روحیه بردباری و حلم است

نکته بعد، بردباری است. یکی از چیزهایی که ما در تعامل اجتماعی داریم، روحیه بردباری است؛ حلم. اینکه در اسلام و در اخلاق اسلامی اینقدر حلم ذکر شده، به این خاطر است. نبود بردباری، بسیاری از مشکلات را در سطوح پائین و سطوح فردی و سطوح اجتماعی به وجود می‌آورد. اگر گروه‌های سیاسی ما هم حلیمانه با هم برخورد کنند، کار بهتر خواهد شد. دستجات مختلف طرفدار این و طرفدار آن، اگر با حلم با هم برخورد کنند، خیلی اوضاع بهتر خواهد شد. با حلم برخورد کردن، به معنای اغماض کردن از بدی‌ها و زشتی‌ها نیست؛ به معنای بی‌اعتنائی کردن به اصالت‌ها و ارزش‌های مورد اعتقادمان نیست؛ نوع برخورد، مورد نظر است؛ «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (۲) مجادله با دیگری هم که بر سر یک اعتقاد است، بر سر یک مسئله مهم اتفاق می‌افتد، آن هم «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» باشد.

۵. مسئله دیگر، مسئله کنجکاوی است؛ حالت استفسار، استفهام و دنبال کردن

مسئله دیگر، مسئله کنجکاوی است که در بیانات دوستان هم بود؛ حالت استفسار و استفهام و دنبال کردن.

۶. از آغاز، کودکان و جوانان را عادت دهیم که با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند و با همت بلند نگاه کنند

نکته دیگر، کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند. مسائل گوناگونی وجود دارد که اینها را باید در سطح دنیا دید، در سطح جهانی باید مشاهده کرد، نه در سطح منطقه‌ای، چه برسد به اینکه انسان بخواهد آنها را در سطح کشوری یا در سطح ولایتی و استانی ببیند. مسائلی وجود دارد که اینها را باید در آفاق صد ساله و صد و پنجاه ساله دید، نه در یک افق محدود پنج ساله و ده ساله و کمتر. اینها همت بلند لازم دارد؛ نگاه بلندماتانه به مسائل گوناگون. این دانش‌آموز یا این دانشجویی که شما امروز دارید تربیت می‌کنید، چند صباح دیگر یک استاد است، یک مدیر فعال است، یک کارشناس برجسته است، یک عنصر مؤثر در حرکت سیاسی جامعه است؛ چند صباح دیگر این وجود مؤثری در جامعه خواهد بود. این را آن جور تربیت کنید که با این همت بلند بار بیاید.



۷. نکته بعد، تن به کار دادن است؛ باید جوانان و کودکان را به کتابخوانی عادت دهیم که تا آخر عمر همراهشان خواهد بود. نکته بعد، تن به کار دادن است. یکی از مشکلات ما تنبلی است. مسئله مطالعه و کتابخوانی مهم است. در جامعه ما بی‌اعتنائی به کتاب وجود دارد. گاهی آدم می‌بیند در تلویزیون از این و آن سؤال می‌کنند: آقا شما چند ساعت در شبانه‌روز مطالعه می‌کنید، یا چقدر وقت کتابخوانی دارید؟ یکی می‌گوید پنج دقیقه، یکی می‌گوید نیم ساعت! انسان تعجب می‌کند. ما باید جوانان را به کتابخوانی عادت دهیم، کودکان را به کتابخوانی عادت دهیم؛ که این تا آخر عمر همراهشان خواهد بود. کتابخوانی در سنین بنده - که البته بنده چندین برابر جوان‌ها کتاب می‌خوانم - غالباً تأثیرش به مراتب کمتر است از کتابخوانی در سنین جوان‌ها و شما عزیزانی که اینجا حضور دارید. آنچه که همیشه برای انسان می‌ماند، کتابخوانی در سنین پائین است. جوانان شما، کودکان شما هرچه می‌توانند، کتاب بخوانند؛ در فنون مختلف، در راه‌های مختلف، مطلبی یاد بگیرند. البته از هرزه‌گردی در محیط کتاب هم باید پرهیز کرد، منتها این مسئله بعدی است؛ مسئله اول این است که یاد بگیرند، عادت کنند به این که اصلاً به کتاب مراجعه کنند، کتاب نگاه کنند. البته باید دستگاه‌ها مراقب باشند، اشخاص مواظب باشند، هدایت کنند به کتاب خوب؛ که با کتاب بد، عمر ضایع نشود

۸. باید مراکزی به وجود بیاید تا معلمان و اساتید را برای پیاده کردن این خصلت‌ها در کلاس، تربیت کنند

نکته دیگری را اینجا یکی از خانم‌ها گفتند که من یادداشت کردم؛ آن هم نکته بسیار مهمی است: این خصوصیتی که ما می‌خواهیم در کودکانمان به وجود بیاید - حالا شاید در مورد آموزش و پرورش گفتند - به طور طبیعی به وجود نمی‌آید؛ این باید کار شود. چه کسی کار کند؟ معلمین؛ چه در سطوح آموزش و پرورش، چه در سطوح دانشگاه. معلمین باید آمادگی این کار را داشته باشند، خبره این کار باشند؛ این احتیاج پیدا می‌کند به یک دستگاه بالادستی که این تربیت را به وجود بیاورد. بله، این منطقی است. الان وزیر محترم آموزش و پرورش هم اینجا هستند؛ این را بروید در دولت مطرح کنید، خود شما هم در سطح آموزش و پرورش ببینید چه کار می‌توانید بکنید. راست می‌گویند؛ ما اگر بخواهیم این خصلت‌های خوب در مخاطبینمان سر کلاس به وجود بیاید، احتیاج دارد به اینکه معلم ما بلد باشد چه کار کند. همه بلد نیستند؛ باید یاد بگیرند. مراکزی باید به وجود بیاید؛ که گفته شد پژوهشکده‌های فرهنگی خانواده یا فرهنگ خانواده؛ این جزو پیشنهادهائی بود که بعضی کردند؛ بسیار خوب است، کاملاً درست است؛ باید روی این مسائل کار شود. البته اینها ناظر به امنیت اخلاقی خانواده است، لیکن همه اینها در مورد مدارس و دانشگاه‌ها هم وجود دارد.

ج) اشاره به پیشرفت‌های کشور در عرصه علمی و بیان نکاتی برای ارتقاء بیشتر مدارس و دانشگاه‌ها

۱. با وجود مشکلات فراوان، پیشرفت ما در زمینه‌های مورد علاقه قشر فرهنگی و علمی، انصافاً پیشرفت فوق‌العاده‌ای است. خوب، پیشرفت ما در این زمینه‌هایی که مورد علاقه ما و مجموعه قشر فرهنگی و علمی کشور است، انصافاً پیشرفت فوق‌العاده‌ای است. یعنی هیچ نباید تردید کنیم که ما می‌توانیم. این جلوی چشم همه است. ما در آغاز انقلاب، حدود صد و هفتاد هزار دانشجو داشتیم، امروز بیش از چهار میلیون دانشجو داریم. در آن زمان، پنج هزار عضو هیئت علمی داشتیم. همان اوائل، بنده خودم یادم هست که این رقم پنج هزار، هی تکرار می‌شد. بعضی‌ها می‌گذاشتند می‌رفتند، که قابل شمارش بود؛ می‌گفتند آقا یکی کم شد، ده تا کم شد! امروز

اعضای هیئت علمی ما بسیار فراتر از اینهاست. خوشبختانه ما ده‌ها هزار اعضای هیئت علمی داریم. امروز دویست دانشگاه جامع در سرتاسر کشور هست، دو هزار دانشگاه و مرکز آموزش عالی در سطح کشور وجود دارد؛ اینها چیزهای کمی نیست. ما همه اینها را در شرائط تنگدستی انجام دادیم. همین تحریمی که حالا گفته می‌شود تشدید کردند یا رو به تشدید دائمی است، خوب، از اول وجود داشته. ما علاوه بر این، جنگ هم داشتیم؛ علاوه بر این، در دوران‌های مختلفی کاهش قیمت‌های نفت داشتیم؛ مشکلات فراوان داخلی بر ما تحمیل کرده بودند؛ افزایش جمعیت را داشتیم - جمعیت ما اول انقلاب سی و پنج میلیون بود؛ جمعیت دو برابر شده - همه این مسائل بوده است؛ در عین حال ما بحمدالله این پیشرفت را پیدا کردیم.

۱،۱. خیلی از پیشرفت‌های علمی کشور، به شکل گلخانه‌ای به وجود آمده و یک تلاش جمعی همه‌جانبه و متمرکز انجام نگرفته است و من به شما عرض بکنم؛ این پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های علمی به وجود آمده، هیچکدام مربوط به این نیست که بگوئیم در یک نقطه خاصی، یک تلاش جمعی همه‌جانبه‌ای انجام گرفته؛ نه، در خیلی از این بخش‌هایی که ما پیشرفت داریم، یک گروه علاقه‌مند با استعداد، از یک نقطه‌ای یک مقدار حمایت شدند، ناگهان به اوج رسیدند. سال‌ها قبل مسئولین یک کشوری از کشورهای دوستان - نمی‌خواهم اسم بیاورم - آمدند اینجا، گفتند ما فلان مقدار بودجه گذاشتیم برای یک موضوع خاص - مثلاً برای بیوتکنولوژی - همه کشور هم روی آن متمرکز شدند. ما این کار را نکردیم. آنچه که اتفاق افتاده است، به خاطر وجود استعداد، به خاطر وجود شوق از سوی گروه‌های گوناگون بوده است؛ خیلی‌هایش به شکل گلخانه‌ای به وجود آمده، نه اینکه حالا همه کشور متمرکز شوند تا ما مثلاً فرض کنید سلول‌های بنیادی را به دست بیاوریم؛ نه، چند نفر جوان با استعداد علاقه‌مند قضیه سلول‌های بنیادی را دنبال کردند، از یک گوشه‌ای هم یک مختصر حمایتی از اینها شد؛ ناگهان ملاحظه کردید که در دنیا جزو برجسته‌ها شدند. بحث نانوفناوری هم عیناً همین‌جور است، بحث‌های گوناگون دیگر هم همین‌جور است. این بحث‌های مربوط به موشک‌ها هم، چه موشک‌های مربوط به فضا و بردن ماهواره، چه موشک‌های نظامی، اینها همه‌اش کارهایی است که از روی شوق و میل و رغبت از سوی گروهی، یک جایی شروع شده، بعد نتایجش را همه مشاهده کردند. می‌خواهم عرض کنم که استعداد و توانائی در سطح کشور، بی‌نهایت است. ما خیلی جلوتر از اینها می‌توانیم برویم.

۲،۱. رتبه شانزدهم علمی جهان متعلق به ایران است و سهم ما در تولید علم دنیا، دو درصد است که دو برابر ظرفیت طبیعی کشور است الان در سطح جهان، رتبه شانزدهم علمی متعلق به ایران است. کسی باورش می‌آمد؟ این را مراکز آماری معتبر دنیا اعلان کردند. آن وقت یک مرکزی پیش‌بینی می‌کند، می‌گوید تا سال ۲۰۱۸ ایران به رتبه علمی چهارم در دنیا خواهد رسید. امکانات کشور و توانائی‌های کشور، این‌جوری است. سهم ایران در تولید علم، الان در دنیا دو درصد است؛ یعنی دو برابر آنچه که به طور طبیعی ایران می‌تواند و باید در تولید علم دنیا سهم داشته باشد. اینها چیزهای برجسته‌ای است، اینها چیزهای مهمی است.

۲. در کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها، امید به حرکت را پرورش دهید و از القاء ناامیدی به شدت پرهیز کنید بنابراین ما باید امید را افزایش دهیم؛ من این را می‌خواهم عرض کنم. ما باید کارهای زیادی را در سطوح دولتی، در سطوح مسئولان بالا انجام دهیم؛ اما آنچه که اساس قضیه است، این است که شما در کلاس‌های درس، چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاه، امید به حرکت را در این جوان و مخاطب خودتان پرورش دهید؛ این مثل یک گلوله‌ای خواهد شد و پیش خواهد رفت. اگر یک چنین



اتفاقی بیفتد، کشور از وجود او حداکثر استفاده را خواهد کرد. سعی کنیم نشاط ایجاد کنیم، امید ایجاد کنیم. خطراتی بر سر راه جوان‌ها وجود دارد؛ یکی از خطرات، ناامیدی است؛ که باید از القاء ناامیدی به شدت پرهیز کرد.

۳. تأکید می‌کنیم که مسئولان، مشکلات آموزش و پرورش و دانشگاه‌های خراسان شمالی را از لحاظ امکانات برطرف کنند البته در این استان مشکلاتی، هم در زمینه آموزش و پرورش از لحاظ امکانات وجود دارد، هم در مورد دانشگاه‌ها وجود دارد؛ که هم به من گزارش کردند، هم مقداری از آنها را دوستان در اینجا بیان کردند. امیدواریم ان‌شاءالله اینها هم برطرف شود. ما البته به مسئولین منتقل می‌کنیم. کارهای اجرائی و این مسائل، مربوط به مسئولیت‌های خاص است؛ نباید در اینها تداخل کرد. ما البته تأکید می‌کنیم، تأیید می‌کنیم، منتقل می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم تا آنجائی که امکاناتشان اجازه می‌دهد، این را انجام دهند.

۴. مراقب نفوذ عرفان‌های کاذب در محیط‌های جوان، به خصوص در دانشگاه‌ها باشید و آنها را به جنبه‌های صحیح تدین توجه دهید

ضمناً در محیط‌های جوان، مراقب این عرفان‌های کاذب هم باشید؛ اینها هم به خصوص در دانشگاه‌ها رخنه می‌کنند. یکی از برنامه‌ها این است که عرفان‌های کاذب را در داخل دانشگاه‌ها رخنه دهند؛ این هم یکی از آن چیزهای فلج‌کننده است. اگر کسی اسیر و دچار این بافته‌های بی‌اصل و اساس عرفان‌های کاذب شود - که غالباً هم از مناطق خارج از کشور نفوذ پیدا کرده و وارد شده است - واقعاً او را فلج می‌کند. معیاری که ما برای تحرک به سمت علو معنوی و روحی و تقرب به خدا داریم، تقواست، پرهیزگاری است، پاکدامنی است. جوانان ما - چه دختران ما، چه پسران ما - اگر پاکدامن باشند، اگر تقوا پیشه کنند، اگر برای دوری از گناه تلاش کنند، اگر نماز را با توجه و با اهتمام به‌جا بیاورند و انسشان را با قرآن قطع نکنند، اسیر این عرفان‌های کاذب نمی‌شوند.

من به جوان‌ها غالباً در مورد قرآن سفارش می‌کنم. سعی کنید رابطه‌تان را با قرآن قطع نکنید. هر روز، ولو نصف صفحه، قرآن بخوانید؛ اینها همه‌اش مقرب انسان است؛ صفای روح و گشایش و فتوح معنوی را همین‌ها برای انسان به وجود می‌آورد. آن آرامش، آن صبر و سکینه مورد نیاز انسان - که «فَأَرْزُلْ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى» (۳) این نعمتی است که خدای متعال آن را به رخ مؤمنین می‌کشد، که ما سکینه و صبر و آرامش و طمأنینه را از سوی خودمان به پیغمبر دادیم، به مؤمنین دادیم - با همین چیزی که عرض کردیم، حاصل می‌شود؛ در درجه اول با تلاش برای دور شدن از گناهان است.

اینکه می‌گوئیم دوری از گناهان، معنایش این نیست که اول باید به کلی همه گناهان را ترک کنید تا بتوانید وارد مرحله دوم شوید؛ نه، اینها با هم توأم است. باید همت این باشد، باید تلاش این باشد که گناه از ما سر نزنند. تقوا هم به همین معناست. التزام به توجه در نماز و در تلاوت قرآن و اینها چیزهایی است که معنویات و صفای روح را برای ما به ارمغان می‌آورد؛ آن آرامش و طمأنینه و سکینه لازم را به ما می‌دهد؛ نیازی نیست به رفتن در خانه عرفان‌های کاذب، دروغی، مادی، توهمی و تخیلی، که هیچ واقعیتی پشت سرش نیست. هم دانشجویها را، هم جوانان دبیرستان را توجه بدهید به همین جنبه‌های دیانت و تدین. تدین را یک عنصر اساسی برای مخاطب خودتان قرار بدهید و بدانید ان‌شاءالله خدای متعال هم کمک خواهد کرد.

مؤخره

خب، وقت هم تمام شد. امیدواریم خدای متعال آنچه را که گفتیم و شنیدیم، برای ما مفید قرار بدهد و توفیقات خودش را شامل حال شما و شامل حال ما بکند تا بتوانیم ان‌شاءالله به وظائفمان عمل کنیم. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

منابع

(۱) تین: ۴ و ۵

(۲) نحل: ۱۲۵

(۳) فتح: ۲۶

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|--------------------------------|---|
| ۱ | اظهار محبت مردم به مسئولین به بیان تعبیرات مبالغه‌آمیز منتهی نشود | همه مردم در سطح کشور | من این نکته را نه فقط برای این جلسه عرض می‌کنم، بلکه مایلم این جور مطالب در سطح کشور و سطح جامعه گسترش پیدا کند. خب، اظهار محبت بین مسئولین و بین مردم، به خصوص نخبگان، چیز خوبی است. ... منتها نکته‌ای که من می‌خواهم عرض کنم، این است که این اظهار محبت منتهی نشود به گفتن سخنانی و بیان تعبیراتی که مبالغه‌آمیز بودن آنها برای همه آشکار است. البته شعر جای اغراق و مبالغه است؛ اما اینکه از افراد کوچک و ناقصی از قبیل این حقیر، با تعبیراتی اسم بیاوریم که مخصوص بزرگان عالم آفرینش است، مربوط به معصومین است، مربوط به انبیاء و اولیاء است، چیز خوبی نیست. ما این فرهنگ را نباید در جامعه گسترش دهیم. حذف اینگونه تعبیرات، هیچ منافاتی با محبت طرفینی هم ندارد. |
| ۲ | آنچه در توان دارید در تعلیم و در تربیت به کار بگیرید و آن را افزایش دهد | معلمان و آموزش پرورش و دانشگاه | وقتی قدر معلم دانسته شد، در درجه اول خود آن معلم است که باید این قدر را پاس بدارد و در تعلیم و در تربیت، آنچه را که در توان دارد، به کار گیرد و البته این توان را هم افزایش دهد. |



| | | | |
|---|--|-----------------|---|
| ۳ | اهتمام به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکان | معلمان | در درجه اول باید به ساختن و پرداختن شکل روحی کودکانمان اهتمام بورزیم |
| ۴ | کودکان را از همان اول به فلسفیدن و خردورزی عادت دهید | معلمان | «فلسفیدن»... بسیار تعبیر درستی است خیلی‌ها در جامعه ما اصلاً تصور نمی‌کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می‌کنند فلسفه به معنای یک چیزِ قلمبه سلمبه‌ای است که یک عده‌ای در سنین بالا به آن توجه می‌کنند؛ این نیست. فلسفه، شکل دادنِ فکر است، یاد دادنِ فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب مهم است. اگرچه محتوا هم در همین فلسفه کودکان حائز اهمیت است، اما عمده شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است. من خوشحال شدم از اینکه دیدم در خلال حرف‌ها این را متذکر شدند. |
| ۵ | خودباوری را در دانش‌آموزان و دانشجویان تقویت کنید | معلمان و اساتید | ما باید کودک را از آغاز دارای اعتمادبه‌نفس و باور به هویت خود بار بیآوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست... خودباوری را باید در جوان‌ها مان، در کودکانمان تقویت کنیم... این خودباوری را تزریق کردن و به وجود آوردن، یکی از کارهای اصلی است. |
| ۶ | کودکان و جوانان را به گونه‌ای تربیت کنید که با همت بلند بار بیایند | معلمان و اساتید | کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند. مسائل گوناگونی وجود دارد که اینها را باید در سطح دنیا دید، در سطح جهانی باید مشاهده کرد، نه در سطح منطقه‌ای، چه برسد به این که انسان بخواهد آنها را در سطح کشوری یا در سطح ولایتی و استانی ببیند. مسائلی وجود دارد که اینها را باید در آفاق صد ساله و صد و پنجاه ساله دید، نه در یک افق محدود پنج ساله و ده ساله و کمتر. اینها همت بلند لازم دارد؛ نگاه بلندهمتانه به مسائل گوناگون. این دانش آموز یا این دانشجویی که شما امروز دارید تربیت می‌کنید، چند صباح دیگر یک استاد است، یک مدیر فعال است، یک کارشناس برجسته است، یک عنصر مؤثر در حرکت سیاسی جامعه است؛ چند صباح دیگر این وجود مؤثری در جامعه خواهد بود. این را آن جوری تربیت کنید که با این همت بلند بار بیاید. |

| | | | |
|----|---|---------------------------|--|
| ۷ | جوانان و کودکان را به کتابخوانی عادت دهید | معلمان و اساتید | ما باید جوانان را به کتابخوانی عادت دهیم، کودکان را به کتابخوانی عادت دهیم؛ که این تا آخر عمر همراهشان خواهد بود |
| ۸ | مراقب هرزه‌گردی در محیط کتاب باشید و به کتاب خوب هدایت کنید | دستگاه‌های ذی‌ربط و اشخاص | از هرزه‌گردی در محیط کتاب... باید پرهیز کرد... باید دستگاه‌ها مراقب باشند، اشخاص مواظب باشند، هدایت کنند به کتاب خوب؛ که با کتاب بد، عمر ضایع نشود. |
| ۹ | مراکزی را به وجود بیاورید تا معلمان و اساتید را برای پیاده کردن خصلت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان و دانشجویان تربیت کنند | مسئولان آموزش و پرورش | این خصوصیتی که ما می‌خواهیم در کودکانمان به وجود بیاید... این باید کار شود. چه کسی کار کند؟ معلمین؛ چه در سطوح آموزش و پرورش، چه در سطوح دانشگاه. معلمین باید آمادگی این کار را داشته باشند، خبره این کار باشند؛ این احتیاج پیدا می‌کند به یک دستگاه بالادستی که این تربیت را به وجود بیاورد. بله، این منطقی است. الان وزیر محترم آموزش و پرورش هم اینجا هستند؛ این را بروید در دولت مطرح کنید، خود شما هم در سطح آموزش و پرورش ببینید چه کار می‌توانید بکنید. راست می‌گویند؛ ما اگر بخواهیم این خصلت‌های خوب در مخاطبینمان سر کلاس به وجود بیایند، احتیاج دارد به اینکه معلم ما بلد باشد چه کار کند. همه بلد نیستند؛ باید یاد بگیرند. مراکزی باید به وجود بیایند؛ که گفته شد پژوهشکده‌های فرهنگی خانواده یا فرهنگ خانواده؛ این جزو پیشنهادهائی بود که بعضی کردند؛ بسیار خوب است، کاملاً درست است؛ باید روی این مسائل کار شود. البته اینها ناظر به امنیت اخلاقی خانواده است، لیکن همه اینها در مورد مدارس و دانشگاه‌ها هم وجود دارد. |
| ۱۰ | امید و نشاط را در مدارس و دانشگاه‌ها افزایش دهید | معلمان و اساتید | ما باید امید را افزایش دهیم؛ من این را می‌خواهم عرض کنم. ما باید کارهای زیادی را در سطوح دولتی، در سطوح مسئولان بالا انجام دهیم؛ اما آنچه که اساس قضیه است، این است که شما در کلاس‌های درس، چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاه، امید به حرکت را در این جوان و مخاطب خودتان پرورش دهید؛ این مثل یک گلوله‌ای خواهد شد و پیش خواهد رفت. اگر یک چنین اتفاقی بیفتد، کشور از وجود او حداکثر استفاده را خواهد کرد. سعی کنیم نشاط ایجاد کنیم، امید ایجاد کنیم. |



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة على رسول الله و على ءاله الأطياب الأطهار.

بسیار برنامه شیرین و معنوی اجرا شد به وسیله شما جوانان عزیز. دل‌های پاکیزه و شاداب جوان در هر عرصه‌ای از عرصه‌ها - چه معنوی، چه دنیائی - وقتی وارد می‌شود، معنویت و شور و نشاط معنوی را در فضا می‌پراکند. تلاوت بسیار خوبی هم جوان عزیز دیگر ما اجرا کردند. خدا را سپاسگزاریم که در جمع شما عزیزان و جوانان، از ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و بسیج، در این منطقه مهم و حساس کشور حضور پیدا کرده‌ایم.

الف) جایگاه نیروهای مسلح قدرتمند و آماده، در مقابله با جنگ افروزی سلطه‌گران

۱. نیروهای مسلح قدرتمند و بانظام و پرورش یافته، مایه امنیت خاطر ملت و مصونیت‌ساز و امنیت‌ساز در مقابل بیگانگان است

مسئولیت نیروهای مسلح در این منطقه هم مثل همه مناطق کشور، مسئولیت‌های خطیر و تعیین کننده است. در هر کشوری و میان هر ملتی، نیروهای مسلح قدرتمند و بانظام و پرورش یافته، از طرفی مایه امنیت خاطر آن ملت است و از طرفی، مصونیت‌ساز و امنیت‌ساز در مقابل بیگانگانی است که هوس‌های تجاوزکارانه آنها، آنها را به دست‌اندازی به این سو و آن سو وادار می‌کند. وقتی یک ملت پنجه‌های فولادین و بازوهای قدرتمند خود را در لباس نیروهای مسلح به رخ دیگران کشید، توهم و خیال دست‌اندازی نسبت به آن کشور تضعیف می‌شود و دشمن حساب کار خود را می‌کند.

۱.۱. در دنیا، صرفه و صلاح سلطه‌گران، جنگ‌افروزی است و در دوران ما به خاطر فروش سلاح، این انگیزه مضاعف شده است شما جوانان عزیز می‌دانید و بدانید؛ در دنیا صرفه و صلاح سلطه‌گران و متجاوزان، جنگ‌افروزی است. جنگ‌افروزی یکی از کارهایی است که از دیرباز کار متعارف و معمول قدرتمندان و سلطه‌گران و متجاوزان به حدود ملت‌های دیگر بوده است و در دوران ما - یعنی دوران معاصر پیشرفت تمدن مادی - به خاطر فروش سلاح و رونق گرفتن صنایع وابسته به سرمایه‌داران، این انگیزه مضاعف شده است.

۱.۲. آنچه می‌تواند انگیزه جنگ افروزی قدرتمندان را قبل از بروز از بین ببرد، آمادگی ملت‌ها و حضور نیروهای مسلح آنهاست قدرتمندان، چه سیاسیون، چه سرمایه‌دارانی که پشت سر کارخانجات اسلحه‌سازی دنیا هستند، فکرشان ایجاد جنگ و ناآرامی

| | | | |
|----|---|----------------------------|---|
| ۱۱ | باید از القاء ناامیدی به شدت پرهیز کرد | معلمان و اساتید دانشگاه‌ها | خطراتی بر سر راه جوان‌ها وجود دارد؛ یکی از خطرات، ناامیدی است؛ که باید از القاء ناامیدی به شدت پرهیز کرد. |
| ۱۲ | مشکلات آموزش و پرورش و دانشگاه‌های خراسان شمالی را از لحاظ امکانات برطرف کنید | مسئولان ذی‌ربط | در این استان مشکلاتی، هم در زمینه آموزش و پرورش از لحاظ امکانات وجود دارد... امیدواریم ان‌شاءالله اینها هم برطرف شود. ما البته به مسئولین منتقل می‌کنیم... تأکید می‌کنیم، تأیید می‌کنیم، منتقل می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم تا آنجائی که امکاناتشان اجازه می‌دهد، این را انجام دهند. |
| ۱۳ | مراقب نفوذ عرفان‌های کاذب در محیط‌های جوان، به خصوص در دانشگاه‌ها باشید | معلمان و اساتید | در محیط‌های جوان، مراقب این عرفان‌های کاذب هم باشید؛ اینها هم به خصوص در دانشگاه‌ها رخنه می‌کنند. |
| ۱۴ | رابطه‌تان را با قرآن قطع نکنید | جوان‌ها | من به جوان‌ها غالباً در مورد قرآن سفارش می‌کنم. سعی کنید رابطه‌تان را با قرآن قطع نکنید. هر روز، ولو نصف صفحه، قرآن بخوانید؛ اینها همه‌اش مقرب انسان است؛ صفای روح و گشایش و فتوح معنوی را همین‌ها برای انسان به وجود می‌آورد. |
| ۱۵ | تدین را یک عنصر اساسی برای مخاطب خود قرار بدهید | معلمان و اساتید | التزام به توجه در نماز و در تلاوت قرآن و اینها چیزهایی است که معنویات و صفای روح را برای ما به ارمغان می‌آورد؛ آن آرامش و طمأنینه و سکینه لازم را به ما می‌دهد؛ نیازی نیست به رفتن در خانه عرفان‌های کاذب، دروغی، مادی، توهمی و تخیلی، که هیچ واقعیتی پشت سرش نیست. هم دانشجویها را، هم جوانان دبیرستان را توجه بدهید به همین جنبه‌های دیانت و تدین. تدین را یک عنصر اساسی برای مخاطب خودتان قرار بدهید |



است؛ تحمیل بحران به ملت‌ها و کشورهاست. آنچه می‌تواند این انگیزه را قبل از بروز و ظهور آن ضعیف کند یا از بین ببرد، آمادگی ملت‌هاست؛ که این آمادگی، هم در صورت و شکل آمادگی عمومی ملت و هم در شکل حضور نیروهای مسلح تأمین می‌شود.

۲. امروز بحمدالله ملت عزیز ما احساس آمادگی برای دفاع می‌کنند و نیروهای مسلح ما از گذشته‌ها بسیار آماده‌تر و تواناترند امروز بحمدالله ملت عزیز ما در سرتاسر کشور، جوانان ما، مردم ما، احساس آمادگی برای دفاع از کشورشان می‌کنند؛ برای پیشبرد کشور احساس آمادگی می‌کنند. نیروهای مسلح ما هم که در صفوف مقدم دفاع قرار دارند، بحمدالله امروز از گذشته‌ها بسیار آماده‌تر و تواناترند.

ب) توصیه‌هایی به نیروهای مسلح و مسئولان آن

۱. هرچه نیروهای مسلح، جان‌های پاکیزه خود را با یاد خدا و معنویات مأنوس‌تر کنند، قدرت بازدارندگی آنها بیشتر خواهد شد عزیزان من! امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) نیروهای مسلح را حصون رعیت، یعنی حصارها و باروهای اطمینان‌بخش برای ملت‌ها دانسته است؛ اما می‌فرماید: «فالجنود باذن الله حصون الرعیة»؛ (۱) باذن الله است.

آنچه که تعیین‌کننده است، اراده الهی است. هرچه نیروهای مسلح خودشان را، دل‌های خودشان را، جان‌های پاکیزه خودشان را با یاد خدا و ذکر خدا و معنویات مأنوس‌تر کنند، توانائی آنها بیشتر خواهد شد، قدرت بازدارندگی آنها بیشتر خواهد شد.

شما ببینید در جنگ‌های اخیر این منطقه، در جنگ سی و سه روزه، در جنگ بیست و دو روزه غزه، گروه‌های اندک بر ارتش‌های به ظاهر قدرتمندی که لاف و گراف درباره قدرت خود می‌گفتند، پیروز شدند. آنها خدانشناس بودند، آنها مادی محض بودند؛ اما اینها معنوی بودند، اینها با خدا ارتباط داشتند. جبهه‌های خود ما هم بهترین شاهد برای برترین توجه‌های معنوی از سوی جوانان بود. در سنگرهای ما، در خطوط دفاعی ما، در شب‌های تهاجم و حمله نظامی ما، راز و نیاز رزمندگان یکی از مسائلی است که در تاریخ ما بی‌نظیر بوده است و این در تاریخ خواهد ماند.

۲. مسئولان نیروهای مسلح از این جوان‌های عزیز، رزمندگانی مهیای دفاع از هویت ملی، مرزهای کشور و مرزهای اعتقادی بسازند مسئولان محترم نیروهای مسلح از این جوان‌های عزیز، رزمندگانی آماده به کار و مهیای دفاع از حیثیت ملی و هویت ملی و مرزهای کشور و مرزهای اعتقادی بسازند. امروز ملت ایران در مقابله با دشمنان خود احساس قدرت می‌کند. این احساس قدرت، یک احساس کاذب نیست؛ یک احساس واقعی است؛ متکی به واقعیات است. این را دشمنان ما هم می‌دانند.

۳. ما به پیروی از تعالیم اسلام، اهل تجاوز و تعرض به این و آن نیستیم؛ اما اهل کوتاه آمدن در مقابل هیچ متجاوزی هم نیستیم ما به پیروی از تعالیم اسلام، اهل تجاوز و تعرض به این و آن نیستیم؛ اما اهل کوتاه آمدن در مقابل هیچ متجاوزی هم نیستیم. ملت ایران و نیروهای مسلح آنچنان آماده هستند که گمان و خیال و توهم تجاوز و تعدی را از سوی دشمنان هم اجازه نمی‌دهند و با آمادگی خود، با روحیه همیشه حاضر و پابه‌کار خود، آنچنان هیبتی از خود در دل دشمن به وجود آورده‌اند که آنچه شما در دنیا می‌بینید از این حرف‌هایی که می‌زنند، در همه دنیا حمل بر لاف و گراف می‌شود.

۴. آمادگی مقابله را تقویت کنید؛ هر حرکت شما برای توانا و معنوی کردن نیروهای مسلح، حسنه‌ای است که خدا به حساب می‌آورد

این آمادگی را باید حفظ کنید، روزبه‌روز آن را تقویت کنید؛ و بدانید هر حرکت شما برای توانا کردن و معنوی کردن و منتظم کردن نیروهای مسلح، حسنه‌ای است که خدای متعال آن را به حساب می‌آورد.

مؤخره

این منطقه هم منطقه مردان دلاوری است که یاد آنها در خاطره مردان رزمنده دارای سابقه در میدان‌های نبرد، همواره زنده است. از خداوند متعال توفیقات شما عزیزان را از درگاه عظمت و مکرمت الهی مسئلت می‌کنیم و توفیق خدمتگزاری و عاقبت‌بخیری را برای شما از خداوند طلب می‌کنیم.

والسّلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

منابع

(۱) نهج البلاغه، نامه ۵۳





مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا
ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين
الهداة المهديين المعصومين المكرمين سيما بقيّة الله فى الأرضين.
بسیار خرسندم که این توفیق به دست آمد که با شما مردم عزیز شهر
کهن اسفراین در این سفر دیدار و ملاقات کنم. اصل مسئله، دیدار با
شما مردم و اظهار ارادت و اخلاص به شما و قدردانی و تشکر از حضور
گرم و پرشور شما در طول سال‌های انقلاب است. البته این سفرها
باید به حول و قوه الهی بتواند برخی مشکلات عمده این مناطق را
با همت مسئولان برطرف کند. مشکلات وجود دارد؛ به توفیق الهی،
همت و اراده اصلاح هم وجود دارد؛ ظرفیت پیشرفت و اصلاح هم
بحمدالله موجود است.

الف) جایگاه و ویژگی‌های شهر اسفراین و وضعیت امروز آن در مقایسه با قبل از انقلاب

۱. اسفراین در طول تاریخ، خاستگاه بزرگان علمی و فرهنگی و سیاسی متعددی بوده و امروز هم می‌تواند خاستگاه بزرگان باشد

آنچه که در مورد این شهر تاریخی و کهن، خوب است که در ذهن ما، بخصوص در ذهن جوان‌های عزیز این شهر باشد، این است که این
شهر در طول تاریخ، خاستگاه بزرگان علمی و فرهنگی و سیاسی متعددی بوده است. در طول تاریخ، ادبا و شعرا و فقها و صاحبان تفکر و
اندیشه از این شهر برخاسته‌اند و نام «اسفراینی» در میان بزرگان تاریخ ما، نام مکرری است. امروز هم شهر اسفراین با استعداد طبیعی و
انسانی خود می‌تواند خاستگاه بزرگان و اندیشمندی باشد که کشور به آنها افتخار کند و آینده کشور در دست تدبیر و اندیشه و تفکر آنها
قرار گیرد. شما جوانان عزیز این شهر - پسران و دختران - در هر بخشی مشغول کار یا تحصیل هستید، باید به این آینده نگاه کنید، به آن
امید بورزید؛ و با این ذخیره انسانی و با این میراث کهن، این آینده، آینده ممکنى برای این شهر است.

۲. مردم اسفراین به نجابت و رشادت شناخته شده‌اند و امروز این افتخار دیگری است که این شهر، دارالقرآن محسوب می‌شود
مردم شهرستان اسفراین به نجابت و رشادت شناخته شده‌اند. امروز این افتخار دیگری است که این شهر، مهد پرورش قرآنیان محسوب
می‌شود. جلسات قرآن، آموزش قرآن، گسترش اندیشه قرآنی به برکت جلسات قرآن در این شهر، موجب شده است که اینجا را خود
مردم این شهر، «دارالقرآن» بنامند؛ این هم افتخار بزرگی است.

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|--|-------------------------------|--|
| ۱ | از نیروهای مسلح، رزمندگانی آماده به کار و مهیای دفاع از هویت ملی و مرزهای کشور و مرزهای اعتقادی بسازند | مسئولان محترم نیروهای مسلح | مسئولان محترم نیروهای مسلح از این جوان‌های عزیز، رزمندگانی آماده به کار و مهیای دفاع از حیثیت ملی و هویت ملی و مرزهای کشور و مرزهای اعتقادی بسازند |
| ۲ | آمادگی مقابله با دشمن را باید حفظ کنید و روزه‌روز آن را تقویت کنید | مسئولان محترم نیروهای مسلح | نیروهای مسلح آنچنان آماده هستند که گمان و خیال و توهم تجاوز و تعدی را از سوی دشمنان هم اجازه نمی‌دهند و با آمادگی خود، با روحیه همیشه حاضر و پایه‌کار خود، آنچنان هیبتی از خود در دل دشمن به وجود آورده‌اند که آنچه شما در دنیا می‌بینید از این حرف‌هائی که می‌زنند، در همه دنیا حمل بر لاف و گزاف می‌شود. این آمادگی را باید حفظ کنید، روزه‌روز آن را تقویت کنید؛ و بدانید هر حرکت شما برای توانا کردن و معنوی کردن و منتظم کردن نیروهای مسلح، حسنه‌ای است که خدای متعال آن را به حساب می‌آورد. |

۱,۳. قبل از انقلاب، مردم اسفرائین در وضعیت اسفباری به سر می بردند؛ ولی امروز به قدر قابل توجهی پیشرفت کرده اند

البته اسفرائین امروز با اسفرائین قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. من در دوران پیش از انقلاب، یک توقف کوتاهی در شهر شما داشته ام. سال ۷۴۳۱ در این منطقه «دهنه اوجاق» زلزله شد. ما از مشهد آمدیم دهنه اوجاق، که به خاطر زلزله به مردم امداد کنیم؛ در کنار آن، به اسفرائین آمدیم. اسفرائین، آن روز یک ده بزرگ بود؛ از جهات گوناگون، با امروز قابل مقایسه نبود؛ با اینکه استعداد طبیعی در این شهرستان، آن روز هم مثل امروز موجود بود. این منطقه مستعد کشاورزی، این آب فراوان، این دشت حاصلخیز در دامنه کوه های بلند «شاه جهان»، این دامداری گسترده ای که استعداد آن در این منطقه معروف است؛ نه فقط در خود اسفرائین، که در منطقه حول و حوش اسفرائین، از بجنورد تا سبزوار - حتی در ضرب المثل های عامیانه، که یقیناً در ذهن بسیاری از شما هم هست، اسم روغن کوه شاه جهان آمده است - آن روز در اختیار یک تعداد معدودی از وابستگان به دربار و دستگاه های سلطنتی بود؛ مردم هم چه در روستاها، چه در شهر، در وضعیت اسفباری به سر می بردند.

امروز نه اینکه بخواهیم بگوئیم به قدر شایستگی این منطقه - که البته شایستگی این منطقه بیش از اینهاست - اما به قدر قابل توجهی این منطقه پیشرفت کرده است. علاوه بر امکانات کشاورزی و دامداری، صنعت وارد این منطقه شده است؛ دو کارخانه بزرگ از کارخانه های مهم کشور در اینجا است، کارخانجات دیگری هم در اطراف و اکناف وجود دارد؛ که این، پیشرفت استان و پیشرفت این منطقه و این شهرستان را نوید می دهد و ان شاء الله آینده بهتری از لحاظ مادی خواهد داشت.

۲,۳. مشکلاتی در زمینه کشاورزی و کارخانجات وجود دارد که ان شاء الله باید با همت مسئولان، این مشکلات برطرف شود

مشکلاتی وجود دارد؛ هم در زمینه کشاورزی مشکلات وجود دارد، هم در زمینه کارخانجات؛ که ان شاء الله باید با همت مسئولان، با توجهی که این سفر موجب آن توجه است در میان مسئولان سطوح مختلف کشور، این مشکلات هم برطرف شود. یقیناً تلاش لازم در این زمینه وجود خواهد داشت.

۳,۳. قبل از انقلاب، وجود مراکز دانشگاهی در این منطقه، تصور هم نمی شد؛ اما امروز مراکز دانشگاهی تأسیس شده است

در این منطقه، امید اینکه تأسیسات دانشگاهی و مراکز علوم عالی دانشگاهی وجود داشته باشد، حتی تصور آن هم نمی شد. امروز بحمدالله مراکز دانشگاهی در اینجا هست؛ و من به شما عرض بکنم که این مخصوص اسفرائین هم نیست؛ در بسیاری از نقاط کشور که گمان نمی رفت یک مرکز علوم دانشگاهی در آنجا تأسیس شود، خوشبختانه دانشگاه های متعدد با فراگیری رشته های گوناگون به وجود آمده است؛ که حالا من در عریضی که خواهم کرد، به این هم اشاره می کنم.

ب) جایگاه پیشرفت در حرکت ملت ایران و شرط، شاخص ها، موانع و راهبردهای دستیابی به آن

۱. شور و نشاط و سرزندگی در یک ملت، زمینه و شرط اصلی برای پیشرفت آنها در همه زمینه هاست

آنچه که مهم است، توجه به مسائل اساسی کشور است، که می تواند جهت گیری آحاد مردم را، و در سطوح مختلف، مسئولان

را مشخص کند؛ به ما بگوید که ما به کدام طرف داریم حرکت می کنیم، فردای ما چگونه است و امروز برای رسیدن به فردای بهتر چه باید بکنیم.

من دو مطلب را در سخنرانی بجنورد به مردم عزیزمان عرض کردم که اندکی درباره آن دو مطلب بحث می کنم و قدری مطلب را برای شما مردم عزیز این منطقه باز می کنم.

یک مطلب این بود که عرض کردیم استان خراسان شمالی را با شاخصه شور و سرزندگی و نشاط شناخته ایم. از قدیم، همین خصوصیت را ما نسبت به این منطقه می شناختیم و مردم این منطقه، که امروز نام «خراسان شمالی» را بر آنها گذاشته اند، شناخته شده بودند به مردمان دارای شور و نشاط و سرزندگی و آمادگی های روحی و جسمی. خب، این خیلی سرمایه بزرگی است. خمودی یک ملت، بزرگترین عامل عقب افتادگی آنهاست. شور و نشاط و سرزندگی در یک ملت، زمینه اصلی برای پیشرفت آنها در همه زمینه هاست. این شرط اصلی در اینجا هست.

۱,۱. شور و نشاط همگانی را باید حفظ کرد و نباید اجازه داد عوامل گوناگون و دشمنان مغرض، آن را ضعیف کنند یا از بین ببرند

دو سه نکته پیرامون مسئله نشاط عمومی جوان ها باید عرض کنیم. نکته اول این است که این شور و نشاط را باید حفظ کرد؛ نباید گذاشت و اجازه داد که عوامل گوناگون و مؤثرات گوناگون، این شور و نشاط همگانی را ضعیف کند یا از بین ببرد. مطمئناً یک نقطه مورد نظر دشمنان پیشرفت این کشور، این است که به ملت ما حالت خمودگی بدهند؛ یعنی همین شور و نشاط را خاموش کنند، این شعله را فروبنداند. نباید تسلیم این خواست مغرضانه و خصمانه دشمنان شد.

۲,۱. دشمن با ایجاد ناامیدی و یأس، تلاش می کند نشاط مردم را از بین ببرد و شور و تحرک را خاموش کند

اینکه شما مشاهده می کنید صدها مرکز رادیویی و تلویزیونی، به علاوه صدها مراکز گوناگون سایبری و محیط مجازی در نقاط مختلف دنیا دارند تلاش می کنند تا پیام یأس و ناامیدی را به اذهان ملت ما تلقین کنند، به خاطر همین است. وقتی ناامیدی به وجود آمد، وقتی یأس وجود داشت، نشاط از بین می رود و شور و تحرک خاموش می شود. یکی از اصلی ترین عوامل تبلیغات گوناگون امپراتوری خبری دنیا همین است که جوانان ما را از تلاش و حرکت - که ناشی از شور و آرمان خواهی آنهاست - باز بدارد. ما در نقطه مقابل باید سعی کنیم این را نگه داریم.

۳,۱. بزرگداشت شهدا و رزمندگانی که در دشوارترین عرصه ها با شور و نشاط حضور پیدا کردند، بر شور و نشاط جوانان می افزاید

عقیده بنده این است که بزرگداشت و زنده نگهداشتن نام سرداران و شهیدان و رزمندگان و آن جوانانی که قبل از نسل کنونی - که شما جوان ها باشید - وارد میدان شدند و در دشوارترین عرصه ها با شور و نشاط حضور پیدا کردند، می تواند بر شور و نشاط جوانان ما بیفزاید.

۴,۱. جوانان با استفاده از این روحیه شور و نشاط، با خطر بزرگ مواد مخدر مبارزه کنند

یکی از چیزهای اساسی ای که امروز می تواند ضد این تحرک عمل کند و متأسفانه به وسیله باندهای مرموز توسعه داده می شود، مواد مخدر است. به اعتقاد بنده، خود جوان ها باید با همان شور و نشاطی که اشاره کردیم، با مواد مخدر مبارزه کنند. آنها می خواهند جوان های ما را اسیر کنند؛ حالت تخدیرشدگی، بی تفاوتی و به زمین خوردگی را بر جوانان ما تحمیل کنند. آن که باید در مقابل این توطئه با استحکام



بایستند، در درجه اول، خود جوان‌ها هستند. البته مسئولین دولتی مسئولیت دارند، دستگاه‌های ذی‌ربط مسئولیت دارند، اما هیچ عاملی به قدر عامل درونی مردم نمی‌تواند در مقابل اینگونه انحراف‌ها بایستد و مقاومت کند. این یک نکته است. قطعاً این حالت ایستادگی جوان‌های ما در این استان می‌تواند آنچه را که باندهای مهملک و مضر دنبال می‌کنند، خنثی کند. این یک نکته در مورد این شور و نشاط، اولاً آن را باید نگه داشت و باید توجه کرد که دشمن درصدد آن است که این شعله نشاط و تحرک و سرزندگی را از جوان‌های ما سلب بکند. نکته دیگر اینکه از همین روحیه باید برای مواجهه با آن مسئله مهم - یعنی آن خطر بزرگ مواد مخدر - استفاده کرد و با آن پدیده مبارزه کرد.

۲. پیشرفت، یعنی حرکت به جلو؛ که هم راه و مسیر است، هم هدف؛ بنابراین باید دائم به حرکت ادامه داد و پیش رفت

مطلب دومی که در دیدار مردم بجنورد عرض کردیم و به اطلاع شما هم رسیده است، مسئله پیشرفت است. ما عرض کردیم که هدف، پیشرفت است. پیشرفت به معنای تحرک دائمی است. اگر دقت کنیم، پیشرفت، هم راه و مسیر است، هم هدف است. ما می‌گوئیم هدف، پیشرفت است؛ در حالی که پیشرفت یعنی حرکت به جلو. چطور حرکت به جلو می‌تواند هدف قرار بگیرد؟ توضیحش این است که پیشرفت انسان هرگز متوقف نمی‌شود. یعنی خدای متعال انسان را آنچنان آفریده است که حرکت او به جلو در میدان‌های مختلف، هیچ وقت به حد یقف نمی‌رسد. به هر مرحله‌ای که شما برسید - چه در مراحل مادی و چه معنوی - مطمئناً توقف در آن مرحله، برای انسان علاقه‌مند به پیشرفت، معنا ندارد. بنابراین پیشرفت، هم راه است، هم هدف است. باید دائم به حرکت ادامه داد و پیش رفت.

۱،۲. ملت ایران این استعداد را دارد که به قدری پیشرفت کند تا بتواند در جهات گوناگون، به عنوان یک الگو در دنیا معرفی شود

ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به عنوان یک الگویی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده خودمان نگاه کنیم؟ دشمن می‌خواهد این را به ملت ما تلقین کند و در طول سال‌های متمادی تلقین کرده است. اینجور باوراندند که حتماً عنصر غربی پیشرو است و باید دنبال او حرکت کرد؛ نه، یک روزی تاریخ ما به ما نشان می‌دهد که قضیه به‌عکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد می‌گرفتند، می‌آموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله پیشرفت باید آنجور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم.

۲،۲. نخبگان این را به عنوان یک آینده حتمی در نظر بگیرند که یادگیری زبان فارسی، شرط دستیابی به تازه‌های علمی خواهد بود

من چندی قبل به جوان‌های دانشجوی و نخبه این نکته را گفتم، باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه‌های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان یک آینده حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه‌ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. این مقوله پیشرفت است.

۳. پیشرفت، شاخص‌هایی دارد

۱،۳. یکی از شاخص‌های پیشرفت، عزت ملی و اعتماد به نفس ملی است؛ با لحاظ این شاخص، ملت ما پیشرفت زیادی کرده است

خب، پیشرفت شاخص‌هایی دارد. یکی از شاخص‌های پیشرفت یک ملت، عزت ملی و اعتمادبه‌نفس ملی است. ادعای من این است که با لحاظ این شاخص، ملت ما پیشرفت زیادی کرده است. امروز ملت ما دارای اعتمادبه‌نفس در عرصه سیاست بین‌المللی است. اینکه شما ملاحظه می‌کنید مسئولان کشور در مواجهه با قضایای جهانی، با اعتمادبه‌نفس کامل حرف می‌زنند، ناشی از این است که ملت ما احساس عزت و اعتمادبه‌نفس می‌کند. اسلام به ما این اعتمادبه‌نفس را داده است. هر مقداری که با اسلام و احکام قرآن و معارف قرآن آشناتر باشیم، این اعتمادبه‌نفس ملی بیشتر خواهد شد. مقوله عزت ملی و اعتمادبه‌نفس ملی، به طور کلی محسوس است. در عرصه‌های جهانی؛ چه در مسابقات علمی جهانی، چه در رقابت‌های سیاسی جهانی، امروز ملت ایران حرف برای گفتن دارد. مسئولین کشور به اعتماد ایستادگی ملت، در عرصه‌های جهانی و صحنه‌های بین‌المللی می‌ایستند و کار خودشان را و حرف خودشان را پیش می‌برند. این یک شاخص است.

۲،۳. یکی دیگر از شاخص‌های مهم، عدالت است؛ در زمینه عدالت هم پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که اسلام از ما خواسته است

یک شاخص دیگر برای پیشرفت، عدالت است. اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام، پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است. وقتی که در یک کشوری، جمعیت معدودی بیشترین بهره مادی را از آن کشور می‌برند و در همان کشور، در خیابان‌ها مردم از سرما و گرما می‌میرند، عدالت اینقدر نامفهوم و غیرعملی در آن کشور است. در خبرهای جهانی می‌خوانیم که در فصل تابستان در شهرهای ایالت‌های مختلف آمریکا، افرادی از گرما می‌میرند؛ خب، چرا کسی از گرما بمیرد؟ این غیر از این است که سرپناه ندارند، خانه ندارند، جا ندارند؟ آمریکا همان کشوری است که ثروتمندترین آدم‌های دنیا و گردن کلفت‌ترین شرکت‌ها و کارتل‌ها و تراست‌های دنیا در آن کشور هستند؛ بیشترین سود تجارت‌های سلاح در آن کشور است؛ اما در کشوری که آن ثروت‌های افسانه‌ای وجود دارد، عده‌ای در تابستان از گرما، و در زمستان از سرما جان می‌دهند و می‌میرند؛ این معنایش عدم وجود عدالت است. حالا در فیلم‌های سینمایی و ادعاهای افسانه‌ای و داستانی، شکل‌هایی از عدالت را نمایش بدهند؛ خب، این با واقعیت فاصله‌اش بسیار زیاد است. در کشورهایی که با شیوه اقتصادی سرمایه‌داری اداره می‌شوند و نام لیبرالیسم - آزادگرائی - را روی خودشان گذاشته‌اند، یک چنین بدبختی‌هایی وجود دارد؛ در آنجا واقعیت زندگی این است.

ما اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، در درجه اول، یکی از شاخص‌های مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که می‌خواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظام‌های گوناگون زندگی می‌کنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده کیست؟



این تلاش به عهده مسئولان و مردم - با هم - است.

بله، ما از لحاظ توزیع منابع عمومی به همه مناطق کشور، پیشرفت کرده‌ایم. یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف می‌شد؛ بسیاری از استان‌ها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. قبل از انقلاب، یکی از استان‌های بزرگ این کشور - که البته نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ قبلاً یک وقتی گفتم - پنج فرودگاه اختصاصی در پنج نقطه استان داشت، که متعلق بود به وابستگان به دربار شاه؛ اما یک فرودگاه عمومی در آن استان وجود نداشت! یعنی مردم برای استفاده از فرودگاه و هواپیما و رفت‌وآمد هوایی، هیچ امکانی نداشتند؛ در حالی که در همان استان، پنج فرودگاه برای اشخاص خاص وجود داشت؛ این بی‌عدالتی بود. امروز وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد. همان‌طور که اشاره کردم، مناطق متعددی از کشور در آن روز، حتی شهرها، از لحاظ دبیرستان در مضیقه بودند. بنده در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم؛ اوضاع را آنجا می‌دیدم. از لحاظ دبیرستان، بسیاری از شهرهای آن استان در مضیقه بودند. یک مرکز نیم‌بند ضعیف درجه سوم، چهارم دانشگاهی در کل آن استان وجود داشت. امروز شما وقتی در آن استان و بقیه استان‌ها نگاه کنید، می‌بینید در همه شهرها دانشگاه وجود دارد؛ یعنی امکان تحصیل. خوب، این عدالت است. این معنایش این است که امکان تحصیل علم توزیع شده است بین مناطق گوناگون کشور؛ امکانات مادی کشور، منابع مالی، علم توزیع شده است؛ این بسیار چیز خوبی است. در گذشته، نخبگان شهرهای دوردست و کسانی که دارای استعداد بودند، امکان بروز و ظهور نداشتند؛ امروز چرا، امکان بروز و ظهور دارند. در سفر این و هر نقطه دیگری، وقتی انسان با استعدادی حضور داشته باشد و بتواند نخبگی خودش را نشان دهد، دستگاه‌های گوناگون کشور از او استقبال می‌کنند، او را گرامی می‌دارند و از امکان او استفاده می‌کنند. در گذشته این جور نبود. بنابراین نسبت به گذشته، مطمئناً این شاخص پیشرفت - که شاخص عدالت است - برجسته است؛ اما نسبت به آنچه که ما از اسلام فهمیدیم و شناختیم، نه، ما هنوز عقبیم؛ باید تلاش کنیم و کار کنیم.

۴. در یک رویارویی بزرگ با موانع حضور داریم که اراده، بصیرت، وحدت و وظیفه‌شناسی مردم و اتحاد مسئولین تعیین کننده است

آنچه که من می‌خواهم از مجموع این عرایض برای شما مردم عزیز، به‌خصوص جوان‌های عزیز - از زن و مرد و دختران و پسران - نتیجه بگیرم، این است که کشور ما، ملت ما در یک عرصه رویارویی بزرگی با موانع حضور دارد و در این عرصه رویارویی، کشور احساس ضعف نمی‌کند. ما احساس ناتوانی نمی‌کنیم؛ احساس قدرت و توانائی می‌کنیم؛ می‌دانیم که با تلاش می‌توان همه این موانع را از بین برد. برخی از موانع، موانع طبیعی است؛ با این موانع طبیعی به شکلی باید برخورد کرد و با آنها زور آزمائی کرد. بعضی از موانع، موانع تحمیلی است، موانع سیاسی است، مشکلاتی است که دشمنان پیشرفت این کشور در برابر راه این مردم به صورت مانع ایجاد می‌کنند؛ با اینها به شکل دیگری باید برخورد کرد.

در این عرصه رویارویی و رزم انسانی و جنگ اراده‌ها، آنچه که می‌تواند تعیین کننده باشد، عبارت است از تصمیم و اراده و بصیرت و روشن بینی شما مردم عزیز. وحدت ملت ایران، اتحاد کلمه مسئولان کشور، همکاری دستگاه‌های مختلف، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌شناسی

آحاد مردم می‌تواند ما را به پیشرفت‌های بیشتری برساند؛ می‌تواند آن چهره‌ای را که متناسب با این کشور و این ملت عزیز و بااستعداد است، برای ما به وجود بیاورد.

۱,۴. دشمنان در مقابل این ملت بزرگ و بااراده، مانع درست می‌کنند تا پیشرفت اتفاق نیفتد؛ اما مطمئن باشند شکست خواهند خورد
دشمنان ما برنامه‌ریزی می‌کنند؛ به خیال خودشان می‌خواهند در مقابل این ملت بزرگ و بااراده، مانع و رادع درست کنند تا این پیشرفت اتفاق نیفتد؛ اما مطمئن باشند و بدانند همچنان که از روز اول انقلاب تا امروز تجربه کردیم، در آینده هم دشمنان ما در همه توطئه‌ها و مکرها و کیدهای خود شکست خواهند خورد. سیاستمدارهای مختلفی در کشورهای معارض ما آمدند و رفتند - در آمریکا، در انگلیس، در برخی کشورهای دیگر - هرکدام که آمدند، با یک دل پرکینه و پر بغض نسبت به حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی آمدند؛ طراحی کردند، برنامه‌ریزی کردند؛ هرچه در توان و تلاش داشتند، انجام دادند؛ به خیال اینکه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو در بیاورند. آنها رفتند، بعضی حتی نامشان هم فراموش شد؛ اما ملت ایران با سرافرازی و سربلندی بحمدالله در صحنه حاضر است و با اراده قوی‌تر و تصمیم راسخ‌تر از روز اول، راه خود را ادامه می‌دهد. این نشان‌دهنده قوت آینده نظام جمهوری اسلامی و این ملت بزرگی است که این نظام را خواسته‌اند و از آن پشتیبانی کرده‌اند.

۲,۴. البته ما نباید مغرور شویم؛ به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد

البته ما باید مغرور نشویم. من در کنار ذکر این حماسه‌ها، این را هم باید عرض کنم که به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد. نباید مغرور شد. بنده به مسئولین همیشه توصیه می‌کنم، می‌گویم قوی باشید، اما دشمن را هم ضعیف نینگارید. نباید از دشمن غفلت کرد. دشمن از راه‌های مختلف وارد می‌شود؛ یک روز صحبت تحریم است، یک روز صحبت تعرض نظامی است، یک روز صحبت جنگ نرم است، یک روز صحبت تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی است. دشمن از راه‌های مختلفی وارد می‌شود؛ باید هشیار بود.

۵. این پیشرفتی که عرض کردیم، فقط در صورتی قابل تحقق است که هشیار و بیدار باشیم واز نگاه به آینده کشور غفلت نکنیم

این پیشرفتی که عرض کردیم، این آینده روشنی که ترسیم کردیم، این افق زیبا و شیوا و جذابی که در مقابل ماست، فقط در صورتی قابل تحقق است که ما هشیار باشیم، بیدار باشیم، متوجه باشیم، دچار غفلت نشویم، خیال نکنیم که حالا همه چیز روبه‌راه است؛ با خیال راحت فقط مشغول کارهای شخصی خودمان باشیم، از نگاه به آینده کشور غفلت نکنیم.

ج) بیان چند توصیه مهم

۱. حضور در انتخابات، آگاهی و بصیرت و یک عمل صالح است؛ باید این روحیه حضور، شرکت و همکاری و تعاون را حفظ کرد یکی از خصوصیات است که در مورد اسفرا این نظر بنده را جلب کرد، شرکت بالای این مردم عزیز در انتخابات‌های گوناگون است؛ این خیلی مهم است. استان خراسان شمالی یکی از رتبه‌های بالای شرکت در انتخابات را دارد؛ آن وقت در استان خراسان شمالی، شهر اول در



حضور در انتخابات، آگاهی است؛ بصیرت است. حضور در پای صندوق رأی، یک کاری از سر بیکاری نیست؛ یک عمل است؛ یک عمل صالح است. من حالا در باب انتخابات ان شاء الله در این سفر، در دیدارهای دیگری که با مردم خواهم داشت، عرایضی عرض خواهم کرد - وارد آن مقوله نمی شوم - اما خود اینکه یک مردمی، یک مجموعه‌ای در یک شهر، در یک استان و در کل کشور نسبت به آینده احساس وظیفه کند، نسبت به مدیریت کشور احساس وظیفه کند و بخواهد در آن دخالت کند و ورود در صحنه پیدا کند، چیز ارزشمندی است؛ این ضد آن غفلتی است که دشمن می‌خواهد بر ما تحمیل کند. این روحیه را باید حفظ کرد؛ روحیه حضور راه، روحیه شرکت راه، روحیه همکاری و تعاون راه، به مناسبت مسائل اقتصاد، روحیه مصرف داخلی راه؛ که این هم یکی از مقولات مهمی است که در اینجا وارد آن مقوله نمی شوم.

۲. تولید داخلی، به مصرف داخلی احتیاج دارد که به عهده مردم است؛ افزایش تولید داخلی، مشکلات اقتصادی را حل می‌کند
اما یک جمله عرض بکنم. ما بر روی تولید داخلی تکیه کردیم؛ هم در اول امسال و در شعار سال، هم در صحبت‌هایی که در طول این چند ماه از اول سال انجام گرفته. خوب، تولید داخلی احتیاج دارد به مصرف داخلی؛ این به عهده مردم است. مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. اینکه کسانی همه‌اش دنبال مارک‌ها و برندهای خارجی و اسم‌های خارجی باشند، خطاست؛ فروشنده‌ها یک هوس شخصی است، اما ضربه‌زدن به یک کار عمومی و اصلی است. مصرف داخلی، تولید داخلی را افزایش می‌دهد؛ تولید داخلی که افزایش پیدا کرد، همین مشکلاتی که آقای امام جمعه محترم گفتند، برطرف می‌شود؛ بیکاری برطرف می‌شود. تولید که رونق بگیرد، یعنی تورم کم بشود، گرانی کم بشود، اشتغال افزایش پیدا کند؛ اینها همه به هم متصل است. یک سر این قضیه دست ما مردم است که مصرف خودمان را چگونه انتخاب کنیم.

مؤخره

به هر حال وظائف زیاد است، اما توفیقات الهی هم بسیار زیاد است. خدای متعال ان شاء الله این توفیقات و این تفضلی را که بر ملت ایران داشته است، همچنان بر این ملت ادامه خواهد داد. ان شاء الله مشمول الطاف الهی و مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) باشید. من مجدداً از شما مردم عزیز اسفراین به خاطر این حضور گرم و صمیمی و پرشورتان تشکر می‌کنم؛ به خاطر حضور گرم‌تان در همه مراسم انقلاب و مسائل مهم مربوط به کشور، تشکر و قدردانی می‌کنم و نسبت به شهدای عزیزتان، بزرگان‌تان، گذشتگان‌تان عرض ارادت و اخلاص دارم و امیدوارم خدای متعال رحمت و تفضل خودش را بر همه شما نازل کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|--------------------|--|
| ۱ | به آینده این شهر نگاه کنید و به آن امید بورزید | جوانان اسفراین | امروز هم شهر اسفراین با استعداد طبیعی و انسانی خود می‌تواند خاستگاه بزرگان و اندیشمندانی باشد که کشور به آنها افتخار کند و آینده کشور در دست تدبیر و اندیشه و تفکر آنها قرار گیرد. شما جوانان عزیز این شهر - پسران و دختران - در هر بخشی مشغول کار یا تحصیل هستید، باید به این آینده نگاه کنید، به آن امید بورزید؛ و با این ذخیره انسانی و با این میراث کهن، این آینده، آینده ممکن برای این شهر است. |
| ۲ | مشکلات اسفراین در زمینه کشاورزی و کارخانجات برطرف شود | مسئولان سطوح مختلف | مشکلاتی وجود دارد؛ هم در زمینه کشاورزی مشکلات وجود دارد، هم در زمینه کارخانجات؛ که ان شاء الله باید با همت مسئولان، با توجهی که این سفر موجب آن توجه است در میان مسئولان سطوح مختلف کشور، این مشکلات هم برطرف شود. یقیناً تلاش لازم در این زمینه وجود خواهد داشت. |
| ۳ | نباید اجازه داد عوامل گوناگون، شور و نشاط همگانی را ضعیف کنند یا از بین ببرند | مردم | شور و نشاط را باید حفظ کرد؛ نباید گذاشت و اجازه داد که عوامل گوناگون و مؤثرات گوناگون، این شور و نشاط همگانی را ضعیف کند یا از بین ببرد. مطمئناً یک نقطه مورد نظر دشمنان پیشرفت این کشور این است که به ملت ما حالت خمودگی بدهند؛ یعنی همین شور و نشاط را خاموش کنند، این شعله را فروبنداند. نباید تسلیم این خواست مغرضانه و خصمانه دشمنان شد. |

| | | | |
|---|---|---|--|
| ۴ | با استفاده از روحیه شور و نشاط، با خطر بزرگ مواد مخدر مبارزه کنید | جوانان | یکی از چیزهای اساسی‌ای که امروز می‌تواند ضد این تحرک عمل کند و متأسفانه به وسیله باندهای مرموز توسعه داده می‌شود، مواد مخدر است. به اعتقاد بنده، خود جوان‌ها باید با همان شور و نشاطی که اشاره کردیم، با مواد مخدر مبارزه کنند... آن که باید در مقابل این توطئه با استحکام بایستد، در درجه اول، خود جوان‌ها هستند. البته مسئولین دولتی مسئولیت دارند، دستگاه‌های ذی‌ربط مسئولیت دارند، اما هیچ عاملی به قدر عامل درونی مردم نمی‌تواند در مقابل اینگونه انحراف‌ها بایستد و مقاومت کند |
| ۵ | همت و نگاه شما به مقوله پیشرفت به گونه‌ای باشد که کشور در دنیا به یک الگو تبدیل شود | جوانان | ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به عنوان یک الگویی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده خودمان نگاه کنیم؟ ... همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله پیشرفت باید آنجور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم. |
| ۶ | تلاش و برنامه‌ریزی کنید که زبان فارسی به عنوان زبان علمی در دنیا تبدیل شود | جوانان دانشجوی و نخبه و نخبگان سیاسی، علمی و فرهنگی | چندی قبل به جوان‌های دانشجو و نخبه این نکته را گفتم، باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه‌های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان یک آینده حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، برای آن کار کنند. نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه‌ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. |



| | | | |
|---|--|----------------|--|
| ۷ | باید تلاش کرد تا به آنچه اسلام در زمینه پیشرفت عادلانه گفته، برسیم | مسئولان و مردم | اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظام‌های گوناگون زندگی می‌کنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده کیست؟ این تلاش به عهده مسئولان و مردم - با هم - است... بنابراین نسبت به گذشته، مطمئناً این شاخص پیشرفت - که شاخص عدالت است - برجسته است؛ اما نسبت به آنچه که ما از اسلام فهمیدیم و شناختیم، نه، ما هنوز عقبیم؛ باید تلاش کنیم و کار کنیم. |
| ۸ | هشیار باشید، به خود مغرور نشوید و از کید و مکر دشمن غفلت نکنید | مسئولان | البته ما باید مغرور نشویم. من در کنار ذکر این حماسه‌ها، این را هم باید عرض کنم که به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد. نباید مغرور شد. بنده به مسئولین همیشه توصیه می‌کنم، می‌گویم قوی باشید، اما دشمن را هم ضعیف نینگارید. نباید از دشمن غفلت کرد. دشمن از راه‌های مختلف وارد می‌شود؛ یک روز صحبت تحریم است، یک روز صحبت تعرض نظامی است، یک روز صحبت جنگ نرم است، یک روز صحبت تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی است. دشمن از راه‌های مختلفی وارد می‌شود؛ باید هشیار بود. |
| ۹ | هشیار و بیدار باشیم واز نگاه به آینده کشور غفلت نکنیم | ملت و مسئولان | این پیشرفتی که عرض کردیم، این آینده روشنی که ترسیم کردیم، این افق زیبا و شیوا و جذابی که در مقابل ماست، فقط در صورتی قابل تحقق است که ما هشیار باشیم، بیدار باشیم، متوجه باشیم، دچار غفلت نشویم، خیال نکنیم که حالا همه چیز روبه‌راه است؛ با خیال راحت فقط مشغول کارهای شخصی خودمان باشیم، از نگاه به آینده کشور غفلت نکنیم. |



دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران

۱۳۹۱/۰۷/۲۲



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا
ابى القاسم المصطفى محمد و على ءاله الأطيبين الأطهرين المنتجبين
سيدا بقیة الله فى الأرضین.

مجلس امروز ما بسیار مجلس نورانی و بامعنویتی است. علاوه بر
اینکه جمع عزیز خانواده‌های شهدا، پدران، مادران، همسران، فرزندان و
دیگر وابستگان شهدا در هر جایی که اجتماع می‌کنند، از خود طراوت
انقلاب و نشاط جهاد و ایستادگی را در فضا می‌پراکنند - که این
مربوط به همه اجتماعاتی است که ما با خانواده‌های عزیز شهدا داریم
- امروز این جلسه تا این لحظه، جلسه بسیار پرمغزی بود. بیاناتی
که ایراد کردند، شعرهایی که خواندند، دارای نکات عمیق و بالارزشی
بود. بنده با دقت گوش فرادادم؛ آنچه را که عزیزان بیان کردند، در نگاه
نقادانه، مطالب بسیار بالارزشی یافتیم که ذهن و دل خود این حقیر هم
به برخی از این مطالب متوجه و درگیر است.

الف) جایگاه برجسته خراسان شمالی در زمینه شهید

و شهادت

۱. خراسان شمالی، در زمینه شهدا برجسته است؛ از اولین روزهای پیروزی، جوانان استان، وارد عرصه جهاد فی سبیل الله شدند
اول، یک جمله عرض بکنیم درباره شهدای عزیز این استان. با بعضی از این شهدا، بنده از نزدیک آشنائی داشتم؛ بسیاری را هم در شرح
حالشان و روایت‌هایی که از زندگی آنهاست، شناختم. در این جهت هم استان شما یکی از استان‌های برجسته است. این استان با منطقه
جنگ و درگیری فاصله زیادی دارد؛ اما از اولین روزهای پیروزی انقلاب، جوانان این منطقه وارد عرصه جهاد فی سبیل الله شدند. بعد از دوران
شهادت‌ها هم سلسله مجاهدت در راه خدا که منتهی به شهادت فی سبیل الله شود، متوقف نماند. شهید اخیر عزیز این منطقه، شهید رجبعلی
محمدزاده، اجر مجاهدت‌های دوران دفاع مقدس را، ایستادگی‌های در آن عرصه‌های دشوار را، در سال‌های بعد، از خدای متعال دریافت کرد و
خدای متعال پرونده او را کامل کرد؛ شهید خدمت و شهید وحدت. اینها ارزش‌های یک منطقه زیستی انسان‌های مؤمن است؛ اینها ارزش‌های
یک استان و یک شهر است.

۲. بنده لازم می‌دانم به خانواده‌های ایثارگر، شهدا و عزیزان جانباز این استان عرض ارادت کنم

باید به مجموعه خانواده‌های ایثارگر این استان، خانواده‌های شهیدان، عزیزان جانباز که با تحمل مشکلات جانبازی در طول

اینکه یک مردمی، یک مجموعه‌ای در یک شهر، در یک استان و
در کل کشور نسبت به آینده احساس وظیفه کند، نسبت به مدیریت
کشور احساس وظیفه کند و بخواهد در آن دخالت کند و ورود در
صحنه پیدا کند، چیز ارزشمندی است؛ این ضد آن غفلتی است که
دشمن می‌خواهد بر ما تحمیل کند. این روحیه را باید حفظ کرد؛ روحیه
حضور را، روحیه شرکت را، روحیه همکاری و تعاون را [باید حفظ کرد]

تولید داخلی احتیاج دارد به مصرف داخلی؛ این به عهده مردم است.
مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. اینکه کسانی
همه‌اش دنبال مارک‌ها و برندهای خارجی و اسم‌های خارجی باشند،
خطاست... یک سر این قضیه دست ما مردم است، که مصرف خودمان
را چگونه انتخاب کنیم.

۱۰ باید روحیه حضور، شرکت در
انتخابات و روحیه همکاری و
تعاون را حفظ کرد

۱۱ مصرف خود را از تولیدات
داخلی انتخاب کنید

سال‌های متمادی، عزم خود راه، ایستادگی خود راه، ایمان راسخ خود را از دست ندادند و ایستادند و همچنان ایستاده‌اند، ادای احترام کرد. بنده لازم می‌دانم علاوه بر اظهار ارادت و اخلاص به پدران و مادران و همسران و فرزندان شهدای عزیز، به خانواده‌های عزیزان جانباز و همسران آنها که متحمل زحمات آنها هستند، عرض ارادت کنم. این تلاش‌ها، تلاش‌هایی است که در دیوان ارزش‌های الهی، در شمار برترین ارزش‌ها قرار دارد. اینها یک اجتماع راه، یک جامعه راه، یک ملت را در طراز بالا زنده نگه می‌دارد و او را آماده خودسازی می‌کند.

ب) جایگاه والای شهدا و ایثارگران در انقلاب اسلامی

۱. باور عمیق قلبی این بنده حقیر این است که بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است و ما امروز بر سر سفره شهدا نشسته‌ایم

یک نکته در باب شهدای عزیز ماست، و آن این است که برادران! عزیزان! باور عمیق قلبی این بنده حقیر این است که ما امروز همه‌مان بر سر سفره شهدا نشسته‌ایم. بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است؛ و این یکی از همین نکاتی است که این عزیزانی که اینجا صحبت کردند و شعر خواندند، بر آن تکیه کردند. بله، درست است؛ شهادت است که پای ماندگاری و پایداری و بقاء ارزش‌ها را امضا می‌کند. بزرگترین اجری که در این دنیا به شهید داده می‌شود، بقاء و استحکام آن حقیقتی است که شهید، جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ می‌کند. سازوکار منطقی و عقلانی این هم معلوم است؛ وقتی یک جامعه‌ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای یک ارزشی، یک حقیقتی می‌گذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات می‌رساند؛ و حقانیت است که می‌ماند، حق است که باقی می‌ماند؛ این سنت الهی است.

۲. شهدای عزیز ما از همه خواسته‌های شخصی خود دل بریدند؛ جانبازان هم شهید شدند و ایثارگران قدم در وادی شهادت گذاشتند. شهدای عزیز ما و ایثارگران ما کسانی هستند که از همه خواسته‌های شخصی خود دل بریدند. این به زبان آسان است. فقط دل بریدن از پول و مال و سرمایه نیست؛ دل بریدن از عواطف است. شهید از مهر مادر، از سایه پدر، از لبخند کودک، از عشق همسر دل می‌برد و به سوی انجام وظیفه حرکت می‌کند. این جانبازان هم شهید شدند. ایثارگران در هر جمعی از جمع‌های ایثارگران که هستند، در واقع قدم در وادی شهادت گذاشتند. خدای متعال عده‌ای را انتخاب کرد، رفتند، عده‌ای هم ماندند برای امتحان‌های بعدی؛ لیکن رتبه شهید و رتبه شهادت برای ایثارگران وجود دارد.

ج) غلبه رویش‌ها، بر ریزش‌های انقلاب و حرکت روبه جلو و خطشکنی ملت ایران

۱. این جمله را قبول ندارم که «آنهائی که پایبند می‌مانند، باید از غصه دق کنند»؛ بلکه شاهد به ثمرنشستن درخت انقلاب خواهند بود

من یک نکته دیگر را هم اضافه کنم بر آنچه که عزیزان ما در اینجا بیان کردند. گفتند: «آن کسانی که در دوران جهاد مقدس و دفاع مقدس، در جبهه‌های جنوب و غرب رفتند وارد میدان‌ها شدند و جان خود را کف دست گرفتند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: بعضی‌ها

از گذشته‌شان پشیمان می‌شوند، بعضی‌ها بی تفاوت می‌مانند، بعضی‌ها پایبند می‌مانند. آنهائی که پایبند می‌مانند، باید از غصه دق کنند». این جمله اخیر را من قبول ندارم. آنهائی که پایبند می‌مانند، شاهد به ثمرنشستن این نهال و تناورشدن این درخت خواهند بود.

۲. این جور نیست که با روی گرداندن کسانی، این حرکت عظیم، این بنای معظم و شامخ تکان بخورد

این جور نیست که با روی گرداندن کسانی، این حرکت عظیم، این بنای معظم و شامخ تکان بخورد. با برگشتن یک عده‌ای از این قافله عظیم، هرگز این قافله از راه باز نمی‌ماند؛ «من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه»؛ (۱) این را خدای متعال در قرآن فرموده است به مسلمانان صدر اسلام، به آن کسانی که در رکاب پیغمبر جهاد کردند و جنگیدند و جان خودشان را فدا کردند؛ قرآن در واقع همین حقیقت را برای آنها بیان می‌کند.

۱،۲. بعضی از دل‌ها می‌لغزند و نمی‌توانند حرکت را ادامه دهند؛ اما رویش‌هایی به وجود می‌آید و قافله انقلاب حرکت می‌کند. دل‌ها را باید نگه داشت. بعضی از دل‌ها می‌لرزند، می‌لغزند، نمی‌توانند خودشان را بر آن لبه مرتفع نگه دارند و حرکت را ادامه دهند؛ لذا سقوط می‌کنند. قرآن از اینها تعبیر کرده است به: «من یرتد منکم عن دینه». ارتداد، به طور مطلق همه جا به معنای برگشتن از دین نیست؛ پشت کردن به دین نیست؛ معنایش این است که از آن راهی که در گذشته می‌رفت، برمی‌گردد. بله، یک عده‌ای در انقلاب ما هم بوده‌اند، در صدر اسلام هم بودند؛ راهی را که در کنار پیغمبر حرکت می‌کردند، ادامه ندادند؛ اما آیا راه متوقف ماند؟ آیا راه متوقف می‌ماند؟ آیا قافله در جای خود می‌ایستد؟ قافله حرکت می‌کند: «فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه»؛ رویش‌هایی به وجود خواهد آمد.

۲،۲. یکی از رویش‌های انقلاب، شما جوانان هستید که دوران جنگ را ندیدید؛ ولی امروز همانند رزمندگان، خطشکنی می‌کنید. یکی از این رویش‌ها، خود شما جوان‌ها هستید. شما که دوران جنگ را ندیدید، شما که امام را ندیدید، شما که در عرصه‌های جنگ نبودید؛ اما امروز سرتاسر کشور اسلامی و انقلابی ما از روحیه ایستادگی و ثبات و افتخار و احساس عزت، لبریز است. یک روزی گردان‌های منطقه شما - خراسان شمالی - در جبهه خطشکنی می‌کردند؛ امروز هم شماها خطشکنی می‌کنید. امروز هم ایستادگی شما در مقابله با زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی و تجاوزطلبی قدرت‌های سلطه‌گر عالم، خطشکنی است. امروز ملت ایران دارد خطشکنی می‌کند. انقلاب‌هایی که در منطقه، در بیداری اسلامی پیروز شدند - که البته ما به همه این انقلاب‌ها احترام می‌گذاریم و قدر آنها را می‌دانیم - اینها را مقایسه کنید با جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و انقلاب اسلامی؛ ببینید این ایستادگی، این اقتدار، این اعتمادبه‌نفس در ملت ایران، دیگر کجا پیدا می‌شود؟ اینها خطشکنی است.

قدرتمندان عالم و سلطه‌گرهای دنیا خودشان را عادت داده‌اند که از طرف همه مردم دنیا حرف بزنند، به نفع منافع حقیر خودشان، به نفع سرمایه‌دارانشان؛ عادت کرده‌اند که در همه امور کشورها دخالت کنند، به نفع خواسته‌های فزون‌خواهانه و مستکبرانه خودشان. ملت‌ها گاهی یک ناله‌ای می‌کنند، گاهی یک فریادی می‌زنند؛ اما در مقابل نهیب قدرتمندها، چه کسی می‌تواند ایستادگی کند؟ کدام ملت است که با منطق، با استدلال و با استحکام نشان دهد که در مقابل زیاده‌خواهی‌های استکبار ایستاده است؟ جز ملت ایران؟ دیگران هم هر کاری می‌کنند، رتبه‌های فروتر از ملت ایران است. خدا کند آنها از ما جلو بزنند - حرفی نداریم - چه بهتر که ملت‌های



مسلمان و ملت‌های دیگر پیش بیایند، از ما هم جلوتر بروند؛ اما واقعیت قضیه این نیست؛ امروز ملت ایران جلو است، ملت ایران خط‌شکن است.

۳،۲. این مژده و بشارت است که با وجود همه کج‌تابی‌ها، انگیزه، ایستادگی و آگاهی جوان‌های ما، از دوران دفاع مقدس کمتر نیست جوان‌های ما که آن روز نبودند، اما امروز هستند؛ این مژده است، این بشارت است. اهل فکر و اهل تأمل، بر روی این پدیده شگفت‌آور تکیه کنند که در نظام جمهوری اسلامی، با وجود همه کج‌تابی‌هایی که از گوشه و کنار دیده شده، امروز این انگیزه، این ایستادگی، این آگاهی، این عزم راسخ، بین جوان‌های ما، از دوران دفاع مقدس اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

۳. ریزش‌هائی وجود دارد؛ اما رویش‌های این ملت از ریزش‌ها بیشتر است و این به برکت فداکاری شهدا و ایثارگران است چطور می‌شود که رویش‌ها در یک ملت از ریزش‌ها بیشتر است؟ بله، ریزش‌هائی وجود دارد؛ کسانی هستند که از راه برمی‌گردند، کسانی هستند که احساس خستگی می‌کنند، کسانی هستند که به گذشته خودشان شک می‌کنند، کسانی هستند که به لبخند دشمنان و فریب دغلكاران از راه در می‌روند؛ اما در مقابل، مردان و زنان شجاع آگاه آشنا با حقایق زمانه و مسلط بر بسیاری از مسائل گوناگون سیاسی - که آن روز مطرح نبود و وجود نداشت - در جامعه ما حضور دارند؛ اینها رویش‌های جدیدند. امروز وضع ما این‌جوری است. یک عده‌ای به بعضی از ظواهر نگاه می‌کنند، قضاوت‌های غلط می‌کنند؛ خیال می‌کنند که جوان‌ها از دین برگشته‌اند. نخیر؛ جوان‌ها علاقه‌مند به این راهند، علاقه‌مند به آن چیزی هستند که ایمان به آن در دل آنها راسخ است؛ و این مربوط به اکثریت جوان این کشور است؛ و این از برکت خون شهداست؛ و این به برکت فداکاری عزیزان شما و جوان‌های شماست. شما جوانانتان را بزرگ کردید، زحمت کشیدید، تربیت کردید، مثل دسته گل به جامعه تحویل دادید؛ آنها رفتند در راه خدا شهید شدند. همه ملت ایران باید سپاسگزار شما باشد. همه باید یاد شهیدان را گرامی بدارند. فرزندان شهدا باید راه و میراث پدران خود را به نسل‌های بعدی بسپارند. ملت ایران به شهیدان خود افتخار می‌کند. ما به ارادت و اخلاص به خانواده‌های شهیدان افتخار می‌کنیم و معتقدیم شهدا در خط مقدم حرکت کردند؛ پشت سر آنها بلافاصله پدران و مادران و همسرانند؛ ایستادگی کردند، ایثار کردند. امروز به برکت این ایثار، حرکت عظیم انقلابی ملت ما برقرار است و ان‌شاءالله روزبه‌روز مستحکم‌تر و باثبات‌تر خواهد بود.

مؤخره

از خدای متعال مسئلت می‌کنیم رحمت و برکت و فضل خود را بر شهیدان عزیز، بر خانواده‌های آنها، بر جانبازان عزیز، بر خانواده‌های آنها و بر آزادگان و همه ایثارگران نازل فرماید و قلب مقدس ولی‌عصر از همه شما راضی باشد.
والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|--------------------|---|
| ۱ | بر روی این پدیده شگفت‌آور تکیه کنید که با وجود همه کج‌تابی‌ها، اگر انگیزه، ایستادگی و آگاهی جوان‌های امروز ما از دوران دفاع مقدس بیشتر نباشد، کمتر نیست | اهل فکر و اهل تأمل | جوان‌های ما که آن روز نبودند، اما امروز هستند؛ این مژده است، این بشارت است. اهل فکر و اهل تأمل، بر روی این پدیده شگفت‌آور تکیه کنند که در نظام جمهوری اسلامی، با وجود همه کج‌تابی‌هایی که از گوشه و کنار دیده شده، امروز این انگیزه، این ایستادگی، این آگاهی، این عزم راسخ، بین جوان‌های ما، از دوران دفاع مقدس اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. |
| ۲ | باید سپاسگزار خانواده شهدا و ایثارگران باشید و یاد شهیدان را گرامی بدارید | همه ملت ایران | شما [خانواده شهدا و ایثارگران] جوانانتان را بزرگ کردید، زحمت کشیدید، تربیت کردید، مثل دسته گل به جامعه تحویل دادید؛ آنها رفتند در راه خدا شهید شدند. همه ملت ایران باید سپاسگزار شما باشد. همه باید یاد شهیدان را گرامی بدارند. |
| ۳ | به پدران خود افتخار کنید و راه و میراث آنها را به نسل‌های بعدی بسپارید | فرزندان شهدا | فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند. فرزندان شهدا باید راه و میراث پدران خود را به نسل‌های بعدی بسپارند. |



مقدمه

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا
ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الإطيبين الإطهرين المنتجبين
سپا بقیة الله في الارضين.

جلسه، یک جلسه کاملاً جوان، با همه ویژگی‌های مثبت جوانی
است. امید هم به شما جوان‌هاست؛ هم برای امروز، و هم بیشتر
برای آینده. مطالبی که این جوانان عزیز در اینجا بیان کردند، با دقت
آنها را گوش کردم. قضاوت من در مورد این بیانات این است که
بسیار خوب بود. این، همان نظر قبلی بنده را در مورد تعالی سطح
فکر و اندیشه در این استان تأیید می‌کند. در این چند روز، هر جا
کسانی از این استان - از جوانان، از خانواده‌های شهدا، از معلمان و
اساتید - در اینجا بیاناتی کردند، لحظه لحظه گفته‌های آنها برای
بنده شادی‌آفرین و خرسند کننده بود. این نشان‌دهنده این است که
بحمدالله شهر بجنورد و استان خراسان شمالی از سطح راقی فکر
و فرهنگ برخوردار است؛ این را باید حفظ کنید و باید این تعالی را
روزبه‌روز افزایش دهید؛ و البته ما هم - هم بنده، هم دیگر مسئولین -
وظیفه داریم که از این نعمت بزرگ خداداد، به شکل درستی به نفع
انقلاب و به نفع نظام استفاده کنیم؛ که امیدوارم این توفیق نصیب ما شود.

الف) جایگاه سبک زندگی در تمدن‌سازی اسلامی، وضعیت امروز آن در کشور و طرح سؤال‌هایی در این ارتباط

۱. یکی از ابعاد پیشرفت اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن یا رفتار اجتماعی و شیوه زیستن؛ این یک بُعد مهم و اساسی است

بحثی که امروز می‌خواهم برای شما جوان‌های عزیز عرض کنم، در توضیح و تبیین مسئله‌ای است که روز اول مطرح کردم: مسئله پیشرفت. موضوع بسیار مهمی است که باید مطرح کنیم. البته با طرح این موضوعات، خودمان را قانع نمی‌کنیم که قضیه تمام شد؛ این یک شروع است. عرض کردیم که آن مفهومی که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را تا حدود زیادی در خود جمع کند و به ما نشان دهد، مفهوم پیشرفت است. توضیحی هم بعداً عرض کردیم که پیشرفت، تداعی کننده حرکت است، راه است. چطور ما می‌گوئیم

پیشرفت هدف است؟ عرض کردیم علت این است که پیشرفت هرگز متوقف نخواهد شد. بله، پیشرفت، حرکت است، راه است، صیورت است؛ اما متوقف شدنی نیست و همین طور ادامه دارد؛ چون انسان ادامه دارد، چون استعدادهای بشری حد یقف ندارد. گفتیم پیشرفت دارای ابعادی است و پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک بُعدی یا دو بُعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چند بُعدی است. یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن - اینها عبارۀ اخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله اساسی و مهمی است. بحث کنیم درباره اینکه در زمینه سبک زندگی چه باید گفت، چه می‌توان گفت. عرض کردیم؛ این سرآغاز و سرفصل یک بحث است.

۲. پیشرفت همه‌جانبه یا تمدن‌سازی نوین اسلامی دو بخش دارد: یک بخش، ابزاری است و بخش دیگر، متنی و اصلی و اساسی است

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این جور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

۱،۲. بخش ابزاری عبارت است از ارزش‌هایی که امروز به عنوان پیشرفت مطرح می‌کنیم؛ در این بخش پیشرفت خوبی داشته‌ایم
آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه سیاست، هم در زمینه مسائل علمی، هم در زمینه مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

۲،۲. بخش حقیقی و اساسی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد، که همان سبک زندگی یا عقل معاش است
اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما

با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشرة»؛ آن کتاب العشرة درباره همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

۳،۲. سبک زندگی به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب می‌آید و بخش اول، بخش سخت‌افزاری تمدن محسوب می‌شود

خب، می‌شود این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفت‌های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم.

۳. پیشرفت ما در سبک زندگی چشمگیر نیست؛ نخبگان و مسئولان فرهنگی آسیب‌شناسی کنند و علت‌ها و راه علاج را پیدا کنند

البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

بعد از آنکه علت‌ها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به اینکه چگونه می‌توانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده کیست؟ به عهده نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده شما، به عهده جوان‌ها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیب‌ها در این زمینه باشد، می‌توان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفت‌های خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسانتر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید. نخبگان موظفند، حوزه موظف است، دانشگاه موظف است، رسانه‌ها موظفند، تربیون‌دارها موظفند؛ مدیران بسیاری از دستگاه‌ها، به‌خصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ و تربیت و تعلیم سروکار دارند، موظفند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی می‌کنند، در این زمینه موظفند؛ کسانی که سرفصل‌های آموزشی را برای کتاب‌های درسی تعیین می‌کنند، موظفند. اینها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید ما همگی به خودمان نهیب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم. بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها.

۴. در اینجا فهرستی از سؤالات مطرح در آسیب‌های سبک زندگی و اموری که متن تمدن را تشکیل می‌دهند، مطرح می‌کنم البته ما اینجا نمی‌خواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح می‌کنیم؛ چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»، (1) یا: «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً»، (۲) یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «وَ لَا تَفَرَّقُوا»، (۳) چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخش‌های کشورمان روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟ چرا صلح رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله کوچکی هم نیست، مسئله اساسی است. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می‌کنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه بخش‌های زندگی، داخل در این مقوله سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگری چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و نابردباری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات می‌شود؟ در اینترنت چقدر مراعات می‌شود؟ چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ تولید کاری در تولید کیفی در بخش‌های مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرف‌های خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می‌ماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف امور می‌کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آن‌چنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش می‌دهند که



آقا جامعه ما در آینده نه چندان دوری، جامعه پیر خواهد شد؛ این چهره جوانی که امروز جامعه ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ اینها بخش‌های گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهم‌تر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل می‌دهد. قضاوت درباره یک تمدن، مبتنی بر اینهاست. نمی‌شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.

۵. باید یک فرهنگ زندگی با بُن مایه‌های خردورزی، اخلاق، حقوق تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم

یک مقوله‌ای در اینجا مطرح می‌شود و سر بر می‌آورد، به عنوان مقوله فرهنگ زندگی. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُن مایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُن مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم.

ب) الزامات دستیابی به فرهنگ زندگی اسلامی و سلوک عملی، به عنوان متن اصلی تمدن

دو سه نکته پیرامون ایجاد این وضعیت و الزاماتی که دنبال این فرهنگ رفتن برای ما ایجاد می‌کند، وجود دارد، که باید به اینها توجه کنیم.

۱. تمدن‌سازی اسلامی نوین، در درجه اول به ایمان اسلامی نیاز دارد

نکته اول این است که رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

۱،۱. این مغالطه است که گفته شود جامعه را با ایدئولوژی و ایمان نمی‌شود اداره کرد؛ بدون ایدئولوژی نمی‌توان تمدن‌سازی کرد

در اینجا یک مغالطه‌ای وجود دارد که من برای شما جوان‌ها عرض بکنم: چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی‌زدائی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی‌زدائی» مطرح می‌شود: آقا جامعه را با ایدئولوژی نمی‌شود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ یک عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را درک کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار می‌کنند. هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. همین‌هایی که امروز شما ملاحظه می‌کنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آنها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد.

۲،۱. کشورهایی که از غرب تقلید می‌کنند، ممکن است به پیشرفت‌هایی هم برسند؛ اما تمدن‌ساز نیستند، بلکه بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند

البته بعضی از کشورها مقلدند؛ از غرب، از سازندگان تمدن مادی یک چیزی را گرفته‌اند، زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند. بله، اینها ممکن است به یک پیشرفت‌هایی هم برسند، به یک پیشرفت‌های صوری و سطحی هم می‌رسند، اما مقلدند؛ اینها تمدن‌ساز نیستند، اینها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر چنانچه یک طوفانی به وجود بیاید، اینها از بین خواهند رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. علاوه بر اینکه کار آنها تقلید است و تقلید، پدرشان را در می‌آورد، برخی از منافع تمدن مادی غرب گیرشان می‌آید و بسیاری‌اش گیرشان نمی‌آید، اما همه زبان‌های آنها گیرشان می‌آید. من نمی‌خواهم از کشورها اسم بیاورم. بعضی از کشورها هستند که رشد اقتصادی آنها به عنوان یک الگو، در گفتار و نوشتار برخی از روشنفکران ما مطرح می‌شود. بله، ممکن است آنها به یک صنعتی هم دست پیدا کرده باشند، پیشرفتی هم در زمینه مادی یا در زمینه علم و صنعت کرده باشند، اما اولاً مقلدند؛ ذلت تقلید و فرودستی تقلید، روی پیشانی آنها حک شده؛ علاوه بر این، همه آسیب‌های تمدن کنونی مادی غرب را آنها دارند، ولی اکثر منافعش را ندارند. امروز این تمدن مادی غرب دارد نشان می‌دهد مشکلاتی را که برای بشریت و برای پیروان خودش به وجود آورده. پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده همه اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد.

۳،۱. برخی از روشنفکران، ما را از شعارهای مکتبی برحذر می‌دارند؛ نگاه خوش‌بینانه این است که اینها تاریخ‌نخوانده‌اند

بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند. امروز در محیط‌های روشنفکری، کسانی هستند با شکل‌های گوناگون، با قد و قواره‌های گوناگون، اینها ما را از شعارهای مکتبی برحذر می‌دارند؛ دوران اوج شعارهای مکتبی را که دهه ۶۰



است، زیر سؤال می‌برند؛ امروز هم از تکرار شعارهای مکتبی و شعارهای انقلابی و اسلامی، خودشان واهمه دارند و می‌خواهند در دل دیگران واهمه بیندازند؛ می‌گویند آقا، هزینه دارد، دردسر دارد، تحریم دارد، تهدید دارد. نگاه خوشبینانه این است که بگوئیم اینها تاریخ نخوانده‌اند - البته نگاه‌های بدبینانه هم وجود دارد - اینها اگر تاریخ خوانده بودند و اطلاع داشتند از سرگذشت و منشأ و مبدأ تمدن‌هایی که وجود دارد و همین تمدن مادی غرب که امروز می‌خواهد دنیا را فتح و تصرف کند، این حرف را نمی‌زدند. باید بگوئیم اینها بی‌اطلاعند، تاریخ نخوانده‌اند.

۴,۱. ایمان ما، ایمان به اسلام است؛ اسلام به همه مسائل سبک زندگی، به صورت خاص یا تحت یک عنوان عام، پرداخته است جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می‌شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام می‌خواهد؛ می‌خواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است.

پس در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز ماست، می‌توانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزش‌های خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم.

این مطلب اول و نکته اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است.

هیچ کدام از این چیزهایی که من فهرست کردم و گفتم، شما نمی‌توانید پیدا کنید که یا به صورت خاص، یا تحت یک عنوان عام، در اسلام به آن پرداخته نشده باشد. انواع سلوک با افرادی که انسان با آنها ارتباط دارد، انواع رفتارهای ما، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود دارد، اینها در اسلام هست؛ در مورد سفر کردن هست، در مورد رفت‌وآمد هست، در مورد سوار شدن و پیاده شدن هست، در مورد پدر و مادر هست، در مورد تعاون هست، در زمینه رفتار با دوست هست، در زمینه رفتار با دشمن هست. در همه چیزها، یا به طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است، یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد؛ که اهل استنباط و اهل نظر می‌توانند آن چیزی را که مورد نیازشان است، از آن به دست بیاورند و پیدا کنند.

۲. برای ساختن سبک زندگی تمدن اسلامی، به شدت باید از تقلید تمدن غرب که به دنبال تحمیل سبک زندگی خود است پرهیز کرد

نکته دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز

مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی به مجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل می‌کنند بر غرب‌ستیزی: آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدرکشتگی آنچنانی نداریم - البته پدرکشتگی داریم! - غرض نداریم. این حرف، بررسی شده است.

۱,۲. فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است و تقلید از آن برای کشورهای مقلد، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده است تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهای که به ظاهر، به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند.

۲,۲. انگلیس‌ها هر جا وارد شدند، زبان بومی را انگلیسی کردند و زبان رقیب را از بین بردند؛ همانند حذف زبان فارسی در هند، هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره هند که یکی از کانون‌های زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان‌شان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه کشورهای که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. ما زبان فارسی را بر هیچ جا تحمیل نکردیم. زبان فارسی که در هند رائج بود، به وسیله خود هندی‌ها استقبال شد؛ شخصیت‌های هندی، خودشان به زبان فارسی شعر گفتند. از قرن هفتم و هشتم هجری تا همین زمان اخیر قبل از آمدن انگلیس‌ها، شعرای زیادی در هند بودند که به فارسی شعر می‌گفتند؛ مثل امیرخسرو دهلوی، بیدل دهلوی - که اهل دهلی است - و بسیاری از شعرای دیگر. اقبال لاهوری اهل لاهور است، اما شعر فارسی او معروف‌تر از شعر به هر زبان دیگری است. ما مثل انگلیس‌ها که انگلیسی را در هند رائج کردند، زبان فارسی را رائج نکردیم؛ فارسی با میل مردم، با رفت‌وآمد شاعران و عارفان و عالمان و اینها به طور طبیعی رائج شد؛ اما انگلیس‌ها آمدند مردم را مجبور کردند که باید فارسی حرف نزنند؛ برای فارسی حرف زدن و فارسی نوشتن، مجازات معین کردند.

۳,۲. فرانسوی‌ها هم در کشورهای که تحت استعمار آنها بود، زبان فرانسه را اجباری کردند فرانسوی‌ها هم در کشورهای که تحت استعمار آنها بود، زبان فرانسه را اجباری کردند. یک وقتی یکی از رؤسای کشورهای آفریقای شمالی - که سال‌ها فرانسوی‌ها بر آنجا سلطه داشتند - زمان ریاست جمهوری با بنده ملاقات داشت. او با من عربی حرف می‌زد؛ بعد می‌خواست یک جمله‌ای را بگوید، واژه عربی آن جمله یادش نیامد، بلد نبود. معاونش یا وزیرش همراهش بود، به فرانسه به او گفت که این جمله به عربی چه می‌شود؟ او هم گفت که بله، این جمله به عربی می‌شود این. یعنی یک عرب نمی‌توانست مقصود خودش را



با عربی ادا کند، مجبور بود با فرانسه از رفیقش بپرسد، او هم بگوید که این است! یعنی اینقدر اینها از زبان اصلی خودشان دور مانده بودند. این مسئله را سال‌ها بر اینها تحمیل کردند. پرتغالی‌ها هم همین‌جور، هلندی‌ها هم همین‌جور، اسپانیایی‌ها هم همین‌جور؛ هر جا رفتند، زبان خودشان را تحمیل کردند؛ این می‌شود فرهنگ مهاجم. بنابراین فرهنگ غرب، مهاجم است.

۴,۲. در مثل کشور ما که استعمار مستقیم وجود نداشت، غرب افرادی از مسئولان و نخبگان را عامل خود قرار دادند

غربی‌ها آنجائی که توانستند، بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند. در مثل کشور ما که استعمار مستقیم وجود نداشت و به برکت مجاهدت یک عده از بزرگان، انگلیس‌ها نتوانستند به طور مستقیم وارد شوند، افرادی را عامل خودشان کردند. اگر قرارداد ۱۲۹۹، یعنی ۱۹۱۹ میلادی - که معروف به قرارداد وثوق‌الدوله است - در ایران با مقاومت امثال مرحوم مدرس و بعضی از آزادیخواهان دیگر مواجه نمی‌شد و این قرارداد عملیاتی می‌شد، استعمار ایران حتمی بود - مثل هند - مردانی نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اما آنها به وسیله عوامل خودشان، با گماشتن رضاخان پهلوی و تقویت او و گذاشتن روشنفکران وابسته به غرب در کنار او - که باز لازم نیست من اسم بیاورم، دوست ندارم اسم بیاورم - فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند. بعضی از وزرا و نخبگان سیاسی دستگاه پهلوی که جنبه فرهنگی داشتند، اینها عامل غرب بودند برای دگرگون کردن فرهنگ کشورمان؛ و هرچه توانستند، کردند؛ یک مقوله‌اش مسئله کشف حجاب بود، یک مقوله‌اش فشار بر روحانیون و زدودن حضور روحانیون از کشور بود، و مقولات فراوان دیگری که در دوران رضاخان پهلوی دنبال می‌شد. فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی می‌کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است.

۵,۲. یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی می‌کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به وضاحت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاستمدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر، من سال‌ها پیش - در دهه ۳۰ و ۴۰ - در منطقه جنوب خراسان، بزرگان و افراد صاحب فکر و پیرمردهایی را دیدم که یادشان بود که انگلیس‌ها چگونه تریاک را با شیوه‌های مخصوصی در بین مردم رائج می‌کردند؛ و الا مردم تریاک کشیدن بلد نبودند؛ این چیزها وجود نداشت. این افراد یادشان بود، سراغ می‌دادند و خصوصیاتش را می‌گفتند. با همین روش‌ها بود که مواد مخدر به تدریج در داخل کشور توسعه پیدا کرد. فرهنگ غربی این‌جوری است.

۶,۲. فرهنگ غربی فقط وسائل آسایش نیست؛ باطن آن، سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌الود هویت‌زدا و ضد معنویت است

فرهنگ غربی فقط هواپیمای و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌الود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن

اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم. بنده طرفدار این نیستیم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید به تدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان طور که گفتیم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوان‌ها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است. ما از علم ترویج می‌کنیم، از صنعت ترویج می‌کنیم، از اختراع و نوآوری ترویج می‌کنیم، هر مبتکری و هر ابتکاری را با احترام تمام بر روی چشم می‌نشانیم - این به جای خود محفوظ - اما همان‌طور که گفتیم، اصل قضیه جای دیگر است؛ اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت.

۷,۲. غربی‌ها از هنر، به خصوص سینما، در ترویج فرهنگ غلط، منحط و هویت‌سوز و تهاجم به فرهنگ ملت‌ها حداکثر استفاده را کرده‌اند

یکی از نکاتی که باید در مواجهه با دنیای غرب کاملاً به آن توجه داشت، عامل و ابزار هنری است که در اختیار غربی‌هاست. اینها از هنر حداکثر استفاده را کرده‌اند برای ترویج این فرهنگ غلط و منحط و هویت‌سوز؛ به‌خصوص از هنرهای نمایشی، به‌خصوص از سینما حداکثر استفاده را کرده‌اند. اینها به صورت پروژه‌ای یک ملت را تحت مطالعه قرار می‌دهند، نقاط ضعفش را پیدا می‌کنند، از روان‌شناس و جامعه‌شناس و مورخ و هنرمند و اینها استفاده می‌کنند، راه‌های تسلط بر این ملت را پیدا می‌کنند؛ بعد به فیلمساز، به فلان بنگاه هنری در هالیوود سفارش می‌کنند که بسازد و می‌سازد. بسیاری از فیلم‌هایی که برای ماها و برای کشورهای نظیر ما می‌سازند، از این قبیل است. من از فیلم‌های داخل خود آمریکا خبری ندارم؛ اما آنچه که برای ملت‌های دیگر می‌سازند، جنبه تهاجم دارد. چند سال پیش از این در خبرها بود که در بعضی از کشورهای بزرگ اروپائی تصمیم گرفته شد که با فیلم‌های آمریکائی مقابله شود. آنها مسلمان نیستند، اما آنها هم احساس خطر می‌کردند؛ آنها هم احساس تهاجم می‌کردند. نسبت به کشورهای اسلامی البته بیشتر، و در مورد کشور انقلابی ما هم به طور ویژه؛ نگاه می‌کنند، خصوصیات را می‌سنجند، وضعیت را می‌سنجند، فیلم را بر اساس آن می‌سازند، خبر را بر اساس آن تنظیم می‌کنند، رسانه را بر اساس آن شکل می‌دهند و می‌فرستند فضا. باید به اینها توجه داشت. سلیقه‌سازی می‌کنند، فرهنگ‌سازی می‌کنند؛ بعد از آنکه سلیقه‌ها را عوض کردند، ذائقه‌ها را عوض کردند، آن وقت اگر احتیاج به زر و زور بود، دلارها را وارد می‌کند، نیروهای نظامی و ژنرال‌ها را وارد می‌کنند. این، شیوه حرکت غربی‌هاست؛ باید مراقب بود. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست؛ و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد.

۳. اهل فکر در زمینه سبک زندگی کار کنند و مراقب باشند دچار سطحی‌گری و ظاهرگرایی، تحجر و سکولاریسم پنهان نشوند

در پایان، من یک نکته را هم اضافه کنم: بحث امروز ما آغاز یک بحث است؛ در این زمینه‌ها باز هم حرف خواهیم زد. انتظار داریم اهل فکر و اهل نظر در مراکز که می‌توانند و اهلیت و صلاحیت این کار را دارند، در این زمینه‌ها کار کنند، فکر کنند،



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|--------------------|---|
| ۱ | بر روی این پدیده شگفت‌آور تکیه کنید که با وجود همه کج‌تابی‌ها، اگر انگیزه، ایستادگی و آگاهی جوان‌های امروز ما از دوران دفاع مقدس بیشتر نباشد، کمتر نیست | اهل فکر و اهل تأمل | جوان‌های ما که آن روز نبودند، اما امروز هستند؛ این مژده است، این بشارت است. اهل فکر و اهل تأمل، بر روی این پدیده شگفت‌آور تکیه کنند که در نظام جمهوری اسلامی، با وجود همه کج‌تابی‌هایی که از گوشه و کنار دیده شده، امروز این انگیزه، این ایستادگی، این آگاهی، این عزم راسخ، بین جوان‌های ما، از دوران دفاع مقدس اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. |
| ۲ | باید سپاسگزار خانواده شهدا و ایثارگران باشید و یاد شهیدان را گرامی بدارید | همه ملت ایران | شما [خانواده شهدا و ایثارگران] جوانانتان را بزرگ کردید، زحمت کشیدید، تربیت کردید، مثل دسته گل به جامعه تحویل دادید؛ آنها رفتند در راه خدا شهید شدند. همه ملت ایران باید سپاسگزار شما باشد. همه باید یاد شهیدان را گرامی بدارند. |
| ۳ | به پدران خود افتخار کنید و راه و میراث آنها را به نسل‌های بعدی بسپارید | فرزندان شهدا | فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند. فرزندان شهدا باید راه و میراث پدران خود را به نسل‌های بعدی بسپارند. |

مطالعه کنند؛ بتوانیم پیش برویم. مراقب باشیم دچار سطحی‌گری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تحجر نشویم - این یک طرف قضیه است - دچار سکولاریسم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می‌شود، در برنامه‌ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست. انقلاب اسلامی تواناست. آن قدرتی و ظرفیتی و انرژی متراکمی که در انقلاب اسلامی وجود دارد، این توانائی را دارد که همه این موانعی را که من گفتم و بسیاری‌اش را هم نگفتم، از سر راه بردارد و آن تمدن ممتاز برجسته متعالی باشکوه اسلامی را جلوی چشم همه دنیا برقرار کند؛ و این در زمان شما خواهد بود، ان‌شاءالله به دست شما خواهد بود، با همت شما خواهد بود. هرچه می‌توانید، خودتان را از لحاظ علم و عمل و تزکیه و تقویت روح و تقویت جسم - همان طوری که بارها عرض شده - آماده کنید و ان‌شاءالله این بار سنگین را به دوش بگیرید. والسلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته

منابع

- (۱) مائده: ۲
- (۲) آل عمران: ۱۰۳
- (۳) همان





مقدمه

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا
ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الإطيبين الإطهرين المنتجبين
الهداة المهديين المعصومين المكرمين سيما بقیة الله في الارضين.
خداوند متعال را سپاسگزارم که به این بنده حقیر توفیق عنایت کرد
که با شما مردم باایمان و عزیز و خون گرم شیروان بتوانم در این جمع
پرشور و صمیمی ملاقات کنم.

الف) جایگاه شهر شیروان و برجستگی های این شهر

۱. شیروان، در دوران امتحان های بزرگ، امتحان خوبی داده
است؛ امروز هم هزاران بسیجی، هیئات مذهبی و نخبگان
زیادی دارد

خاطره ما از شهر شما، از مردم شما، خاطره خوبی است. در دوران
امتحان های دشوار و بزرگ، شهر شیروان از جمله مناطقی است که
امتحان خوبی داده است و نام نیکی از خود به یادگار گذاشته است.

علاوه بر صدها شهید و جانباز که در دوران دفاع مقدس، مردم عزیز شیروان و حومه آن تقدیم کردند، نام هفت سردار در میان شهیدان این
دیار وجود دارد. تربیت سرداران و فرستادن آنها برای مدیریت صحنه های دشوار و سپس شهادت آنها، حوادثی نیست که در گذر تاریخ بشود
آنها را فراموش کرد. امروز هم چند هزار بسیجی در این شهر حضور دارند، هیئت های مذهبی فعال در این شهرستان حضور دارند، نخبگان
فرهنگی و ورزشی در این شهر حضور دارند. اینها نشان دهنده و تنظیم کننده شناسنامه هر منطقه ای از مناطق کشور است. جوان های عزیز
ما - چه در این شهرستان، و چه در سایر شهرستان های این استان - باید به خاطر موفقیت ها به خود بیالند و خود را برای کارهای بزرگ در
آینده آماده کنند.

۲. یکی از برجستگی های شیروان، همزیستی برادرانه اقوام مختلف از کرد و ترک و فارس و تات در کنار هم است

یکی از برجستگی های این شهر و این استان - که در شهرستان شیروان این برجستگی کاملاً محسوس است - همزیستی اقوام مختلف با
یکدیگر است؛ از کرد و ترک و فارس و تات، در کنار هم، برادرانه و مسلمانانه زندگی می کنند. ان شاء الله جوان های شما، از زن و مرد، بتوانند
در آینده کشور عزیزشان و برای سربلندی انقلابشان، چهره های درخشان دیگر و بیشتری را تحویل این جامعه بدهند؛ و این امیدی است که
دور از دسترس نیست.

ب) اهمیت ثبات سیاسی و تلاش دشمن در ایجاد بی ثباتی در کشور

۱. سیاست دستگاه های استکبار، ایجاد بی ثباتی است؛ اما به برکت ایمان و بصیرت مردم، کشور از ثبات سیاسی مستمیری
برخوردار است

آنچه که من مایلم به شما برادران و خواهران عزیز شیروانی عرض کنم، این است که تلاش ملت عزیز ما و هوشمندی و آگاهی
و بصیرت مردم عزیز ما در این استان و در سرتاسر کشور، موجب شده است که کشور ما از یک ثبات سیاسی مستمیری برخوردار
باشد؛ این نعمت بزرگی است. قدرتمندان زورگو و تجاوزگر، یکی از سلاح هاشان این است که در کشورهایی بی ثباتی ایجاد کنند،
که نمونه آن را شما مشاهده می کنید؛ هم در منطقه خودمان و هم در مناطق دیگر این دنیای بزرگ. می بینید که قدرتمندان هر
جا توانسته اند، هر جا در کشوری طمعی ورزیده اند، برای اینکه سلطه خود را در آن کشورها و در آن مناطق مستقر کنند، بین
مردم آن کشور یا مردم آن کشور با کشور همسایه، بی ثباتی ایجاد کردند؛ ایجاد اختلاف کردند، ایجاد درگیری کردند، تا بی ثباتی
در نظام ها به وجود بیاید؛ از این بی ثباتی، کارخانجات اسلحه سازی استفاده کنند، کارتل ها و تراست ها و بنگاه های بزرگ اقتصادی
حاکم بر دستگاه سیاسی غرب استفاده کنند. امروز یکی از سیاست های دستگاه های استکبار، ایجاد بی ثباتی است. آن وقت در
یک چنین شرائطی، نظام جمهوری اسلامی به برکت ایمان شما مردم، به برکت بصیرتی که به فضل الهی در ملت ما وجود دارد،
توانسته است به کوری چشم دشمنان، یک کشور با ثبات و استقرار به وجود بیاورد.

۲. وقتی ثبات و آرامش در کشور باشد، ملت فرصت می کند استعدادها را بروز دهد، در مسابقه بزرگ بشری وارد شده و پیشتاز
شود

خود آحاد ملت، پشتوانه این ثبات و استقرار هستند که در کشور وجود دارد؛ و البته متقابلاً بیشترین فایده این ثبات و استقراری
که در نظام سیاسی کشور هست، متوجه و عاید خود مردم است. یک ملت اگر امنیت داشته باشند، ثبات سیاسی داشته باشند، از
آرامش دستگاه های حاکمیت نظام برخوردار باشند، آن ملت فرصت پیدا خواهند کرد که در میدان های گوناگون، به مسابقه بزرگ
بشری وارد شوند و پیشتاز باشند. امنیت و آرامش برای یک کشور، جزو مهمترین خواسته ها و مفیدترین عواید یک ملت است.
در قرآن کریم، خدای متعال در سوره فتح - که فتح مسلمانان را برای پیغمبر و برای مردم، به صورت یک نعمت بزرگ معرفی می کند -
می فرماید: «فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین و الزمهم کلمة التقوی و كانوا احق بها و اهلها»؛ (۱) به عنوان یک نعمت بزرگ،
نزول سکینه الهی را بر جامعه اسلامی ذکر می کند. سکینه یعنی آرامش، یعنی اطمینان، یعنی آن طمأنینه ای که وجود دارد. یک وقت در
میان یک ملتی تلاطم هست، آرامش وجود ندارد؛ همه نسبت به هم بدبین، همه نسبت به یکدیگر ستیزه گر؛ دستگاه های حاکم در مقابل
مردم، مردم در مقابل دستگاه های حاکم؛ یک چنین کشوری که دارای امنیت نباشد، نمی تواند نه در علم، نه در اقتصاد، نه در صنعت، نه در
عزت ملی، خودش را به پیش و به جلو بکشد؛ اما وقتی استقرار و امنیت و آرامش در یک کشور بود، ملت فرصت پیدا می کند که آمادگی های
خود را، استعداد های خود را بروز دهد؛ همچنان که شما می بینید علی رغم تهدید های دشمنان، تحریم های دشمنان، خبائثت های
دشمنان، ملت ایران و جوانان عزیز ما توانسته اند در میدان های گوناگون، خود را نشان دهند؛ عظمت خود را، استعداد خود را،

آمادگی خود را در زمینه‌های مختلف به رخ دنیا بکشند؛ این به برکت ثبات است.

۳. دشمنان ما بارها کوشش کردند با شیوه‌های گوناگون، ثبات سیاسی کشور را به هم بزنند

دشمنان ما بارها کوشش کردند که با شیوه‌های گوناگون، این ثبات سیاسی را به هم بزنند.

۱،۳. در اول انقلاب، با ایجاد درگیری‌های قومیتی و جنگ تحمیلی، سعی کردند امنیت کشور را به هم بریزند؛ اما اتحاد ما بیشتر شد

در اول انقلاب، با ایجاد درگیری‌های قومیتی در شرق و غرب کشور، شمال و جنوب کشور، سعی کردند نگذارند انقلاب اسلامی به آرامش دست پیدا کند و کشور را از تلاطم انقلاب بیرون بیاورد؛ اما موفق نشدند. بعد از آن سعی کردند با تهاجم یک همسایه دیوانه - صدام به معنای واقعی کلمه، یک انسان وحشی و دیوانه و افسارگسیخته و خطرناک بود - امنیت کشور را به هم بریزند؛ از داخل هم گروهک‌ها کمکش کردند؛ همان گروهک‌هایی که بعد هم به دامان خود او پناه بردند. دیدید آنچه که آنها خواستند، صد و هشتاد درجه برخلاف میل آنها تمام شد. جنگ تحمیلی، حمله دشمن، نه فقط ثبات و استقرار کشور را به هم نزد، بلکه اتحاد ملت را بیشتر کرد. شما ببینید در همین مناطق شما، در منطقه شمال خراسان که امروز استان خراسان شمالی است، با فاصله فراوانی که با میدان جنگ دارد - منطقه جنوب و منطقه شمال غربی کشور کجا؟ استان خراسان شمالی و شیروان و بجنورد کجا؟ - اما همین مردم در عرصه مقابله با دشمن، با هم متحد شدند؛ دیگر مسئله ترک و فارس و کرد و کرمانز و ترکمن و بقیه قومیت‌ها مطرح نبود، مسئله شیعه و سنی مطرح نبود؛ همه با هم متحد شدند، در مقابل دشمن ایستادند؛ جوان‌هاشان را دادند، مردها رفتند. از یک خانواده گاه چهار جوان به میدان جنگ می‌رفتند. پدر این چهار جوان می‌گفت یکی‌تان بمانید، خانه را اداره کنید تا من به میدان جنگ بروم. این مسابقه در جانفشانی را دیگر در کجا می‌شود سراغ کرد؟ دشمن می‌خواست کشور را متلاطم کند، می‌خواست آرامش و ثبات و استقرار را از ملت ایران بگیرد؛ درست به عکس، خدای متعال در مقابل کید دشمنان آنچنان تقدیری کرد که «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین» (۲) ملت به برکت دفاع مقدس، از آنجائی که بود، جلوتر رفت؛ آمادگی‌اش بیشتر شد. این توطئه دشمنان مستکبر و گرگ‌های آدمی‌خوار هم در مقابل ملت ایران اثری نکرد.

۲،۳. در سال ۷۸ و ۸۸ تلاش کردند ثبات سیاسی و آرامش عمومی را از داخل به هم بریزند

بعد سعی کردند این ثبات را از داخل به هم بریزند. من فقط اشاره کنم؛ نمی‌خواهم وارد تفصیل شوم. هم در سال ۷۸، هم در سال ۸۸ - با فاصله ده سال - نقشه و توطئه دشمن یک جور بود. در هر دو مورد سعی‌شان این بود که بتوانند ثبات سیاسی را در کشور به هم بزنند؛ سعی‌شان این بود که تلاطم ایجاد کنند؛ این آرامش عمومی را، این ثبات را از این ملت بگیرند.

۳،۳. تأکید می‌کنم مسئولین مراقب باشند که دشمنان تا قبل از انتخابات و در خود انتخابات نتوانند آرامش کشور را به هم بزنند

این ثبات و آرامش را باید قدر بدانیم. ملت قدر می‌دانند. من که به شما عرض می‌کنم، در واقع خطابم به کسانی است که می‌خواهند قدرشناسی کنند در مقابل این ثباتی که وجود دارد؛ آن کسانی که با حرکات خود، با اعمال نادرست خود، با کج‌تابی‌های خود سعی می‌کنند این ثبات و آرامش را، این استقرار را، این طمأنینه و ثبات را در کشور به هم بزنند. البته مسئولین کشور، با تدبیر، حواسشان هست؛ من هم تأکید می‌کنم؛ هم به مسئولین قوه مجریه، هم به مسئولین قوه مقننه، هم به مسئولین قوه قضائیه، که مراقب باشند بدخواهان و دشمنان با توطئه خود نتوانند این

آرامشی را که در سطح کشور وجود دارد - که نشانه بزرگ‌ترین اقتدار این ملت است، که می‌تواند همه خیرات را به طرف آنها جلب کند - به هم بزنند. مادر چند ماه بعد از این، مسئله انتخابات را داریم. تا قبل از انتخابات و در خود انتخابات، باید همت همه مسئولین این باشد که آرامش سیاسی کشور را حفظ کنند؛ نگذارند فضای سیاسی کشور، جنجالی و متلاطم شود؛ این جزو چیزهایی است که هوشمندی مسئولان کشور ان شاء الله باید بتواند این را تحقق ببخشد. البته مردم واقعاً هوشیار و بصیرند. انسان چه بگوید در قبال این هوشیاری و بصیرت مردم؟ عامه مردم همیشه به مصالح کشور با نظر درستی نگاه کرده‌اند؛ این تجربه ماست. در طول این سه دهه، هر جا مسئولیتی متوجه مردم بوده است، به بهترین وجه آن را انجام داده‌اند. دشمنان خواستند مردم را از میدان‌های لازم‌الحضور خودشان دور کنند، نتوانستند؛ خواستند مردم را دچار تشتت آراء کنند، اختلاف کنند، که گریبان یکدیگر را بگیرند، از مصالح کشور و پیشرفت کشور غافل شوند، نتوانستند. مردم از خودشان بصیرت نشان دادند. حقاً و انصافاً بصیرت مردم مثال‌زدنی است؛ این هم کار خداست. دل‌ها دست خداست، اراده‌ها مقهور اراده الهی است. مردم مؤمنند، متوجه به حقایقند؛ سفارش ما بیشتر به مسئولین است، به سیاستمداران است، به مدیران گوناگون است؛ مراقب باشند دشمن نتواند این آرامش و استقرار و طمأنینه‌ای را که به فضل الهی در کشور وجود دارد و دشمن سعی کرده این را به هم بزند و نتوانسته، به هم بزند؛ سعی کنند این آرامش و استقرار را حفظ کنند؛ نگذارند تلاطم به وجود بیاید. گاهی یک حرف، گاهی یک عمل نسنجیده، گاهی یک اقدام نابجا، موجب تلاطم در محیط سیاسی می‌شود؛ باید خیلی مراقب باشند.

ج) مشکلات شیروان و اهتمام به حل آنها

۱. مسئولان در بر طرف کردن مشکل مهم بیکاری در شیروان و بقیه شهرستان‌های خراسان شمالی تلاش کنند

البته این مردم عزیز واقعاً استحقاق دارند که مسئولین همه وقت خود را، همه تلاش خود را صرف پیشرفت کارهای اینها بکنند. من نگاه می‌کنم به مسائل استان خراسان شمالی - همین مسائل بجنورد و شیروان و اسفراین و بقیه شهرستان‌ها و بخش‌های این استان - می‌بینم کارهای زیادی وجود دارد؛ اینها برعهده مسئولین است. چه نمایندگان قوه مقننه و چه نمایندگان در قوه مجریه، همه موظفند برای مردم کار کنند، خدمت کنند. در همین شهرستان شیروان هم کارهای زیادی هست که باید انجام بگیرد. البته من به شما مردم عرض بکنم، به مسئولیتان اطمینان داشته باشید. مسئولین می‌خواهند اقدام کنند، می‌خواهند تلاش کنند. نیت‌ها خوب است. امروز قصد خدمت به مردم وجود دارد؛ البته گاهی اوقات سلیقه‌ها درست نیست، گاهی اوقات امکانات کامل نیست. باید همه تلاش کنند و دست به دست هم بدهند و آنچه از مشکلات وجود دارد، چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، اینها را برطرف کنند. در این شهرستان هم مثل بقیه شهرستان‌های این استان و مثل بعضی از استان‌های دیگر کشور، مشکل اساسی و مهم، بیکاری است؛ که باید ان شاء الله در زمینه ایجاد اشتغال تلاش کنند.

۲. مبارزه با خطر مهلک اعتیاد در استان و بخش شیروان، مبارزه‌ای است که مشترکاً و توأماً بر دوش مسئولان و مردم و جوانان است

یکی هم مسئله اعتیاد جوانان در این استان و در این بخش است. من در این سفر هشدار دادم و از خود جوانان خواستم؛ گفتیم



جوانان عزیز! ما شما را پرشور و بارآده و بااستقامت می‌دانیم و می‌بینیم. واقعیت همین است. جوانان این استان هم از لحاظ سطح فرهنگی، از لحاظ فهم و خردورزی، جزو پیشروانند. انسان می‌بیند جوان‌های پیشروئی در این استان هستند. خود این جوان‌های شجاع و پیشرو باید در مقابله و مبارزه با خطر مهلک اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر هم پیشرو باشند؛ خودشان بایستی مقاومت کنند، خودشان بایستی مبارزه کنند. این یک مبارزه‌ای است که مشترکاً و توأم بر دوش مسئولان و بر دوش خود مردم است. بنده به جوان‌ها خیلی خوشبین هستم. عقیده‌ام این است که جوانان عزیز ما اراده کنند، می‌توانند با خطرات بزرگ، از جمله خطر مواد مخدر در این استان، مقابله و مبارزه کنند.

د) تذکرها و توصیه‌هایی به دشمنان، مسئولان و برخی از تریبون‌داران کشور

۱. دشمنان ما که می‌خواستند با تحریم، مردم را افسرده و سربه‌زیر کنند، این اجتماعات عظیم و خودجوش و پرشور مردم را ببینند

مردم در همه جای کشور بحمدالله سرحال و بانشاطند؛ این را دشمنان ما ببینند و بدانند. آنهایی که می‌خواستند با تحریم، مردم را افسرده و سربه‌زیر کنند، مردم را خسته کنند، ببینند این حرکت مردم را، این اجتماعات عظیم را، این حرکت خودجوش و پرشور مردم این استان را - مثل بقیه استان‌های دیگر - ببینند که مردم چقدر در صحنه حضور دارند و اراده آنها برای دفاع از نظام چقدر مستحکم است. اینها همه‌اش عبرت‌آموز است. هی می‌گویند مردم ایران. ظاهراً آن کسانی که نام مردم ایران را می‌آورند - از سردمداران آمریکا و غیر آمریکا - شماها را مردم ایران نمی‌دانند! مردم ایران از نظر آنها یک موجود موهوم و تصور موهومی است که درباره آنها حرف می‌زنند: مردم ایران با نظام مخالفند، مردم ایران با اسلام مخالفند. مردم ایران اینهایی‌اند که شما دیدید در این صحنه‌های عظیم چه کردند. در این چند روز، مردم بجنورد و اسفراین و شیروان و سایر مناطق این استان، به همه مردم دنیا حماسه نشان دادند. البته سعی می‌کنند در خبرگزاری‌هاشان، در وسائل اطلاع‌رسانی‌شان خبرها را کم‌رنگ کنند، حضور مردم را نشان ندهند؛ اما واقعیت را خودشان می‌فهمند و می‌بینند.

۲. مسئولان در پیشرفت اقتصاد، سه عنصر «نگاه علمی»، «برنامه‌ریزی مدبرانه» و «ثبات و استمرار سیاست‌ها» را در نظر بگیرند

آنچه که ما به مسئولان محترم کشور در زمینه مسائل اقتصادی - که مسائل اساسی‌ای است و دشمن هم بر روی مسئله اقتصاد متمرکز شده است - سفارش می‌کنیم، این است که در پیشرفت اقتصاد، این سه عنصر را مورد توجه قرار دهند: اولاً در امر اقتصاد، مثل همه مسائل دیگر، باید با نگاه علمی به مسائل نگاه کرد. ثانیاً یک برنامه‌ریزی مدبرانه لازم است، که هم در آن شتابزدگی نباشد، هم در آن کندی و کوتاهی نباشد. در همه امور اینجور است، در مسائل حساس اقتصاد هم اینجور است. ثالثاً ثبات و استمرار سیاست‌ها لازم است. اگر ان‌شاءالله مسئولان این سه عنصر را در پیشرفت اقتصادی کشور در نظر بگیرند، که البته مورد توجه است - مسئولان، هم از لحاظ علمی در میان آنها برجستگی هستند؛ هم از لحاظ دلسوزی، اهل دلسوزی‌اند، اهل تدبیرند - به توفیق الهی، به حول و قوه الهی، دشمنان ما همچنان که در بخش‌های دیگر نتوانستند کاری بکنند، در مقابله اقتصادی با این ملت هم هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

۳. بعضی از تریبون‌دارهای داخلی خسته شده‌اند و می‌گویند مردم خسته‌اند؛ اما مردم خسته نیستند و در صحنه حاضرند بحمدالله با لطف الهی، مردم ایران سرزنده و سرحال و بانشاط و در صحنه‌اند؛ حضور آنها یک حضور همراه با بصیرت و توأم با عزم و اراده راسخ است. دشمنان سعی می‌کنند مردم ایران را خسته و ملول و نومید نشان دهند. مردم با حرکات خودشان دارند نشان می‌دهند که دشمن دروغ می‌گوید؛ دشمن مغرضانه قضاوت می‌کند. البته متأسفانه بعضی از تریبون‌دارهای داخل هم بر طبق میل دشمن - نمی‌گوئیم عمداً؛ غفلتاً - حرف می‌زنند. بعضی‌ها خودشان خسته شده‌اند، می‌گویند مردم خسته‌اند! مردم خسته نیستند. مردم در میدان و در صحنه حاضرند؛ آماده کارند. باید میدان را برای مردم آماده کرد، باز کرد، آن وقت می‌بینید که مردم هر جایی که احساس کنند وظیفه‌ای وجود دارد، با چه انگیزه‌ای، با چه اهتمامی، با چه عزم راسخی وارد می‌شوند؛ همچنان که امروز هم وارد شده‌اند.

مؤخره

از خداوند متعال مسئلت می‌کنیم فضل و رحمت و خیر و برکت خود را بر شما مردم عزیز شهرستان شیروان نازل کند و ان‌شاءالله جوان‌های عزیز شما را مشمول الطاف الهی و توفیقات الهی و عاقبت‌به‌خیری قرار دهد و ان‌شاءالله هر روز شما از روز قبل بهتر و شادتر و همراه با موفقیت بیشتر باشد و خداوند روح مطهر شهیدان و روح امام شهیدان را با اولیائش محشور کند. من از اجتماع عزیز و پرشور شما، از ابراز محبت شما، صمیمانه تشکر می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

منابع

(۱) فتح: ۲۶

(۲) آل عمران: ۵۴



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|--|---|--|
| ۱ | به خاطر موفقیت‌های شهر و استان به خود ببالید و خود را برای کارهای بزرگ در آینده آماده کنید | جوانان شیروان و سایر شهرستان‌های خراسان شمالی | جوان‌های عزیز ما - چه در این شهرستان [شیروان]، و چه در سایر شهرستان‌های این استان [خراسان شمالی] - باید به خاطر موفقیت‌ها به خود ببالند و خود را برای کارهای بزرگ در آینده آماده کنند. |
| ۲ | مراقب باشید که دشمنان تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ و در خود انتخابات نتوانند آرامش کشور را به هم بزنند | مسئولان قوای مجریه، مقننه و قضائیه | من هم تأکید می‌کنم؛ هم به مسئولین قوه مجریه، هم به مسئولین قوه مقننه، هم به مسئولین قوه قضائیه، که مراقب باشند بدخواهان و دشمنان با توطئه خود نتوانند این آرامشی را که در سطح کشور وجود دارد - که نشانه بزرگ‌ترین اقتدار این ملت است، که می‌تواند همه خیرات را به طرف آنها جلب کند - به هم بزنند. ما در چند ماه بعد از این، مسئله انتخابات را داریم. تا قبل از انتخابات و در خود انتخابات، باید همت همه مسئولین این باشد که آرامش سیاسی کشور را حفظ کنند؛ نگذارند فضای سیاسی کشور، جنجالی و متلاطم شود؛ این جزو چیزهایی است که هوشمندی مسئولان کشور ان شاء الله باید بتواند این را تحقق ببخشد. |
| ۳ | مراقب باشید دشمن نتواند آرامش، استقرار وطمأنینه کشور را به هم بزند؛ نگذارید تلاطم به وجود بیاید | مسئولان، سیاستمداران و مدیران گوناگون | سفارش ما بیشتر به مسئولین است، به سیاستمداران است، به مدیران گوناگون است؛ مراقب باشند دشمن نتواند این آرامش و اطمینان‌های را که به فضل الهی در کشور وجود دارد و دشمن سعی کرده این را به هم بزند و نتوانسته، به هم بزند؛ سعی کنند این آرامش و استقرار را حفظ کنند؛ نگذارند تلاطم به وجود بیاید. گاهی یک حرف، گاهی یک عمل نسنجیده، گاهی یک اقدام نابجا، موجب تلاطم در محیط سیاسی می‌شود؛ باید خیلی مراقب باشند. |

| | | | |
|---|--|------------------------------|--|
| ۴ | همه باهم در برطرف کردن مشکل مهم بیکاری در شیروان و بقیه شهرستان‌های خراسان شمالی تلاش کنید | مسئولان | مسئولین می‌خواهند اقدام کنند، می‌خواهند تلاش کنند. نیت‌ها خوب است. امروز قصد خدمت به مردم وجود دارد؛ البته گاهی اوقات سلیقه‌ها درست نیست، گاهی اوقات امکانات کامل نیست. باید همه تلاش کنند و دست به دست هم بدهند و آنچه از مشکلات وجود دارد، چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، اینها را برطرف کنند. در این شهرستان [شیروان] هم مثل بقیه شهرستان‌های این استان [خراسان شمالی] و مثل بعضی از استان‌های دیگر کشور، مشکل اساسی و مهم، بیکاری است؛ که باید ان شاء الله در زمینه ایجاد اشتغال تلاش کنند. |
| ۵ | با خطر مهلک اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر مبارزه کنید | مسئولان و مردم، بخصوص جوانان | یکی هم مسئله اعتیاد جوانان در این استان و در این بخش است... انسان می‌بیند جوان‌های پیشروئی در این استان هستند. خود این جوان‌های شجاع و پیشرو باید در مقابله و مبارزه با خطر مهلک اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر هم پیشرو باشند؛ خودشان بایستی مقاومت کنند، خودشان بایستی مبارزه کنند. این یک مبارزه‌ای است که مشترکاً و توأم بر دوش مسئولان و بر دوش خود مردم است. بنده به جوان‌ها خیلی خوشبین هستم. عقیده‌ام این است که جوانان عزیز ما اراده کنند، می‌توانند با خطرات بزرگ، از جمله خطر مواد مخدر در این استان، مقابله و مبارزه کنند. |





مقدمه

و الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا
ابن القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین
الهداة المهدیین المعصومین المکرمین سبیا بقیة الله فی الارضین.

جمع بسیجیان عزیز استان، با چهره نورانی بسیجی و دل‌های
ان شاء الله نورانی‌تر، فضای جلسه صمیمی ما را نورانی کرده است.
فضا، فضای معنویت و صمیمیت و محبت و خلوص، مثل همه
مجموعه‌های بسیجی و فعالیت‌های بسیجی است.

برنامه‌هایی که اجرا شد، برنامه‌های بسیار خوبی بود. این برنامه
ورزش محلی یقیناً بر بسیاری از کارهای تقلیدی ترجیح دارد؛
ورزش پهلوانی است و سرشار از سنت‌های ایرانی و اسلامی
است. این نکات را باید همیشه به یاد داشته باشیم که آنچه
متعلق به ما و مربوط به خود ماست، با عقاید ما، با ایمان ما
آمیخته است؛ آنچه وارداتی است، اگر بخواهیم شکل ایمانی و
اسلامی و ایرانی به آن بدهیم، باید این عناصر را در آن تزریق
کنیم. آنچه مربوط به خود ماست، به طور طبیعی پیکره آن،

پیکره دینی و ایمانی است. جمع «حلقه‌های صالحین» هم اقدام بسیار خوبی است، که نمایشی از آن در اینجا ارائه شد. سرودی
هم که این برادران عزیز سرودخوان اجرا کردند، بسیار خوب بود؛ هم مضمون، هم اجرا بسیار خوب و جالب بود. البته توجه دارید،
من هم تأکید می‌کنم؛ وقتی می‌گوئید «یا سیدی، یا مولا»، حتماً وجود مقدس امام زمان (سلام الله علیه) در نظر باشد.

الف) ماهیت و اهمیت بسیج و خصوصیات منحصر به فرد آن

۱. هرچه بر روی استحکام و عمق بخشی به ویژگی‌ها و خصوصیات متعلق به بسیج کار و تکیه کنیم، کار زائدی انجام نداده‌ایم
در مورد بسیج، سخنان زیادی گفته شده است. هرچه ما درباره بسیج نکته‌یابی کنیم و این نکته‌ها را مورد مذاقه و تأمل قرار دهیم، زیاد
نیست؛ همچنان که در میدان عمل، هرچه بر روی استحکام بسیج و عمق بخشیدن به ویژگی‌های متعلق به بسیج - که مخصوص خود آن
است - کار کنیم و تکیه کنیم، باز کار زائد انجام نداده‌ایم. چرا؟ چون کشور از حضور بسیجی در میدان‌های مختلف، تجربه خوبی دارد؛ هم
در دوران دفاع مقدس، هم پیش از آن و هم بعد از آن تا امروز؛ که حالا شرح آن را خود شما می‌دانید، شنیده‌اید، بنده هم اشاره‌ای خواهم کرد.
هر جا حضور بسیج و حرکت بسیجی در هر میدانی احساس شده است، ما پیشرفت داشته‌ایم؛ این یک تجربه مهمی است. کشور

در آینده مسائل مهم‌تری در پیش دارد - نمی‌گویم مشکلات مهم‌تر - ممکن است مشکلات روزبه‌روز کاهش پیدا کند، اما مسائل مهم‌تری
هست، کارهای بزرگ‌تری هست. ما که نمی‌خواهیم به عنوان یک ملت، دور خودمان حصار بکشیم؛ که اگر این کار را هم بکنیم، رشد
متوقف نخواهد ماند؛ اما نگاه ما، نگاه وسیع است؛ در طول تاریخ و در عرض جهان، این نگاه، گسترده است. ملتی با یک چنین آرمان‌هایی، با
یک چنین همت بلندی، با یک چنین افق دوری، خیلی مسائل در پیش دارد. این مسائل احتیاج دارد به خصوصیات که در مجموعه بسیج
هست. بنابراین، راجع به بسیج هرچه گفته شود، مذاقه شود، بر روی خصوصیات تکیه شود و تعمق شود، زیادی نیست.

۲. ولادت بسیج، قبل از انقلاب است اما با پیروزی انقلاب، بسیج به شکل کنونی خود تولد یافت؛ بنابراین بسیج همزاد انقلاب است

اولاً بسیج همزاد انقلاب است. شاید به یک معنا بشود گفت که حضور بسیجی مردم، خود موجب پیروزی انقلاب شد، یا موجب پدید آمدن
انقلاب شد. جوان‌های داوطلب، علاقه‌مند، قبل از انقلاب در همه جا - در همین شهر بجنورد که بنده اطلاع دارم - در عرصه‌هایی وارد شدند،
ایستادگی کردند، حضور مؤثر پیدا کردند. این تلاش‌ها در سرتاسر کشور جمع شد، شد حرکت عظیم انقلابی ملت ایران. بنابراین به این معنا،
ولادت بسیج، قبل از ولادت انقلاب است؛ اما با پیروزی انقلاب، بسیج به شکل کنونی - که خصوصیات منحصر به فرد این پدیده شگفت‌آور
را عرض خواهیم کرد - تولد یافت. بنابراین می‌توان بسیج را همزاد انقلاب معرفی کرد.

۳. بسیج پدیده بی‌نظیری است؛ در انقلاب‌های دیگر هم توده مردم حضور داشتند؛ اما بسیج تفاوت‌های بسیار عمیقی با آنها دارد

خب، این پدیده، پدیده بی‌نظیری است. آیا ملت‌های دیگر، انقلاب‌های دیگر، حضور مردمی نداشتند که شما می‌گوئید حضور بسیج یک
پدیده بی‌نظیر است؟ چرا، در انقلاب‌های دیگر، در حوادث بزرگی که در کشورهای جهان به وجود آمده است، توده مردم حضور داشتند؛ منتها
با تفاوت‌های بسیار عمیق و تأثیرگذاری. اگر تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید دو انقلاب در این دو سه قرن اخیر در حد انقلاب ما در دنیا معروف
است؛ یکی انقلاب کبیر فرانسه است، یکی انقلاب کمونیستی در شوروی است. در هر دوی اینها مردم بودند، اما حضور مردم در آن انقلاب‌ها
- که پرچم و انبوه هم بود - با حضور بسیجی در انقلاب ما متفاوت است. من حالا اندکی از خصوصیات حضور بسیجی را عرض می‌کنم.

۱،۳. این مجموعه عمومی مردمی از اول دارای سازماندهی بود؛ این خصوصیت منحصر به فرد کمک کرد بسیج راه خود را گم نکند
اولاً این مجموعه عمومی مردمی از اول دارای سازماندهی بود؛ این یک خصوصیت منحصر به فرد است. این سازماندهی کمک کرد
به اینکه این حرکت عظیم مردمی راه خودش را گم نکند. وقتی سازماندهی بود، یعنی هدایت در آن هست، بصیرت در آن هست،
تمرکز در تصمیم‌گیری هست، اراده مردم هست؛ اما از تندروری، از زیاده‌روی، از کج‌روی، از خطاهای فاحش، جلوگیری می‌کند.

۲،۳. مهم‌تر از سازماندهی، خصوصیت ایمان و برخاستن از احساس تکلیف شرعی است که احساسات را هدایت و کنترل می‌کند
مهم‌تر از این، خصوصیت ایمان و برخاستن از احساس تکلیف شرعی بود. یک وقت احساسات محض، یک انسانی را، یک جمع

انسانی را، یک جمعیتی را به یک سوئی حرکت می‌دهد؛ این ممکن است، در خیلی جاها هست. این آدمی که با احساسات حرکت می‌کند، هدایت او، زمام و مهار نفس او و حرکت او، به دست یک عامل معنوی و درونی و قلبی نیست؛ خیلی اوقات از حد تجاوز می‌کند؛ آنجائی که نباید دست به کشتار بزند، دست به کشتار می‌زند؛ آنجائی که نباید ظلم کند، ظلم می‌کند. لذا شما ببینید در همین انقلاب‌هایی که من اسم آوردم، آنچه که تاریخ ثبت کرده است - تاریخ خودشان، نه اینکه ما بگوئیم - سرشار و لبریز است از همین خطاها و انحراف‌ها و اشتباه‌ها و تقابل‌ها؛ یک گروه در مقابل یک گروه دیگر قرار می‌گرفتند. بله، در انسان مؤمن هم احساسات وجود دارد؛ ما که بدون احساسات حرکت نمی‌کنیم؛ احساس داریم، احساس عاطفی داریم، احساس خشم داریم؛ لیکن این احساس با ایمان ما کنترل می‌شود. جوان بسیجی در برخورد با عنصر منافق، چون این منافق زن است و نامحرم است، حتی جان خود را از دست می‌دهد، برای اینکه به بدن این زن مشکوک دست نزند. اینها وجود دارد؛ این جزو حوادثی است که مکرر اتفاق افتاده است. دقت نظر بسیجی در مچ‌گیری از منافق، در موارد زیادی تحقق پیدا می‌کند. در بعضی از این موارد، طرف مثلاً زن است؛ این جوان بسیجی حاضر نیست از حدود ایمانی تخطی کند. ببینید، این حضور ایمان را در این انسان بسیجی نشان می‌دهد؛ این خیلی مهم است. بله، یک جا به شهید شدن چهار تا بسیجی می‌انجامد؛ اما در نگاه کلی وقتی نگاه می‌کنیم، این خیلی معنای متعالی و مهمی را به ما منعکس می‌کند. بنابراین، حرکت عمومی و توده‌ای و سازماندهی‌شده مردم، با هدایت ایمان، با دخالت ایمان پیش می‌رود؛ این از خصوصیات بسیج است.

۳،۳. یک خصوصیت منحصر به فرد دیگر این است که همه قشرها و گروه‌های مختلف در بسیج حضور دارند

یک خصوصیت دیگر این است که همه قشرها در بسیج حضور دارند؛ شهری هست، روستائی هست، جوان نواخته نوسال هست، پیرمرد که نوسال هم هست. چقدر در جنگ، رادیوهای خارجی و مبلغین معاند و مغرض گفتند که جمهوری اسلامی بچه‌های نابالغ را به جنگ می‌فرستد. بله، بچه‌های نابالغ می‌رفتند، اما کسی آنها را به جنگ نمی‌فرستاد. آنها می‌آمدند با گریه، با زاری، با دست بردن در شناسنامه، با رضایت گرفتن از پدر و مادر به زور گریه، با قاطی شدن بین رزمندگان، خودشان را به جبهه می‌رساندند. اینها واقعیت است. پیر و جوان، تحصیلکرده و غیرتحصیل‌کرده در بسیج حضور دارند. در اینجا روشنفکرها یک کناری نایستادند. در بعضی از این اجتماعات بزرگی که در این انقلاب‌ها وجود دارد، گروه روشنفکران قاطی مردم نمی‌شوند. من یک وقتی از یک نمایشنامه روشنفکری نقل کردم که آقائی از بالای ایوان به حرکت مردم نگاه می‌کند، اما خودش وارد نمی‌شود، قاطی نمی‌شود. اینجا نخیر؛ اینجا کارگر بود، کشاورز بود، دانشجو بود، دانش‌آموز بود، پزشک بود، نویسنده مبرز بود، شاعر برجسته بود، متخصص بود، مخترع بود و هست؛ همه وارد بسیج. شما بروید تشکیلات بسیج را نگاه کنید، در شهر خودتان هم نگاه کنید؛ همه جا همین جور است. اینجا دیروز یک جوان مخترعی آمده، خودش را جزو بسیج مخترعین معرفی می‌کند. اینها در دنیا نظیر ندارد. بسیج مخترعین، بسیج اساتید دانشگاه، بسیج نویسندگان، بسیج شاعران. گروه‌های روشنفکری، با قواره‌های مختلف، در این مجموعه عظیم و پرراز و رمزی که ما اسمش را «بسیج» گذاشتیم، حضور دارند. جوان هم هست، پیر هم هست، زن هم هست، مرد هم هست، متخصص کارهای صنعتی هم هست، متخصص کارهای روان‌شناسی هم هست؛ همه جور انسانی در این مجموعه حضور دارند.

است

خصوصیت دیگر، پایه‌رکاب بودن است. خب، عزیز من! سی و سه سال از انقلاب می‌گذرد. حضور توده‌ای در انقلاب‌های گوناگون، یک ماه بود، دو ماه بود، حداکثر یک سال بود؛ بعد تمام شد. اینجا هم کسانی که می‌خواستند زندگی را و جمهوری اسلامی را از روی دستورالعمل‌های غربی تنظیم کنند و ترتیب بدهند، همین سفارش را می‌کردند. اوائل انقلاب سفارش می‌کردند که خیلی خوب، انقلاب تمام شد، مردم بروند خانه‌هاشان. در انقلاب‌های دیگر، مردم رفتند خانه‌هاشان؛ اما سی و سه سال از انقلاب می‌گذرد، بسیج در صحنه است، در عرصه است، پایه‌رکاب است. آن نسلی که آن روز وارد بسیج بودند، امروز افراد میانسال و مسنی شده‌اند، محاسن‌هاشان سفید شده؛ نوه دارند، عروس دارند، داماد دارند؛ اما بسیجی‌اند. آنها پیر شدند، اما آیا چهره بسیج پیر شد؟ ابد. چهره بسیج، چهره جوانی است. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که نسل‌های نوظهور و پی‌درپی، این حضور مردمی را از دست نداده‌اند، فراموش نکرده‌اند. آن روز یک عده‌ای می‌گفتند خیلی خوب، جوان است، اهل هیجان است، جنگ هم یک حادثه پرهیجان است؛ این می‌کشد طرف جنگ، به خاطر هیجان. امروز که جنگ نیست، امروز که هیجان جنگ نیست؛ چرا جوان به میدان می‌آید؟ اینها مسائل بسیج است.

۴. بسیج یک پدیده شگفت‌آور، رمزآلود، رازآلود و استثنائی نظام است و کلید طلایی حل بسیاری از مشکلات آینده می‌باشد

ببینید، اینها آن نکات ریزی است که ما وقتی مجموع این نکات را کنار هم می‌گذاریم، به این نتیجه می‌رسیم که بسیج یک پدیده شگفت‌آور و رمزآلود و رازآلود و استثنائی نظام جمهوری اسلامی است. این مجموعه خیلی گره‌ها را باز کرده است، در خیلی صحنه‌ها حضور داشته است، حضور او اثرگذار و تعیین‌کننده بوده است. پس ما در آینده هم به این حضور احتیاج داریم. کسانی که اهل تأمل و تدبیرند، حدس بزنند که چرا در شعارهای کسانی که حرف و نفس و حرکت خودشان را از رادیوی اسرائیل می‌گیرند، در درجه اول، شعار بر ضد بسیج است؟ آیا خودشان می‌فهمند که چرا شعار بر ضد بسیج می‌دهند، یا نمی‌فهمند؟ این را من نمی‌توانم قضاوت کنم. اما این، حقیقت کار است. این کلید طلایی حل بسیاری از مشکلات آینده، مورد بغض و عداوت آن کسانی است که نمی‌خواهند آینده، آینده خوبی و سرفرازی و موفقیت‌آمیزی برای نظام جمهوری اسلامی باشد؛ لذا می‌خواهند این کلید طلایی را بشکنند؛ لاقلاً در چشم من و شما آن را کوچک کنند. البته نخواهند توانست و معلوم است. خب، این درباره خصوصیات بسیج. در این زمینه خیلی حرف هست. عرض کردم؛ هرچه مذاقه کنیم، نکته‌یابی کنیم، در این نکات تأمل کنیم و آنها را گسترش دهیم تا فکر و فرهنگ جامعه شود، زیادی نیست. مذاقه در مورد بسیج - این پدیده عجیبی که خدای متعال به نظام جمهوری اسلامی هدیه کرده است - مسئله مهمی است.

ب) صلاحیت‌های اولیه‌ای که بسیجیان باید آنها را حفظ و تقویت کنند

خب، شما جزو بسیجید. همه باید افتخار کنند که جزو مجموعه بسیجی باشند. کسی که وارد این مجموعه می‌شود، صلاحیت‌هایی دارد؛ این صلاحیت‌ها را نشان داده است، وارد بسیج شده است؛ این صلاحیت‌ها را باید حفظ کنید. آنچه که من به شما عرض می‌کنم - که شما فرزندان من هستید، شما جوانان من هستید - این است که این خصوصیات را باید حفظ کنید؛ نه فقط حفظ کنید، بلکه باید اینها را تقویت کنید.



یکی از خصوصیات، خودسازی است. ما باید خودمان را تربیت کنیم. من مسن پیرمرد هم احتیاج دارم خودم را تربیت کنم، خودم را مهار کنم، خودم را حفظ کنم. حرکت در جوان سریع‌تر، تصمیم‌گیری سریع‌تر، اقدام سریع‌تر است؛ بنابراین مراقبت و محافظت و خودسازی هم بسیار حساس‌تر است.

۱.۱. خودسازی کار سهل و ممتنعی است، هم آسان و هم سخت است؛ محیط مساعدی مثل محیط بسیج، خودسازی را آسان می‌کند
 خودسازی، کار سهل و ممتنعی است؛ هم آسان است، هم سخت است. اگر در محیطی قرار بگیریم که مناسب باشد، مساعد باشد، می‌شود آسان. شما مثلاً اهل توجه‌اید، اهل دعا و اهل تضرع و اهل گریه هستید. گاهی انسان در یک محیطی قرار می‌گیرد که محیط، محیط تضرع و گریه و توجه است؛ همه دل‌ها به سوی خداست، همه اشک‌ها جاری است؛ اینجا حالت تضرع برای انسان آسان‌تر دست می‌دهد. این، محیط مساعد است. محیط مساعد، خودسازی را آسان می‌کند. یکی از محیط‌های مساعد، خود مجموعه حالات دفاع مقدس بود؛ اما محیط مساعد، خود بسیج است. شما که در این مجموعه هستید، در واقع در یک فضای مساعدی برای خودسازی هستید. تقوا، خویشتنداری، دوری از گناه، انجام فرائض، نماز خواندن به صورت فرصتی برای انس با خدای متعال، توجه به معانی نماز، حضور قلب، تمرکز در حال نماز؛ اینها ابزارهای خودسازی است. وقتی شما در محیط مساعد قرار می‌گیرید، این ابزارهای خودسازی بهتر به شما کمک می‌کند، بیشتر به شما کمک می‌کند. وقتی این جور شد، توانائی روحی شما بیشتر می‌شود؛ هم استقامت شما، ایستادگی شما، صبر شما، توکل شما، هم ابتکار و جوشش درونی شما؛ اینها همه با هم است. ما وقتی وارد یک میدانی نشده‌ایم، احساس خوف می‌کنیم، هراس داریم؛ استعدادی هم اگر در ما هست، سرپوشیده باقی می‌ماند؛ اما وقتی این هراس را شکستید، خطر کردید و وارد میدان شدید، این استعدادها هم شروع می‌کند به سر بر آوردن؛ این جوری می‌شود که ناممکن‌ها ممکن می‌شود. همین طور که سردار نقدی الان اینجا گفتند، یک جوان دانشجوی کم‌سال با یک مجموعه معدودی که خودش اسم آن را گذاشته تیپ - صد نفر آدم یک تیپند؟! صد و پنجاه نفر آدم یک تیپند؟! او خودش می‌گوید تیپ! - می‌رود به غرب کشور یا جنوب، با این تیپ مؤمن و مخلص، در مقابل جبهه دشمن با یک واحد رزمی مجهز و یک فرماندهی سابقه‌دار می‌جنگد. این ابزاری ندارد، جز همین ابزارهای ابتدائی، اما او به برترین ابزارها مجهز است؛ این تجربه فرماندهی ندارد، اما او به قدر عمر این، فرماندهی کرده. اینها در مقابل هم قرار می‌گیرند، این بر او غلبه پیدا می‌کند؛ تانک او را مصادره می‌کند، امکانات او را مصادره می‌کند، پیروز برمی‌گردد. این با خودسازی به وجود می‌آید. بدون خودسازی نمی‌شود وارد این میدان‌ها شد.

۲.۱. حضور فوق العاده بسیجی در عرصه نبرد به او نورانیت می‌بخشد

بعضی‌ها می‌ترسیدند. بعضی‌ها از پیش قضاوت می‌کردند که نمی‌شود - اصلاً می‌گفتند نمی‌شود - هر جا هم حضور بسیجی بود، مخالفت می‌کردند. من می‌دیدم مردان مؤمن باصلاحیت ارتش منظم آن روز ما استقبال می‌کنند از اینکه مجموعه بسیج با آنها و همراه آنها باشد؛ این را من خودم در دوران جنگ مکرر دیدم؛ در پادگان ابوذر، در جنوب، در شمال غرب. خود فرمانده ارتشی اصرار داشت که مجموعه بسیجی با او همراه باشند؛ دوست می‌داشت، استقبال می‌کرد؛ اینجا در تهران یک عده‌ای نشسته بودند، نق می‌زدند که آقا چرا اینها وارد شدند؟ چرا بدون اجازه رفتند؟ چرا فلان اقدام را کردند؟ از حضور بسیجی ناراحت بودند. چون امید نداشتند، مأیوس

بودند، می‌گفتند نمی‌شود کاری کرد؛ اما وقتی که وارد شدند، دیدند این ورود، امیدآفرین است؛ همه این استعدادها را جوشش می‌دهد. خود حضور بسیجی در عرصه نبرد، به او یک نورانیتی می‌بخشد. معروف بود در دوران دفاع مقدس می‌گفتند فلانی نور بالا می‌زند، روشن است؛ یعنی به زودی شهید خواهد شد. این نورانیت حضور بسیجی بود؛ این را من خودم مشاهده کردم؛ نه یک بار و دو بار. یک موردی که مربوط به همین استان شماس، بد نیست عرض کنم. یک سرگرد ارتشی که بعد ما فهمیدیم ایشان اهل آبخانه است - سرگرد رستمی - به میل خود، به صورت بسیجی آمده بود در مجموعه گروه شهید چمران، آنجا فعالیت می‌کرد. بنده مکرراً او را می‌دیدم؛ می‌آمد، می‌رفت. یک شبی با مرحوم چمران نشستیم بودیم راجع به مسائل جبهه و کارهایی که فردا داشتیم، صحبت می‌کردیم؛ در باز شد، همین شهید رستمی وارد شد. چند روزی بود من او را ندیده بودم. دیدم سرتاپایش گل‌آلود است؛ این پوتین‌ها گل‌آلود، بدنش خاک‌آلود، صورتش خسته، ریشش بلند؛ اما چهره را که نگاه کردم، دیدم مثل ماه می‌درخشد؛ نورانی بود. روزهای قبل، من این حالت را در او ندیده بودم. رفته بود در یک منطقه عملیاتی، آنجا فعالیت زیادی کرده بود؛ حالا آمده بود، می‌خواست گزارش بدهد. او بعد از چندی هم به شهادت رسید. ارتشی بود، اما آمده بود بسیجی وارد میدان شده بود؛ فعالیت می‌کرد، مجاهدت می‌کرد، حضور فداکارانه داشت - در همان مجموعه بسیجی شهید چمران - بعد هم به شهادت رسید. این نورانیت را خیلی‌ها دیدند؛ ما هم دیدیم، دیگران هم بیشتر از ما دیدند. این ناشی از همان حضور فوق‌العاده است.

۲. یک مسئله در بسیج، مسئله ایثار است، یعنی از سهم و حق خود برای دیگران گذشت کردن؛ این خصوصیت را در خود تقویت کنید

یک مسئله هم در بسیج، مسئله ایثار است. ایثار در لغت، نقطه مقابل استئثار است. استئثار یعنی هرچه که وجود دارد، ما برای خودمان بخواهیم. گاهی در بعضی از دعاهای ائمه (علیهم‌السلام) از مستأثرین شکایت شده است. مستأثرین یعنی آن کسانی که هرچه هست، برای خودشان می‌خواهند؛ دنبال منافع شخصی و دست‌اندازی به داشته‌های دیگرانند. ایثار، نقطه مقابل این است؛ یعنی از سهم خود، از حق خود برای دیگران گذشت کردن، و به نفع دیگران از حق خود صرف‌نظر کردن. این خصوصیت در قله‌های بسیج وجود داشته است. و من به شما جوان‌های عزیز عرض کنم: سعی کنید این خصوصیت را در خودتان تقویت کنید. ما افراد بشر، دائم در کنار لغزشگاه داریم حرکت می‌کنیم. جاذبه‌ها ما را به خود فرا می‌خواند. دنبال منافع شخصی حرکت می‌کنیم. منافع شخصی، ما را جذب می‌کند. گاهی به خاطر منافع خودمان، حاضریم حق دیگران را هم پامال کنیم. باید مراقب خودمان باشیم. خودسازی بسیجی، یکی از خصوصیاتش همین است که بتواند این روحیه را در خود تقویت کند و پرورش دهد که ایثار کند. آن قله‌های بسیج که عرض کردیم، آنهایی هستند که جان خودشان را در کف دست گرفتند، رفتند برای دفاع از اسلام، برای دفاع از انقلاب، برای دفاع از امام، برای دفاع از کشور، برای حفظ مرزهای کشور جنگیدند. از خودگذشتگی، بالاتر از این؟ بیش از این؟ این، قله ایثار است. پائین‌تر از این، صرف‌نظر کردن و گذشتن از منافع کوتاه‌مدت مادی است که ما برای خودمان تعریف می‌کنیم. سعی کنیم از منافع شخصی به نفع منافع عمومی، به نفع اسلام، به نفع اهداف والا، صرف‌نظر کنیم. این معنایش این نیست که به دنیا پشت کنیم؛ نه. دنیا جای تلاش و فعالیت است؛ هم برای زندگی شخصی، هم برای زندگی عمومی، هم برای مادیات، هم برای معنویات؛ اما آنجائی که می‌بینیم رسیدن به یک حق شخصی معنایش این است که از حقوق دیگران عبور کنیم، از قانون عبور کنیم، از انصاف عبور کنیم، اینجا مهار و زمام نفس خود را به دست بگیریم؛ آنچه را که می‌توانیم به دست بیاوریم، به نفع دیگران از آن صرف‌نظر کنیم؛ این می‌شود ایثار.



۳. یکی دیگر از مسائل مهم، بصیرت است؛ بصیرت در همه دوران‌ها به این معنا است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید

البته یکی از مسائل مهم، مسئله بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه دوران‌ها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه درگیری را اشتباه می‌کنند؛ خمپاره و توپخانه خودشان را آتش می‌کنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است. بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می‌کنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است، اما حنجره او سخن دشمن را تکرار می‌کند؛ خب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد، انسان با او باید حد و مرز تعریف کند؛ خط فاصل. جدا می‌شویم. اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد - ولو با یک ادبیات دیگری - بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل می‌کند، شما بخواهی با آن منطبق با جمهوری اسلامی تعامل کنی، خب شما با آمریکا فرقی نداری. این مسئله جداست. اما یک وقت هست که نه، این‌جوری نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد، غیردشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می‌خواهد. بصیرتی که ما عرض می‌کنیم، این است. یک عده‌ای از آن طرف می‌افتند، یک عده‌ای از این طرف می‌افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله دوست می‌کنند، فریاد دشمن را هم نمی‌شناسند، چون از حنجره دیگری در می‌آید؛ یک عده هم از این طرف، هرکسی که اندک اختلاف سلیقه‌ای با آنها دارد، به حساب دشمن می‌گذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است.

ج) چند خواسته و آرزو در مورد انتخابات ریاست جمهوری ۹۲

اسم رقیب انتخاباتی را آوردیم. انتخابات در پیش است؛ البته نزدیک نیست. بعضی از حالا وارد عرصه انتخابات می‌شوند. نه، ما این را اصلاً تأیید نمی‌کنیم؛ هر چیزی در وقت خود، در جای خود. لیکن آن چیزی که در مورد انتخابات خواسته ماست، فکر ماست، آرزوی ماست، این چند چیز است:

۱. شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیم و یک حضور گسترده باشد

اول اینکه شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیمی باشد؛ این مصون‌کننده است. همه تلاش دست‌اندرکاران، امروز و فردا و روز انتخابات و در اثنای مقدمات و مؤخرات، باید این باشد: حضور مردم، حضور گسترده‌ای باشد.

۲. از خدا بخواهیم و خودمان هم چشممان را باز کنیم تا نتیجه انتخابات، خوب و همراه با صلاح و صرفه انقلاب و کشور باشد. دیگر اینکه از خدا بخواهیم و خودمان هم چشممان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه انقلاب و کشور باشد. این معنایش این نیست که اگر ما کسی را نپسندیدیم، با او بداخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح می‌دانند، برای خودشان اهلیت قائلند، وارد میدان شوند. ما هم که می‌خواهیم انتخاب کنیم، نگاه حقیقتاً با معیارهایی که معتقدیم و بین همه ماها مشترک است، بسنجیم. شاید بشود گفت که بین همه ایرانی‌ها - معتقدین به انقلاب - این معیارها تقریباً مشترک است. در هر کسی که این معیارها را مشاهده کردیم، کوشش کنیم، تلاش کنیم، کار کنیم - کار سالم - که انتخابات به سمت انتخاب یک چنین کسی برود.

۳. انتخابات برای کشور مایه آبرو و افتخار است؛ همه مراقب باشند که انتخابات مایه بی‌آبرویی برای کشور نشود

نکته اساسی سوم - که امروز من به همین اندازه اکتفا می‌کنم؛ البته بعدها ممکن است حرف‌های زیادی در مورد انتخابات داشته باشیم - این است که انتخابات برای کشور مایه آبروست، مایه افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آن‌طوری که در سال ۸۸ یک عده‌ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد. البته سلامت انتخابات هم مسئله اساسی و مهمی است. منتها فرض ما بر این است که مسئولین کشور با وجدان اسلامی و الهی وارد می‌شوند و انتخابات ما سالم است. در گذشته هم که در دولت‌های مختلف انتخابات انجام گرفته است - چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات مجلس، چه دیگر انتخاب‌ها - فرض ما بر این بوده است که انتخابات، انتخابات سالمی است. البته مراقبت‌های گوناگون از جهات مختلف لازم است انجام بگیرد. از خداوند متعال می‌خواهیم که این آزمایش را هم برای ملت عزیز ما مبارک فرماید.

مؤخره

پروردگارا! رحمت و فضل خودت را بر این جوانان عزیز نازل کن. پروردگارا! بازوان نیرومند نظام، یعنی بسیج را روزبه‌روز نیرومندتر کن. ذکر خود، یاد خود، خشوع در مقابل خود را بر دل‌های ما ارزانی بدار. پروردگارا! مرگ ما را در راه خودت و برای خودت قرار بده. پروردگارا! قلب مقدس ولی‌عصر را از ما راضی کن. روح مطهر شهیدان و روح امام شهیدان را از ما راضی و خشنود بفرما. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|--|--------------|--|
| ۱ | صلاحیت‌های ورود به بسیج را باید حفظ و تقویت کنید | عموم بسیجیان | همه باید افتخار کنند که جزو مجموعه بسیجی باشند. کسی که وارد این مجموعه می‌شود، صلاحیت‌هایی دارد؛ این صلاحیت‌ها را نشان داده است، وارد بسیج شده است؛ این صلاحیت‌ها را باید حفظ کنید. آنچه که من به شما عرض می‌کنم - که شما فرزندان من هستید، شما جوانان من هستید - این است که این خصوصیات را باید حفظ کنید؛ نه فقط حفظ کنید، بلکه باید اینها را تقویت کنید. |
| ۲ | باید خود را تربیت کنید | بسیجیان | یکی از خصوصیات، خودسازی است. ما باید خودمان را تربیت کنیم. من مسنِ پیرمرد هم احتیاج دارم خودم را تربیت کنم، خودم را مهار کنم، خودم را حفظ کنم. حرکت در جوان سریع‌تر، تصمیم‌گیری سریع‌تر، اقدام سریع‌تر است؛ بنابراین مراقبت و محافظت و خودسازی هم بسیار حساس‌تر است. |
| ۳ | ایثار را در خود تقویت کنید | بسیجیان | یک مسئله هم در بسیج، مسئله ایثار است... این خصوصیت در قله‌های بسیج وجود داشته است. و من به شما جوان‌های عزیز عرض کنم؛ سعی کنید این خصوصیت را در خودتان تقویت کنید |

| | | | |
|---|---|--------------------------|--|
| ۴ | خط درگیری با دشمن را مشخص کنید و رقیب انتخاباتی خود را دشمن فرض نکنید | کاندیدها و طرفداران آنها | بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکا است، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می‌کنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند... ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد، غیردشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد. |
| ۵ | مشارکت و حضور مردم در انتخابات را گسترده کنید | دست‌اندرکاران انتخابات | شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیمی باشد؛ این مصون‌کننده است. همه تلاش دست‌اندرکاران، امروز و فردا و روز انتخابات و در اثنای مقدمات و مؤخرات، باید این باشد: حضور مردم، حضور گسترده‌ای باشد. |
| ۶ | کاری کنیم که نتیجه انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه انقلاب و کشور باشد | دست‌اندرکاران انتخابات | چشممان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه انقلاب و کشور باشد. این معنایش این نیست که اگر ما کسی را نپسندیدیم، با او بداخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح می‌دانند، برای خودشان اهلیت قائلند، وارد میدان شوند. ما هم که می‌خواهیم انتخاب کنیم، نگاه کنیم، حقیقتاً با معیارهایی که معتقدیم و بین همه ماها مشترک است، بسنجیم. شاید بشود گفت که بین همه ایرانی‌ها - معتقدین به انقلاب - این معیارها تقریباً مشترک است. در هر کسی که این معیارها را مشاهده کردیم، کوشش کنیم، تلاش کنیم، کار کنیم - کار سالم - که انتخابات به سمت انتخاب یک چنین کسی برود. |





مقدمه

و الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا وحبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد وعلى آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. خدای متعال را سپاسگزاریم که این توفیق را داد که در طول چند روز، با قشرهای مختلف مردم عزیز این استان پرخیر و برکت، دیدارهای صمیمی و سرشار از لطف و صفا و محبت داشته باشیم. این جلسه امروز مجموعه‌ای از خدمتگزاران مردم در این استان عزیز هستند و همچنین نمایندگان قشرهای گوناگون که در این استان فعالند. بنابراین، این جمع، جمع بسیار مغتنمی است. مطالبی که دوستان در اینجا بیان کردند، هر کدام از جهتی مطالب جالب و قابل توجهی بود. آنچه که ما می‌خواهیم عرض کنیم، دو سه نکته تأثیرگذار است که اگر همه ما به این نکات توجه کنیم، شاید ان شاء الله برای آینده استان دارای خیر باشد.

الف) جایگاه والای خدمتگزاری به مردم و بایسته‌های

خدمت صادقانه

۱. از صمیم قلب و از بن دندان عرض می‌کنم که خدمتگزار مردم بودن، افتخار است، یک نعمت الهی است که باید شکرگزاری کرد

نکته اول این است که نفس خدمتگزاری برای آحاد مردم، یک نعمت الهی است؛ یک موهبت است؛ حالا چه خدمتگزاری در مجموعه‌های رسمی باشد - مثل همین مسئولیت‌هایی که دوستان و برادران و مدیران در استان دارند - و چه در قالب‌های رسمی نباشد؛ مثل خدمت به دین مردم، خدمت به فرهنگ مردم، خدمت به پیشرفت علمی مردم، خدمت به تقسیم و توزیع درست ارزاق بین مردم، برآوردن حوائج گوناگون، به هر شکلی که باشد. بنابراین، نفس توفیق خدمتگزاری، یک نعمت است؛ این نعمت را باید شکرگزاری کرد. بنده از صمیم قلب و از بن دندان این را عرض می‌کنم که حقیقتاً خدمتکار مردم بودن، افتخار است؛ نه به عنوان یک شعار. بزرگان اهل معرفت ما به شاگردان خود، به دستپروردگان خود همیشه سفارش می‌کردند که در کنار ذکر و عبادت و خشوع و توسل و تذکر، به مردم خدمت کنند؛ گاهی این را ترجیح می‌دادند بر عبادات فردی؛ این مقرب الی الله است. شما یک کار خوب که به نفع یک نفر انجام می‌دهید، این حسنه است؛ این شما را به خدا نزدیک می‌کند؛ این برای شما ثواب و اجر الهی و اخروی دارد؛ چه برسد به اینکه این خدمت شما، برای مجموعه‌های متعدد مردم، برای گروه مردم، برای اهل یک استان، اهل یک شهر، اهل یک بخش باشد. بنابراین، اصل قضیه

| | | | |
|---|--|-------------------------------|--|
| ۷ | مراقب باشید که انتخابات مایه بی‌آبرویی برای کشور نشود | دست‌اندرکاران انتخابات و مردم | همه مراقب باشند که انتخابات مایه بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آن طوری که در سال ۸۸ یک عده‌ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد. |
| ۸ | مراقبت‌های گوناگون از جهات مختلف برای سلامت انتخابات انجام بگیرد | دست‌اندرکاران انتخابات | سلامت انتخابات هم مسئله اساسی و مهمی است. منتها فرض ما بر این است که مسئولین کشور با وجدان اسلامی و الهی وارد می‌شوند و انتخابات ما سالم است. در گذشته هم که در دولت‌های مختلف انتخابات انجام گرفته است - چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات مجلس، چه دیگر انتخاب‌ها - فرض ما بر این بوده است که انتخابات، انتخابات سالمی است. البته مراقبت‌های گوناگون از جهات مختلف لازم است انجام بگیرد. |



این است که ما اگر چنانچه توفیق خدمتگزاری پیدا کردیم، این را شکر بگزاریم؛ شاکر خدای متعال باشیم؛ این را نعمتی از طرف الهی بدانیم.

۲. نتیجه نعمت دانستن خدمتگزاری برای مردم این است که برای این خدمت، منت بر سر کسی نگذاریم

نتیجه این نعمت دانستن این است که برای این خدمتگزاری، منت بر سر کسی نگذاریم؛ این درجه اولش است. خدای متعال به ما توفیق داده؛ این توفیق، لطف الهی است؛ شکر لازم دارد. پس اگر ما توانستیم خدمتگزاری کنیم، باید بدون منت باشد. این یک نکته است.

۳. در خدمتگزاری نباید هیچ‌گونه تمایزی قائل شد؛ خدمت باید عمومی و همه باشد؛ باید نگاه نسبت به همه یکسان باشد

یک نکته دیگر این است که در خدمتگزاری باید هیچ‌گونه تمایزی قائل نشد. مسئولیت در هر بخشی از بخش‌ها عبارت است از خدمت به آحاد مردم. این دوست ماست، این بیگانه از ماست، این دشمن ماست، این گرایش سیاسی‌اش این است، گرایش دینی‌اش این است؛ اینها هیچ تأثیری ندارد. خدمت باید عمومی باشد، برای همه باشد؛ آن وقت این تأثیر می‌گذارد در عمل کسانی که در مجموعه‌های بزرگ مشغول خدمتگزاری هستند؛ مثل یک استان، یا مثل یک شهرستان. بخش‌های مختلف شهرستان‌ها، جورواجور انسان‌هایی را در خود جای داده‌اند؛ لذا نگاه نسبت به همه باید یکسان باشد. خدمت مال همه است، متعلق به همه است، ما هم باید امانتداری کنیم؛ آنچه را که در اختیار ماست، در اختیار همه قرار بدهیم.

۳. در خدمت‌رسانی باید همت بلند داشت؛ همت مضاعف، کار کمی و کیفی مضاعف هم می‌طلبد

یک نکته دیگر، مسئله همت بلند در خدمت‌رسانی است. این استان، همان‌طور که دوستان گفتند - بنده هم در گزارش‌ها همین را یافته‌ام - از لحاظ پیشرفت مادی، جزو استان‌های ردیف‌های پائین است. یک مقدار به خاطر این است که استان، جدیدالولاده است؛ شاید عوامل دیگری هم وجود داشته است. باید مسئولین این استان همت را بر این بگمارند که رتبه استان را از لحاظ پیشرفت و دست یافتن به شاخص‌های مهم حیاتی، در طول مدت معینی بالا ببرند؛ مثلاً به ده استان اول کشور برسانند. وقتی همت ما این بود - که این، همت مضاعف است - طبعاً کار مضاعف هم می‌طلبد. کار مضاعف فقط به معنای حجم کار نیست؛ بلکه به معنای کیفیت کار است، بیشتر از آنچه که مربوط به کمیت و حجم باشد؛ یعنی کار دقیق، کار کارشناسی شده، کار همراه با مشورت، کار مستمر و پیگیر، کار تدوین شده و برنامه‌ریزی شده؛ که اگر مسئولین جابه‌جا هم شدند، کار متوقف نشود.

ب) ظرفیت‌ها و اولویت‌های پیشرفت استان خراسان شمالی

۱. ظرفیت‌های خوبی مانند ظرفیت نیروی انسانی در خراسان شمالی وجود دارد که می‌تواند آن را به سطح ده استان اول برساند این خبر خوبی بود که گفتند سند توسعه استان را تدوین کرده‌ایم؛ این بسیار خوب است. وقتی سند تدوین شد، دیگر جابه‌جائی مسئولان و مدیران، تأثیر زیادی نخواهد گذاشت؛ کار ادامه پیدا می‌کند. مهم این است که نقشه راه معلوم باشد. خوب، اینکه ما گفتیم این استان به سطح ده استان اول کشور برسد، آیا عملی است؟ آنچه که انسان از ظرفیت‌های این

استان می‌یابد، بله، کاملاً عملی است. ظرفیت‌های بسیار خوبی در این استان وجود دارد؛ یکی از ظرفیت‌های مهم، ظرفیت نیروی انسانی است؛ که من، هم در دیدار جوانان، دانشگاهیان، دانش‌آموزان، معلمان و اساتید - در دیدارهای گوناگون - در گزارش‌هایی که این دوستان ارائه می‌کردند، این را بالحس و بالعیان دریافتم، و هم در مجموع گزارش‌های ما بود. نیروی انسانی قابل، بحمدالله در این استان وجود دارد؛ این ظرفیت اصلی است؛ علاوه بر ظرفیت‌های طبیعی و مسائل مربوط به زمین و اقلیم و موقعیت جغرافیائی و سایر مسائلی که در پیشرفت استان تأثیر دارد. بنابراین، ظرفیت وجود دارد؛ می‌شود این استان را واقعاً پیش برد، بالا برد، زندگی مردم را آباد کرد. این مردم هم حقیقتاً مردم شایسته خدمتگزاری هستند؛ با این ایمان، با این صداقت، با این حضور برجسته در عرصه‌های مختلف و با حضور در منطقه مرزی، منطقه حساس جغرافیائی.

حقیقتاً شایسته است که به مردم عزیز این منطقه، خدمات برجسته‌ای ارائه شود و استان پیشرفت کند. دوستانی که اینجا صحبت کردند، روی دو سه مطلب تکیه کردند؛ من هم همین‌ها را در نظر داشتم و یادداشت کردم، که حالا روی آنها تکیه می‌کنم. این شرحی که آقای استاندار محترم بیان کردند، شرح کاملی بود؛ مجموعه کاملی از فعالیت‌هاست. واقعاً اگر در یک مقطع زمانی معین و مشخص، این حجم عظیم کار تحقق پیدا کند، حقیقتاً چهره استان و عمق استان تغییر پیدا خواهد کرد - در این شکی نیست - مهم این است که دنبال‌گیری شود تا به تحقق برسد.

یک نکته مهم دیگر این است که این فعالیت‌ها اولویت‌بندی شود. ما ظرفیت‌های کشور، امکانات اعتباری و بودجه‌ای، توانائی‌هایی که دولت می‌تواند در اختیار بخش‌های گوناگون بگذارد، اینها را ملاحظه کنیم. مسئله زودبازده بودن طرح‌های گوناگون را هم ملاحظه کنیم. بعضی طرح‌ها مفید و لازمی است، اما در دسترس نیست؛ بعضی‌ها در دسترس است، نزدیک است. اینها همه تعیین‌کننده اولویت است.

۲. یکی از اولویت‌های کاری استان، مسئله کشاورزی است

اولویت‌ها را رعایت کنیم، بر اساس اولویت‌ها کار پیش برود. به نظر بنده یکی از اولویت‌ها مسئله کشاورزی است که در اظهارات دوستان هم مکرر همین معنا تکرار شد. در اینجا، هم استعداد کشاورزی وجود دارد، هم ذهن‌ها و مغزهای مناسبی برای پیشبرد کشاورزی وجود دارد - که اشاره شد به تحقیقات کشاورزی؛ در یکی از جلسات دیگر هم راجع به یک حرکت جدیدی در مورد آبیاری که در کار کشاورزی مفید است، مطالبی گفته شد - پس آمادگی‌های فراوانی وجود دارد؛ زمین هست، آب هست، امکانات انسانی هست، آب و هوای مناسب هست؛ و عمده درآمد این مردم در طول سال، از کشاورزی و دامداری بوده است. البته خشکسالی‌های پی‌درپی، متوالی و مستمر ضربه زده؛ در این شکی نیست. آن‌طوری هم که بعضی به من گزارش کردند، یکی از چیزهایی که به کشاورزی استان و پیشرفت کشاورزی ضربه زده و مشکل به وجود آورده، کوچک شدن منابع درآمدی زمینی است؛ یعنی زمین‌ها تقسیم شده؛ زمین‌های کوچک، کوچک، کوچک. یکی از طرح‌های مهمی که از دولت‌های قبل مورد نظر بود و بنده رویش تأکید می‌کردم، این است که بتوانند این منابع زمینی کشاورزی را یکپارچه‌سازی کنند، تا این کمک کند به اینکه کشاورزی بشود صنعتی؛ کشاورزی مدرن، کشاورزی با آلات پیشرفته؛ این یکی از چیزهای مهم است. این ضربه‌ها به کشاورزی وارد شده. عوامل گوناگون دیگری هم بوده است.

۱،۲. اگر کشاورزی احیا شود، هم اشتغال حل می‌شود و هم عوارض گوناگون بیکاری از بین رفته یا ریشه‌های آن تضعیف



کشاورزی را باید در درجه اول اهمیت قرار داد؛ نه به معنای اینکه از صنعت استان فراموش کنیم؛ نه، استان صنایعی هم دارد که اینها با رسیدگی و توجه و اهتمام می‌تواند اشتغال ایجاد کند، می‌تواند سوددهی فراوانی برای استان به وجود بیاورد؛ لیکن در مرتبه اول، مسئله کشاورزی است؛ که اگر توانستیم کشاورزی را با شرائطی که دارد، احیا کنیم، هم مسئله اشتغال حل می‌شود، هم عوارض گوناگون بیکاری - این حاشیه‌نشینی، اعتیاد و امثال اینها - از بین خواهد رفت یا ریشه‌های آن تضعیف خواهد شد.

۲.۲. صنعتی کردن کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی و ساختارسازی برای توزیع و بازرگانی، سه محور اصلی اقتصاد استان است

برای مسئله اقتصاد، سه محور اصلی وجود دارد: یکی صنعتی کردن کشاورزی است؛ کشاورزی و باغداری را صنعتی کنیم، مدرن کنیم. یکی مسئله صنایع تبدیلی و تکمیلی و سردخانه و این چیزهاست. باغدار اینجا اگر در کنار دست خودش صنایع تبدیلی مورد دسترس داشته باشد، وضعیتش به کلی تفاوت پیدا می‌کند؛ سردخانه باشد، همین‌جور. البته ان‌شاءالله فردا مسئولین دولتی با ما جلسه خواهند داشت، حتماً خود آنها هم اینها را متوجه‌اند - غالباً در این جلساتی که هست، می‌بینیم پیشنهادهای و اظهارنظرها از سوی مسئولین دولتی انجام می‌گیرد - ما هم ان‌شاءالله تأکید خواهیم کرد؛ این مسائل را آنجا باید مطرح کرد. من عرض می‌کنم، برای اینکه روشن شود افق پیشرفت استان، افق روشنی است. پس یکی این مسئله صنایع تبدیلی است، یکی هم ساختارسازی برای توزیع و بازرگانی است - که در اظهارات یکی از آقایان هم بود - کیفیت بازرگانی محصولات و دادوستد اینها، تجارت داخلی‌شان، بعد مسئله صادرات و تجارت خارجیشان، اینها یک نظم عاقلانه و مدبرانه‌ای پیدا کند؛ این به پیشرفت استان کمک خواهد کرد. بنابراین یکی از اولویتهای استان، مسئله کشاورزی است، با این ابعاد و حواشی گوناگون.

۳. رونق دادن به گردشگری در این استان، جزو اولویتهاست

یک مسئله دیگر که در گزارش‌هایی که قبل از سفر به دستم رسید و با دقت مطالعه کردم و توجه بنده را جلب کرد، بعد هم دیدم در اظهارات مسئولین و دوستان و نخبگان استان هم تکرار می‌شود، مسئله گردشگری در این استان است. جاذبه‌های گردشگری در این استان زیاد است؛ هم جاذبه‌های طبیعی، هم جاذبه‌های تاریخی؛ هم منطقه زیبا و طبیعت زیبای اینجا، هم چیزهای تاریخی‌ای که وجود دارد. آنطور که به من گزارش کردند - من که حالا معمولاً توفیق دیدن این چیزها را ندارم - قلعه‌ای که نزدیک اسفراین است، شبیه بنای معروف ارگ بیم است که از خارج برای بازدید آن می‌آمدند. چرا اینجا کسی نمی‌آید؟ چرا معرفی نشده؟ چرا نمی‌شناسند؟ در حالی که اینجا در دسترس‌تر است. اینجا شما از این مسیر، در هر سال میلیون‌ها عبورکننده دارید - حالا آمارها مختلف است؛ بعضی می‌گویند بیست میلیون، بعضی می‌گویند پانزده میلیون - که زائرین مشهد از اینجا عبور می‌کنند. خوب، اگر چنانچه وسائلی فراهم شود، نه همه اینها، بلکه بخشی از اینها، یک روز در این استان توقف کنند، ببینید چه تأثیر عظیمی بر وضعیت استان خواهد گذاشت. این‌جور نیست که شما بخواهید مسافر و گردشگر را از مرکز شهر یا از گوشه و کنار کشور بکشانید به یک نقطه دوردست. اینجا دوردست نیست؛ اینجا در معرض عبور و مرور کاروان‌های زیارتی است؛ مردم دارند می‌روند، می‌آیند. یک روز، یک شبانه‌روز، نه همه این مسافرتین، بعضی از اینها، در این شهر بمانند و بروند از مراکز طبیعی اینجا، از همین مراکز تاریخی اینجا بازدید کنند. شما ببینید چه تحولی در کسب و کار و زندگی اینجا به وجود خواهد آمد. بنابراین،

این هم یک اولویت است.

۴. مسئله تحقیقات هم، یقیناً جزو اولویتهاست

مسئله تحقیقات هم که اینجا اشاره کردند، درست است؛ حقیقتاً یک اولویت است. بازده کار تحقیقاتی و پژوهشی به چشم نمی‌آید، اما بازده آن حقیقتاً از قبیل همان چیزی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مئة حبة»؛ (۱) یک دانه‌ای است که وقتی شما کاشتید، هفتصد برابر به شما عوض خواهد داد. کار تحقیقات، این‌جور است. وقتی شما بذر سالم را، یا شیوه خوب کشاورزی را تحقیق می‌کنید، یا در زمینه یک ماده مؤثر در امر صنعت یا کشاورزی یا خدمات و غیره تحقیق می‌کنید، این موجب می‌شود که ناگهان یک سود بزرگ و همگانی برای کشور، بعد از مدتی صبر و تحمل، به دست آید. این هم یقیناً جزو اولویتهاست. بنابراین کار زیاد است، زمینه کار زیاد است، این مردم هم خوبند.

ج) ظرفیت‌ها، توفیقات و راهبردهای نظام اسلامی در مقابله با دشمنان

۱. نباید هیچ سخنی که نشان دهنده یأس، خستگی و اختلاف باشد بر زبان برانیم؛ زیرا دشمنان سوگندخورده ما روحیه می‌گیرند امروز کشور نیاز به کار و تلاش دارد؛ عزیزان من! مسئولان بخش‌های مختلف! برگزیدگان قشرها! این را باید به مجموعه آحادی که از شما حرف‌شنوی دارند، یا تحت مدیریت شما دارند تلاش می‌کنند، هم به زبان، هم به عمل، منتقل کنید: کشور احتیاج به کار دارد. باید کار کنیم، باید سخت کار کنیم؛ کار برنامه‌ریزی شده، کار منظم و مرتب، کار خوب. هر وقتی که ما یک احساس ضعفی بکنیم، دشمنان سوگندخورده ما روحیه می‌گیرند؛ همچنان که هر وقت ما یک حرکت مؤثری را در سطح کشور مشاهده می‌کنیم برای حرکت دادن مردم و تشجیع مردم و بصیرت‌افزایی مردم، فوراً می‌بینیم یک تلاشی از سوی دشمن برای خنثی کردن این به وجود می‌آید. کسانی که مسائل بین‌المللی را، مسائل سیاسی را، مسائل خبری را، برخوردهای گوناگون بین‌المللی را رصد می‌کنند، این را به‌خوبی دریافت می‌کنند. هر وقت در کشور کار مهمی انجام می‌گیرد - مثلاً فرض کنید یک راهپیمائی بزرگ، یک انتخابات بزرگ، یک موفقیت بزرگ علمی و صنعتی، یک اقدام مهم و مؤثر در دولت - فوراً آنها سعی می‌کنند این کار را تحت‌الشعاع قرار دهند؛ یک جوری مسئله‌سازی کنند. همچنین اگر یک وقتی ما اظهار ضعف کنیم، اظهار خستگی کنیم، ملاحظه می‌کنید فوراً عکس‌العملش در دنیا این است: مخالفین نظام اسلامی و مخالفین اسلام روحیه می‌گیرند، احساس شغف می‌کنند؛ کأنه تازه‌نفس می‌خواهند حمله کنند. باید به اینها توجه داشت. این به ما می‌آموزد که اولاً کار و تلاش را هرگز از دست ندهیم؛ ثانیاً سعی کنیم روحیه کار، روحیه تلاش، روحیه امید را در همه کسانی که از ما می‌شنوند، در حوزه کار ما هستند، تقویت کنیم، تزریق کنیم؛ این وظیفه است. هر سخنی که نشان دهنده یأس و خستگی و افسردگی و ملالت و اختلاف باشد، بلاشک به ضرر مصالح کشور است، به ضرر پیشرفت کشور است، به ضرر عزت ملی است.

۲. در مقابله با دشمنان، دست ما پر است و توانائی‌های ما بالاست؛ پیشرفت کشور در این سی و سه سال، شاهد بر این واقعیت است

در مقابله با دشمنان، دست ما پر است. توانائی‌های ما بالاست؛ نه به عنوان یک ادعا - نمی‌خواهیم رجز بخوانیم - بلکه اینها واقعیت



دارد. مهم‌ترین شاهد واقعیت این است که سی و سه سال است که مرتب دارند تیشه می‌زنند، سنگ می‌زنند، ضربه می‌زنند؛ اگر ما ضعیف بودیم، خب این درخت باید تا حالا خشک شده بود، باید تا حالا ساقط شده بود؛ چرا ده برابر رشد کرده است؟ چرا «تَوْتِي اكلها كل حين باذن ربها» (۲) شده است؟ امروز کشور در مقایسه با ده سال پیش، با بیست سال پیش، از لحاظ جایگاه علمی، جایگاه صنعتی، جایگاه اجتماعی، روحیه مردم، بسیار پیشرفته‌تر است؛ استحکام نظام، بسیار بیشتر است. خب، این دلیل چیست؟ این دلیل این است که یک نیروی درونی سازنده حقیقی در این کشور وجود دارد که این بر همه ترفندها و توطئه‌ها و مشکل‌تراشی‌های دشمن غلبه پیدا می‌کند؛ این امر واضحی است. پس دست ما پر است، پس ما توانائی داریم. ما می‌توانیم به دست خودمان، این توانائی را از بین ببریم. اگر روحیه‌ها را تضعیف کنیم، اگر امیدها را کم کنیم، اگر فرصت‌ها را ضایع کنیم، اگر افق را به نظر جوانان خودمان - که امیدهای ما هستند - تیره و تار جلوه دهیم، ما به دست خودمان، خودمان را تضعیف کرده‌ایم. نباید این کار را بکنیم؛ این دست ماست. همه مسئولند؛ منتها مدیران، مسئولان بخش‌های گوناگون دولتی، مسئولیت بیشتری دارند.

۳. خوشبختانه کشور در ادبیات برخورد با دنیای زورگوی مستکبر و غربی هم پیشرفت‌های خوبی داشته است

خوشبختانه کشور در ادبیات برخورد با دنیای زورگوی مستکبر و غربی هم پیشرفت‌های خوبی داشته است. امروز مسئولین کشور ما در پشت میز مذاکرات گوناگون، در تریبون‌های گوناگون، وقتی حرف می‌زنند، حرف‌های پخته، جامع، جالب و درست زده می‌شود. یکی از بخش‌های درگیری و میدان‌ها و عرصه‌های پیکار، عرصه حرف‌زدن‌های بین‌المللی است. اغلب رسانه‌های اروپائی، رسانه‌های صهیونیستی است؛ این را شاید بدانید، و بدانید. اغلب این رسانه‌هایی که اسمشان را در دنیا می‌شنویم، سرمایه‌داران صهیونیست از سال‌ها پیش به فکر بودند، این رسانه‌ها را در اختیار گرفتند؛ خبرسازی می‌کنند، جهت‌سازی می‌کنند. خود همین رسانه‌ها به سیاستمدارها هم تلقین می‌کنند که چه بگویند. مسئله مهم این است.

۴. این خدعه تبلیغاتی است که می‌گویند ایران نمی‌خواهد به مذاکره برگردد؛ می‌خواهند در مقابل زورگوئی‌های غربی تسلیم شویم

حالا سیاستمداران غربی هرچه خودشان خیانت و ملعنت دارند، به جای خود؛ این خبرسازی‌ها را هم به آنها تلقین می‌کنند. یکی از حرف‌های رائج این است: ما بر ایران فشار وارد می‌آوریم تا ایران به پای میز مذاکره برگردد. کدام میز مذاکره؟ کی ایران مذاکرات در مورد مسائل گوناگون جهانی را، از جمله مسئله هسته‌ای را ترک کرده بوده که حالا برگردد؟! این یک تقلب و خدعه تبلیغاتی است. ما تلاش می‌کنیم که ایران به میز مذاکره برگردد! این، خدعه و تقلب تبلیغاتی است. همین را در دنیا می‌تکرار می‌کنند، هی می‌گویند، هی می‌گویند. این تعبیرات اینقدر تکرار می‌شود که به نظر خود سیاستمداران غربی هم باورشان می‌آید که واقعیت این است؛ در حالی که آن کسی که این شکل را، این جمله‌بندی را، این فرمول مطلب را اختراع می‌کند، مقصود دیگری دارد. او از ایران نمی‌خواهد که به میز مذاکره برگردد؛ او می‌خواهد ایران هنگام مذاکره، در مقابل زورگوئی‌های غربی تسلیم شود. خب، جواب از طرف ایران این است که نخیر؛ شماها کوچک‌تر از آن هستید که بتوانید یک ملت انقلابی مبارز بصیر آگاه را در مقابل خواسته‌ها و مطامع خودتان به زانو دریاورید. مشکل زورگوهای سیاسی غرب این نیست که ایران بر سر قضیه هسته‌ای یا قضایای دیگر مذاکره نمی‌کند؛ نه، مشکل آنها این است که ایران زیر بار حرف آنها نمی‌رود و البته این مشکل باقی خواهد ماند؛ معلوم است.

بامزه اینجاست که اروپائی‌ها امروز با لحن قرن نوزدهم حرف می‌زنند! آن روزی که کشتی انگلیسی می‌آمد در خلیج فارس، از داخل کشتی، فرمانده انگلیسی به شیوخ خلیج فارس پیغام می‌داد که فلان کار را بکنید، فلان کار را نکنید؛ آنها هم مثل نوکر خم می‌شدند، می‌گفتند چشم! اروپائی‌ها خیال می‌کنند امروز هم قرن نوزدهم است. حکومت‌هایی هم که در کشور ما سر کار بودند، حکومت‌های باعرضه و باغیرتی نبودند که بتوانند هویت و اصالت ملت ایران را در برخوردشان منعکس کنند؛ تأثیرپذیری داشتند، سایش داشتند. آنها می‌توانستند در سیاست اینها، در فرهنگ اینها اثرگذاری کنند؛ اینها را در باطن، مغلوب خودشان کنند. ببینید، یک شخصیت، یک نفر انسان و یک ملت - فرقی نمی‌کند - آن وقتی در عرصه ظاهر مغلوب می‌شود که در باطن نفس خودش مغلوب شده باشد. آنها چون مهاجم بودند، این طرف هم دنیاپرست بود، ماده‌پرست بود، دنبال سلطنت خودش بود، دنبال ریاست خودش بود، دنبال پول خودش بود، دنبال ملک و تجارت خودش بود - دنبال آرمان‌های بلند نبود؛ دنبال همین خواسته‌های حقیر بشری بود - لذا او بر این غلبه می‌کرد. امروز هم خیال می‌کنند آن جوری است.

۵. امروز مسئله و مشکل دشمنان، سخن نوئی است که جمهوری اسلامی در دنیا مطرح کرده و مستکبرین عالم را دستپاچه کرده است

امروز مسئله، مسئله سخن نوئی است که جمهوری اسلامی در دنیا مطرح کرده و مستکبرین عالم را دستپاچه کرده. امروز مستکبرین عالم در موضع کسانی نیستند که بخواهند با زبان مهاجم با انقلاب اسلامی حرف بزنند. امروز انقلاب اسلامی توانسته است فکر خود را در دنیا منتشر کند. علی‌رغم همه سانسورهای که آنها کردند، علی‌رغم فشارهایی که وارد کردند، امروز این فکر، فکری است که رائج شده. فکر مردم‌سالاری دینی، فکر حاکمیت معنویت و حاکمیت دین، فکر حضور مردم در عرصه‌ها، فکر مقابله در مقابل زورگوئی‌های قدرت‌های جهانی و بلوک‌های قدرتمند جهانی؛ این فکرها امروز رائج شده. شما می‌بینید که در دنیا این فکرها رائج شده؛ حالا به اسم ایران نیست، نباشد؛ ما اصرار نداریم که حتماً به اسم ایران باشد؛ اما هیچ کس هم در دنیا نیست که تأثیر انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت ایران را در این حوادث انکار کند. امروز مسئله این است. بنابراین، کار در مسیر صحیحی است. ما احتیاج داریم به اینکه تلاش کنیم، فعالیت کنیم، درست فکر کنیم، درست عمل کنیم، با هم متحد باشیم، فضا را فضای تلاش و کار و اخلاص و معنویت و دوری از تظاهر و اینها قرار دهیم؛ امروز یک چنین میدانی است. شما عزیزانی که در بخش‌های مختلف مسئولیت دارید - از سطوح بالای استان تا سطوح متوسط و سطوح گوناگون - هر کدام می‌توانید نقش ایفا کنید. عرض کردیم؛ چه مسئولیت‌های رسمی و مقدر و مقرر در قانون باشد و چه مسئولیت‌های اجتماعی؛ مثل روحانیون، مثل روشنفکران، مثل اساتید، مثل دانشمندان، مثل فعالان گوناگون اجتماعی؛ که اینها تأثیرگذارند، اینها مسئولیت دارند؛ ولو اینکه مسئولیت آنها یک اسم دولتی ندارد. همه ما مسئول هستیم. امیدواریم خدای متعال کمک کند که ان‌شاءالله بتوانیم به وظائفمان عمل کنیم.

مؤخره

من همه شما برادران و خواهران عزیز را به خدا می‌سپارم. ان‌شاءالله توفیقات حق شامل حال همه شما باشد.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



مطالبات

| ردیف | عنوان مطالبه | مخاطب | متن اصلی |
|------|---|----------------------|---|
| ۱ | در فعالیت‌ها و کارها اولویت‌بندی رعایت شود | مسئولان | فعالیت‌ها اولویت‌بندی شود. ما ظرفیت‌های کشور، امکانات اعتباری و بودجه‌ای، توانائی‌هایی که دولت می‌تواند در اختیار بخش‌های گوناگون بگذارد، اینها را ملاحظه کنیم. مسئله زودبازده بودن طرح‌های گوناگون را هم ملاحظه کنیم. بعضی طرح‌ها طرح‌های مفید و لازمی است، اما در دسترس نیست؛ بعضی‌ها در دسترس است، نزدیک است. اینها همه تعیین‌کننده اولویت است. اولویت‌ها را رعایت کنیم، بر اساس اولویت‌ها کار پیش برود. |
| ۲ | در استان خراسان شمالی، کشاورزی را در درجه اول اهمیت قرار دهید | مسئولان خراسان شمالی | کشاورزی را باید در درجه اول اهمیت قرار داد؛ نه به معنای اینکه از صنعت استان فراموش کنیم؛ نه، استان صنایعی هم دارد که اینها با رسیدگی و توجه و اهتمام می‌تواند اشتغال ایجاد کند، می‌تواند سوددهی فراوانی برای استان به وجود بیاورد؛ لیکن در مرتبه اول، مسئله کشاورزی است |

| | | | |
|---|---|----------------------|--|
| ۳ | لازم است صنعتی کردن کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی و ساختارسازی برای توزیع و بازرگانی، در خراسان شمالی محورهای اصلی اقتصاد قرار گیرند | مسئولان | برای مسئله اقتصاد، سه محور اصلی وجود دارد: یکی صنعتی کردن کشاورزی است؛ کشاورزی و باغداری را صنعتی کنیم، مدرن کنیم. یکی مسئله صنایع تبدیلی و تکمیلی و سردخانه و این چیزهاست. باغدار اینجا اگر در کنار دست خودش صنایع تبدیلی مورد دسترس داشته باشد، وضعیتش به کلی تفاوت پیدا می‌کند؛ سردخانه باشد، همین جور. البته ان‌شاءالله فردا مسئولین دولتی با ما جلسه خواهند داشت، حتماً خود آنها هم اینها را متوجه‌اند - غالباً در این جلساتی که هست، می‌بینیم پیشنهادهای و اظهارنظرها از سوی مسئولین دولتی انجام می‌گیرد - ما هم ان‌شاءالله تأکید خواهیم کرد؛ این مسائل را آنجا باید مطرح کرد. من عرض می‌کنم، برای اینکه روشن شود افق پیشرفت استان، افق روشنی است. پس یکی این مسئله صنایع تبدیلی است، یکی هم ساختارسازی برای توزیع و بازرگانی است - که در اظهارات یکی از آقایان هم بود - کیفیت بازرگانی محصولات و دادوستد اینها، تجارت داخلی‌شان، بعد مسئله صادرات و تجارت خارجی‌شان، اینها یک نظم عاقلانه و مدبرانه‌ای پیدا کند؛ این به پیشرفت استان کمک خواهد کرد. |
| ۴ | رونق دادن به گردشگری در استان خراسان شمالی، جزو اولویت‌هاست | مسئولان خراسان شمالی | یک مسئله دیگر که در گزارش‌هایی که قبل از سفر به دستم رسید و با دقت مطالعه کردم و توجه بنده را جلب کرد، بعد هم دیدم در اظهارات مسئولین و دوستان و نخبگان استان هم تکرار می‌شود، مسئله گردشگری در این استان است. جاذبه‌های گردشگری در این استان زیاد است؛ هم جاذبه‌های طبیعی، هم جاذبه‌های تاریخی؛ هم منطقه زیبا و طبیعت زیبای اینجا، هم چیزهای تاریخی‌ای که وجود دارد... بنابراین، این هم یک اولویت است. |



| | | | |
|---|---|--|--|
| ۵ | اولویت دادن به تحقیقات در زمینه‌های اقتصادی | مسئولان | مسئله تحقیقات هم که اینجا اشاره کردند، درست است؛ حقیقتاً یک اولویت است. بازده کار تحقیقاتی و پژوهشی به چشم نمی‌آید، اما بازده آن حقیقتاً از قبیل همان چیزی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مئه حبه»؛ یک دانه‌ای است که وقتی شما کاشتید، هفتصد برابر به شما عوض خواهد داد. کار تحقیقات، اینجور است. وقتی شما بذر سالم را، یا شیوه خوب کشاورزی را تحقیق می‌کنید، یا در زمینه یک ماده مؤثر در امر صنعت یا کشاورزی یا خدمات و غیره تحقیق می‌کنید، این موجب می‌شود که ناگهان یک سود بزرگ و همگانی برای کشور، بعد از مدتی صبر و تحمل، به دست آید. این هم یقیناً جزو اولویت‌هاست. |
| ۶ | کار و تلاش را هرگز از دست ندهیم و سعی کنیم روحیه کار و امید را در نیروهای تحت مدیریت خود تقویت و تزریق کنیم | مسئولان | امروز کشور نیاز به کار و تلاش دارد؛ عزیزان من! مسئولان بخش‌های مختلف! برگزیدگان قشرها! این را باید به مجموعه آحادی که از شما حرف‌شنوی دارند، یا تحت مدیریت شما دارند تلاش می‌کنند، هم به زبان، هم به عمل، منتقل کنید: کشور احتیاج به کار دارد. باید کار کنیم، باید سخت کار کنیم؛ کار برنامه‌ریزی شده، کار منظم و مرتب، کار خوب... اولاً کار و تلاش را هرگز از دست ندهیم؛ ثانیاً سعی کنیم روحیه کار، روحیه تلاش، روحیه امید را در همه کسانی که از ما می‌شنوند، در حوزه کار ما هستند، تقویت کنیم، تزریق کنیم؛ این وظیفه است. هر سخنی که نشان‌دهنده یأس و خستگی و افسردگی و ملالت و اختلاف باشد، بلاشک به ضرر مصالح کشور است، به ضرر پیشرفت کشور است، به ضرر عزت ملی است. |
| ۷ | روحیه‌ها را تضعیف نکنید و افق را به نظر جوانان تیره و تار جلوه ندهید | مدیران و مسئولان بخش‌های گوناگون دولتی | اگر روحیه‌ها را تضعیف کنیم، اگر امیدها را کم کنیم، اگر فرصت‌ها را ضایع کنیم، اگر افق را به نظر جوانان خودمان - که امیدهای ما هستند - تیره و تار جلوه دهیم، ما به دست خودمان، خودمان را تضعیف کرده‌ایم. نباید این کار را بکنیم؛ این دست ماست. همه مسئولند؛ منتها مدیران، مسئولان بخش‌های گوناگون دولتی، مسئولیت بیشتری دارند. |



| | | | |
|---|---|---|---|
| ۸ | فضا را فضای تلاش و کار و اخلاص و معنویت و دوری از تظاهر قرار دهید | مسئولان دولتی و غیر دولتی و فعالان گوناگون فرهنگی و اجتماعی | ما احتیاج داریم به اینکه تلاش کنیم، فعالیت کنیم، درست فکر کنیم، درست عمل کنیم، با هم متحد باشیم، فضا را فضای تلاش و کار و اخلاص و معنویت و دوری از تظاهر و اینها قرار دهیم؛ امروز یک چنین میدانی است. شما عزیزانی که در بخش‌های مختلف مسئولیت دارید - از سطوح بالای استان تا سطوح متوسط و سطوح گوناگون - هر کدام می‌توانید نقش ایفا کنید. عرض کردیم؛ چه مسئولیت‌های رسمی و مقدر و مقرر در قانون باشد و چه مسئولیت‌های اجتماعی؛ مثل روحانیون، مثل روشنفکران، مثل اساتید، مثل دانشمندان، مثل فعالان گوناگون اجتماعی؛ که اینها تأثیرگذارند، اینها مسئولیت دارند؛ ولو اینکه مسئولیت آنها یک اسم دولتی ندارد. همه ما مسئول هستیم. امیدواریم خدای متعال کمک کند که ان‌شاءالله بتوانیم به وظائفمان عمل کنیم. |
|---|---|---|---|





بیتاب ز قلمه

یا خامنه ای

یا خامنه ای

ما را